





فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد

شماره اول، سال دوم، بهار ۱۴۰۵
صاحب امتیاز: دانشگاه قم - دانشکده علوم اقتصادی و اداری
مدیر مسئول: سید هادی عربی
سر دبیر: سعید فراهانی فرد

نشریه مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد با صاحب امتیازی دانشگاه قم بر اساس آیین‌نامه نشریات علمی مصوب
۱۳۹۸/۰۲/۰۹ در ارزیابی سال ۱۴۰۴ موفق به کسب رتبه ب شده است.

هیأت تحریریه

- سعید فراهانی فرد (استاد دانشگاه قم)
- احمدعلی یوسفی (استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)
- روح‌اله شهناری (استاد دانشگاه شیراز)
- حسن فرازمنند (استاد دانشگاه اهواز)
- رضا رنج‌پور (استاد دانشگاه تبریز)
- محمدحسن ملکی (استاد دانشگاه قم)
- امیدعلی عادل (دانشیار دانشگاه قم)
- مهدی قائمی اصل (استاد دانشگاه تهران)
- محمد مهدی برقی اسکویی (استاد دانشگاه تبریز)
- مهدی نادری (دانشیار دانشگاه شیراز)

هیأت تحریریه بین‌الملل

- عباس میرآخور (رئیس سابق صندوق بین‌المللی پول (IMF)، رئیس مرکز بین‌المللی آموزش مالی اسلامی مالزی، استاد اقتصاد دانشگاه آلاباما، آمریکا، استاد اقتصاد موسسه تکنولوژی فلوریدا، آمریکا)
- علی عسکری (استاد برنامه ریزی شهری و مدیریت بحران دانشگاه یورک کانادا)
- مسعودالعالم چودوری (استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه تریساکتی، جاکارتا، اندونزی)
- نثار حسین همدانی (استاد، مؤسسه اقتصاد کشمیر، دانشگاه آزاد جامو و کشمیر، مظفرآباد، پاکستان)
- حسن تهرانیان (استاد، گروه مالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه بوستون، ماساچوست، آمریکا)

مدیر اجرایی: حسین بهرامی

ویراستار علمی و ادبی: ساناز رحیمی

صفحه‌آرایی: حامد دهقانی

- مسئولیت مطالب هر مقاله برعهده نویسنده آن است و لزوماً دیدگاه فصلنامه نیست.

- فصلنامه در تلخیص، ویرایش و اصلاح مقالات آزاد است.

- نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ مجاز است.

نشانی: قم، بلوار غدیر، دانشگاه قم

تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۰۳۳۶۱

دورنگار: ۰۲۵۱-۲۸۵۰۹۵۹

فهرست مقالات

سخن سردبیر	۴
سعید فراهانی فرد	
بررسی تأثیر نامتقارن نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم در ایران	۶
حسین اصغرپور، منا تقی‌زاده علمداری، محمدرضا سلمانی بی‌شک، سامان حاتم‌راد	
اثرگذاری محیط بر رفتار اقتصادی از منظر قرآن کریم	۲۸
علیرضا لشکری، مسعود داودی پور	
نقش نامتقارن تکانه‌های نرخ ارز و تورم بر شاخص کل بازار سهام در ایران: شواهدی از الگوی خودرگرسیون برداری آستانه‌ای	۴۷
مهدیه وایمندی، امید علی عادل، معصومه مطلبی	
آسیب‌شناسی قوانین شرکت‌های سهامی با تأکید بر آراء امام خمینی	۷۲
غلامعلی معصومی‌نیا، سید ولی‌الله حجازی	
شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در ایران	۹۰
مهدی فقیهی‌نژاد، محمدحسن ملکی	
بررسی تغییرات متغیرهای مرتبط با بخش مسکن با استفاده از روش تحلیل انتقال سهم: مطالعه موردی منطقه ۱۹ تهران	۱۰۹
محمد سعید ذبیحی‌دان، محمدحسین دیان‌تی، وحید کفیلی	

شماره جدید مجله مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد را در آغاز سال پیش رو تقدیم جامعه علمی کشور می‌کنیم؛ سالی که با شعار «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» آغاز شده و امید داریم برای پژوهشگران، اندیشمندان و دانشجویان، سالی همراه با رشد فکری، گسترش همکاری‌های میان‌رشته‌ای و گام‌هایی تازه در مسیر توسعه دانش باشد. انتشار این شماره برای ما معنایی فراتر از تداوم یک روال معمول دارد؛ چرا که مجله در ماه‌های اخیر موفق به کسب رتبه «ب» از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شده است. این موفقیت، نقطه عطفی در مسیر علمی ما به‌شمار می‌رود؛ دستاوردی که حاصل اعتماد پژوهشگران، همراهی داوران فرهیخته و تلاش بی‌وقفه اعضای هیئت تحریریه است. بی‌تردید پیشبرد فعالیت‌های علمی در جامعه‌ای که گاه با شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی روبه‌روست - و همچنان از پیامدهای جنگ تحمیلی و چالش‌های امنیتی گذشته و حال تأثیر می‌پذیرد - مرهون تلاش پژوهشگرانی است که در چنین زمان‌هایی مسئولیت دانشی خود را با جدیت بیشتری دنبال می‌کنند. جامعه علمی با تولید دانش معتبر، ارائه تحلیل‌های مبتنی بر شواهد و طرح راهکارهای عملی، نقشی اساسی در تقویت تاب‌آوری اقتصادی ایفا می‌کند؛ امری که در پرتو وحدت ملی و حفظ امنیت، معنا و نقش عمیق‌تری می‌یابد. در چنین شرایطی، بازشناسی جایگاه ایران در اقتصاد و تجارت بین‌الملل و توجه دوباره به سیاست‌ها، راهبردها و الگوهای سازگار با نظریه اقتصاد مقاومتی، ضرورتی انکارناپذیر است؛ ضرورتی که پژوهش علمی می‌تواند آن را روشن‌تر، دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر صورت‌بندی کند. سیاست‌گذاری‌های کارآمد، بهبود نهادی، افزایش بهره‌وری، مدیریت ریسک و ارتقای پایداری نظام اقتصادی، همگی نیازمند مشارکت فعال پژوهشگران و متخصصان است. از این منظر، تلاش‌های علمی در چنین مقطعی نه تنها تداوم جریان دانایی، بلکه گامی است در جهت تقویت ظرفیت‌های اقتصاد کشور در مواجهه با فشارها و پاسخی به نیازهای واقعی و روزآمد آن. اقتصاد امروز بیش از هر زمان دیگر در پیوند با رفتار انسان، ساختارهای اجتماعی، تحولات فرهنگی، مبانی فلسفی و سازوکارهای سیاست‌گذاری عمومی تعریف می‌شود. جهانی که هر روز پیچیده‌تر می‌گردد، نیازمند پژوهشگرانی است که مرزهای سنتی رشته‌ها را درنوردند و با تکیه بر روش‌ها و دیدگاه‌های متنوع، تصویری عمیق‌تر از پدیده‌های اقتصادی ارائه دهند.

مأموریت این مجله، فراهم‌کردن بستری علمی برای گفت‌وگو میان اقتصاد و حوزه‌هایی چون علوم رفتاری، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم داده، فلسفه‌ی علم، حقوق، مطالعات سیاستی و دیگر شاخه‌های میان‌رشته‌ای است؛ بستری که بتواند زمینه‌ساز طرح مباحثی شود که مستقیماً با نیازها، چالش‌ها و اولویت‌های اقتصاد امروز کشور پیوند دارند. در سال جدید، تعهد ما به بهبود تجربه نویسندگان و داوران بیش از پیش خواهد بود. کوشیده‌ایم فرآیند داوری با بهره‌گیری از داوران متخصص، سازوکارهای شفاف و زمان‌بندی دقیق در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با حفظ استانداردهای علمی انجام شود. باور داریم انتشار سریع و باکیفیت پژوهش‌ها می‌تواند مسیر توسعه‌ی علمی را هموارتر کرده، امکان تعامل گسترده‌تر میان پژوهشگران را فراهم سازد و از سوی دیگر، ظرفیت پاسخ‌گویی علم به مسائل واقعی جامعه را تقویت کند. همچنین بر آنیم در دوره پیش‌رو، ضمن ارتقای کیفیت علمی مقالات، بر تنوع موضوعی و روش‌شناختی بیفزاییم و مجله را به محلی برای طرح پرسش‌های جدید، ارائه رویکردهای نوآورانه و شکل‌گیری ادبیاتی تازه در حوزه اقتصاد میان‌رشته‌ای تبدیل کنیم؛ ادبیاتی که بتواند در چارچوب اقتصاد مقاومتی و با تکیه بر وحدت ملی و امنیت پایدار، به فهم و حل مسائل روز کشور یاری رساند و راه‌های نوین تعامل سازنده با اقتصاد جهانی را - با در نظر داشتن ظرفیت‌ها و محدودیت‌های خاص ایران - مورد واکاوی قرار دهد.

از همه پژوهشگران و صاحب‌نظران دعوت می‌کنیم مقالات اصیل، نظریه‌پردازانه، تجربی و کاربردی خود را که از چشم‌اندازی میان‌رشته‌ای به مسائل اقتصادی می‌پردازد - به‌ویژه آن دسته که به نیازهای واقعی و اولویت‌های امروز اقتصاد کشور توجه دارند - برای بررسی و انتشار به این مجله ارسال کنند. همراهی شما سرمایه اصلی ما برای پیشبرد مأموریت علمی مجله است و امید داریم با مشارکت گسترده‌تر جامعه پژوهشی، در سال جدید شاهد فصلی تازه از پویایی و بالندگی در حوزه‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای اقتصاد باشیم.

Editor's Note

We are pleased to present the new issue of the *Journal of Interdisciplinary Economic Studies* at the beginning of the new Iranian year—a year designated by the Supreme Leader as one of “Resilient Economy through National Unity and Security.” We hope this year will bring intellectual growth, broader interdisciplinary collaboration, and meaningful scientific progress for researchers, scholars, and academics.

The publication of this issue represents more than the continuation of our regular editorial activities. In recent months, the journal has been awarded a Grade B ranking by the Iranian Ministry of Science, Research and Technology—an achievement that marks an important milestone in our academic trajectory. This success reflects the trust of researchers, the valuable contributions of distinguished reviewers, and the sustained efforts of our editorial team.

Advancing scholarly work in a society that at times faces economic and social challenges—shaped by various external pressures and the lingering effects of past conflicts—is made possible by researchers who pursue their academic responsibilities with renewed commitment. By producing reliable knowledge, offering evidence-based analyses, and proposing practical solutions, the scientific community plays a vital role in strengthening economic resilience—an endeavor that gains deeper meaning in the context of national unity and sustained security.

In such circumstances, reassessing emerging economics including Iran's position in the international economic and trade system, as well as reviewing policies, strategies, and models aligned with the concept of a resilient economy, becomes essential. Effective policymaking, institutional improvement, productivity enhancement, risk management, and the pursuit of sustainability all require the active engagement of scholars and experts. From this perspective, academic efforts represent not only the continuation of knowledge production but also a contribution to strengthening the country's economic capacity in the face of ongoing pressures and evolving national needs. Today's economy is more intertwined than ever with human behavior, social structures, cultural dynamics, philosophical foundations, and public policy mechanisms. In an increasingly complex world, we rely on researchers who look beyond traditional disciplinary boundaries and, through diverse methods and perspectives, offer deeper insights into economic phenomena.

The mission of this journal is to provide a rigorous platform for dialogue between economics and related fields such as behavioral sciences, sociology, psychology, data science, philosophy of science, law, and policy studies—domains in which interdisciplinary approaches have flourished. We aim to foster discussions that directly address the needs, challenges, and priorities of the contemporary economy.

In the coming year, we remain committed to enhancing the experience of both authors and reviewers. We will continue to refine the peer-review process with the support of qualified reviewers, transparent evaluation procedures, and clear timelines—ensuring efficiency alongside scholarly rigor. We believe that timely and high-quality publication facilitates scientific advancement, enriches scholarly interaction, and strengthens academia's ability to respond to real societal challenges.

Looking ahead, we seek not only to elevate the scientific quality of our articles but also to broaden the thematic and methodological diversity of the journal. Our objective is to cultivate a venue for raising new questions, presenting innovative approaches, and shaping an emerging body of literature in interdisciplinary economics—one that, within the general framework of a resilient economy supported by social stability, contributes to understanding and addressing current national issues while exploring avenues for constructive engagement with the global economy.



Investigating the Asymmetric Effects of Economic Policy Uncertainty on Inflation in Iran

Hossein Asgharpour¹ , Mona Taghizadeh Alamdari² , Mohammad Reza Salmani Bishak³ , and Saman Hatamerad⁴ 

1. Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding author). Email: asgharpurh@gmail.com
2. PhD student in Economics, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: mtaghizadeh507@gmail.com
3. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: mrsalmani_2005@yahoo.com
4. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran. Email: samanhatamerad@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/12/31

Received in revised form:
2026/02/22

Accepted: 2026/03/18

Available online: 2026/03/31

Keywords:

Inflation, Asymmetric Effects,
Economic Policy Uncertainty,
NARDL, Iran.

In recent years, the Iranian economy has been in an uncertain environment, which has affected all macroeconomic variables, including inflation. The uncertainties in the Iranian economy have led to the formation of inflation by reducing transparency and creating instability. For this purpose, in order to achieve the goal of the present study, an attempt has been made to examine the asymmetric effects of economic policy uncertainty on inflation in Iran. For this purpose, using time series data of the Iranian economy during the period 1360-1401 and using the autoregressive model with nonlinear distribution lags (NARDL), the inflation model has been estimated. The results of the research model estimate confirm the existence of a asymmetric relationship between economic policy uncertainty and inflation in Iran. According to the findings, economic policy uncertainty has positive effects on inflation. Also, the effects of other explanatory variables such as exchange rate, liquidity growth rate, and oil price uncertainty on inflation are positive, positive, and negative, respectively.

Cite this article: Hossein, Asgharpour; Mona, Taghizadeh Alamdari; Salmani Bishak, Mohammad Reza; Hatamerad, Saman (2026). Investigating the Asymmetric Effects of Economic Policy Uncertainty on Inflation in Iran, *Interdisciplinary Studies in Economics*, 2(1), 6 - 27. <https://doi.org/10.22091/ise.2026.14738.1119>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.

DOI: <http://doi.org/10.22091/ise.2026.14738.1119>

JEL Classification: Q41,C32,E31

بررسی تأثیر نامتقارن نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم در ایران

حسین اصغریور^۱، منا تقی‌زاده علمداری^۲، محمدرضا سلمانی بی‌شک^۳، و سامان حاتم‌راد^۴

۱. استاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: asgharpurh@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: mtaghizadeh507@gmail.com

۳. دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران رایانامه: mrsalmani_2005@yahoo.com

۴. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران رایانامه: samanhatamerad@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

در سال‌های اخیر، قرارگرفتن اقتصاد ایران در فضای فزاینده نااطمینانی، تمامی متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تورم را به‌طور معناداری تحت‌تأثیر قرار داده است. نااطمینانی‌های اقتصادی ایران با کاهش شفافیت و ایجاد بی‌ثباتی، منجر به شکل‌گیری تورم شده است. بدین منظور، در راستای دستیابی به هدف مطالعه حاضر، تلاش شده است اثرات نامتقارن نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم در ایران بررسی گردد. در مطالعه حاضر، با بهره‌گیری از داده‌های سری زمانی اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۶۰-۱۴۰۱ و با استفاده از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی (NARDL)، مدل تورم برآورد شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق، وجود یک رابطه نامتقارن میان نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و تورم در ایران را تأیید می‌کند. طبق یافته‌ها، نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی اثرات مثبت بر تورم دارد. همچنین، اثر سایر متغیرهای توضیحی، از جمله نرخ ارز، نرخ رشد نقدینگی و نااطمینانی قیمت نفت بر تورم، به ترتیب مثبت، مثبت و منفی است.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۱

کلیدواژه‌ها:

تورم، اثرات نامتقارن، نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی، NARDL، ایران.

استناد: اصغریور، حسین؛ تقی‌زاده علمداری، منا؛ سلمانی بی‌شک، محمدرضا؛ حاتم‌راد، سامان (۱۴۰۵). بررسی تأثیر نامتقارن نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم

در ایران. *مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد*، ۲ (۱)، ۲۷-۶. <https://doi.org/10.22091/ise.2026.14738.1119>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه قم.

طبقه‌بندی JEL: E31، C32، Q41

مقدمه

در نظریه‌های اقتصادی، نااطمینانی ناشی از سیاست‌های اقتصادی نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران ایفا می‌کند و به‌طور کلی، بر نوسانات اقتصاد کلان تأثیرگذار است (برنانکی^۱، ۱۹۸۳: ۸۸؛ بلوم^۲، ۲۰۰۹؛ بیکر^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). شواهد تجربی نشان می‌دهد که سطح بالای عدم قطعیت تأثیر منفی بر اقتصاد واقعی دارد (استیاک^۴، ۲۰۲۲). همچنین، ادبیات موجود حاکی از آن است که بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ و رکود اقتصادی ناشی از آن، عمدتاً نتیجه شوک‌های مالی درونی و افزایش سطح عدم قطعیت سیاست‌ها بوده‌اند (استاک و واتسون^۵، ۲۰۱۲). از این رو، با توجه به نقش محرک عدم قطعیت در وقوع رکود بزرگ، بررسی رابطه میان عدم قطعیت و شاخص‌های کلان اقتصادی پس از بحران مالی، مورد توجه ویژه پژوهشگران قرار گرفته است (استاک و واتسون، ۲۰۱۲: ۲۸؛ بلوم، ۲۰۰۹). شوک‌هایی نظیر جنگ، افزایش قیمت نفت و بحران‌های مالی می‌توانند منجر به رکود اقتصادی و افزایش سطح عدم قطعیت در اقتصاد شوند (بلوم، ۲۰۱۴). مطالعه بیکر و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد که افزایش عدم قطعیت ناشی از سیاست‌های اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری و اشتغال در ایالات متحده را در پی داشته است. همچنین، الثاقب و الغربالی^۶ (۲۰۱۹) استدلال کردند که در شرایط عدم قطعیت، افراد و شرکت‌ها تصمیمات سرمایه‌گذاری و هزینه‌کرد خود را به تأخیر می‌اندازند و رفتار محافظه‌کارانه‌تری اتخاذ می‌کنند؛ امری که منجر به کاهش تولید، اشتغال و تورم می‌گردد. یکی از شاخص‌های کلیدی اقتصاد کلان که در مطالعه حاضر مورد توجه قرار گرفته، تورم است. اگرچه مطالعات متعددی به بررسی رابطه میان عدم قطعیت سیاست‌ها و متغیرهای اقتصاد کلان پرداخته‌اند، اما ارزیابی تجربی پویایی‌های میان شاخص‌های عدم قطعیت و تورم همچنان در مراحل ابتدایی قرار دارد و اجماع نظر مشخصی در این زمینه شکل نگرفته است. شناخت دقیق این پویایی‌ها برای تحلیل سیاست‌های پولی اهمیت بسزایی دارد؛ چرا که در دوره‌های پرتنش و نامطمئن، اتخاذ تصمیمات مناسب سیاستی و هدایت تورم به سمت اهداف تعیین شده، نیازمند درک صحیح از نحوه واکنش تورم به شوک‌های عدم قطعیت است. این موضوع به‌ویژه با توجه به قرار گرفتن نهادهای مالی در معرض کانال‌های تقویت مختلف و میزان تاب‌آوری بخش مالی در برابر شوک‌ها، اهمیت دوچندان می‌یابد. با وجود اهمیت سیاست‌های اقتصادی و تأثیرات آنها در شکل‌گیری تورم، اکثر مطالعات موجود، اثرات نااطمینانی سیاست‌ها را بر تورم را در نظر نگرفته‌اند یا صرفاً اثرات این سیاست‌ها بر متغیرهای اقتصادی را به صورت متقارن مورد بررسی قرار داده‌اند. شواهد جدیدتر نشان می‌دهد که انتقال شوک‌های عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر تورم ماهیتی نامتقارن دارد (سرلئیس و استیاک^۷، ۲۰۱۸؛ ون^۸ و همکاران، ۲۰۲۱؛ لانگ^۹ و همکاران، ۲۰۲۳). در اقتصادهای پرنوسان از جمله ایران، وقوع شوک‌های خارجی و داخلی همراه با تغییرات ناگهانی در سیاست‌ها موجب عدم اطمینان فعالین اقتصادی شده است که این وضعیت بی‌ثباتی نه‌تنها بر روند افزایش سطح عمومی قیمت‌ها تأثیرگذار بوده است؛ بلکه بر رفتار و تصمیم‌گیری‌های تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها نیز اثرگذار است (استاک و واتسون، ۲۰۱۲: ۲۸؛ آده‌اوسون^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۳).

1. Bernanke
2. Bloom
3. Baker
4. Istiak
5. Stock & Watson
6. Al-Thaqeb & Algharabali
7. Istiak & Serletis
8. Wen
9. Long
10. Adeosun

به‌طوری‌که در چنین شرایطی با افزایش نااطمینانی، تولیدکنندگان با کاهش ظرفیت خود برای تولید، مصرف‌کنندگان با تغییر الگوهای مصرفی و اکتفا به خریدهای احتیاطی خود و در نهایت سرمایه‌گذاران نیز به‌منظور کاهش ریسک و افزایش بازدهی دارایی‌های خود از سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی خودداری می‌کنند که این عدم تعادل‌ها در اقتصاد موجب تغییر عرضه و تقاضای کل شده و افزایش تورم را در پی خواهد داشت. باین‌حال قابل‌ذکر است که کاهش نااطمینانی در سیاست‌ها لزوماً به معنای کاهش تورم نیست؛ زیرا به دلیل ساختارهای نهادی، فقدان انعطاف‌پذیری سیاست‌های اقتصادی و پیچیدگی‌های بازار، تعدیل انتظارات تورمی و بازگشت اقتصاد به ثبات نیازمند زمان و سیاست‌گذاری هوشمندانه است. وجود چنین عدم تقارن‌هایی، فرآیند اتخاذ واکنش‌های سیاستی مناسب را در مواجهه با شوک‌های اقتصادی به‌مراتب پیچیده‌تر و چالش‌برانگیزتر می‌سازد. در مجموع می‌توان عنوان کرد؛ ثبات و شفافیت در اجرای سیاست‌های اقتصادی و با تکیه بر اصول کارشناسی می‌تواند بستری را برای فعالین اقتصادی فراهم آورد تا با اطمینان بیشتر تصمیم‌گیری کنند، سرمایه‌گذاری‌های خود را بهینه‌سازی نمایند و در راستای توسعه پایدار و کاهش نوسانات تورمی، نقش مؤثرتری در اقتصاد ایفا کنند. زیرا نوسانات تورمی و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها در اقتصاد، نه‌تنها موجب از بین رفتن ثبات اقتصادی گردیده بلکه منجر به ایجاد اختلال در بازارهای مالی و تحریف سیاست‌های اقتصادی می‌شود که این وضعیت، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را با چالش جدی مواجه می‌کند (مهرگان و همکاران، ۱۴۰۴).

در پی مطالب مطرح‌شده و با توجه به اهمیت اثرگذاری عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر تورم، سوال اصلی این پژوهش بدین صورت مطرح می‌گردد که اثرات نامتقارن نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۶۰ به چه صورت خواهد بود؟ این مطالعه با استفاده از رویکرد الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی (NARDL) در جهت پاسخ به این سوال انجام شده است. در همین جهت، این تحقیق در پنج بخش طبقه‌بندی شده است. در بخش بعدی این تحقیق، مبانی نظری و مروری بر مطالعات خارجی و داخلی ارائه شده است. سپس در بخش بعدی به روش‌شناسی و معرفی مدل و متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود و در نهایت نتایج تحقیق ارائه می‌گردد.

ادبیات تحقیق

مبانی نظری پژوهش

در سال‌های اخیر، مفهوم نااطمینانی در سطح جهانی با روندی افزایشی مواجه شده است. نااطمینانی به‌عنوان پدیده‌ای جهانی، پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد و سیاست در سطح بین‌الملل به همراه دارد. بر اساس تعریف نایت^۲ (۱۹۲۱)، نااطمینانی وضعیتی است که در آن امکان پیش‌بینی احتمال وقوع رویدادها برای افراد وجود ندارد. در چنین شرایطی، پیامدهای آتی یا به‌طور کامل نامشخص هستند یا حتی در صورت شناسایی، احتمال تحقق آن‌ها قابل اندازه‌گیری نیست. جیرسون^۳ (۲۰۰۹)، نیز بر این نکته تأکید دارد که زمانی که نتایج سیاست‌ها مبهم بوده یا توزیع احتمالات آن‌ها ناشناخته باشد، محیط اقتصادی با عدم قطعیت مواجه می‌شود. از این منظر، نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی فراتر از نوسانات معمول اقتصادی بوده و ریشه در ابهام نسبت به تصمیمات آتی دولت‌ها، تغییرات مقرراتی و جهت‌گیری‌های کلان‌سیاستی دارد. عدم قطعیت، در واقع بازتاب‌دهنده وضعیت ذهنی مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران نسبت به رویدادهای احتمالی آینده است. همان‌گونه که بلوم (۲۰۱۴) اشاره می‌کند، افزایش

1. Nonlinear distribution lags
2. Knight
3. Jeperson

نااطمینانی می‌تواند باعث تعویق تصمیمات سرمایه‌گذاری و مصرفی شود، زیرا عاملان اقتصادی در مواجهه با ابهام، رویکردی محتاطانه‌تر اتخاذ می‌کنند. در نتیجه، نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی نه تنها بر انتظارات و رفتار عاملان اقتصادی اثرگذار است، بلکه می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای رشد اقتصادی، اشتغال و ثبات اقتصادی به همراه داشته باشد. در تعریف مکمل، از این مفهوم، نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، چارچوب‌ها و راهبردهای اقتصادی دولت برای آینده به طور شفاف مشخص نشده‌اند یا اعتماد کافی به اجرای مؤثر آن‌ها از سوی سیاست‌گذاران وجود ندارد. این نوع نااطمینانی معمولاً ناشی از تصمیم‌گیری‌های ناپخته و اقدامات غیرمنطقی در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی است. در صورتی که این مسئله به‌عنوان یک چالش اساسی در اقتصاد مورد توجه قرار نگیرد، می‌تواند به تدریج وضعیت اقتصادی کشور را بحرانی‌تر سازد. در سال‌های اخیر، موضوع نااطمینانی در سیاست‌های اقتصادی اهمیت فزاینده‌ای یافته است، چرا که از دهه ۱۹۷۰ به بعد، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، تأثیر این سیاست‌ها بر سایر شاخص‌های اقتصادی دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. در این کشورها، به دلیل وجود اطلاعات نامتقارن، سطوح پایین تولید و عدم پیشرفت تکنولوژی و فناوری، میزان نااطمینانی اقتصادی بیشتر از سایر نقاط جهان مشاهده می‌شود. از این رو، این کشورها وابستگی بیشتری به سیاست‌ها و برنامه‌های تدوین شده توسط کشورهای توسعه‌یافته و نهادهای مالی بین‌المللی دارند (ون^۱ و همکاران، ۲۰۲۲: ۲). در طول دهه‌های گذشته، بررسی رابطه میان نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و متغیرهای کلان از ابعاد نظری و تجربی، توجه بسیاری از اقتصاددانان را به خود جلب کرده و یافته‌های تجربی نیز نشان می‌دهد، افزایش نااطمینانی در سیاست‌های اقتصادی، سبب کاهش سرمایه‌گذاری (برنانکی، ۱۹۸۳؛ رودریک^۲، ۱۹۹۱)، کاهش اشتغال (بلوم، ۲۰۰۹) و همچنین سبب کاهش رشد اقتصادی (بلوم^۳، ۲۰۰۹؛ بیکر^۴ و همکاران، ۲۰۱۶) گردیده و در نهایت به ایجاد تورم و نوسانات تورمی منتج خواهد شد. لدوک و لیو^۵ (۲۰۱۶)، بر این باورند که افزایش سطح نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی، با کاهش مصرف و مخارج خانوارها و افزایش نرخ بیکاری همراه بوده و در نهایت، اثری ضد تورمی بر سطح عمومی قیمت‌ها دارد. به عبارتی، نااطمینانی سیاستی همچون یک شوک منفی در سمت تقاضای کل اقتصاد عمل می‌کند. ایستیاک و علام^۶ (۲۰۱۹) نیز با تأکید بر نقش هم‌زمان نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و نوسانات قیمت نفت، نشان می‌دهند که این عوامل تأثیر معناداری بر تورم و انتظارات تورمی دارند. یافته‌های آنان همچنین از وجود اثرات نامتقارن حکایت دارد؛ به‌گونه‌ای که تأثیر این متغیرها بر تورم در دوره‌های پیش و پس از بحران مالی، تفاوت‌های معناداری را نشان می‌دهد. مطالعه مومتاز و تئودوریس^۷ (۲۰۱۸) نیز تأیید می‌کند که نااطمینانی اقتصادی در دوره پس از جنگ جهانی دوم، تأثیرات تورمی قابل توجهی داشته است. در همین راستا، جونز و اولسون^۸ (۲۰۱۳) به تغییر جهت رابطه میان نااطمینانی و تورم از مثبت به منفی در اواسط دهه ۱۹۹۰ اشاره می‌کنند؛ تغییری که از تحول در پویایی‌های اقتصادی و وجود عدم تقارن در این رابطه حکایت دارد.

1. Wen
2. Rodrik
3. Bloom
4. Baker
5. Leduc & Liu
6. Istiak & Alam
7. Mumtaz & Theodoridis
8. Jones & Olson

نتایج پژوهش

حق و مگنوسن^۱ (۲۰۲۱) نیز نشان می‌دهد که در دورهٔ پساجنگ، اثر نااطمینانی بر تورم عمدتاً منفی بوده است. در سطح کشوری، آثاری^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در بررسی اقتصاد ژاپن، واکنش ناهمگن تورم نسبت به شوک‌های ناشی از نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی را گزارش کرده‌اند؛ درحالی‌که ماینن و روبه^۳ (۲۰۱۸) به پاسخی مبهم و غیرقطعی از سوی تورم نسبت به این شوک‌ها دست یافته‌اند.

برنانکی (۱۹۸۳) در مطالعه خود عنوان کرده است که در سطح اقتصاد خرد، رویارویی بنگاه‌ها با شرایط نااطمینانی و عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی، موجب به تأخیرافتادن و یا تردید سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی گردیده و از آنجایی که سرمایه‌گذاری در چنین پروژه‌هایی از طریق ایجاد اشتغال موجب رونق تولید می‌گردد، لذا به علت مردد بودن سرمایه‌گذاران و اختلال در روند سرمایه‌گذاری این افراد، خللی در جریان تولید ایجاد شده که موجب کاهش تولید، کاهش رشد اقتصادی و در نتیجه افزایش تورم خواهد شد. همچنین، در مطالعه‌ای که لام^۴ و همکاران (۲۰۲۴) اخیراً برای کشور ویتنام به انجام رسانده‌اند، بیان کرده‌اند جهان به هم‌پیوسته است و آنچه در یک بخش از اقتصاد اتفاق می‌افتد، می‌تواند سریعاً بر بخش‌های دیگر اثرگذار باشد. پیچیدگی در دنیای امروز، به طور چشمگیری افزایش یافته است که خود، منجر به عدم اطمینان بیشتر در سیاست‌های اقتصادی می‌گردد. طبق این مطالعه، عدم اطمینان طولانی‌مدت در سیاست‌های اقتصادی منجر به کاهش رقابت‌پذیری اقتصاد این کشور در مقایسه با سایر کشورهای منطقه و جهان شده و جذابیت این کشور را برای سرمایه‌گذاران خارجی کاهش می‌دهد. بروز تغییرات ناگهانی و نامشخص در سیاست‌های مالیاتی و گمرکی نیز، باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود که منجر به کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش تولید و در نهایت کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. این کاهش رشد اقتصادی در اقتصاد نیز با افزایش نرخ تورم همراه خواهد بود. طبق مطالعه‌ای که ملدوان^۵ و همکاران (۲۰۲۲) به انجام رسانده‌اند، کانال‌هایی را معرفی کرده‌اند که نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی می‌تواند تورم را به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تحت‌تأثیر قرار دهد. آنها در تحقیق خود استدلال کرده‌اند که نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی می‌تواند از کانال عرضه و تقاضای کل، منجر به تغییرات تورم گردد. به‌گونه‌ای که با ایجاد هر گونه شوک عدم قطعیت در سیاست‌ها، عرضه و تقاضای کل تغییر کرده و در پی آن، تورم نیز با تأثیرپذیرفتن از آنها دچار نوسان خواهد شد. طبق استدلال آنها در سمت تقاضا، هنگامی که شوک نااطمینانی سیاست اقتصادی رخ دهد، پس‌اندازهای هر یک از افراد جامعه به دلیل فضای نااطمینانی به وجود آمده در کشور افزایش یافته و با انباشته شدن پول و انجام نقدینگی در اقتصاد، تورم افزایش خواهد یافت. در سمت عرضه نیز، هنگامی که شوک‌های نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی رخ می‌دهد، به دلیل حاکم شدن فضای نااطمینانی در کشور، تولیدکنندگان مقدار تولید و عرضه خود را به بازار کاهش می‌دهند. این امر سبب برهم‌زدن تعادل در بازار می‌شود که حاصل آن با افزایش قیمت و ایجاد تورم همراه خواهد بود. لنزینک^۶ (۲۰۰۱)، توسعه‌ی مالی را کانالی مؤثر برای انتقال اثرات نااطمینانی سیاستی بر اقتصاد معرفی می‌کند. وی بیان کرده است واسطه‌های مالی با افزایش بهره‌وری سرمایه و تخصیص بهینه منابع، نه تنها رشد اقتصادی را تقویت می‌کنند، بلکه از طریق کاهش هزینه‌های مبادله و بهبود دسترسی به اعتبار، می‌توانند

1. Haque & Magnusson
2. Athari
3. Meinen & Roehe
4. Lam
5. Moldovan
6. Lensink

فشارهای تورمی ناشی از اختلالات عرضه و تقاضا را نیز کاهش دهند. در اقتصادی که فاقد نهادهای مالی توسعه‌یافته است، نااطمینانی سیاستی موجب می‌شود مردم سرمایه‌های خود را در دارایی‌های نقدی با بازدهی پایین نگهداری کنند. این رفتار نه تنها رشد اقتصادی را محدود می‌کند، بلکه با کاهش سرمایه‌گذاری و تولید، زمینه‌ساز افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تشدید تورم می‌شود. آریستیس^۱ و همکاران (۲۰۱۶) نیز تأکید می‌کنند که در چنین شرایطی، فعالیت‌های اقتصادی ممکن است به سمت سفته‌بازی و ایجاد حباب‌های مالی سوق پیدا کند که خود می‌تواند به بی‌ثباتی قیمت‌ها و افزایش تورم منجر شود.

پیشینه مطالعات

مطالعات خارجی

ایسترفی و پیلویو^۲ (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای به بررسی اثرات نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و انتظارات تورمی در ایالت متحده آمریکا و منطقه یورو پرداخته‌اند. این مطالعه، در راستای تحقق هدف خود از رویکرد خودرگرسیون برداری بیزین^۳ بهره گرفته است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که شوک‌های ناشی از ناحیه نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی می‌تواند انتظارات تورمی در بلندمدت در کشورهای مذکور افزایش دهند.

هان و همکاران^۴ (۲۰۱۶)، در تحقیق خود به بررسی چگونگی پاسخ اقتصاد کشور چین به شوک‌های نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی از جانب اتحادیه آمریکا، اتحادیه اروپا، بریتانیا و ژاپن پرداخته‌اند. این مطالعه با به کارگیری روش خودرگرسیون برداری جهانی (GVAR^۵) و با استفاده از داده‌های ماهانه در دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۹ صورت پذیرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی از جانب اتحادیه آمریکا موجب کاهش صادرات، تولید صنعتی، قیمت سهام و نرخ ارز می‌شود. از طرفی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی اتحادیه اروپا نیز موجب کاهش ارزش پول این کشور می‌شود. همچنین نااطمینانی‌های ایجاد شده از ناحیه اتحادیه آمریکا، اروپا و ژاپن، سبب افزایش تورم در این کشور می‌شود. در نتیجه یافته‌های این تحقیق، امکان انتقال بین‌المللی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی را نیز تصدیق می‌کند.

ایستیاک و علام (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی، قیمت نفت و انتظارات تورمی در دوره‌های قبل و بعد از بحران‌های مالی با استفاده از رویکرد خودرگرسیون برداری پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه موید آن است که شوک‌های مثبت (افزایشی) و منفی (کاهش‌ی) قیمت نفت اثرات نامتقارنی بر انتظارات تورمی دارند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که عدم قطعیت سیاسی، اثرات نامتقارنی بر انتظارات تورمی برای شوک‌های پس از بحران مالی دارد.

سلمی و همکاران^۶ (۲۰۲۰)، به مطالعه تأثیر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر نرخ تورم در دو بازه زمانی پیش و پس از ریاست‌جمهوری ترامپ پرداخته‌اند. این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های ماهانه مربوط به دوره‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ و ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ و با استفاده از رویکرد مارکوف-سوئیچینگ^۷ انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی آثار مثبت بر تورم دارد. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که پس از ریاست‌جمهوری ترامپ، تورم بیشتر از قبل تحت تأثیر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی قرار گرفته و افزایش شدیدی داشته است.

1. Arestis
2. Istrefi & Piloiu
3. Bayesian Vector Auto-Regression
4. Han et al.
5. Global Vector Aoturgressive
6. Selmi et al.
7. Markov-Switching

آیتاچ و ساراچ^۱ (۲۰۲۲)، در مطالعه‌ای به ارتباط میان عدم قطعیت سیاست‌ها، نرخ بهره و تورم در شماری از کشورهای نوظهور از جمله کلمبیا، شیلی، مکزیک و برزیل در دوره زمانی ۱۹۹۸ الی ۲۰۲۰ پرداخته‌اند. در نتیجه تجزیه و تحلیل رویکرد TVP-VAR، بیان شد در کوتاه‌مدت رابطه مثبتی بین تورم، نرخ بهره و شاخص عدم قطعیت سیاست اقتصادی در کلمبیا، شیلی و برزیل وجود دارد. از سوی دیگر، در اقتصاد مکزیک مشخص شد که در کوتاه‌مدت رابطه مثبتی بین نرخ تورم و شاخص عدم قطعیت سیاست اقتصادی و رابطه منفی با نرخ بهره وجود دارد. علاوه بر این، طبق نتایج مشخص شد که تأثیر شاخص عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر تورم و نرخ بهره در کشورهای مورد بررسی در بلندمدت نزدیک به صفر است.

آندرل و کاپورالا^۲ (۲۰۲۳)، در پژوهشی اثرات نامتقارن ناشی از نااطمینانی در سیاست‌های اقتصادی بر نرخ تورم را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعه با بهره‌گیری از داده‌های ماهانه مربوط به دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲ و با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی، برای گروهی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شوک‌های منفی مرتبط با نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی، تأثیر بیشتری بر تورم دارند. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که تورم تحت تأثیر برخی از نااطمینانی‌های سیاست پولی نیز قرار می‌گیرد. با این توضیح که نااطمینانی سیاست‌های پولی با تأثیر مستقیم نرخ بهره می‌تواند منجر به تغییراتی در نرخ تورم گردد.

سمی و ابدلهاک^۳ (۲۰۲۴)، در مطالعه خود به بررسی رابطه میان نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و نرخ تورم در کشور ژاپن پرداخته‌اند. این مطالعه در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۲۴ و با استفاده از الگوی خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی خطی (ARDL^۴) انجام پذیرفته است. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که یک رابطه بلندمدت مثبت و معنی‌دار میان نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و نرخ تورم برقرار است. به طوری که با افزایش نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی، فشارهای تورمی نیز در این کشور افزایش می‌یابد. آکشایا و گوپالاگریشنا^۵ (۲۰۲۵)، در مطالعه خود با بهره‌گیری از مدل تصحیح خطای برداری (VECM^۶)، به بررسی تأثیر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم در هند در طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۲۰۲۴ و با استفاده از داده‌های فصلی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و تورم در این کشور وجود دارد.

الباحوث^۷ (۲۰۲۵)، در تحقیقی به بررسی اثرات نااطمینانی سیاست‌های جهانی بر تورم در اقتصاد عربستان سعودی پرداخته است. این مطالعه با استفاده از مدل خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی و در طی دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۲۴ در قالب داده‌های ماهانه صورت پذیرفته است. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که تورم در بلندمدت تحت تأثیر نااطمینانی‌های سیاست جهانی قرار دارد.

مطالعات داخلی

یاوری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی اثرات اقتصادی نااطمینانی سیاست‌های پولی را بر نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و نرخ بیکاری در ایران مورد بررسی قرار داده‌اند. بدین منظور، از داده‌های فصلی مربوط به سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۲ و روش واریانس شرطی ناهمسان‌تعمیم یافته (GARCH^۸)، برای محاسبه شاخص نااطمینانی بهره گرفتند. همچنین، به منظور برآورد اثرات نااطمینانی

1. Aytaç & Saraç

2. Andrel & Caporale

3. Sami & Abdelhak

4. Autoregressive Distributed Lag

5. Akshaya & Gopalakrishna

6. Vector Error Correction Model

7. Albahouth

8. Generalized Autoregressive Conditional Heteroscedasticity

سیاست‌های پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی از تکنیک خودرگرسیون برداری (VAR) استفاده شده است. یافته‌های به دست آمده از این تحقیق نشان داد که افزایش نااطمینانی در سیاست‌های پولی، منجر به ایجاد نوسانات در متغیرهای کلان اقتصادی خواهد شد.

عبدی سیدکلایی و فیروزبخش (۱۴۰۲)، در پژوهش خود به بررسی تأثیر نااطمینانی سیاست پولی بر کارایی این سیاست در کنترل تولید و تورم در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. این مطالعه با بهره‌گیری از مدل خودرگرسیون برداری آستانه‌ای (TVAR^۱) و با استفاده از داده‌های مربوط به دوره زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۷ انجام شده است. نتایج حاصل نشان داد که اثر بخشی سیاست پولی بر رشد اقتصادی به شدت تحت تأثیر سطح نااطمینانی ناشی از خود این سیاست قرار دارد؛ باین‌حال، تأثیر سیاست پولی بر نرخ تورم مستقل از میزان نااطمینانی آن بوده و تغییرات در سطح نااطمینانی تأثیر معنی‌داری بر واکنش تورم نداشته است.

گودرزی فراهانی و عباسی نژاد (۱۴۰۲)، در مطالعه‌ای به بررسی اثر شوک‌های ناشی از نااطمینانی در سیاست‌های پولی، مالی و ارزی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۰ الی ۱۴۰۱ پرداخته‌اند. این مطالعه با بهره‌گیری از مدل تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE^۲) انجام شده است. یافته‌های تحقیق مؤید آن است که نرخ تورم، نرخ بهره و نرخ ارز در برابر تکانه‌های وارده از ناحیه سیاست‌های پولی و ارزی واکنش افزایشی دارند. همچنین، نتایج بیانگر آن است که متغیرهای نرخ تورم، نرخ بهره، نرخ ارز و مخارج دولت نسبت به تکانه‌های ناشی از سیاست مالی نیز پاسخ مثبت نشان می‌دهند.

لعل خضری و آشنا (۱۴۰۲)، در مطالعه‌ای رابطه نااطمینانی سیاست‌های اقتصاد جهانی با تورم و نااطمینانی تورم در ایران را با استفاده از داده‌های ماهانه طی دوره زمانی فروردین ۱۳۷۶ تا مهر ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه، همبستگی متغیرها با استفاده از الگوی همبستگی شرطی پویای گارچ (DCC-GARCH^۳) برآورد شده است. یافته‌های حاصل شده از این تحقیق نشانگر آن است که نااطمینانی سیاست‌های اقتصاد جهانی رابطه معنی‌دار با تورم و نااطمینانی تورم در اقتصاد ایران دارد.

یاوری‌فر و همکاران (۱۴۰۲)، به ارزیابی اثرات تکانه‌های نااطمینانی سیاست‌های پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران پرداخته‌اند. این مطالعه در راستای تحقق هدف خود از مدل تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE)، برای دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۶۸ بهره‌گرفته است. بر اساس یافته‌های به دست آمده از این مطالعه، متغیرهای سرمایه‌گذاری، تولید و مصرف بخش خصوصی در واکنش به تکانه‌های نااطمینانی سیاست‌های پولی کاهش یافته‌اند لیکن متغیرهای اسمی مانند نرخ ارز، نرخ بهره و نرخ تورم در واکنش به تکانه‌های نااطمینانی سیاست‌های پولی افزایش یافته‌اند.

علی مرادی افشار و همکاران (۱۴۰۴)، در مطالعه‌ای به بررسی اثرات اقتصاد سایه، ثبات سیاسی و عدم قطعیت جهانی بر تورم در کشور ایران پرداخته‌اند. این مطالعه در دوره زمانی ۱۳۷۵ الی ۱۴۰۱ و با استفاده از رویکرد حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده (FMOLS^۴) صورت پذیرفته است. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که عدم قطعیت جهانی، اقتصاد سایه و ثبات سیاسی اثرات مثبت و معنی‌دار بر تورم در ایران دارند.

1. Threshold Vector Autoregressive
 2. Dynamic Stochastic General Equilibrium
 3.
 4. Fully Modified Least Squares

روش‌شناسی و روش برآورد مدل پژوهش

الگوی تحقیق

الگوی تجربی تحقیق حاضر به منظور بررسی اثرات نامتقارن نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم، به پیروی از مطالعه (آندرل و کاپورلا، ۲۰۲۳) به صورت زیر است:

$$inf = \beta_0 + \beta_1 lepu_t^+ + \beta_2 lepu_t^- + \beta_3 lopu + \beta_4 lex_t + \beta_5 Dlm2_t + u_t \quad (1)$$

که در آن شرح متغیرها عبارتند از:

inf متغیر وابسته مدل بوده و بیانگر نرخ تورم است.

$lepu$ مؤید لگاریتم نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی است. مقادیر مثبت آن نشان‌دهنده شوک‌های مثبت و مقادیر منفی آن نشان‌دهنده شوک‌های منفی است. مقادیر مثبت و منفی شوک‌های نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی با استفاده از روش NARDL استخراج می‌شود.

$lopu$ بیانگر لگاریتم نااطمینانی قیمت نفت می‌باشد.

lex معرف نرخ ارز اسمی بازار آزاد است.

$Dlm2^o$ این متغیر نشان‌دهنده شاخص سیاست پولی است. در مدل پایه از نرخ بهره رسمی اعلام شده توسط بانک مرکزی استفاده شده است. لیکن، با توجه به دستوری بودن نرخ بهره در ایران و عدم تغییرپذیری و یا تغییرات ضعیف آن در طول برخی سال‌های متوالی، در تحقیق حاضر همانند سایر مطالعات داخلی (اصغرپور و همکاران، ۱۳۹۰) از متغیر نرخ رشد نقدینگی به عنوان شاخص سیاست پولی استفاده شده است.

u_t : بیانگر جزء اختلال مدل است.

t : بیانگر زمان، به صورت سالانه است.

شایان ذکر است جامعه آماری پژوهش حاضر اطلاعات سری زمانی سالانه متغیرهای کلان اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۶۰ است. اطلاعات سری زمانی متغیر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی از سایت شاخص‌های نااطمینانی جهان^۶ جمع‌آوری شده است. همچنین، اطلاعات سری زمانی نااطمینانی قیمت نفت، از سایت نااطمینانی سیاست‌ها^۷ گردآوری شده است. اطلاعات سری زمانی مربوط به متغیرهای تورم، نرخ ارز و نقدینگی نیز از بخش اطلاعات سری زمانی وب سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران^۸ جمع‌آوری شده است. قابل ذکر است نرم‌افزار مورد استفاده در این مطالعه Eviews 13 می‌باشد.

روش برآورد مدل

در این مطالعه به منظور بررسی اثرات نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم از رویکرد خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی (NARDL) استفاده شده است. این رویکرد یکی از روش‌های هم‌انباشتی نامتقارن تلقی می‌گردد. در برخی از مطالعاتی

1. Inflation
2. Economic policy uncertainty
3. Oil price uncertainty
4. Exchange rate
5. Monetary policy
6. <https://worlduncertaintyindex.com>
7. <https://policyuncertainty.com>
8. <https://tsd.cbi.ir>

که اخیراً انجام گردیده، روش هم‌انباشتگی نامتقارن به‌گونه‌ای گسترش یافته است که در آن مجموع مؤلفه‌های مثبت و منفی متغیرها کمک می‌کند تا تأثیرات نامتقارن متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در کوتاه‌مدت و بلندمدت بررسی گردد (شین و همکاران^۱، ۲۰۱۴). در واقع روش NARDL نیز همانند ARDL، نسبت به سایر روش‌های هم‌انباشتگی دارای برخی از مزایا است. مزیت اول این روش، بدین صورت مطرح می‌گردد که می‌توان این روش را بدون توجه به اینکه تمام متغیرها هم‌انباشته از درجه یک $I(1)$ و یا ترکیبی از $I(0)$ باشد، مدل را برآورد کرد. مزیت دوم اینکه، این روش پویایی‌های کوتاه‌مدت را در بخش تصحیح خطا وارد نمی‌کند (بنرجی و همکاران^۲، ۱۹۹۳). سوم اینکه، این روش را می‌توان با تعداد مشاهدات اندک به کار برد (نارایان و نارایان^۳، ۲۰۰۵). چهارم اینکه، این روش را می‌توان هنگامی که متغیرهای توضیحی درون‌زا هستند نیز به کار گرفت (عالم و کوآزی^۴، ۲۰۰۳). در نهایت، علاوه موارد فوق، در این رویکرد می‌توان به طور هم‌زمان روابط غیرخطی و اثرات نامتقارن متغیرهای توضیحی بر متغیر وابسته را در کوتاه‌مدت و بلندمدت مورد بررسی قرار داد. همچنین، از ویژگی‌های متمایز این تکنیک می‌توان بیان کرد که با تقسیم اثرات مثبت و منفی متغیرها، امکان تحلیل عمیق و جامع‌تری از واکنش‌های ناهم‌سان متغیر وابسته را در برابر انواع شوک‌ها فراهم می‌کند (ایزانلو، ۱۴۰۴). قبل از توسعه مدل NARDL، با فرض دو متغیر وابسته Y و مستقل X رابطه بلندمدت زیر بر اساس رابطه گرنجر و یون^۵ (۲۰۰۲) به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$y_t = \beta^+ x_t^+ + \beta^- x_t^- + u_t \quad (2)$$

به طوری که، y_t و x_t متغیرهای انباشته از درجه مرتبه یک $I(1)$ هستند.

$$x_t = x_0 + x_t^+ + x_t^- \quad (3)$$

در معادله (۳)، x_0 ، x_t^+ و x_t^- به ترتیب نشان‌دهنده مقدار اولیه متغیر و مجموع تجمعی جزئی تغییرات مثبت و منفی در x_t هستند، همچنین، با بهره‌گیری از روش NARDL می‌توان متغیرها را به شوک‌های مثبت و منفی تجزیه کرد. شوک‌های مثبت از تابع Max و شوک‌های منفی از تابع Min به صورت معادلات (۴) و (۵)، استخراج می‌شود:

$$x_t^+ = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^+ = \sum_{j=1}^t \text{Max}(\Delta x_j, 0) \quad (4)$$

$$x_t^- = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^- = \sum_{j=1}^t \text{Min}(\Delta x_j, 0) \quad (5)$$

این رویکرد ساده برای مدل‌سازی نامتقارن هم‌انباشتگی بر اساس تجزیه مجموع تجمعی مؤلفه‌ها توسط (شوردرت^۶، ۲۰۰۳). در زمینه رابطه غیرخطی بین بیکاری و تولید مطرح گردید.

اکنون با در نظر داشتن تکانه‌ای مثبت و منفی، شین و همکاران (۲۰۱۴)، مدل $ARDL(p,q)$ را توسعه دادند که هدف آن مدل‌سازی روابطی است که هم‌زمان دارای نامتقارنی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت هستند. به همین منظور، آنها چارچوب $NARDL(p,q)$ زیر را پیشنهاد دادند:

1. Shin et al.
2. Banerji et al.
3. Narayan & Narayan
4. Alam & Quazy
5. Granger & Yoon
6. Schorderet

$$y_t = \sum_{j=1}^p \phi_j y_{t-j} + \sum_{j=0}^q (\theta_j^+ x_{t-j}^+ + \theta_j^- x_{t-j}^-) + \varepsilon_t \quad (6)$$

در معادله (۶)، p و q به ترتیب نشان‌دهنده‌ی وقفه‌های بهینه برای y_t و x_t هستند؛ ϕ_j نشانگر ضریب وقفه متغیر وابسته؛ θ_j^+ و θ_j^- بیانگر ضرایب وقفه‌ای نامتقارن وقفه‌های متغیر مستقل هستند و $\varepsilon_t \sim (0, \sigma_\varepsilon^2)$ ، نشان‌دهنده جمله اخلاص با میانگین صفر و واریانس ثابت (همسان) می‌باشد.

هر رابطه بلندمدت در مدل ARDL(p,q)، یک ECM کوتاه‌مدت دارد که دستیابی به آن، به تضمین تعادل کمک می‌کند. در نهایت، مدل NARDL در معادله (۶) را می‌توان به شکل تصحیح خطای آن به صورت زیر تنظیم کرد:

$$\begin{aligned} \Delta y_t &= \rho y_{t-1} + \theta^+ x_{t-1}^+ + \theta^- x_{t-1}^- + \sum_{j=1}^{p-1} \gamma_j \Delta y_{t-j} + \sum_{j=0}^{q-1} (\theta_j^+ \Delta x_{t-j}^+ \\ &\quad + \theta_j^- \Delta x_{t-j}^-) + \varepsilon_t \\ &= \rho c_{t-1} + \sum_{j=1}^{p-1} \gamma_j \Delta y_{t-j} + \sum_{j=0}^{q-1} (\theta_j^+ \Delta x_{t-j}^+ + \theta_j^- \Delta x_{t-j}^-) \\ &\quad + \varepsilon_t \end{aligned} \quad (7)$$

به طوری که در معادله (۷):

$$\rho = \sum_{j=1}^p \phi_j - 1 \quad (8)$$

$$\gamma_j = -\sum_{i=j+1}^p \phi_i, j = 1, \dots, p-1 \quad (9)$$

$$\theta^+ = \sum_{j=0}^q \theta_j^+, \theta^- = \sum_{j=0}^q \theta_j^- \quad (10)$$

$$\varphi_0^+ = \theta_0^+, \varphi_0^- = \theta_0^- \quad (11)$$

$$\varphi_j^+ = -\sum_{i=j+1}^q \theta_i^+, \varphi_j^- = -\sum_{i=j+1}^q \theta_i^-, j = 1, \dots, q-1 \quad (12)$$

$$c_t = y_t - (\beta^+ x_t^+ + \beta^- x_t^-) \quad (13)$$

در معادله (۷)، ρ بیانگر ضریب تعدیل مدل بوده و سرعت بازگشت به تعادل بلندمدت را نشان می‌دهد. همچنین،

$c_t = y_{t-1} - \beta^+ x_t^+ - \beta^- x_t^-$ ، نشان‌دهنده جزء تصحیح خطای نامتقارن می‌باشد. $\beta^+ = \frac{-\theta^+}{\rho}$ و $\beta^- = \frac{-\theta^-}{\rho}$ نیز

نشان‌دهنده اثرات بلندمدت نامتقارن می‌باشند (شین و همکاران، ۲۰۱۴).

نتایج برآورد مدل

جدول (۱): آمار توصیفی

لگاریتم نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی	لگاریتم نااطمینانی قیمت نفت	نرخ تورم	لگاریتم نرخ رشد نقدینگی	لگاریتم نرخ ارز	
-۵/۱۶	۴/۱۳	۲۱/۸۳	۰/۲۲	۸/۸۳	میانگین
-۵/۱۱	۴/۲۴	۱۸/۸۰	۰/۲۲	۹/۰۱	میانه
-۴/۵۰	۶/۱۸	۴۹/۴۰	۰/۳۴	۱۲/۷۲	حداکثر
-۵/۸۰	۱/۲۸	۶/۹۰	۰/۰۶	۵/۵۹	حداقل
-۰/۰۱	-۰/۵۵	۰/۹۷	-۰/۱۷	۰/۲۶	چولگی

کشیدگی	۲/۷۲	۳/۸۱	۳/۰۵	۲/۸۵	۲/۴۷
آماره چارک برا	۰/۱۳	۳/۳۱	۶/۶۴	۰/۲۵	۰/۹۶
احتمال	۰/۹۳	۰/۱۹	۰/۰۳	۰/۸۷	۰/۶۱

ماخذ: یافته‌های تحقیق

در ابتدای امر، جدول آمار توصیفی تمامی متغیرهای مورد مطالعه در تحقیق، بررسی شده است. با توجه به جدول فوق، می‌توان مشاهده کرد چولگی متغیرهای نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی، نااطمینانی قیمت نفت و نرخ رشد نقدینگی منفی بوده در حالی که چولگی متغیرهای نرخ تورم و نرخ ارز مثبت می‌باشد. همچنین، با توجه به وجود چولگی و کشیدگی متغیرها، از آزمون چارک برا به منظور بررسی اینکه آیا متغیرهای دارای چولگی و کشیدگی مطابق با توزیع نرمال هستند، استفاده می‌گردد. نتیجه نشان می‌دهد که متغیرهای نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی، نااطمینانی قیمت نفت، نرخ رشد نقدینگی و نرخ ارز نرمال بوده لیکن متغیر نرخ تورم دارای توزیع نرمال نمی‌باشد.

پس از بررسی آمار توصیفی متغیرهای مدل، نخستین گام در برآورد مدل، انجام آزمون ایستایی متغیرهای تحقیق می‌باشد. آزمون ایستایی در مباحث اقتصادسنجی یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین آزمون‌ها در مدل‌های سری زمانی است. ایستایی (مانایی) و در مقابل آن نایستایی (نامانایی) می‌تواند آثار جدی بر روند و رفتار یک سری زمانی داشته باشد. علت عمده انجام این آزمون، آن است که در مدل‌های ARDL وجود متغیرهای دارای درجه ایستایی ۲ و بالاتر، نتایج تخمین مدل را دچار مشکل و ابهام خواهد کرد. در این راستا، برای اجرای این آزمون از روش دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF^1) استفاده شده و نتایج در جدول (۲)، ارائه می‌گردد.

جدول (۲): بررسی وضعیت ایستایی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	علامت اختصاری	سطح		یک بار تفاضل‌گیری		نتیجه
		آماره	احتمال	آماره	احتمال	
نرخ تورم	INF	-۲/۲۶	۰/۱۸	-۵/۵۹	۰/۰۰	I(1)
نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی	LEPU	-۴/۲۶	۰/۰۰	-	-	I(0)
نااطمینانی قیمت نفت	LOPU	-۱/۷۸	۰/۳۸	-۹/۷۰	۰/۰۰	I(1)
نرخ رشد نقدینگی	DLM2	-۳/۳۲	۰/۰۲	-	-	I(0)
نرخ ارز	LEX	۰/۶۸	۰/۹۹	-۵/۲۸	۰/۰۰۰	I(1)

ماخذ: یافته‌های تحقیق

همانطور که مشاهده می‌شود، متغیرهای نرخ تورم، نااطمینانی قیمت نفت و نرخ ارز در سطح ایستا نبوده و با یک مرتبه تفاضل‌گیری ایستا می‌شوند. از طرفی، متغیرهای نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و نرخ رشد نقدینگی، ایستا در سطح می‌باشند.

در مطالعه حاضر از آزمون هم‌انباشتگی کرانه‌های پسران و همکاران^۱ (۲۰۰۱)، برای تشخیص معنادارای روابط بلندمدت بهره گرفته شده است و نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۳)، ذکر شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون هم‌انباشتگی

سطوح معناداری	کرانه پایین	کرانه بالا
۱ درصد	۲/۸۲	۴/۲۱
۵ درصد	۲/۱۴	۳/۳۴
۱۰ درصد	۱/۸۱	۲/۹۳
آماره $F=۵/۹۴$		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس آزمون هم‌انباشتگی به روش پسران و همکاران (۲۰۰۱)، در صورتی که مقدار F به دست آمده، از حد بحرانی کرانه بالا که توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) ارائه شده است بیشتر شود، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد شده و وجود رابطه بلندمدت تایید می‌گردد. نظر به اینکه مقدار F به دست آمده $۵/۹۴$ می‌باشد و این مقدار F از حد بالای مقادیر بحرانی بیشتر می‌باشد، لذا فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد شده و شواهدی از وجود یک رابطه بلندمدت به دست می‌آید.

در ادامه آزمون‌های مربوط به نقض فروض کلاسیک (نرمال بودن اجزاء اخلاص^۲، خودهمبستگی^۳، شکل تبعی مدل و ناهمسانی واریانس^۴) مورد بررسی قرار گرفته است. آزمون ضریب لاگرانژ^۵ برای آزمون خودهمبستگی اجزاء اخلاص، آزمون رمزی^۶ برای شکل تبعی مدل و آزمون بروش-پاگان-گادفری (BPG^۷) برای همسانی واریانس، مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج به دست آمده از آزمون‌های مذکور در جدول (۴)، به شرح زیر ارائه شده است. یافته‌های به دست آمده از این آزمون‌ها حاکی از عدم رد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی و عدم وجود ناهمسانی واریانس در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. همچنین، طبق نتایج، وجود فرم تبعی مناسب و نرمال بودن توزیع اجزاء اخلاص مدل در سطح معنی داری ۵ تایید می‌گردد.

جدول (۴): نتایج آزمون‌های فروض کلاسیک

آزمون	احتمال	آماره F
نرمال بودن اجزاء اخلاص	۰/۴۷	۱/۴۸
خودهمبستگی اجزاء اخلاص	۰/۷۸	۰/۲۳
شکل تبعی مدل (آزمون رمزی)	۰/۱۹	۱/۷۶
ناهمسانی واریانس	۰/۳۳	۱/۱۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

اکنون به برآورد الگوی بلندمدت NARDL به منظور بررسی اثرات نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم پرداخته می‌شود و نتایج این برآورد در جدول (۵)، به شرح زیر گزارش شده است.

1. Pesaran et al.
2. Normality of the disturbances
3. Autocorrelation
4. Heteroscedastity
5. Lagrange Multiplier Test
6. Ramsey Reset Test
7. Breusch-Pagan-Godfrey

جدول (۵): نتایج تخمین بلندمدت NARDL

متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
نرخ ارز یا یک وقفه زمانی	LEX(-1)	۲/۹۸	۱/۴۴	۲/۰۶	۰/۰۴
لگاریتم نرخ رشد نقدینگی	DLM2	۱۰۷/۱۲	۳۹/۳۵	۲/۷۲	۰/۰۱
لگاریتم نااطمینانی قیمت نفت	LOPU	-۴/۴۹	۱/۵۶	-۲/۸۶	۰/۰۰
لگاریتم شوک مثبت نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی	LEPU+	۰/۷۵	۶/۳۰	۰/۱۱	۰/۹۰
لگاریتم شوک منفی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی	LEPU-	۱۵/۴۱	۶/۳۳	۲/۴۳	۰/۰۲
R-squared=۰/۶۶			Durbin-Watson=۱/۸۶		
Adjusted R-squared=۰/۵۴			F-statistic (Prob)=۵/۶۲ (۰/۰۰۰)		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۵)، اثرات شوک‌های مثبت و منفی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر نرخ تورم در افق زمانی بلندمدت مثبت می‌باشد. به‌گونه‌ای که شوک‌های مثبت نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی اثرات مثبت اما غیرمعنی‌دار بر تورم دارند، در حالی که شوک‌های منفی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی اثری مثبت و معنی‌دار بر تورم بر جای می‌گذارند. این یافته نشان می‌دهد که واکنش تورم نسبت به کاهش نااطمینانی سیاستی شدیدتر و معنی‌دارتر از واکنش آن نسبت به افزایش نااطمینانی سیاستی است. به بیان دیگر، کاهش نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی از طریق تحریک تقاضای کل و افزایش فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند فشارهای تورمی را تشدید کند، در حالی که افزایش نااطمینانی سیاستی به دلیل رفتارهای احتیاطی عوامل اقتصادی، اثر قابل توجه و معنی‌داری بر تورم ندارد. همچنین، به دلیل اینکه قدرمطلق ضریب شوک منفی بیشتر از شوک مثبت است لذا اثرات شوک منفی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر نرخ تورم بیشتر از شوک مثبت آن می‌باشد (آندرل و کاپورلا، ۲۰۲۳؛ لانگ و همکاران، ۲۰۲۳، ون و همکاران، ۲۰۲۱). بر اساس تئوری مقداری پول افزایش حجم پول منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و ایجاد تورم می‌گردد. از سوی دیگر، در چارچوب تحلیل منحنی AD-AS با افزایش حجم پول، منحنی LM به سمت راست منتقل شده و در نهایت منحنی تقاضای کل یعنی AD نیز به سمت راست انتقال یافته که این تغییر باعث افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها و تورم می‌گردد که یافته‌های این پژوهش نیز مؤید این موضوع است. می‌توان بیان کرد یافته‌های این بخش از مطالعه با مطالعات سیناه^۱ (۲۰۱۸) و ادوینسن^۲ و همکاران (۲۰۲۵) همسو و سازگار است. در مورد ضرایب برآورد نرخ ارز نیز می‌توان استدلال کرد که طبق تئوری اثر عبور نرخ ارز^۳، تغییرات در نرخ ارز بر سطح قیمت کالاها اثرگذار است. در اقتصاد ایران نیز، افزایش نرخ ارز منجر به افزایش هزینه واردات شده و در نهایت هزینه‌های تولید را بالا می‌برد. این افزایش هزینه به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود و در نهایت، تورم را افزایش می‌دهد. می‌توان بیان کرد یافته‌های این بخش با مطالعات ابوبکر^۴ (۲۰۲۱)، ایکوئه^۵ (۲۰۲۴) و بیلگیلی^۶ (۲۰۲۴)، همسو

1. Sinah
2. Edvinsson
3. Exchange Rate Pass-Through
4. Abubakar
5. Ikue
6. Bilgili

است. در نهایت، نتایج نشان می‌دهد که نااطمینانی قیمت نفت تأثیری منفی و معنادار بر نرخ تورم دارد. در واقع، نوسانات و بی‌ثباتی در قیمت جهانی نفت می‌تواند از طریق کاهش انتظارات تورمی و تضعیف تقاضای کل، منجر به کاهش سطح عمومی قیمت‌ها شود. در شرایطی که بازار جهانی نفت با نوسانات شدید مواجه است، بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان با احتیاط بیشتری تصمیم‌گیری می‌کنند؛ این رفتار محتاطانه به کاهش سرمایه‌گذاری و مصرف منجر شده و در نتیجه فشارهای تورمی را تعدیل می‌کند. علاوه بر این، افزایش نااطمینانی می‌تواند انتظارات تورمی را مهار کرده و سیاست‌گذاران را به اتخاذ رویکردهای انقباضی تر ترغیب کند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نوسانات غیرقابل پیش‌بینی قیمت نفت، از مسیرهای مختلفی همچون کاهش تقاضای کل، تعدیل انتظارات تورمی و محدودیت‌های سیاستی، ممکن است به کاهش نرخ تورم در اقتصاد بینجامد. نتایج این بخش از مطالعه با مطالعات چیوزا و آیه^۱ (۲۰۱۸)، محمدی و همکاران (۱۳۹۸) و کمیجانی و حاجی حیدری (۱۴۰۲) مبنی بر اثرات منفی نااطمینانی قیمت نفت بر تورم مطابقت دارد.

در ادامه کار، پس از حصول اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، مدل تصحیح خطا برآورد شده و نتایج آن در جدول (۶) گزارش شده است. مقدار ضریب تصحیح خطا منفی بوده و بایستی از نظر آماری نیز معنی‌دار باشد. طبق نتایج به دست آمده از مدل تصحیح خطا، ضریب این مدل برابر $0/821-$ می‌باشد. از این رو می‌توان گفت، با ایجاد هر گونه انحرافات متغیر وابسته از تعادل بلندمدت خود، با سرعت $82/1$ تعدیل شده و به سمت بلندمدت حرکت می‌کند.

جدول (۶)؛ برآورد مدل تصحیح خطا

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
ECM	$-0/821$	$0/112$	$-6/48$	$0/00$
Durbin-Watson= $1/86$		R-squared= $0/66$		
F-statistic (Prob)= $5/62$ ($0/000$)		Adjusted R-squared= $0/54$		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

سرانجام به منظور بررسی اثرات نامتقارن نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم از آزمون والد استفاده شده است. جدول (۷)؛ نتایج آزمون مبنی بر بررسی اثرات متقارن شوک‌های مثبت و منفی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی را با استفاده از آزمون والد ارائه می‌کند و بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت؛ فرضیه صفر مبنی بر متقارن بودن اثرات نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم رد می‌شود و لذا اثرات شوک‌های مثبت و منفی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم نامتقارن می‌باشد.

جدول (۷)؛ نتایج آزمون والد

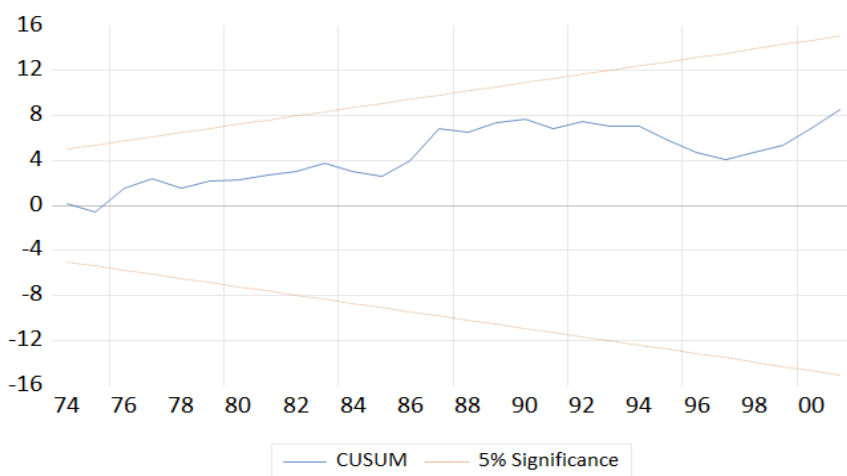
علامت اختصاری	آماره F	آماره χ^2
Lepu	$4/74$	$4/74$
	$(0/038)$	$(0/029)$

مقادیر داخل پرانتز بیانگر ارزش احتمال آزمون است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

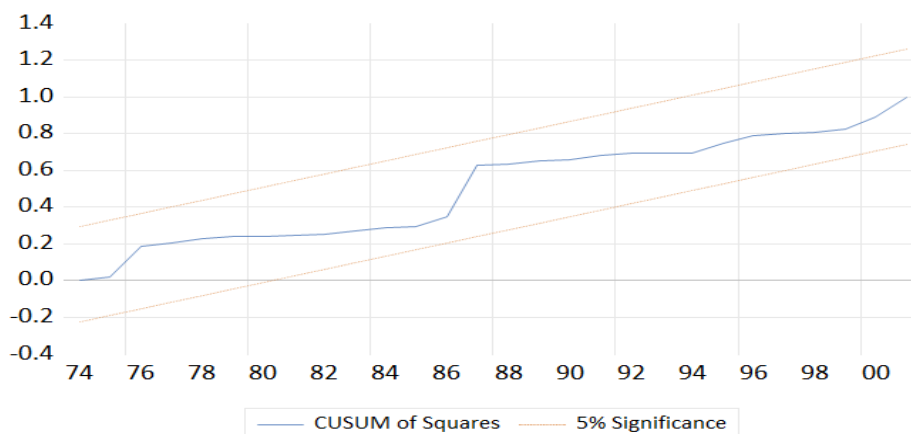
همچنین، به منظور بررسی ثبات ضرایب مدل، از آزمون‌های مجموع تجمعی پسماندهای بازگشتی (CUSUM) و مجموع تجمعی مربع پسماندهای بازگشتی (CUSUMQ) استفاده می‌شود. در این آزمون‌ها فروض صفر بیانگر ثبات ضرایب در سطح ۵

درصد می‌باشد. پس از ترسیم نمودارهای (۱) و (۲)، از آنجایی که؛ آماره آزمون در بین حد فاصل دو خط قرار گرفته است، بدین مفهوم است که ضرایب در سطح معنی‌داری ۵ درصد پایدار هستند.



نمودار (۱)؛ آزمون مجموع تجمعی پسماندهای بازگشتی

مأخذ: یافته‌های تحقیق



نمودار (۲)؛ آزمون مجموع تجمعی مربع پسماندهای بازگشتی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، اثرات نامتقارن نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم در ایران برای دوره زمانی ۱۳۶۰ تا ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدای امر، پس از انجام آزمون ایستایی متغیرها و حصول اطمینان از ایستایی متغیرها از درجه صفر و یک، به برآورد الگوی پویای مدل پرداخته شد. سپس نتایج آزمون هم‌انباشتگی باند، وجود رابطه بلندمدت میان نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و تورم را تأیید کرد. در ادامه، به مطالعه شوک‌های مثبت و منفی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی پرداخته شد. نتایج حاصل نشان داد که در اقتصاد ایران، اثرات شوک‌های نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم مثبت بوده و موجب افزایش تورم می‌شود. با این توضیح که اثرات شوک‌های مثبت نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم بی‌معنی می‌باشد. همچنین، طبق نتایج به دست آمده از تحقیق، اثرگذاری نرخ ارز و نرخ رشد نقدینگی بر تورم در طی دوره زمانی مذکور مثبت می‌باشد. نااطمینانی قیمت نفت نیز اثرات منفی

و معنی‌دار بر تورم دارد. طبق یافته‌های به دست آمده از آزمون والد نیز، نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی اثرات نامتقارن بر تورم در اقتصاد ایران دارد. نتایج تحقیق حاضر با مطالعات (هان و همکاران، ۲۰۱۶؛ سلمی و همکاران ۲۰۲۰ و سمی ابدل‌هاک، ۲۰۲۴)، مبنی بر تأثیر مثبت شوک‌های نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم همسو و سازگار است. این مطالعات نشان می‌دهند که شوک‌های ناشی از نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی از طریق تشدید انتظارات تورمی، افزایش رفتارهای احتیاطی بنگاه‌ها و خانوارها و تضعیف اثربخشی سیاست‌های تثبیتی، منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شوند. در چنین شرایطی، نااطمینانی سیاستی می‌تواند با ایجاد اختلال در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و تولید، فشارهای تورمی را در اقتصاد تشدید کند. در مقابل، نتایج این پژوهش با مطالعات (عبدی سیدکلایی و فیروزبخش، ۱۴۰۲ و الروح^۱، ۲۰۲۵) مبنی بر اثرات مثبت نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم نا سازگار می‌باشد. این تفاوت در نتایج را می‌توان به عوامل متعددی از جمله تفاوت در ساختار اقتصادی کشورها، ویژگی‌های نهادی، دوره زمانی مورد بررسی، نوع شاخص به کاررفته برای سنجش نااطمینانی سیاست اقتصادی و نیز تفاوت در واکنش سیاست‌گذاران به شوک‌های نااطمینانی نسبت داد.

با استناد به نتایج مطالعه حاضر مبنی بر اثرات مثبت نرخ ارز بر تورم، نیاز است که مدیریت نوسانات ارزی به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاران پولی مدنظر قرار گیرد. در این راستا، اتخاذ رژیم ارزی شناور مدیریت شده همراه با مداخلات بانک مرکزی می‌تواند از بروز نوسانات شدید و انتقال شوک‌های ارزی به سطح عمومی قیمت‌ها جلوگیری کند. همچنین، کاهش شکاف میان نرخ‌های رسمی و غیررسمی ارز و تقویت بازارهای رسمی ارزی، نقش مهمی در کاهش انتظارات تورمی ناشی از بی‌ثباتی نرخ ارز خواهد داشت. همچنین، باتوجه به اثر مثبت نرخ رشد نقدینگی بر تورم بیانگر آن است که کنترل تورم بدون اعمال انضباط پولی امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو، ضروری است بانک مرکزی با استفاده از ابزارهای سیاست پولی نظیر عملیات بازار باز و مدیریت نرخ بهره، رشد نقدینگی را در راستای ظرفیت‌های واقعی اقتصاد هدایت کند. در عین حال، محدودسازی تأمین مالی کسری بودجه دولت از منابع بانک مرکزی و اصلاح ساختار ترانزنامه بانک‌ها می‌تواند از فشارهای پولی بر سطح قیمت‌ها بکاهد. همچنین، باتوجه به نتایج مطالعه حاضر مبنی بر اثرات منفی نااطمینانی قیمت نفت بر تورم که می‌تواند ناشی از رویکرد احتیاطی دولت در شرایط افزایش عدم قطعیت قیمت نفت باشد. این یافته اهمیت اتخاذ سیاست‌های مالی را برجسته می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که مخارج دولت از نوسانات کوتاه‌مدت قیمت نفت مستقل شود. در این چارچوب، تقویت صندوق‌های تثبیت درآمدهای نفتی، تدوین بودجه بر اساس مفروضات محافظه‌کارانه نسبت به قیمت نفت و هموارسازی مخارج دولت می‌تواند به کاهش نوسانات تورمی کمک کند. در نهایت، اثرات مثبت نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم نشان می‌دهد که افزایش بی‌ثباتی و عدم پیش‌بینی سیاست‌ها، می‌تواند انتظارات تورمی را تشدید کند؛ بنابراین، افزایش شفافیت در فرآیند سیاست‌گذاری، پایبندی به قواعد مشخص در حوزه‌های پولی و مالی و پرهیز از تصمیمات ناگهانی از جمله اقدامات ضروری برای کاهش نااطمینانی سیاستی محسوب می‌شود. تقویت اعتبار و استقلال نهادهای سیاست‌گذار، به‌ویژه بانک مرکزی و ارائه راهنمایی‌های آینده‌نگر می‌تواند نقش مهمی در مهار تورم و کاهش اثرات تورمی ناشی از ناحیه نااطمینانی سیاست‌ها ایفا کند. همچنین به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اثر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر تورم ماهیتی نامتقارن دارد، به‌طوری‌که شوک‌های منفی نااطمینانی سیاستی تأثیر قوی‌تر بر پویایی‌های تورمی نسبت به شوک‌های مثبت دارند. این یافته بیانگر آن است که کاهش نااطمینانی سیاستی الزاماً به کاهش سریع و متناظر نرخ تورم منجر نمی‌شود. از این رو،

سیاست‌گذاران اقتصادی نباید صرفاً به کاهش مقطعی نااطمینانی اکتفا کنند، بلکه لازم است با اتخاذ سیاست‌های پایدار، شفاف و قابل پیش‌بینی و همچنین هماهنگی میان سیاست‌های پولی و مالی، زمینه کاهش پایدار فشارهای تورمی را فراهم آورند.

منابع

- اصغریور، ح.، فلاحی، ف. و تلسچی، ا. (۱۳۹۰). بررسی اثرات نامتقارن شوک‌های پولی بر قیمت در ادوار تجاری ایران با استفاده از تکنیک مارکوف - سوئیچینگ. اقتصاد و الگوسازی، ۲(۷-۸)، ۲۲۲-۱۸۳.
- ایزائلو، ا. (۱۴۰۴). تحلیل نامتقارن اثر نوسانات نرخ ارز، نقدینگی و رشد اقتصادی بر تشکیل سرمایه در ایران: رویکرد نهادی-رفتاری با استفاده از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی (NARDL). مطالعات بین رشته‌ای اقتصاد، ۱(۳)، ۱۱۵-۱۴۲.
- عبدی سید کلابی، م. و فیروزبخش، س. (۱۴۰۲). بررسی نقش نااطمینانی سیاست پولی در اثرگذاری آن بر تولید و تورم در اقتصاد ایران. نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۱(۱۰)، ۱۹۰-۱۶۵.
- علی مرادی افشار، پ.، عزیزی، و و بهرامی نرانی، ف. (۱۴۰۴). تاثیر اقتصاد سایه، ثبات سیاسی و عدم قطعیت جهانی بر تورم در ایران. توسعه و سرمایه، ۱۰(۲)، ۹۰-۶۳.
- کميجانی، او حاجی حیدری، آ. (۱۴۰۲). اثر نامتقارن قیمت نفت، نااطمینانی قیمت نفت و تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی و تورم در ایران. دو فصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۱۰(۲)، ۲۱۸-۱۸۹.
- گودرزی فراهانی، ی. و عباسی نژاد، ح. (۱۴۰۲). سنجش تاثیر تکانه نااطمینانی اقتصادی بر متغیرهای کلان اقتصادی: رویکرد تعادل عمومی پویای تصادفی. اقتصاد باثبات، ۴(۳)، ۱۳۳-۱۰۶.
- لعل خضری، ح. و آشنا، م. (۱۴۰۲). بررسی رابطه پویای عدم اطمینان سیاست اقتصادی جهانی با تورم و نااطمینانی تورم در ایران. اقتصاد و تجارت نوین، ۱۱(۱)، ۱۷۱-۱۴۹.
- محمدی، ت.، قاسمی، ع.، خورسندی، م. و باقری، ص. (۱۳۹۸). اثرات شوک قیمت نفت بر متغیرهای کلان اقتصادی کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت در اقتصاد جهانی: رهیافت Global VAR. فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۵(۶۳)، ۹۸-۵۷.
- مهرگان، ن.، بوشهری، م. و احمدی، ا. (۱۴۰۴). تحلیل تاثیر تکانه‌های سیاست پولی بر نابرابری درآمد در ایران: کاربرد مدل خودرگرسیون برداری. مطالعات بین رشته‌ای اقتصاد، ۱(۱)، ۸۸-۵۵.
- یاوری فر، آ.، امامی، ک. و محمدی، ت. (۱۴۰۲). اثرات شوک ناشی از نااطمینانی سیاست اقتصادی بر اقتصاد ایران با رویکرد DSGE. سیاست گذاری اقتصادی، ۱۵(۳۰)، ۶۶-۳۸.
- یاوری، ک.، سحابی، ب.، عاقلی، ل.، شفیع، س. (۱۳۹۵). نااطمینانی نسبت به سیاست‌های پولی و آثار اقتصادی آن. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ۱۳(۱)، ۹۶-۶۹.
- Abdi Seyedkalayi, M., & Firoozbakhsh, S. (2023). Investigating the role of monetary policy uncertainty in its effects on output and inflation in the Iranian economy. *Applied Theories of Economics*, 1(10), 165–190. (In Persian).
- Abubakar, M. A., Apeh, K., & Nweze, O. N. (2021). An econometric assessment of the impact of exchange rate depreciation on inflation in Nigeria (1981-2017). *Nigerian Annals Of Pure And Applied Sciences*, 4(1), 160-167.
- Adeosun, O. A., Tabash, M. I., Vo, X. V., & Anagreh, S. (2023). Uncertainty measures and inflation dynamics in selected global players: a wavelet approach. *Quality & Quantity*, (57)4, 3389-3424.
- Akshaya, A., & Gopalakrishna, B. V. (2025). Impact of climate and economic policy uncertainties on inflation in India: using the vector error correction model approach. *Asia-Pacific Journal of Regional Science*, (9)2, 1-20.
- Alam, I., & Quazi, R. (2003). Determinants of capital flight: An econometric case study of Bangladesh. *International Review of Applied Economics*, 17(1), 85-103.
- Albahouth, A. A. (2025). The Impact of Supply Chain Disruptions and Global Uncertainty on Inflation Rate in Saudi Arabia. *Risks*, 13(3), 54.

- Ali Moradi Afshar, P., Azizi, V., & Bahrami Narani, F. (2025). The impact of shadow economy, political stability, and global uncertainty on inflation in Iran. (*Development and Capital*), 10(2), 63–90. (In Persian).
- Al-Thaqeb, S. A., & Algharabali, B. G. (2019). Economic policy uncertainty: A literature review. *The Journal of Economic Asymmetries*, 20, e00133.
- Anderl, C., & Caporale, G. M. (2023). Asymmetries, uncertainty and inflation: evidence from developed and emerging economies. *Journal of Economics and Finance*, 47(4), 984-1017.
- Arestis, P., González-Martínez, A. R., & Dejuán, Ó. (2016). Investment, financial markets and uncertainty. *Economia e Sociedade*, 25(3), 511-532.
- Asgharpur, H., Fallahi, F., & Talleshi, E. (2011). Asymmetric effects of monetary shocks on prices in business cycles of Iran using Markov-Switching technique. *Economics and Modelling*, 2(7–8), 183–222. (In Persian).
- Athari, S. A., Kirikkaleli, D., Yousaf, I., & Ali, S. (2022). Time and frequency co-movement between economic policy uncertainty and inflation: Evidence from Japan. *Journal of Public Affairs*, 22, e2779.
- Aytaç, D., & Saraç, T. B. (2022). Economic policy uncertainty, interest rates and inflation: evidence from selected Latin American emerging markets. *JOEEP: Journal of Emerging Economies and Policy*, 7(2), 578-590.
- Baker, S. R., Bloom, N., & Davis, S. J. (2016). Measuring economic policy uncertainty. *The quarterly journal of economics*, 131(4), 1593-1636.
- Banerjee, A., Dolado, J. J., Galbraith, J. W., & Hendry, D. (1993). Co-integration, error correction, and the econometric analysis of non-stationary data. Oxford university press.
- Bernanke, B. S. (1983). Irreversibility, uncertainty, and cyclical investment. *The quarterly journal of economics*, 98(1), 85-106.
- Bilgili, F., Kuşkaya, S., Gençoğlu, P., Ünlü, F., & Magazzino, C. (2024). Exchange rate pass-through at high and low frequencies in Turkey: a continuous wavelet transform model approach. *Journal of Economic Structures*, 13(1), 21.
- Bloom, N. (2009). The impact of uncertainty shocks. *econometrica*, 77(3), 623-685.
- Bloom, N. (2014). Fluctuations in uncertainty. *Journal of Economic Perspectives*, 28(2), 153-176.
- Chiweza, J. T., & Aye, G. C. (2018). The effects of oil price uncertainty on economic activities in South Africa. *Cogent Economics & Finance*, 6(1), 1518117.
- Edvinsson, R., Karlsson, S., & Österholm, P. (2025). Does money growth predict inflation in Sweden? Evidence from vector autoregressions using four centuries of data. *Empirical Economics*, 68(4), 1613-1635.
- Elroukh, A. W. (2025). The asymmetric impact of global economic policy uncertainty on inflation in Egypt. *International Journal of Economics and Business Research*, 29(16), 1-23.
- Goudarzi Farahani, Y., & Abbasi Nejad, H. (2023). Measuring the impact of economic uncertainty shocks on macroeconomic variables: A stochastic dynamic general equilibrium approach. *Stable Economy Journal*, 4(3), 106–133. (In Persian).
- Granger, C. W., & Yoon, G. (2002). Hidden cointegration. U of California. *Economics Working Paper*, (2002-02), 10.
- Han, L., Qi, M., & Yin, L. (2016). Macroeconomic policy uncertainty shocks on the Chinese economy: a GVAR analysis. *Applied Economics*, 48(51), 4907-4921.
- Haque, Q., & Magnusson, L. M. (2021). Uncertainty shocks and inflation dynamics in the US. *Economics Letters*, 202, 109825.
- Ikue, N. J., Ofuru, B., Onodjaefe, J. J., Onuosa, C. O., Ajaba, J., & Emeke, N. J. (2024). Asymmetric exchange rate pass-through and inflation rate in Nigeria. *International Journal of Research in Business and Social Science*, 13(7), 282-292.
- Istiak, K. (2022). Economic policy uncertainty and the real economy of Singapore. *The Singapore Economic Review*, 67(04), 1307-1331.
- Istiak, K., & Alam, M. R. (2019). Oil prices, policy uncertainty and asymmetries in inflation expectations. *Journal of Economic Studies*, 46(2), 324-334.

- Istiak, K., & Serletis, A. (2018). Economic policy uncertainty and real output: Evidence from the G7 countries. *Applied Economics*, 50(39), 4222-4233.
- Istrefi, K., & PiloIU, A. (2014). Economic policy uncertainty and inflation expectations.
- Izanlo, O. (2025). Asymmetric Effects of Exchange Rate Volatility, Liquidity, and Economic Growth on Capital Formation in Iran: An Institutional–Behavioral Approach Using the Nonlinear Autoregressive Distributed Lag (NARDL) Model. *Interdisciplinary Studies in Economics*, 1(3), 115-142. (In Persian).
- Jespersen, J. (2009, July). Post-Keynesian economics: uncertainty, effective demand & (un) sustainable development. In Dijon-Conference, Dijon (pp. 10-12).
- Jones, P. M., & Olson, E. (2013). The time-varying correlation between uncertainty, output, and inflation: Evidence from a DCC-GARCH model. *Economics Letters*, 118(1), 33-37.
- Knight, F. H. (1921). Risk, uncertainty and profit (Vol. 31). Houghton Mifflin.
- Komjani, A., & Haji Heydari, A. (2023). The Assymetric Impact of Oil Price, Oil Price Uncertainty and Economic Sanctions on Economic growth and Inflation in Iran. *The Two Scientific quarterly journals os Studies and Economic Policies*, 10(2), 189-218. (In Persian).
- Laal Khezri, H., & Ashena, M. (2023). Investigating the dynamic relationship of global economic policy uncertainty with inflation and inflation uncertainty in Iran. *Modern Economics and Trade*, 18(1), 149–171. (In Persian).
- Lam, H. T., Trinh, H. B. K., Hoai, N. T. M., Nghia, P. T., & My, B. H. (2024). The economic policy uncertainty, oil price volatility and economic growth of Vietnam.
- Leduc, S., & Liu, Z. (2016). Uncertainty shocks are aggregate demand shocks. *Journal of monetary economics*, 82, 20-35.
- Lensink, R. (2001). Financial development, uncertainty and economic growth. *De Economist*, 149(3), 299-312.
- Long, S., Li, J., & Luo, T. (2023). The asymmetric impact of global economic policy uncertainty on international grain prices. *Journal of Commodity Markets*, 30, 100273.
- Mehregan, N., Bousherhri, M., & Ahmadi, A. (2025). Analysis of the Impact of Monetary Policy Shocks on Income Inequality in Iran: Application of the Vector Autoregression Model. *Interdisciplinary Studies in Economics*, 1(1), 55-88. (In Persian).
- Meinen P, Roehe O. To sign or not to sign? On the response of prices to financial and uncertainty shocks. *Econ. Lett.*
- Mohammadi, T., Ghassemi, A., & Khorsandi. M., Bagheri, S. (2020). Impacts of Oil Price Shocks on Macroeconomic Variables of Oil Exporting and Importing Countries: A Global VAR Approach. *Quarterly Energy Economics Review*, 15 (63), 57-98. (In Persian).
- Moldovan, P., Lagoa, S. & Mendes, D. (2022). Does economic policy uncertainty impact inflation?. In *MIRDEC 18th International Academic Conference Economics, Business and Contemporary Discussions in Social Science: Conference Proceedings*. MIRDEC.
- Mumtaz, H., & Theodoridis, K. (2018). The changing transmission of uncertainty shocks in the US. *Journal of Business & Economic Statistics*, 36(2), 239-252.
- Narayan, P. K., & Narayan, S. (2005). Estimating income and price elasticities of imports for Fiji in a cointegration framework. *Economic Modelling*, 22(3), 423-438.
- Pesaran, M. H., Shin, Y., & Smith, R. J. (2001). Bounds testing approaches to the analysis of level relationships. *Journal of applied econometrics*, 16(3), 289-326.
- Rodrik, D. (1991). Policy uncertainty and private investment in developing countries. *Journal of Development Economics*, 36(2), 229-242.
- Sami, B., & Abdelhak, L. (2024). The Relationship between Economic Policy Uncertainty and Inflation in Japan: An Econometric Estimation For the Period (2000-2024). *Finance & Business Economics Review*, 8(2).
- Schorderet, Y. (2003). *Asymmetric cointegration*. Genève: Université de Genève/Faculté des sciences économiques et sociales.
- Selmi, R., Bouoiyour, J., Wohar, M. E., & Errami, Y. (2020). Is there an effect of policy-related uncertainty on inflation? evidence from the United States under Trump. *Applied Economics*, 52(35), 3858-3873.

- Shin, Y., Yu, B., & Greenwood-Nimmo, M. (2014). Modelling asymmetric cointegration and dynamic multipliers in a nonlinear ARDL framework. *Festschrift in honor of Peter Schmidt: Econometric methods and applications*, 281-314.
- Sinah, S. (2018). Empirical study of relationship between money supply and inflation based on data from new standardised reporting format. *International Journal of Economics and finance*, 10(1), 213-219.
- Stock, J. H., & Watson, M. W. (2012). *Disentangling the Channels of the 2007-2009 Recession* (No. w18094). National Bureau of Economic Research.
- Wen, J., Khalid, S., Mahmood, H., & Yang, X. (2022). Economic policy uncertainty and growth nexus in Pakistan: a new evidence using NARDL model. *Economic Change and Restructuring*, 1-15.
- Wen, J., Khalid, S., Mahmood, H., & Zakaria, M. (2021). Symmetric and asymmetric impact of economic policy uncertainty on food prices in China: A new evidence. *Resources Policy*, 74, 102247.
- Yavari, K., Sahabi, B., Agheli, L., & Shafiei, S. (2016). Uncertainty in monetary policy and its economic impacts: A combination of VAR and GARCH. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (Formerly Economic Studies)*, 13(1), 69–96. (In Persian).
- Yavarifar, A., Emami, K., & Mohammadi, T. (2023). Effects of shocks from economic policy uncertainty on Iran's economy: A DSGE approach. *Economic Policy*, 15(30), 38–66. (In Persian).



The Impact of the Environment on Economic Behavior from the Perspective of the Holy Qur'an

Alireza Lashkari¹ , and Masoud Davodipoor² 

1. Associate Professor, Department of Economics, Social Sciences Research Institute, University and Seminary Research Institute, Qom, Iran. Email: alilashkari@rihu.ac.ir
2. PhD student in Islamic Economics, Hawza and University Research Center, Qom, Iran and researcher at Qasd Institute (corresponding author). Email: mdavoodipoor@rihu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/08/10

Received in revised form:
2025/12/08

Accepted: 2026/03/03

Available online: 2026/03/31

Keywords:

Holy Qur'an, Economics,
Environmental Influence,
Economic Behavior.

ABSTRACT

Economic behavior is a systematic study aimed at understanding the causes of human economic behaviors, improving predictions, guiding decision making, and controlling their consequences, with the purpose of uncovering hidden realities within economic actions and correcting undesirable behavioral patterns. The necessity of understanding the influence of the turbulent and dynamic economic environment on economic behavior—especially in the age of communication, information, and technological innovations, alongside severe economic fluctuations and the need for rapid responses to changes as a competitive advantage—has become increasingly evident. This study, with both fundamental and applied objectives, examines the issue of economic behavior from the perspective of the Qur'an by employing a descriptive–analytical–interrogative method and content analysis, in order to elucidate the perspective of the revelatory sphere on human behavior in the field of economics. The findings indicate that the Holy Qur'an, while acknowledging the influence of environmental factors in shaping economic behavior, adopts a more comprehensive perspective than conventional economics. It challenges some of its achievements regarding views of human beings, the economy, and the surrounding environment, and while expanding the boundaries of this field of knowledge, emphasizes the active, ethically oriented, and purposeful interaction of the economic human with the environment. The innovation of this study lies in explaining the distinctive Qur'anic view of the economic environment—one which, contrary to behavioral and institutional economics, does not consider human beings as captives of environmental conditions. Rather, it introduces humans as free and environment shaping beings who, relying on faith, ethics, and divine guidance, are capable of transforming their environment. The revelatory discourse emphasizes the influence of the environment on the formation of economic perceptions, the decision making process, economic learning, economic identity, and the culture of consumption and production; however, unlike purely deterministic perspectives in economic theories, it does not regard humans as subdued by the environment. Moreover, it does not limit the factors affecting economic behavior to conventional economic, technological, social, cultural, and political variables; rather, it also considers unseen and metaphysical dimensions as influential components in economic behavior.

Cite this article: Lashkari, Alireza; Davodipoor, Masoud (2026). The Impact of the Environment on Economic Behavior from the Perspective of the Holy Qur'an, *Interdisciplinary Studies in Economics*, 2(1), 28 - 46. <https://doi.org/10.22091/ise.2026.13591.1052>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.

DOI: <http://doi.org/10.22091/ise.2026.13591.1052>

JEL Classification: D91 ·D81 ·Z12 ·P46

اثرگذاری محیط بر رفتار اقتصادی از منظر قرآن کریم

علیرضا لشکری^۱، و مسعود داودی پور^۲

۱. دانشیار گروه اقتصاد، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. رایانامه: alilashkari@rihu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران و پژوهشگر اندیشکده قصد (نویسنده مسئول). رایانامه: mdavoodipoor@rihu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۱

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم، اقتصاد، اثرگذاری محیط، رفتار اقتصادی.

رفتار اقتصادی مطالعه‌ای نظام‌مند در راستای درک علل رفتارهای اقتصادی انسان، بهبود پیش‌بینی‌ها، هدایت تصمیم‌گیری‌ها و کنترل پیامدهای آن، با هدف پرده‌برداری از واقعیت‌های پنهان در کنش‌های اقتصادی و اصلاح الگوهای رفتاری نامطلوب است. ضرورت درک تأثیر محیط پرتلاطم و پویای اقتصادی بر رفتار اقتصادی، به‌ویژه در عصر ارتباطات، اطلاعات و نوآوری‌های فناورانه، نوسانات شدید اقتصادی و همچنین لزوم واکنش سریع به تغییرات به‌عنوان مزیت رقابتی، بیش از پیش آشکار شده است. این پژوهش با اهداف بنیادی و کاربردی، مسئله رفتار اقتصادی را از منظر قرآن، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی - استنتاجی و تحلیل محتوا، به‌منظور تبیین نگاه سپهر و حیانی به رفتار انسان در عرصه اقتصاد، مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم علاوه بر توجه به تأثیر عوامل محیطی در شکل‌گیری رفتار اقتصادی با نگاهی جامع‌تر از اقتصاد متعارف، دستاوردهای آن را در حوزه نگرش به انسان، اقتصاد و محیط پیرامونی به چالش کشیده و ضمن گسترش مرزهای این دانش، بر تعامل فعالانه، اخلاق‌محور و هدفمند انسان اقتصادی با محیط تأکید دارد. نوآوری این پژوهش در تبیین نگرش متمایز قرآن نسبت به محیط اقتصادی است: نگرشی که برخلاف اقتصاد رفتاری و نهادگرا، انسان را اسیر شرایط محیطی نمی‌داند، بلکه او را موجودی مختار و محیط‌ساز معرفی می‌کند که با اتکا به ایمان، اخلاق و هدایت الهی، می‌تواند محیط را دگرگون سازد. بیان و حیانی بر تأثیر محیط بر شکل‌گیری ادراکات اقتصادی، فرآیند تصمیم‌گیری، یادگیری اقتصادی، هویت اقتصادی و فرهنگ مصرف و تولید تأکید می‌ورزد؛ اما برخلاف دیدگاه‌های صرفاً جبری در نظریه‌های اقتصادی، انسان را مقهور محیط نمی‌داند. افزون بر این، عوامل مؤثر بر رفتار اقتصادی را محدود به متغیرهای مرسوم اقتصادی، فناوری، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نمی‌داند؛ بلکه ابعاد غیبی و ماورایی را نیز به‌عنوان مؤلفه‌های اثرگذار در رفتار اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد.

استناد: لشکری، علیرضا؛ داودی پور، مسعود (۱۴۰۵). اثرگذاری محیط بر رفتار اقتصادی از منظر قرآن کریم. *مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد*، ۲ (۱)، ۴۶-۲۸.

<https://doi.org/10.22091/ise.2026.13591.1052>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه قم.

طبقه‌بندی JEL: D91، D81، Z12، P46

مقدمه

رفتار اقتصادی انسان، عرصه‌ای است که در آن انتخاب‌ها و کنش‌های فردی و جمعی تحت تأثیر عوامل گوناگون شکل می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین این عوامل، «محیط» است؛ محیطی که در قالب ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی معنوی، بر ادراک، تصمیم‌گیری و انگیزش اقتصادی انسان اثر می‌گذارد. از این رو، بررسی نسبت میان محیط و رفتار اقتصادی، به یکی از محورهای مهم در تحلیل‌های اقتصادی معاصر تبدیل شده است.

در ادبیات اقتصاد رفتاری و نظریه‌های نهادگرا، محیط معمولاً به‌عنوان عاملی بیرونی و گاه تعیین‌کننده رفتار اقتصادی معرفی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که کنش اقتصادی انسان تا حد زیادی تابع شرایط پیرامونی تلقی می‌گردد. با این حال، پرسش اساسی آن است که آیا در جهان بینی قرآنی نیز محیط چنین نقشی دارد؟ به بیان دیگر، قرآن کریم به‌عنوان منشور هدایت انسان، چه نگاهی به رابطه میان محیط و رفتار اقتصادی ارائه می‌دهد و جایگاه اختیار، مسئولیت و نقش فعال انسان در مواجهه با محیط چگونه تبیین می‌شود؟ اهمیت این پرسش از آن جهت است که قرآن کریم، در کنار تأکید بر واقعیت‌های اجتماعی و اثرگذاری شرایط بیرونی، تصویری متمایز از انسان ارائه می‌کند؛ انسانی که صرفاً محصول محیط نیست، بلکه می‌تواند با ایمان، آگاهی و کنش مسئولانه، به اصلاح و تغییر محیط اقتصادی بپردازد. از این رو، تبیین نگرش قرآن نسبت به نقش محیط در رفتار اقتصادی، می‌تواند افق تازه‌ای در فهم مبانی اقتصاد اسلامی بگشاید و تمایز آن را با رویکردهای متعارف اقتصادی آشکار سازد.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که محیط در نگاه قرآن کریم چگونه بر رفتار اقتصادی انسان اثر می‌گذارد و این اثرگذاری چه تفاوتی با تبیین‌های رایج در نظریه‌های اقتصادی دارد؟

هدف این پژوهش، تبیین نقش محیط در رفتار اقتصادی انسان از منظر قرآن کریم، با تمرکز بر استخراج مبانی، ابعاد و الگوهای قرآنی این رابطه و نشان‌دادن تمایز بنیادین آن با دیدگاه‌های متعارف است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد استنتاجی، به تحلیل آیات قرآن کریم پرداخته و می‌کوشد اصول راهنمای تعامل انسان اقتصادی با محیط را در چارچوب جهان‌بینی قرآنی تبیین نماید.

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

پیشینه تحقیق

با بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط، رضوی (۱۳۸۱) در پایان‌نامه خود با تمرکز بر «رفتار اقتصادی کارگزاران حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)»، به تبیین سلوک معیشتی مطلوب کارگزاران پرداخته و ضمن واکاوی ویژگی‌های اجتماعی عصر حکومت ایشان، راهبردهای مقابله با گرایش‌های دنیاگرایانه و اشراف‌منشانه را بر اساس سیره علوی بیان کرده است. هادوی‌نیا (۱۳۸۳) با استناد به آیات قرآن، رفتارهای اقتصادی را بر اساس دو رویکرد مادی‌گرایی و فطرت‌گرایی تحلیل کرده و کارکرد این دو نگرش را در بهینه‌سازی تخصیص و توزیع منابع و درآمد مورد ارزیابی قرار داده است. رضاییان و همکاران (۱۳۹۲) نیز با رویکردی سیستمی، مدلی جامع از رفتار انسان از منظر قرآن کریم ارائه کرده‌اند که با بهره‌گیری از روش تحقیق موضوعی، شناسایی کلیدواژه‌ها، استخراج و طبقه‌بندی آیات و تدوین مدل‌های توصیفی رفتاری مبتنی بر مضامین قرآنی صورت گرفته است. در حوزه مقایسه‌ای، قاسمی (۱۳۹۳) با بررسی تطبیقی «سنن الهی» و «قوانین طبیعی» در مکتب فیزیوکراسی، به تحلیل تأثیر این دو بر مبانی رفتار اقتصادی انسان پرداخته و نقش آموزه‌های توحیدی اسلام را در شکل‌دهی رفتار اقتصادی تبیین نموده است. شعبانی و عربلو (۱۳۹۴) با تمرکز بر «مؤلفه‌های کنترلی

حاکم بر انگیزه و رفتار اقتصادی»، دو دسته عوامل بیرونی و درونی را شناسایی کرده و یاد مرگ، ناپایداری نعمت‌های دنیوی، ساده‌زیستی و همنشینی با فقرا را از جمله مؤلفه‌های مؤثر بر کنترل انگیزه‌های مادی برشمرده‌اند. همچنین، پورفرج و همکاران (۱۳۹۴) در قالب مطالعه‌ای آزمایشگاهی به بررسی رابطه دینداری و رفتار اقتصادی پرداخته و از طریق فراتحلیل پژوهش‌های پیشین، تأثیر معنادار دینداری در کنار سایر ویژگی‌های فردی بر رفتار اقتصادی را تأیید کرده‌اند. در نهایت، کریمی (۱۴۰۰) در رساله دکتری خود با تمرکز بر «الگوی فرهنگ‌سازی رفتار اقتصادی مطلوب از دیدگاه قرآن کریم»، به تبیین نقشه‌ای کلان برای گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در مکتب اقتصاد اسلامی پرداخته است و الگویی جامع برای فرهنگ‌سازی رفتار اقتصادی ارائه کرده که در آن هم عامل انسانی و هم نهادها و سازمان‌های فرهنگ‌ساز مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جمع‌بندی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که تمامی پژوهش‌های انجام‌شده، عمدتاً بر موضوعاتی مانند رفتار اقتصادی و قرآن تمرکز داشته‌اند و اغلب مطالعات، رفتار اقتصادی را از منظر آیات، روایات و سیره پیامبر اکرم ﷺ مورد بررسی قرار داده‌اند؛ از این جهت، اشتراکاتی میان آن‌ها و پژوهش حاضر وجود دارد. اما نکته مهم آن است که هیچ‌یک از تحقیقات پیشین، به‌طور خاص به بررسی دیدگاه‌های قرآن کریم درباره تأثیر محیط بر رفتار اقتصادی انسان پرداخته‌اند.

از این منظر، پژوهش حاضر دارای نوآوری و تمایز نسبت به مطالعات پیشین است؛ چراکه به‌صورت متمرکز و نظام‌مند به تبیین رابطه میان محیط و رفتار اقتصادی از منظر قرآن کریم می‌پردازد؛ موضوعی که پیش از این، مورد توجه مستقلی قرار نگرفته است.

مفهوم‌شناسی

اثرگذاری: اثر، باقی‌مانده از شیء، به معنای نشانه‌ای از شیء تأثیرگذار در شیء تأثیرپذیر است که در واقع به باقی ماندن اثر در شیء «اثر» گویند (معلوف، ۱۳۸۴: ۶). به‌طور کلی، اثر عبارت است از علامت و نشانه‌ای که از چیزی یا از کسی باقی ماند، خواه بنایی باشد یا دینی یا بدعتی یا جای پای یا غیر از این موارد (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲). بنابراین، مراد از اثرگذاری در عنوان پژوهش، تأثیر دادوستدی محیط بر رفتار اقتصادی است.

محیط اقتصادی: درباره محیط اقتصادی، تعاریف و مفاهیم متعددی ارائه شده است. محیط اقتصادی به مجموعه پدیده‌ها و شرایط پیرامونی‌ای اطلاق می‌شود که بر رفتار و تصمیمات کنشگران اقتصادی تأثیر می‌گذارد. این عوامل معمولاً شامل مواردی نظیر سیاست‌های دولتی، شرایط بازار (نظیر عرضه و تقاضا)، رقابت، فناوری‌های نوین، قیمت نهاده‌ها، سطح اشتغال، تورم، نهادهای اقتصادی و فرهنگ مصرف‌کنندگان (رضاییان، ۱۳۷۶: ۱۵۴). به‌عبارت‌دیگر، اگر کل نظام هستی یا جامعه اقتصادی در نظر گرفته شود و زیرمجموعه‌ای از آن، یعنی نظام یا واحد اقتصادی، جدا گردد، آنچه باقی می‌ماند محیط اقتصادی خواهد بود (توکلی و همکاران، ۱۴۰۱).

رفتار اقتصادی: رفتار اقتصادی نوعی عمل انسانی است که بر پایه بینش‌ها و نگرش‌ها شکل می‌گیرد و می‌تواند ابعادی عینی، ذهنی یا احساسی داشته باشد. این رفتار معمولاً شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های هدفمند است و عمل، به‌معنای انجام کاری با قصد و آگاهی توسط موجودی دارای شعور تعریف می‌شود. اعمال واقعی و عینی افراد که با اراده و اختیار انجام می‌پذیرند، به‌گونه‌ای سازمان‌دهی می‌شوند که منابع محدود بهینه تخصیص یافته و در فرایند تأمین، توزیع و مصرف، به رفع نیازهای معیشتی فرد و جامعه کمک کنند؛ به‌گونه‌ای که هدف نهایی آن هدایت توسعه و پیشرفت اقتصادی مطلوب است (کریمی، ۱۴۰۰: ۳۸ - ۳۹).

مبانی رفتار اقتصادی از منظر اقتصاد رفتاری

از جمله عوامل تأثیرگذار بر رفتار اقتصادی، محیط اقتصادی و اجتماعی است. این محیط در سطوح مختلف - اعم از سطح فردی، خانوادگی، نهادی و ملی - بر تصمیمات اقتصادی افراد اثر می‌گذارد. امروزه شواهد فراوانی وجود دارد که محیط یکی از متغیرهای کلیدی و تأثیرگذار در رفتار اقتصادی انسان است. درخصوص اثر محیط بر رفتار اقتصادی، نظریه‌های گوناگونی از سوی اندیشمندان اقتصاد رفتاری، اقتصاد نهادگرا و اقتصاد اجتماعی ارائه شده است (حاجی‌ملادرویش، ۱۳۹۷: ۳۳). بی‌تردید، محیط در شکل‌گیری و جهت‌دهی به رفتار اقتصادی افراد و جوامع نقش مهمی دارد. درواقع، محیط رفتارهای اقتصادی انسان را شکل می‌دهد، الگوهای تصمیم‌گیری او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حتی در ساخت شخصیت اقتصادی، تمایلات مصرفی و روحیه ریسک‌پذیری او نقش دارد (رهبر و همکاران، ۱۳۹۲).

در نظریات اقتصاد رفتاری، انسان اقتصادی دارای قدرت محاسبه محدودی است، به‌شدت از فضای پیرامونی خود - اعم از اجتماع، خانواده، محل کار و سایر اطرافیان - تأثیر می‌گیرد، دارای اقدامات متقابل است، تسلط کمی بر اقدامات خود دارد، بیشتر به آینده نزدیک فکر می‌کند تا بلندمدت، از ضرر فراری است، در دو حالت آرامش و آشوب درونی تصمیم‌های متفاوت می‌گیرد، برایش رضایت مهم‌تر از بیشینه‌سازی است، بر اساس اصول و قوانین کلی تصمیم می‌گیرد و تمایل زیادی برای حفظ شرایط فعلی و بازگشت به حالت اولیه دارد (ریلی، ۲۰۱۷).

نکته مهم در تحلیل اقتصاد رفتاری این است که انسان دارای خویشتن‌داری محدود است؛ به این معنا که افراد قادر به کنترل کامل نفس خود نیستند و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ممکن است تصمیمات متفاوتی اتخاذ کنند. از دیدگاه اقتصاد رفتاری، افراد تمایل دارند با استفاده از میانبرها فرآیند تصمیم‌گیری را تسریع کنند؛ زیرا به‌طور معمول هزینه‌ای برای کسب اطلاعات صرف نمی‌کنند و به جای آن، به اطلاعات موجود و راهنمایی‌های اطرافیان تکیه می‌کنند تا تصمیمات خود را اتخاذ کنند (عسگری و ابراهیمی، ۱۳۹۹).

از دیگر مبانی اقتصاد رفتاری، تمایل بودن افراد به بازگشت به حالت اولیه خود است؛ ترجیح انسان آن است که به رفتارهایی که همیشه انجام می‌داده ادامه دهد، انتخاب‌های خود را تکرار کند و این عملیات را به‌صورت خودکار و بدون در نظر گرفتن قوه عاقله انجام دهد. از این رو، برای ایجاد تغییر در تصمیم‌گیری، نیاز به ایجاد انگیزه‌ای قدرتمند در افراد وجود دارد تا بر بازگشت به حالت اولیه آن‌ها غلبه داشته باشد (قویدل، ۱۳۹۸: ۳۱).

اقتصاد رفتاری مبتنی بر نظریات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی معتقد است که بسامد رفتارها و عادت‌های گذشته بر رفتار کنونی اثرگذاری دارد، حتی اگر آگاهانه به این فکر کنند که کار بهتر چیست (رهبر و امیری، ۱۳۹۳). با این نگاه، به خلاف نظریه عمومیت عقلانیت در اقتصاد متعارف، ترجیحات افراد همواره ثابت و سازگار نیستند و در بستر فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و نهادی شکل می‌گیرند که با تغییر این بستر، ترجیحات و تصمیم افراد تغییر می‌کند. اقتصاددانان در این حالت به دنبال چگونگی تأثیر هنجارها بر رفتارهای اقتصادی می‌رود و آن را تحلیل و پیش‌بینی می‌کند (کارترایت، ۱۳۹۶: ۵۱۶).

در این دیدگاه، تصمیمات افراد تحت سیطره اجتماع شکل می‌گیرد و هنجارهای اجتماعی بر روند تصمیم‌گیری‌ها بسیار مؤثر است. به این معنا که انگیزش، عاطفه، احساس، شهود و سایر مؤلفه‌های شناختی که در اقتصاد متعارف در نظر گرفته نمی‌شود، در اقتصاد رفتاری تعیین‌کننده است (کریم‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۵۶). مرزهای عقلانیت در اقتصاد رفتاری با ترکیب بینش‌های علمی چون

روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست و حقوق در پی رسیدن به نگرشی واقعی درباره نحوه تصمیم‌گیری بازیگران اقتصادی است که توضیح‌دهندگی نسبت به تأثیر ساختار محیط بر رفتار و انتخاب افراد دارد (آلتمن، ۲۰۰۶).

هرچند اقتصاد رفتاری با عبور از نگاه خشک و مکانیکی اقتصاد کلاسیک، نقش عوامل روانی، اجتماعی و محیطی را در تصمیم‌گیری اقتصادی برجسته کرده است، اما همچنان در چارچوب انسان‌محوری و عقلانیت محدود باقی می‌ماند. در این رویکرد، محیط بیرونی عامل تعیین‌کننده رفتار تلقی می‌شود و انسان اقتصادی بیشتر موجودی واکنش‌گر است تا کنش‌گر؛ در حالی که قرآن کریم با نگاه توحیدی خود، ضمن پذیرش تأثیر محیط، محوریت را به اختیار، فطرت و مسئولیت انسان می‌دهد. از نظر قرآن، انسان موجودی است که می‌تواند در پرتو ایمان و تقوا، جهت تأثیر محیط را تغییر دهد و حتی محیط نامطلوب را به محیطی الهی و سازنده بدل کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱).

در اقتصاد رفتاری، تصمیم‌گیری اقتصادی تابع ادراکات حسی و هنجارهای اجتماعی است؛ اما قرآن منشأ ادراک اقتصادی را در «فطرت الهی» و «عقل ایمانی» می‌بیند. بدین معنا که انسان مؤمن در پرتو هدایت وحی، به‌جای تکیه صرف بر منافع شخصی یا فشارهای محیطی، بر مبنای ارزش‌های اخلاقی و هدف الهی تصمیم می‌گیرد. در نگاه قرآن، محیط تنها زمانی اثر مثبت دارد که با ارزش‌های توحیدی هماهنگ باشد؛ در غیر این صورت، زمینه‌ساز انحراف در ادراک و رفتار اقتصادی خواهد بود؛ همان‌گونه که محیط اشرافی قارون، مردمان را به ستایش ظواهر فریبنده واداشت (قصص/۷۸).

افزون بر این، در اقتصاد رفتاری «یادگیری» و «انگیزش» اقتصادی معمولاً به‌عنوان فرآیندهای رفتاری و تجربی تفسیر می‌شوند که از تعامل با محیط اجتماعی حاصل می‌گردند؛ اما قرآن کریم یادگیری را فرآیندی اخلاقی و تربیتی می‌داند که در محیط‌های پاک و سالم تحقق می‌یابد (اعراف/۵۸). از همین رو، هجرت از محیط‌های ناسالم، حرکتی تربیتی و ایمانی برای اصلاح محیط و نفس است (نساء/۹۷؛ عنکبوت/۵۶).

از منظر انگیزشی نیز، اقتصاد رفتاری بر انگیزه‌های مادی و گاهی بر رضایت آنی تکیه دارد؛ حال آن‌که قرآن، انگیزش اقتصادی را در سطوحی والاتر تعریف می‌کند: از «مادی» و «تلفیقی» تا «الهی» و در نهایت هدف را «قرب الی‌الله» و تحقق عدالت اقتصادی می‌داند (حشر/۹؛ آل عمران/۱۷۱). این تفاوت بنیادین نشان‌دهنده آن است که قرآن، محیط را بستر رشد و تکامل می‌بیند و انسان را مسئول ساخت و تغییر آن می‌داند.

بر این اساس، می‌توان گفت اقتصاد رفتاری، اگرچه گامی مهم در شناخت واقعیت‌های انسانی اقتصاد برداشته است، اما بدون پیوند با مبانی وحیانی از ارائه الگوی کامل ناتوان است. آموزه‌های قرآن با تبیین نسبت دو سویه «انسان و محیط»، راه را برای الگویی باز می‌کند که در آن انسان مختار، از طریق ایمان، اخلاق و عمل صالح، محیط اقتصادی را به فضای شکوفایی، عدالت و معنویت بدل می‌سازد. یافته‌های بخش‌های بعدی این مقاله، که تأثیر محیط را در حوزه‌های ادراک، تصمیم‌گیری، یادگیری، فرهنگ و انگیزش اقتصادی تحلیل می‌کنند، در حقیقت بسط و مصداق‌های عینی همین تمایز بنیادین میان نگرش قرآنی و اقتصاد رفتاری‌اند.

اثرگذاری محیط بر رفتار

یکی از عوامل بنیادین در شکل‌گیری رفتارهای انسانی، محیط پیرامونی است. همان‌گونه که شهید مطهری می‌فرماید: «در این‌که اندیشه انسان تا حدود زیادی تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرد، بحثی نیست» (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۲۷). در نظریه‌های جغرافیایی و

جامعه‌شناختی نیز، محیط طبیعی و فرهنگی عامل مؤثر در بیدایش تمدن‌ها، شکل‌گیری خلق‌و‌خو و رفتارهای اقتصادی معرفی شده است. ابن سینا در آغاز کتاب قانون، به تفصیل از تأثیر شرایط اقلیمی و جغرافیایی بر جنبه‌های فکری و عاطفی انسان سخن گفته و منتسکیو در روح‌القوانین، محیط را نیروی تعیین‌کننده روحیه ملت‌ها دانسته است (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۹۵).

هر نظام اقتصادی، افزون بر ارتباط درونی میان عناصر و اجزای خود (مانند خانوارها، بنگاه‌ها، بازارها و نهادهای مالی)، با عناصری خارج از خود که به محیط اقتصادی تعلق دارند نیز در تعامل است (محمدتقی، ۱۳۹۹). درواقع، محیط اقتصادی شامل عواملی است که خارج از کنترل مستقیم نظام اقتصادی یا کنشگران اقتصادی هستند، اما با این حال بر عملکرد، تصمیم‌گیری و رفتار اقتصادی آنان تأثیرگذارند. با توجه به این‌که این محیط بیرونی از چارچوب عملیاتی سیستم اقتصادی خارج است، نظام اقتصادی نمی‌تواند مستقیماً تغییرات آن را کنترل کند یا بر آن سلطه کامل داشته باشد. از این رو، در بسیاری از نظریه‌های اقتصادی، محیط به‌عنوان یک عامل نسبتاً ثابت یا برون‌زا در نظر گرفته می‌شود که باید در تحلیل رفتار اقتصادی مورد توجه قرار گیرد (کریمی، ۱۴۰۰: ۱۴۵).

بر اساس این دیدگاه‌ها، محیط ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع را شکل می‌دهد و الگوهای تصمیم‌گیری، تمایلات مصرفی و روحیه کار و تلاش افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. درواقع، محیط مجموعه‌ای از شرایط بیرونی است که می‌تواند به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر ادراک، انگیزش و کنش‌های اقتصادی انسان اثرگذار باشد.

قرآن کریم نیز در آیات متعددی به اثر محیط بر رفتار انسان اشاره کرده و آن را عاملی مهم در هدایت یا انحراف دانسته است. در آیه ۵۶ سوره عنکبوت و آیه ۹۷ سوره نساء، مفهوم «هجرت» به‌عنوان پاسخی ایمانی به محیط‌های ناسالم معرفی می‌شود:

«ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید» (عنکبوت/۵۶) و «آیا زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» (نساء/۹۷).

این دو آیه، مؤمنان را به خروج از محیط‌های شرک‌آلود و رفتن به سرزمین‌هایی که امکان بندگی خدا در آن فراهم است فرا می‌خواند. چنین هجرتی جلوه‌ای از کنش اقتصادی و اجتماعی آگاهانه است که در آن انسان برای اصلاح محیط و ایجاد فضای سالم معیشتی و عبادی تلاش می‌کند.

در آیه ۱۳۸ سوره اعراف نیز تأثیر محیط ناسالم به‌روشنی ترسیم شده است. قوم بنی‌اسرائیل، با وجود مشاهده معجزات الهی، در مواجهه با محیط بت‌پرستی مصر و کنعان، از موسی (ع) خواستند بت‌هایی برای آنان قرار دهد. قرآن این رفتار را ناشی از «جهالت» و تأثیرپذیری از محیط منحرف می‌داند و به‌صراحت آن را نکوهش می‌کند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که قرآن، تأثیر محیط بر رفتار انسان را امری واقعی و تعیین‌کننده می‌داند، اما در عین حال از انسان می‌خواهد که در برابر آن واکنش فعالانه داشته باشد.

از تحلیل آیات فوق برمی‌آید که قرآن کریم، ضمن پذیرش نقش محیط در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی و اقتصادی، دیدگاهی جبرگرایانه ندارد. انسان در جهان‌بینی قرآنی موجودی مختار و مسئول است که مأمور به تغییر و اصلاح محیط خویش است:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱).

بر این اساس، رابطه انسان و محیط دوسویه است؛ محیط می‌تواند انسان ساز باشد و انسان نیز می‌تواند محیط را دگرگون سازد. آنچه جهت این تأثیر را تعیین می‌کند، ایمان، تقوا و آگاهی است. از نگاه قرآن، اگر محیط اقتصادی با ارزش‌های الهی سازگار باشد، رشد و عدالت در آن شکوفا می‌شود؛ اما اگر محیط آلوده به ظلم، اسراف یا بی‌عدالتی گردد، انحراف در رفتار اقتصادی نیز اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

بنابراین، قرآن ضمن پذیرش تأثیر شرایط بیرونی، مسئولیت انسان را در ایجاد و حفظ محیط سالم برجسته می‌کند. انسان مؤمن سازنده محیط خویش است. بر این اساس، در ادامه، ابعاد گوناگون اثر محیط در حوزه‌های خاص رفتار اقتصادی از منظر قرآن کریم تحلیل می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع نظری - کاربردی است و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. با توجه به قابلیت استفاده از نتایج به دست آمده در نهادها و سازمان‌های سیاست‌گذاری، این تحقیق در زمره مطالعات کاربردی قرار می‌گیرد. داده‌های مورد نیاز از طریق منابع اسنادی، شامل قرآن کریم و تفاسیر مرتبط از جمله «الکشاف» زمخشری، «المیزان فی تفسیر القرآن» علامه طباطبایی، «تفسیر نور» قرائتی، «تفسیر نمونه» مکارم شیرازی و تفسیر «قرآن مهر» رضایی اصفهانی گردآوری شده و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد قرآن کریم اثرگذاری محیط را در پنج حوزه بنیادین رفتار اقتصادی به رسمیت می‌شناسد: ادراک، تصمیم‌گیری، یادگیری، فرهنگ و انگیزش اقتصادی. با این حال، نگرش قرآن نسبت به محیط و انسان با دیدگاه‌های متعارف اقتصادی تفاوتی اساسی دارد. قرآن، انسان را موجودی مختار و مسئول می‌داند که قادر است با اصلاح خود و جامعه، محیط را نیز دگرگون سازد. در ادامه، نقش محیط در هر یک از حوزه‌های پنج‌گانه، همراه با تحلیل قرآنی، تمایز با سایر دیدگاه‌ها و دلالت‌های سیاستی برای نظام اقتصادی جامعه اسلامی بررسی می‌شود.

اثر محیط بر اعتقادات (به‌عنوان زیربنای رفتار اقتصادی)

برخلاف دیدگاه‌های جبرگرایانه در اقتصاد رفتاری و جامعه‌شناسی اقتصادی که محیط را عامل تعیین‌کننده رفتار می‌دانند (واعظی، ۱۴۰۰)، قرآن ضمن تأیید تأثیر محیط، بر مسئولیت فرد در تغییر محیط تأکید می‌کند. از نظر قرآن، هجرت کنشی آگاهانه برای دگرگونی محیط و تحقق ارزش‌های الهی است.

آیه ۵۶ سوره عنکبوت می‌فرماید: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! یقیناً زمین من وسیع و پهناور است؛ پس با انتخاب سرزمینی مناسب و شایسته که ارزش‌ها در آن حفظ شود، فقط مرا پیرستید.» بسیاری از مفسران بر این باورند که این آیه در مورد مؤمنانی نازل شده است که در مکه تحت فشار شدید مشرکان قرار داشتند، به‌گونه‌ای که قادر به انجام وظایف اسلامی خود نبودند. بر این اساس، به آنان فرمان داده شد تا از آن سرزمین هجرت کنند (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴: ۳۲۶).

مفهوم کلی آیه چنین است که زمین خداوند گسترده و فراخ است؛ بنابراین اگر پرستش او در بخشی از آن برای شما ممکن نباشد، در نقاط دیگر آن مکان‌هایی برای عبادت وجود دارد. از این رو، باید تنها خداوند را پرستش کرده و از پرستش غیر او پرهیزید. در نتیجه، اگر در سرزمینی قادر به عبادت او نبودید، به سرزمین‌های دیگر هجرت کنید تا بتوانید در آنجا به پرستش خالصانه او بپردازید (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۱۴۴). مفاد آیه بیان می‌کند که هرگاه مؤمنی در شهری نتواند به‌آسانی به بندگی خدا پرداخته و امور دینی خود را آن‌گونه که شایسته می‌داند انجام دهد، لازم است از آن مکان هجرت کرده و به سرزمینی برود که شرایط لازم برای انجام این امور در آن فراهم باشد (زمخشری و همکاران، ۱۴۰۷: ۶۹).

آیه ۹۷ سوره نساء چنین بیان می‌کند: «قطعاً کسانی که با ترک هجرت از دیار کفر و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان بر خویش ستم کردند، هنگامی که فرشتگان آنان را قبض روح می‌کنند، به آنان می‌گویند: از نظر دینداری و زندگی در چه حالی بودید؟ می‌گویند: ما در زمین مستضعف بودیم. فرشتگان می‌گویند: آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود تا در آن از محیط شرک به دیار ایمان مهاجرت کنید؟! پس جایگاهشان دوزخ است و آن بد بازگشت‌گاهی است.» این آیه به کسانی اشاره دارد که توانایی هجرت داشته‌اند، اما از آن امتناع ورزیده و در دیار کفر باقی مانده‌اند؛ در نتیجه نه در پیشبرد توحید نقش داشته‌اند و نه زندگی موحدانه‌ای را تجربه کرده‌اند. این افراد در برزخ توسط فرشتگان مورد بازخواست قرار گرفته و توجیهاتشان پذیرفته نمی‌شود.

علامه طباطبایی بیان می‌کنند که ملائکه در سخنان خود واژه «ارض» را همراه با «الله» ذکر کرده و زمین را به خداوند نسبت داده‌اند؛ پرسیده‌اند: «آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود؟» این بیان حاکی از نکته‌ای مهم است که نشان می‌دهد خداوند سبحان پیش از دعوت بندگان به ایمان و عمل صالح، زمین خود را وسیع و فراخ قرار داده است تا اگر شرایط محیطی فرد مانع از ایمان‌آوری او شود، امکان مهاجرت به مکان دیگری برایش فراهم باشد (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۵۳).

بر این اساس، قرآن کریم با تأکید بر نقش محیط در حفظ یا تضعیف ایمان، هجرت را به‌عنوان راهبردی برای صیانت از باورهای دینی معرفی می‌کند. از آنجا که ایمان در منطبق قرآن زیربنای رفتارهای فردی و اجتماعی است، استمرار حضور در محیط‌هایی که ایمان را تضعیف می‌کنند، به تدریج پیامدهای منفی خود را در سایر عرصه‌ها، از جمله حیات اقتصادی جامعه اسلامی، آشکار می‌سازد. از این منظر، هجرت پیش از آنکه ناظر به جابه‌جایی اقتصادی یا جغرافیایی باشد، ناظر به عبور آگاهانه از محیط‌های اعتقادی ناسالم و حرکت به سوی فضاهایی است که امکان حفظ و تقویت ایمان در آن‌ها فراهم باشد. بدیهی است که تقویت ایمان در سطح فردی و جمعی، زمینه‌ساز اصلاح رفتارهای اقتصادی، ارتقای عدالت و بهره‌مندی جامعه از برکات الهی در دنیا و آخرت خواهد بود. از این رو، توجه به نقش محیط در حوزه اعتقادات، مقدمه‌ای اساسی برای فهم و اصلاح سایر ابعاد حیات اجتماعی و اقتصادی در جامعه اسلامی به شمار می‌آید.

اثرگذاری محیط بر ادراک اقتصادی

در حالی که نظریه‌های اقتصاد رفتاری منشأ ادراک اقتصادی را در تجربه‌های حسی و شرطی شدن‌های محیطی می‌دانند (پورفرج، ۱۴۰۳)، قرآن منشأ اصلی ادراک را در فطرت توحیدی و هدایت وحیانی می‌بیند؛ از این رو، نقش محیط در قرآن جهت‌دار و ارزشی است، نه خنثی و تجربی. به حکم آیات زیر، محیط در ادراکات اقتصادی انسان نقش آفرینی غیرقابل انکاری دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم:

تقلید اقتصادی نادرست از آموزه‌های باطل: یکی از دلایل نقش محیط بر ادراکات اقتصادی، تقلید اقتصادی نادرست از نیاکان توسط گروه‌های زیادی از مردم است که در برابر دعوت به اصلاح نظام اقتصادی و پذیرش روش‌های نوین مقاومت می‌کنند. قرآن کریم در آیه ۱۰۴ سوره مائده این واقعیت تلخ را چنین تبیین کرده است: «و هنگامی که به آنان گویند: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر آید، روش و آیینی که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، ما را بس است. آیا هرچند پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته باشند باز هم این تقلید جاهلانه و ناروا را بر خود می‌پسندند؟!»

از موضوعاتی که در دوران جاهلیت به شدت رایج بود و در آیات مختلف قرآن منعکس شده، مسئله افتخار بی‌چون‌وچرا به افکار، عادات و رسوم نیاکان و احترام بی‌قید و شرط به الگوهای رفتاری آنان بود که تا حد تقریباً تقدیس آنان پیش می‌رفت. این موضوع به آن دوران محدود نمی‌شود و امروزه نیز در میان بسیاری از ملل و فرهنگ‌ها مشاهده می‌شود (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴: ۱۰۶).

هرچند سیاق اصلی آیه در دعوت به توحید و پذیرش وحی است، اما پیام رفتاری آن کلی و فراگیر است. قرآن در این آیه، تقلید کورکورانه از محیط فکری و فرهنگی نیاکان را نکوهش می‌کند؛ رفتاری که در همه عرصه‌ها، از جمله در حوزه اندیشه و عمل اقتصادی نیز مصداق دارد.

درواقع، اصل مورد تأکید آیه، هشدار نسبت به تأثیر محیط‌های فکری و اجتماعی بر ادراک انسان است؛ زیرا همان‌گونه که پذیرش یا انکار توحید می‌تواند از تقلید بی‌تفکر از گذشتگان ناشی شود، مقاومت در برابر اصلاح نظام‌های اقتصادی ناعادلانه و اصرار بر روش‌های ناسالم نیز از همین روحیه تبعیت محیطی سرچشمه می‌گیرد.

بنابراین، همان‌گونه که تقلید کورکورانه در عقاید محکوم است، در حوزه‌های دیگر از جمله اقتصاد نیز مصداق دارد. قرآن با اشاره به مبارزه پیامبرانی مانند شعیب که در کنار دعوت به توحید و نفی شرک و فساد اقتصادی، بر لزوم اصلاح روش‌های ناسالم تأکید می‌کند (رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران قرآنی، ۱۳۸۷: ۲۸۶).

در شرایط کنونی نیز نگرشی تقدس‌گرایانه نسبت به آموزه‌های متعارف اقتصادی که در محیط دانشگاه‌ها آموزش داده می‌شود، وجود دارد که می‌توان آن را نمونه‌ای عینی از تصویری دانست که قرآن کریم ارائه کرده است. آیات ۲۸ سوره اعراف، ۷۸ سوره یونس، ۵۳ سوره انبیاء، ۷۴ سوره شعراء، ۲۱ سوره لقمان و ۲۲-۲۳ سوره زخرف، مفهومی مشابه آیه ۱۰۴ سوره مائده را مطرح می‌کنند. بر اساس این آیات، تقلید نادرست، ناشی از درک نادرست است و مردم جاهلی به دلیل تأثیرپذیری از محیط و نیاکان خود گرفتار تقلید کورکورانه شده‌اند.

غفلت‌آور بودن محیط‌های طبقاتی مرفه: قرآن، محیط‌های اشرافی را از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری ادراک اقتصادی

انسان می‌داند و به شدت نسبت به قرار گرفتن در چنین فضاهایی هشدار می‌دهد. نمونه بارز این موضوع، نمایش ثروت قارون است که گروهی از مردم را تحت تأثیر قرار داده و باعث آرزوی داشتن جایگاه و دارایی‌های او شده است. قرآن در آیه ۷۸ سوره قصص می‌فرماید: «قارون در میان آرایش و زینت خود بر قومش درآمد؛ آنان که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: ای کاش مانند آنچه به قارون داده‌اند برای ما هم بود، واقعاً او دارای بهره‌بزرگی است.»

برخی منابع ذکر کرده‌اند که قارون همراه با چهار هزار نفر از بنی‌اسرائیل با اسب‌های گران‌قیمت و پوشش‌های سرخ‌رنگ به رژه رفت؛ کنیزان سفیدرو بر زین‌های طلایی بر استرهای سفید سوار بودند و همه در زینت‌آلات طلایی غرق بودند. برخی نیز تعداد همراهان او را هفتاد هزار نفر ذکر کرده‌اند. این رخداد موجب شد مردم به دو گروه تقسیم شوند؛ اکثریت دلبسته دنیا با دیدن این صحنه‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و آرزو کردند ای کاش به‌جای قارون بودند تا لحظاتی از زندگی پرشکوه او را تجربه کنند. قرآن تأکید می‌کند که کسانی که طالب زندگی دنیا هستند، چنین آرزوهایی دارند (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴: ۱۶۳).

فطرت و سرشت انسانی: قرآن کریم منشأ اصلی ادراک صحیح را فطرت الهی و هدایت ربانی معرفی می‌کند. قرآن با اشاره به «فطرت‌الله» به‌عنوان سرشت اولیه انسان (روم/۳۰) و تأکید بر نقش هدایت الهی در تشخیص حق از باطل «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲)، نشان می‌دهد که ادراک انسان، هرچند در بستر محیط شکل می‌گیرد، اما جهت و صحت آن وابسته به فطرت و هدایت الهی است، نه صرفاً تأثیرات بیرونی.

بر مبنای این دیدگاه، تقلید بی‌چون‌وچرا از نظام‌های اقتصادی گذشتگان، پیامد ادراکی تحریف‌شده‌ای است که از بستر فرهنگی ناصواب ناشی می‌شود. از این‌رو، سیاست‌گذار اقتصادی به‌جای بازتولید الگوهای متعارف غربی، باید به طراحی نظام آموزشی و رسانه‌ای معطوف شود که اندیشه مستقل و تحلیل مبتنی بر آموزه‌های قرآنی را در عرصه اقتصاد پرورش دهد. همچنین، مقابله با پدیده‌هایی

چون اشرافیت، تجمل‌گرایی و تبلیغات مصرف‌محور، از مسیر تنظیم‌گری رسانه‌ای و الگو سازی از سیره اقتصادی پیامبران و اولیای الهی ضروری است.

در جامعه امروز، گسترش تبلیغات مصرف‌محور و تقلید از الگوهای اقتصادی غربی نمونه‌ای از اثر منفی محیط بر ادراک اقتصادی است. در مقابل، حمایت از طرح‌هایی مانند «اقتصاد مقاومتی» و «مصرف متعادل قرآنی» نمونه‌ای از تلاش برای اصلاح محیط فرهنگی ادراکات اقتصادی در پرتو آموزه‌های وحیانی است.

اثر گذاری محیط بر تصمیم‌گیری اقتصادی

تصمیم‌گیری به معنای انتخاب یک مسیر از میان گزینه‌های متعدد است و در حوزه علوم اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به طوری که گفته شده است: «اقتصاد در اصل به تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع محدود می‌پردازد» (توکلی و رفیعی پیشوری، ۱۳۹۹).

در اقتصاد متعارف، تصمیم‌گیری اقتصادی تابع حداکثرسازی سود یا مطلوبیت است (مخلپ^۱، ۱۹۷۸: ۲۶۹)، اما قرآن کریم تصمیم‌گیری را کنشی آگاهانه و متناسب با شرایط محیطی معرفی می‌کند و بر تدبیر، سنجش پیامدها و توجه به ظرفیت‌های واقعی جامعه تأکید دارد. یکی از اصول حاکم بر تصمیم‌گیری در منطق قرآن، اصل «تدرج در تغییر» است؛ اصلی که به‌ویژه در مواجهه با محیط‌های ناسالم یا ناآماده برای پذیرش تغییرات بنیادین اهمیت می‌یابد. این اصل قرآنی در آیات متعددی قابل استخراج است. در ادامه به دو مورد از دیدگاه قرآن کریم مرتبط با این موضوع اشاره می‌شود:

مورد اول: هنگامی که شرایط محیط اقتصادی امکان اتخاذ تصمیمی فوری و فراگیر را فراهم نمی‌کند، فرد یا نهاد اقتصادی ناگزیر به اتخاذ تصمیم‌های تدریجی است تا به تدریج زمینه اجرای گسترده‌تر آن تصمیم اقتصادی فراهم شود. این روند مشابه آن چیزی است که رسول خدا (ص) در دعوت مردم مکه به کار برد. با وجود این که دین اسلام همواره دینی جهانی و فراگیر بوده است (سبأ/۳۸)، به دلیل نبود آمادگی فکری، فرهنگی و اجتماعی در محیط مکه، به فرمان الهی «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء/۲۱۴)، ابتدا تنها خویشاوندان نزدیک خود را انداز کرد و از شرک و مخالفت با فرمان خدا بر حذر داشت. ایشان دعوت خود را برای سه سال محدود به نزدیکان کرد تا زمینه فراگیر شدن آن فراهم گردد؛ اما به محض آماده شدن شرایط محیطی، فرمان «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ» (حج/۲۷) صادر شد که پیامبر را مأمور می‌کرد دعوت خود را به صورت علنی و برای همگان اعلام کند. در نتیجه، حضرت تصمیم به دعوت عمومی گرفت و اسلام را به-عنوان دین جهانی معرفی نمود.

مورد دوم: پیامبر اکرم (ص) در مکه به دلیل محدودیت‌های محیطی، از یک سو اجازه تسلیم در برابر کافران را نداشت («فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ»؛ فرقان/۵۲) و از سوی دیگر نمی‌توانست در برابر ظلم سکوت کند، بلکه موظف بود به‌طور خستگی‌ناپذیر جهاد فرهنگی انجام دهد («وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»؛ فرقان/۵۲). با وجود آزار و اذیت‌های کافران و مشرکان، ایشان هرگز تصمیم به استفاده از قدرت سخت نگرفت و تنها به قدرت نرم اکتفا کرد. پس از تغییر شرایط محیطی در مدینه، برای مقابله با دشمن، علاوه بر قدرت نرم از قدرت سخت نیز بهره‌مند شد و فرمان الهی نازل گردید که «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (بقره/۱۹۳).

بر این اساس، سیره پیامبر (ص) در دعوت تدریجی، صرفاً یک رفتار تاریخی نیست، بلکه تجلی عملی اصل قرآنی «تدرج در اصلاح» است. سازوکار علی این اصل بدین صورت است که محیط اجتماعی ناآماده، در صورت مواجهه با تصمیم‌های دفعی و

پرهزینه، واکنش منفی نشان داده و مانع تحقق اهداف اصلاحی می‌شود؛ در حالی که تصمیم‌گیری تدریجی، با کاهش مقاومت محیط، امکان تثبیت تغییرات را فراهم می‌سازد.

این منطق علی در عرصه اقتصاد نیز قابل تعمیم است. تصمیم‌گیری‌های اقتصادی که بدون توجه به ظرفیت‌های محیط اجتماعی، فرهنگی و نهادی اتخاذ می‌شوند، با شکست یا هزینه‌های سنگین مواجه خواهند شد. در مقابل، تصمیم‌گیری اقتصادی مبتنی بر اصل قرآنی تدرّج، با انطباق مرحله‌ای سیاست‌ها با شرایط محیط، زمینه تحقق پایدار اصلاحات اقتصادی را فراهم می‌کند. برای نمونه، تصمیم‌های تدریجی در حذف ربا یا سود بانکی در برخی مؤسسات قرض‌الحسنه را می‌توان تجلی اصل قرآنی «اصلاح تدریجی در محیط‌های نامطلوب» دانست. همچنین، مهاجرت سرمایه‌گذاران مؤمن از فعالیت‌های غیرشفاف به عرصه تولید سالم مصداق از «هجرت اقتصادی» است که آیه ۹۷ سوره نساء بر ضرورت آن تأکید دارد. افزون بر این، تصمیم پیامبر اکرم (ص) در مدینه برای ایجاد بازار اسلامی نمونه‌ای تاریخی از «تصمیم محیط‌ساز» به‌شمار می‌آید که در دوران معاصر می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌هایی چون تشکیل بازارهای حلال و نظام‌های اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی باشد.

اثرگذاری محیط بر یادگیری و تربیت اقتصادی

در نظریه‌های یادگیری اجتماعی، محیط صرفاً منبع تجربه و شرطی‌سازی رفتاری است (کریمی و حسینیان، ۱۳۹۴)، اما در نگرش قرآنی، محیط باید تربیت‌گر ایمان و اخلاق باشد تا یادگیری اقتصادی به رشد انسان منجر شود، نه صرفاً افزایش مهارت. داستان حضور موسی در مدین، نمونه‌ای از پیوند یادگیری اقتصادی با تزکیه اخلاقی در محیط سالم است.

قرآن کریم به هر دو شیوه یادگیری «نظری» و «عملی» اهمیت ویژه‌ای قائل شده و مسلمانان را به این نوع یادگیری‌ها سفارش کرده است. با این رویکرد می‌توان گفت طبق آیه ۲۷ سوره قصص، فلسفه مأموریت حضرت موسی (ع) در خدمتگزاری به حضرت شعیب، ناشی از نقش مهم محیط اقتصادی و اجتماعی زندگی شعیب نبی در یادگیری اقتصادی و تجربیات عملی حضرت موسی بوده است. از این رو، نتیجه تجربه محیط زندگی حضرت شعیب این شد که پس از پایان مأموریت و هنگام بازگشت، حضرت موسی به عنوان پیامبر مورد خطاب خداوند قرار گرفت (قصص / ۳۰).

به سبب همین نقش محیط در یادگیری، حضور موسی در محیط «مدین» برای آن حضرت ضروری شمرده شده است. در حقیقت ضرورت داشت که موسی (ع) دوران ده ساله‌ای را در غربت و در کنار یک پیامبر بزرگ بگذراند و در محیطی متأثر از زندگی ساده کشاورزی و دامداری قرار گیرد تا اگر خوی کاخ‌نشینی و رفاه‌طلبی بر فکر و جان او اثر گذاشته است، به کلی زدوده شود. موسی باید در کنار طبقات زحمتکش و کوخ‌نشینان باشد، از مشکلات اقتصادی و معیشتی آن‌ها آگاه گردد و برای مبارزه با نظام‌های اقتصادی ستمگر و استبدادی آماده شود. از سوی دیگر، موسی باید زمانی طولانی برای تفکر در اسرار آفرینش اقتصاد و خودسازی در اختیار داشته باشد؛ کجا بهتر از بیابان مدین و خانه شعیب بود؟ مأموریت یک «پیامبر اولوالعزم» ساده نیست که به آسانی بتوان عهده‌دار آن شد؛ بلکه می‌توان گفت مأموریت موسی (ع) بعد از پیامبر اسلام از این نظر سنگین‌تر بود. مبارزه با بزرگ‌ترین جباران اقتصادی زمان، رهایی قوم بزرگ از اسارت و زدودن آثار فرهنگ اسارت از روح آنان، کاری آسان نیست (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴: ۷۳).

نکته قابل توجه در این زمینه، اهمیت انتخاب محیط مناسب برای یادگیری اقتصادی است؛ زیرا از دیدگاه قرآن، محیط به دو دسته سالم و ناسالم تقسیم می‌شود. قرآن محیط سالم را با عنوان «بَلَدٌ طَیِّبٌ» (سرزمین پاک) و محیط ناسالم را با عبارت «بَلَدٌ خَبِیْثٌ» (سرزمین ناپاک و شوره‌زار) توصیف می‌کند (اعراف/ ۵۸)، که خروجی محیط اول مثبت و سازنده و خروجی محیط دوم مضر و زیان‌آور است.

برای دستیابی به یادگیری اقتصادی مؤثر، قرآن کریم بر نقش تعیین‌کننده محیط سالم تأکید دارد. از منظر قرآن، یکی از حکمت‌های دعوت به هجرت از محیط‌های غیرتوحیدی به محیط‌های توحیدی، فراهم سازی زمینه‌ای است که در آن ایمان، معرفت و رفتار صحیح امکان رشد و تثبیت پیدا کند. آیات هجرت (مانند عنکبوت/۵۶ و نساء/۹۷) نشان می‌دهد که باقی ماندن در محیط‌های ناسالم، مانع تحقق کارکردهای هدایتی و تربیتی دین می‌شود و انسان را از دستیابی به رشد مطلوب بازمی‌دارد.

در منطق قرآن، یادگیری صرفاً به معنای انباشت تجربه یا آگاهی‌های تجربی نیست، بلکه فرآیندی تربیتی و ایمانی است که در پرتو هدایت الهی شکل می‌گیرد. قرآن کریم با تأکید بر تعلیم الهی و تزکیه، یادگیری را امری می‌داند که با پرورش اخلاقی و ایمانی همراه است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه/۲).

در مقابل، قرآن هشدار می‌دهد که محیط‌های آلوده و ناسالم می‌توانند مانع درک صحیح و رشد معرفتی انسان شوند؛ چنان‌که پیروی از فضای غالب اجتماعی فاقد هدایت الهی، به گمراهی در فهم و تشخیص می‌انجامد: «وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (انعام/۱۱۶).

بر پایه این نگرش قرآنی، دلالت‌های سیاستی در دو محور قابل تبیین است: نخست، ضرورت تربیت اقتصادی در نهادهای آموزشی اخلاق‌محور، به‌گونه‌ای که آموزش دانش اقتصادی با پرورش ایمان، تقوا و مسئولیت‌پذیری اجتماعی همراه شود. دوم، ایجاد محیط‌های سالم یادگیری اقتصادی از طریق حمایت از مراکز و نهادهایی که فعالیت‌های اقتصادی همچون کارآفرینی، تعاون و تولید را در پیوند با ارزش‌های معنوی و عدالت‌محور دنبال می‌کنند.

نمونه‌های کاربردی متعددی قابل ذکر است؛ از جمله مدارس و دانشگاه‌های اسلامی با رویکرد کارآفرینی اخلاقی — مانند برخی مراکز علمی در مالزی که آموزش‌های اقتصادی را در پیوند با تربیت ایمانی و اخلاقی ارائه می‌دهند (سلیم^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین، طرح‌های تربیت اقتصادی خانواده‌ها در مساجد و مراکز فرهنگی با هدف آموزش رفتار اقتصادی متعادل، از جمله مصرف حلال، پس‌انداز هدفمند و قرض‌الحسنه، نمونه‌ای از تربیت محیط‌محور اقتصادی است.

اثرگذاری محیط بر فرهنگ اقتصادی

محیط نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فرهنگ اقتصادی دارد. فرهنگ اقتصادی مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، اندیشه‌ها، آداب و ارزش‌های حاکم بر رفتارهای اقتصادی جامعه و نهادها تعریف می‌شود (کریمی، ۱۴۰۰: ۷۹). عملکرد اقتصادی در محیط‌های مبتنی بر ارزش‌های قرآنی مثبت و در محیط‌های فاقد این ارزش‌ها منفی خواهد بود؛ بنابراین، مسئولان اقتصادی و سیاست‌گذاران موظف‌اند در جهت ارزشی‌سازی محیط‌های اقتصادی تلاش کنند تا از عملکرد بهتر و مؤثرتر در عرصه اقتصاد بهره‌مند شوند.

در حالی که فرهنگ اقتصادی مدرن بر رقابت و سود فردی تأکید دارد (سورنسی، ۱۳۸۶: ۷۳)، قرآن کریم مفاهیمی چون «ایثار» و «امانت» را به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی فرهنگ اقتصادی مؤمنانه معرفی می‌کند. هرچند این مفاهیم در نگاه نخست ماهیتی ارزشی و اخلاقی دارند، اما در منطق قرآن، این ارزش‌ها واجد کارکردهای اقتصادی مشخص و قابل تحلیل هستند که در این مقاله به چند نمونه از این شاخصه‌ها اشاره می‌شود:

ایثار، که در قرآن به‌عنوان ترجیح منافع دیگران بر منافع شخصی معرفی شده است. قرآن در این باره می‌فرماید: «و [برای] کسانی [از انصار است] که پیش از مهاجران در سرای هجرت و ایمان [یعنی مدینه] جای گرفتند، و کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند

دوست دارند، و در سینه‌های خود نیاز و چشم‌داشتی به آنچه به مهاجران داده شده است نمی‌یابند، و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی [به مال و متاع] باشد. و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته‌اند، اینان همان رستگارانند» (حشر/۹).

ابن عباس در شأن نزول این آیه نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) پس از پیروزی بر یهود بنی‌نضیر، از انصار پرسید: «آیا مایلید اموال و خانه‌های خود را با مهاجران تقسیم کنید و در غنائم با آنان شریک شوید، یا می‌خواهید اموال و خانه‌هایتان برای خودتان باقی بماند و از غنائم چیزی به شما نرسد؟» انصار پاسخ دادند: «ما اموال و خانه‌هایمان را با آنان تقسیم می‌کنیم و حتی چشم‌داشتی به غنائم نداریم و مهاجران را بر خود مقدم می‌داریم.» در پی این پاسخ، آیه مذکور نازل شد و این روحیه والای انصار را ستود (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴: ۵۱۸).

ایثار در سطح اقتصادی به شکل کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه و تقویت همکاری بلندمدت ظهور می‌یابد. در محیطی که ایثار به‌عنوان یک هنجار فرهنگی پذیرفته شده است، کنشگران اقتصادی تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های جمعی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و تحمل ریسک‌های متقابل نشان می‌دهند. این امر، به صورت غیرمستقیم، هزینه‌های مبادله ناشی از بی‌اعتمادی را کاهش داده و امکان انعقاد قراردادهای ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر را فراهم می‌سازد.

التزام به وحدت و انسجام اقتصادی موجب استحکام ساختارهای اقتصادی، دقت در اجرای سیاست‌ها، سلامت رفتارهای اقتصادی، ارتقای جایگاه اقتصادی جامعه، مقاومت در برابر مشکلات و بحران‌های مالی و افزایش بهره‌وری می‌شود. از این رو، قرآن به پیروان خود فرمان می‌دهد که: «و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل‌بیت (علیهم‌السلام)] چنگ زبید و پراکنده و گروه گروه نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید و بر لب گودالی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد؛ خدا این‌گونه نشانه‌های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید» (آل عمران/۱۰۳).

یکی از شاخصه‌های کلیدی فرهنگ اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، سپردن مسئولیت‌ها به افراد امین است که اهمیت ویژه‌ای دارد. قرآن در این باره می‌فرماید: «خدا قاطعانه به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید» (نساء/۵۸). اهمیت این موضوع به حدی است که گاهی افراد امین باید خود را معرفی کنند تا از واگذاری مسئولیت‌ها به ناهالان و افراد غیرامین جلوگیری شود؛ چنان‌که حضرت یوسف (ع) خود را به‌عنوان سرپرست خزانه‌های مصر معرفی کرد و گفت: «مرا سرپرست خزانه‌های این سرزمین قرار ده؛ زیرا من نگهبانی دانا هستم» (یوسف/۵۵). جایگاه افراد امین در رأس امور اقتصادی موجب ایجاد اعتماد، فرصت، امید و تحول در میان فعالان اقتصادی و جامعه می‌شود؛ همانند رویداد تاریخی‌ای که با تصدی حضرت یوسف در خزانه‌داری مصر به وقوع پیوست و الگویی ماندگار گردید.

امانت‌داری نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری اعتماد نهادی دارد. در محیط‌های اقتصادی که امانت‌داری به‌عنوان یک هنجار دینی و فرهنگی نهادینه شده است، احتمال نقض قرارداد، کتمان اطلاعات و سوءاستفاده از موقعیت اقتصادی کاهش می‌یابد. پیامد مستقیم این وضعیت، افزایش امنیت سرمایه‌گذاری، کاهش نیاز به نظارت‌های پرهزینه و افزایش کارایی نظام قراردادها است.

فرهنگ قرآنی بر پایه تعاون، ایثار و همگرایی اجتماعی استوار است و با رویکرد رقابت‌محور و سود فردی تفاوتی بنیادین دارد. بر اساس این مبنا، دلالت‌های سیاسی متعددی قابل استخراج است: نخست، ترویج الگوی اقتصاد تعاونی اسلامی از طریق تشویق به فعالیت‌های اقتصادی تعاونی قرآنی مبتنی بر اعتماد، امانت و مشارکت جمعی. دوم، اصلاح فرهنگ سازمانی نهاد‌های اقتصادی با

تدوین «منشور اخلاق اقتصادی» برگرفته از آیات مرتبط با امانت‌داری و ایثار، به‌ویژه برای کارگزاران اقتصادی. سوم، تقویت سیاست‌های همگرایی اقتصادی میان افشار جامعه با الهام از آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران/۱۰۳) از طریق اجرای برنامه‌های عدالت توزیعی و انسجام اقتصادی در سطح ملی. چهارم، ایجاد نظام‌گزینه‌ش مدیران بر پایه امانت و کردانی بر اساس الگوی حضرت یوسف (ع) که فرمود: «إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ» (یوسف/۵۵)؛ بدین معنا که معیار انتخاب مدیران اقتصادی در جامعه اسلامی باید شایستگی حرفه‌ای همراه با امانت‌داری باشد.

نمونه‌های کاربردی این اثرگذاری شامل تعاونی‌ها و بنیادهای اقتصادی مردمی است که بر اساس اعتماد، ایثار و عدالت فعالیت می‌کنند، مانند برخی مؤسسات قرض‌الحسنه یا تعاونی‌های روستایی. همچنین، فرهنگ امانت‌داری در معاملات، به‌ویژه در نهادهایی که شفافیت و اخلاق اسلامی را رعایت می‌کنند، نمونه‌ای ملموس از افزایش اعتماد عمومی به ساختارهای اقتصادی است. افزون بر این، جنبش‌های مردمی ضد اسراف یا طرح‌هایی همچون «نهیضت احسان و انفاق» مصداقی از فرهنگ اقتصادی قرآنی به شمار می‌آیند که محیط اجتماعی را به سمت ارزش‌های معنوی و عدالت‌محور هدایت می‌کنند.

اثرگذاری محیط بر انگیزش اقتصادی

انگیزش و هدف دو عامل اساسی در شکل‌دهی رفتار اقتصادی انسان‌ها هستند؛ انگیزش به‌عنوان نیروی محرکه‌ای عمل می‌کند که جامعه و فعالان اقتصادی را به سوی تحقق اهداف اقتصادی خود هدایت می‌کند (هادوی تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۲). انگیزش به‌معنای گرایش و تمایل به تلاش و کوشش در جهت تحقق اهداف اقتصادی است؛ به‌گونه‌ای که این تلاش‌ها به‌منظور رفع نیازهای فردی و اجتماعی هدایت می‌شوند (هادوی نیا، ۱۳۸۳: ۷۴-۷۶).

انگیزش اقتصادی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها محیط است. به‌عنوان نمونه، برخی از فعالان اقتصادی با قرار گرفتن در محیطی مطلوب و فرصت‌محور، انگیزه و اشتیاق بیشتری برای فعالیت و مشارکت در بازار نشان می‌دهند (ندائی، ۱۴۰۱). به گفته برخی صاحب‌نظران، محیط انگیزشی به محیطی اطلاق می‌شود که در آن افراد به روحیه «خوب‌شدن کاری» دست یافته باشند، به‌طوری‌که فعالیت اقتصادی را به‌عنوان مسئولیت و کار شخصی خود تلقی کنند (رجایی، ۱۳۹۵: ۱۸۰). در چنین محیطی، حضور یا عدم حضور ناظر یا کارفرما تأثیر قابل توجهی بر کیفیت انجام وظایف فعالان اقتصادی ندارد. یکی از روش‌های ایجاد روحیه خوب‌شدن کاری، تقویت احساس شخصیت و ارزشمندی در میان فعالان اقتصادی است که این موضوع از نیازهای اساسی روانی آن‌ها محسوب می‌شود؛ زیرا انسان، همان‌گونه که نیازمند غذا، هوا و محیط فیزیکی مناسب است، به احساس شخصیت در محیط اقتصادی، روابط اجتماعی مطلوب و احترام و صمیمیت نیز نیاز دارد (رجایی، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

در نظریه‌های مدرن انگیزش، محرک‌های مادی و روانی مبنای حرکت انسان اقتصادی است (فراهانی فرد، ۱۴۰۳)؛ اما قرآن انگیزش اقتصادی را در پیوند با نیت الهی و امید به پاداش اخروی می‌داند. بدین ترتیب، حتی فعالیت اقتصادی عادی، در صورت داشتن جهت الهی، عبادت محسوب می‌شود.

با توجه به سطوح سه‌گانه انگیزش شامل «مادی، تلیقی و معنوی و الهی» (پیروز، ۱۳۸۴: ۲۳۷) و همچنین فقدان چنین انگیزه‌ای در مکاتب اقتصادی غیرالهی، سازوکار انگیزش در مکتب اقتصادی قرآن از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است. در ادامه فهرستی از انواع انگیزش‌های الهی مبتنی بر قرآن ارائه می‌شود:

۱. از دیدگاه قرآن، خداوند پاداش هیچ انسانی را که ایمان داشته، خیرخواه باشد و کار نیک انجام دهد، ضایع نمی‌کند (آل عمران /

۱۷۱: اعراف / ۱۷۰؛ توبه / ۹۴ و ۱۲۰؛ هود / ۱۱۵؛ یوسف / ۵۶ و ۹۰؛ کهف / ۳۰).

۲. ایمان و التزام به نظارت و اشراف کامل خداوند بر تمامی امور و همه افراد، همان گونه که در قرآن آمده است: «آیا انسان نمی داند که خدا او را می بیند؟» (علق / ۱۲؛ نحل / ۱۹؛ تغابن / ۲؛ آل عمران / ۱۲۰؛ انفال / ۲۷؛ هود / ۹۲؛ فصلت / ۵۲؛ بروج / ۲۰؛ نساء / ۱۰۸ و ۱۲۶) و سایر آیات مشابه.

۳. ثبت و ضبط دقیق جزئیات اعمال انسان ها توسط فرشتگان الهی به منظور جبران عادلانه و حکیمانه تلاش های آنان (قمر / ۵۳؛ انفطار / ۱۰، ۱۱ و ۱۲؛ زلزله / ۷ و ۸).

زمانی که باورهای فعالان اقتصادی در محیطی فکری و فرهنگی شکل گرفته و مستحکم شود، آنان به جای تمرکز صرف بر منافع شخصی، به انجام کار در راه خدا و در مسیر حق (فی سبیل الله) می اندیشند؛ این امر به تدریج موجب ارتقای بهره‌وری در نظام اقتصادی می گردد.

نتیجه گیری

از تحلیل داده های این تحقیق چنین نتیجه گیری می شود که همان طور که در ادبیات اقتصاد رفتاری مفاهیمی مانند ادراک، تصمیم گیری، یادگیری، انگیزش و فرهنگ اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است، قرآن نیز به نقش محیط و انواع آن در رفتار اقتصادی، ادراکات، تصمیم گیری، یادگیری، انگیزش و فرهنگ اقتصادی با تأکید بیشتری و به صورت هدفمند مطرح کرده است؛ با این حال، این یافته به معنای اسارت انسان در جبر محیطی نیست، چرا که انسان دارای اختیار و توانایی تغییر محیط فاقد اختیار به دلخواه خود و اعمال اراده اش است. قرآن برخلاف نظریات جبر محیطی، انسان را موجودی مختار و محیط ساز معرفی می کند که می تواند با هدایت وحی و ارزش های الهی، محیط اقتصادی را از عامل انفعال به بستر تعالی تبدیل کند. این نگرش، مبنای شکل گیری مکتب اقتصاد وحی محور و تفاوت بنیادین آن با اقتصاد رفتاری و نهادگراست.

حقیقت امر آن است که این دو در یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ از آن جهت که محیط ساخته و پرداخته انسان دارای اختیار و محیط ساز است. بنابراین انسان محیط ساز است چون مختار است و محیط نیز انسان ساز است چون ساخته و پرداخته انسان مختار است. نتایج تحقیق نیز نشان دهنده درستی این نکته بسیار مهم است که محیط در رفتار اقتصادی افراد نقش دارد و این نقش در ابعاد مختلف بروز و ظهور می یابد؛ بنابراین برای کنترل و نقش آفرینی مثبت و ارزشی محیط بر رفتار اقتصادی افراد، بهترین راه بهره مندی از آموزه های قرآن کریم است که تحقیق پیش رو آن را به اثبات رسانده است؛ مبنی بر این که در صورت عمل به راهبرد قرآنی درباره محیط های اقتصادی توسط مدیریت های خرد و کلان کشوری، شاهد نقش آفرینی محیط برخواسته از فرهنگ متعالی قرآن در رفتار مطلوب اقتصادی افراد خواهیم بود.

جدول ۱. خلاصه یافته ها

حوزه اثرگذاری محیط	آیات کلیدی	مفهوم قرآنی	تمایز یا دیدگاه های غیردینی	دلالت ها و بایسته های سیاستی
رفتار اقتصادی کلی	عنکبوت/۵۶، نساء/۹۷	هجرت اقتصادی، مسئولیت تغییر محیط	رد جبر محیطی، تأکید بر اختیار انسان	سیاست مهاجرت تولیدی و اصلاح ساختارهای ناعادلانه
ادراک اقتصادی	مائده/۱۰۴، اعراف/۱۳۸، قصص/۷۸	ادراک فطری در برابر محیط های منحرف	تفاوت با شرطی سازی تجربی اقتصاد رفتاری	آموزش اقتصادی بر پایه فطرت و اخلاق
تصمیم گیری اقتصادی	شعراء/۲۱۴، بقره/۱۹۳	تصمیم تدریجی بر اساس تکلیف الهی	تفاوت با عقلانیت ابزاری	سیاست گذاری تدریجی در اصلاح محیط اقتصادی بر پایه عدالت

تربیت اقتصادی در نهادهای اخلاق محور	تفاوت با یادگیری صرفاً تجربی	یادگیری ایمانی در محیط پاک	قصص/۲۷، اعراف/۵۸	یادگیری و تربیت اقتصادی
ترویج نهادهای اقتصادی تعاونی و امین	تفاوت با فرهنگ رقابتی و فردگرا	ایثار، وحدت، امانت و مشورت	حشر/۹، آل عمران/۱۰۳، نساء/۵۸	فرهنگ اقتصادی
طراحی نظام پاداش معنوی در سیاست‌های اقتصادی اسلامی	تفاوت با انگیزش مادی و روان‌شناختی صرف	انگیزش الهی و معنوی	آل عمران/۱۷۱، یوسف/۵۵، زلزله/۷-۸	انگیزش اقتصادی

مأخذ: یافته‌های حاصل از پژوهش

منابع

- قرآن کریم. ترجمه حسین انصاریان.
 پورفرج، ع و همکاران. (۱۳۹۴). دینداری و رفتار اقتصادی، روش شناسی اقتصاد آزمایشگاهی برای مطالعه انسان اقتصادی اسلام، (۲)۷، ۳۳-۶۸. <https://doi.org/10.30497/ies.2015.1617>
 پورفرج، ع. (۱۴۰۳). ارتباط بین شناخت و رفتارشناسی مالی از منظر هایک. روش شناسی علوم انسانی، ۳۰(۱۲۱)، ۸۶-۱۰۱.
 پیروز، ع. (۱۳۸۴). مدیریت در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 توکلی، ع.، مسترحمی، س. ع.، و شایان، م. ه. (۱۴۰۱). بررسی و نقد معرفت‌شناسی مکتب سیستمی از دیدگاه قرآن. قرآن و علم، ۱۶(۳۰).
 توکلی، م. ج.، و رفیعی پیشوری، ا. (۱۳۹۹). نگاهی نظام‌مند به ورود ارزش‌های اسلامی در نظریات اقتصادی. اقتصاد اسلامی، ۲۰(۸۰)، ۵-۲۴.
 حاجی ملادرویش، ن. (۱۳۹۷). مبانی اقتصاد رفتاری: تصمیم‌گیری فردی. تهران: نهادگرا.
 رجایی، م. ک. (۱۳۹۵). اقتصاد خرد (با نگاهی به مباحث اسلامی) (ج. ۲). قم: [بی‌نا].
 رضایی اصفهانی، م. ع.، و جمعی از پژوهشگران قرآنی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر علوم قرآن.
 رضاییان، ع. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم. تهران: سمت.
 رضوی، ع. ر. (۱۳۸۱). رفتار اقتصادی کارگزاران حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
 رهبر، ف.، متوسلی، م.، و امیری، م. (۱۳۹۲). اقتصاددانان رفتاری و نظریه‌های آن‌ها. برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۸، ۱۳۳-۱۶۵.
 رهبر، ف.، و امیری، م. (۱۳۹۳). اقتصاد رفتاری و سیاستگذاری عمومی. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۹(۴)، ۱۴۷-۱۸۲.
 زمخشری، م. ب. ع. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دارالکتب العربی.
 سورنسی، ج. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر اندیشه‌های اقتصادی (ترجمه ع. سرزعیم). تهران: نشر نی.
 شعبانی، ا.، و عربلو، م. (۱۳۹۷). مؤلفه‌های کنترلی حاکم بر انگیزه و رفتار اقتصادی انسان (از منظر اقتصاد اسلامی). مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۰(۲)، ۱۵۴-۱۲۹. <https://doi.org/10.30497/ies.2018.2233>
 طباطبایی، م. ج. (۱۳۵۲). المیزان فی تفسیر القرآن. بی‌جا: مؤسسه‌العلمی للمطبوعات.
 عسگری، ح.، و ابراهیمی، س. ا. (۱۳۹۹). واکاوی اقتصاد رفتاری در آیات قرآن. اقتصاد اسلامی، ۲۰(۸۰)، ۲۵-۵۰.
 فراهانی فرد، س. (۱۴۰۳). اقتصاد علم و تئوری انگیزش؛ دلالت‌هایی برای مطالعات اقتصاد مقاومتی. اقتصاد اسلامی، ۲۴(۹۳)، ۱۰۱-۱۳۹. <https://doi.org/10.22034/iec.2024.2026593.2741>
 قاسمی، م. ع. (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای سنن الهی و قوانین طبیعی مکتب فیزیوکراسی و تاثیر آنها بر نظریه‌های پایه در رفتار اقتصادی انسان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
 قرائتی، م. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 قرشی، س. ع. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 قویدل، ع. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی اثرات طرح هدفمندی یارانه‌ها در رفتار تولیدکنندگان از منظر نظریه اقتصاد رفتاری به همراه دلالت‌های اقتصاد اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
 کارترایت، ا. (۱۳۹۶). اقتصاد رفتاری (ترجمه ق. عدلی و ح. شجاعیان میرحسینی). تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
 کریم‌زاده، م. ع. (۱۳۹۸). بررسی عقلانیت در اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری و اقتصاد اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). قم: دانشگاه قم.

- کریمی موقی، ح.، و حسینیان، ز. م. (۱۳۹۴). مکاتب و نظریه‌های روان‌شناسی پرورشی. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۷(۳)، ۷۱-۷۶.
- کریمی، ع. (۱۴۰۰). الگوی فرهنگ‌سازی رفتار اقتصادی مطلوب در رویکرد قرآنی (رساله دکتری). قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- محمدتقی، ن. م. (۱۳۹۹). تعامل دوسویه فرد و نهاد از منظر قرآن کریم و تبیین آن مبتنی بر حکمت اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۲۰(۷۸)، ۳۲-۵.
- مطهری، م. (۱۳۷۷). وحی و نبوت. قم: صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۸۴). جامعه و تاریخ. تهران: صدرا.
- معلوف، ل. (۱۳۸۴). المنجد (ترجمه م. ب. ریگی). تهران: انتشارات ایران.
- مکارم شیرازی، ن.، و آشتیانی، م. ر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ندائی، ع. ا. (۱۴۰۱). تحلیل اثر آسیب‌های محیط اقتصادی ایران بر سیاست‌گذاری عمومی. مطالعات دولت‌پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۴(۸)، ۱۶۵-۱۸۷.
- واعظی، ر. (۱۴۰۰). مدیریت دولتی رفتاری؛ نظریه‌ای جدید در مدیریت دولتی. توسعه علوم انسانی، ۲(۴)، ۶۱-۸۲.
<https://doi.org/10.22047/hsd.2022.182835>
- هادوی تهرانی، م. (۱۳۸۸). ساختار کلی نظام اقتصادی اسلام در قرآن. قم: رواق حکمت.
- هادوی‌نیا، ع. ا. (۱۳۸۳). انسان اقتصادی از دیدگاه اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- The Holy Qur'an. Translated by H. Ansarian. (in Persian).
- Altman, M. (2006). *Opening-up the objective function: Choice behavior and economic and non-economic variables—Core and marginal altruism*. Economics Bulletin, 4(33), 1–7.
- Asgari, H., & Ebrahimi, S. A. (2020). *An investigation of behavioral economics in Qur'anic verses*. Islamic Economics, 20(80), 25–50. (in Persian).
- Cartwright, E. (2017). *Behavioral economics* (Trans. G. Adli & H. Shojaeian Mirhosseini). Tehran: Donya-ye Eghtesad Publications. (in Persian).
- Farahani-Fard, S. (2024). *Economics of science and motivation theory: Implications for resistance economy studies*. Islamic Economics, 24(93), 101–139.
<https://doi.org/10.22034/iec.2024.2026593.2741> (in Persian).
- Ghavidel, A. (2019). *Pathology of the effects of the targeted subsidy plan on producers' behavior from the perspective of behavioral economics with implications for Islamic economics* (Master's thesis). Tehran: Imam Sadiq University. (in Persian).
- Hadavi Tehrani, M. (2009). *The general structure of the Islamic economic system in the Qur'an*. Qom: Ravaq-e Hikmat. (in Persian).
- Hadavi-Nia, A. A. (2004). *Economic man from the Islamic perspective*. Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Thought. (in Persian).
- Haji Moladarvish, N. (2018). *Foundations of behavioral economics: Individual decision making*. Tehran: Nahadgara. (in Persian).
- Karimi Monaghi, H., & Hasanian, Z. M. (2015). *Schools and theories of educational psychology*. Research in Medical Education, 7(3), 71–76. (in Persian).
- Karimi, A. (2021). *A model for promoting desirable economic behavior culture from a Qur'anic perspective* (Doctoral dissertation). Qom: Al-Mustafa International University. (in Persian).
- Karimzadeh, M. A. (2019). *Rationality in conventional economics, behavioral economics, and Islamic economics* (Master's thesis). Qom: University of Qom. (in Persian).
- Ma'louf, L. (2005). *Al-Munjid* (Trans. M. B. Rigi). Tehran: Iran Publications. (in Persian).
- Machlup, F. (1978). *Methodology of economics and other social sciences*. New York & London: Academic Press.
- Makarem Shirazi, N., & Ashtiani, M. R. (1995). *Tafsir Nemuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. (in Persian).
- Motahhari, M. (1998). *Revelation and prophethood*. Qom: Sadra. (in Persian).
- Motahhari, M. (2005). *Society and history*. Tehran: Sadra. (in Persian).
- Nazarian Mofid, M. T. (2020). *The reciprocal interaction of individual and institution from the perspective of the Holy Qur'an based on Islamic philosophy*. Islamic Economics, 20(78), 5–32. (in Persian).

- Nedaei, A. A. (2022). *Analysis of the impact of Iran's economic environmental damages on public policymaking*. Government Studies in the Islamic Republic of Iran, 14(8), 165–187. (in Persian).
- Pirooz, A. (2005). *Management in Islam*. Qom: Research Institute of Hawza and University. (in Persian).
- Pourfaraj, A. (2024). *The relationship between cognition and financial behavior from Hayek's perspective*. Methodology of Human Sciences, 30(121), 86–101. (in Persian).
- Pourfaraj, A., et al. (2015). Religiosity and economic behavior: An experimental economics methodology for studying the Islamic economic agent. *[Journal title unspecified], 7*(2), 33–68. (in Persian).
- Qaraati, M. (2004). *Tafsir Noor*. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an. (in Persian).
- Qasemi, M. A. (2014). A comparative analysis of divine traditions and natural laws in the Physiocracy school and their impact on foundational theories of human economic behavior (Master's thesis). Tehran: Imam Sadiq University. (in Persian).
- Qureshi, S. A. (1992). *Qamus al-Qur'an*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. (in Persian).
- Rahbar, F., & Amiri, M. (2014). *Behavioral economics and public policymaking*. Planning and Budgeting Quarterly, 19(4), 147–182. (in Persian).
- Rahbar, F., Motavaseli, M., & Amiri, M. (2013). *Behavioral economists and their theories*. Planning and Budgeting, 18, 133–165. (in Persian).
- Rajaei, M. K. (2016). *Microeconomics (with an approach to Islamic discussions)* (Vol. 2). Qom: [n.p.]. (in Persian).
- Razavi, A. R. (2002). Economic behavior of agents in an Islamic government from the perspective of Imam Ali (Master's thesis). Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. (in Persian).
- Rezaei Esfahani, M. A., & A group of Qur'anic researchers. (2008). *Qur'an Mehr commentary*. Qom: Qur'anic Interpretation Research Center. (in Persian).
- Rezaeian, A. (2013). *Systems analysis and design*. Tehran: SAMT. (in Persian).
- Riley, G. (2017). *Behavioral economic policy in action*. Economic Revision Webinars. <https://www.tutor2u.net/economics/reference/behavioural-economics-policies-in-action>
- Salim, F. A. A., Maidin, A. J., Sarif, S. M., & Zainudin, D. (2019). *Developing entrepreneurship training curriculum based on Tawhidic paradigm and legal principles: A case study of Malaysia*. Economics, Management and Sustainability, 4(2), 30–39. <https://doi.org/10.14254/jems.2019.4-2.3>
- Shabani, A., & Arabloo, M. (2018). Controlling components governing human motivation and economic behavior (from the perspective of Islamic economics). *Islamic Economics Studies*, 10(2), 129–154. (in Persian).
- Sorensen, J. (2007). *An introduction to economic thought* (Trans. A. Sarzaem). Tehran: Nashr-e Ney. (in Persian).
- Tabatabaei, M. H. (1973). *Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an*. [n.p.]: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at. (in Persian).
- Tavakkoli, A., Mostarhami, S. E., & Shayan, M. H. (2022). *Review and critique of the epistemology of the systemic school from the perspective of the Qur'an*. Qur'an and Science, 16(30). (in Persian).
- Tavakkoli, M. J., & Rafiei Pishvari, I. (2020). *A systematic view on the incorporation of Islamic values into economic theories*. Islamic Economics, 20(80), 5–24. (in Persian).
- Vaezi, R. (2021). *Behavioral public administration: A new theory in public management*. Human Sciences Development, 2(4), 61–82. <https://doi.org/10.22047/hsd.2022.182835> (in Persian).
- Zamakhshari, M. B. O. (2028). *Al-Kashshaf 'an haqa'iq ghawamid al-tanzil wa 'uyun al-aqawil fi wujuh al-ta'wil*. Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi. (in Persian).



Asymmetric Effects of Exchange Rate and Inflation Shocks on Iran's Stock Market Index: Evidence from a Threshold Vector Autoregression Model

Mahdieh Vaimandi¹, Omid Ali Adeli², and Masoumeh Motallebi³

1. Master's student, Department of Islamic Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran. Email: m.vaimandi@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: oa.adeli@qom.ac.ir
3. PhD in Public Sector Economics, Faculty of Management and Economics, Lorestan University, Khorramabad, Iran. Email: masoumemmotellebi@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/05/10

Received in revised form:
2025/07/13

Accepted: 2025/08/25

Available online: 2026/03/31

Keywords:

Exchange rate shocks,
Inflation shocks, Stock
market, Asymmetric effects,
Threshold model.

The present study aims to examine the asymmetric effects of exchange rate and inflation on the overall stock market index in Iran. To this end, a Threshold Vector Autoregression (TVAR) model is employed, which allows for analyzing the response of the stock market index to positive and negative shocks of macroeconomic variables under two distinct regimes (above and below the stock index threshold). The study uses quarterly data covering the period 1379–1401 (2000–2022). Five key variables are included in the model: the overall stock market index (considered simultaneously as an endogenous variable and the threshold variable), inflation rate, exchange rate, money supply, and industrial production index. Based on the model estimation, the threshold value of the stock market index is identified as 71,686 units. The findings indicate that shocks to inflation, exchange rate, liquidity, and industrial production exert asymmetric and regime-dependent effects on the stock market index. In particular, positive exchange rate shocks lead to an increase in the stock market index, while negative exchange rate shocks result in a decline. This effect is more significant and persistent in the high-regime state. Overall, the results suggest that Iran's stock market exhibits nonlinear and asymmetric behavior in response to economic shocks. Therefore, it is recommended that economic policymakers, in formulating macroeconomic policies aimed at stimulating the stock market, pay special attention to the direction and magnitude of shocks as well as the current market conditions (recession or expansion).

Cite this article: Vaimandi, Mahdieh; Adeli, Omid Ali; Motallebi, Masoumeh (2026). Asymmetric Effects of Exchange Rate and Inflation Shocks on Iran's Stock Market Index: Evidence from a Threshold Vector Autoregression Model, *Interdisciplinary Studies in Economics*, 2(1), 46 - 70. <https://doi.org/10.22091/ise.2025.12921.1031>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.

DOI: <http://doi.org/10.22091/ise.2025.12921.1031>

JEL Classification: E31, F31, C24



نقش نامتقارن تکانه های نرخ ارز و تورم بر شاخص کل بازار سهام در ایران: شواهدی از الگوی خودرگرسیون برداری آستانه‌ای

مهديه وايمندی^۱، اميد علی عادل^۲، معصومه مطلبی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: m.vaimandi@gmail.com
۲. استاد اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: mehregannader@yahoo.com
۳. دانش‌آموخته دکتری اقتصاد بخش عمومی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: masoumemmotellebi@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی اثر نامتقارن نرخ ارز و نرخ تورم بر شاخص کل بازار سهام است. بدین منظور از مدل خودرگرسیون برداری آستانه‌ای استفاده شده است که امکان تحلیل واکنش شاخص کل بازار سهام به تکانه‌های مثبت و منفی متغیرهای کلان را در دو رژیم متفاوت (بالا تر و پایین تر از آستانه شاخص سهام) فراهم می‌کند. دوره زمانی پژوهش حاضر به صورت فصلی و در بازه زمانی ۱۳۷۹ - ۱۴۰۱ است. در این مطالعه، پنج متغیر کلیدی شامل شاخص کل بازار سهام (که به طور هم‌زمان به عنوان متغیر درون‌زا و متغیر آستانه در نظر گرفته شده است)، نرخ تورم، نرخ ارز، حجم نقدینگی و شاخص تولید صنعتی مورد استفاده قرار گرفتند. بر اساس برآورد مدل، مقدار آستانه شاخص کل سهام ۷۱۶۸۶ واحد تعیین گردید. یافته‌ها نشان می‌دهند که تکانه‌های تورم، نرخ ارز، نقدینگی و تولید صنعتی اثرات نامتقارن و رژیم‌محور بر شاخص بازار سهام دارند. به ویژه، تکانه‌های مثبت نرخ ارز منجر به افزایش شاخص کل و تکانه‌های منفی نرخ ارز باعث کاهش آن می‌شوند. این اثر در رژیم بالا معنادارتر و پایدارتر است. در مجموع، نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بازار سهام ایران نسبت به شوک‌های اقتصادی، رفتاری غیرخطی و نامتقارن دارد. بنابراین، توصیه می‌شود، سیاست‌گذاران اقتصادی در تدوین سیاست‌های کلان به منظور رونق بازار سهام، به جهت و شدت شوک‌ها و همچنین وضعیت فعلی بازار (رکود یا رونق) توجه ویژه داشته باشند.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۱

کلیدواژه‌ها:

تکانه نرخ ارز، تکانه نرخ تورم، بازار سهام، اثرات نامتقارن، مدل آستانه‌ای.

استناد: وايمندی، مهديه؛ عادل، اميد علی؛ مطلبی، معصومه (۱۴۰۵). نقش نامتقارن تکانه های نرخ ارز و تورم بر شاخص کل بازار سهام در ایران: شواهدی از الگوی خودرگرسیون برداری آستانه‌ای. *مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد*، ۲ (۱)، ۷۰-۴۶. <https://doi.org/10.22091/ise.2025.12921.1031>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه قم.

طبقه‌بندی JEL: E31, F31, C24

مقدمه

بازارهای مالی و اقتصاد جهان همواره تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نرخ ارز و تورم قرار دارند. این دو عامل اساسی به عنوان **متغیرهایی کلیدی** در رشد و توسعه اقتصادی کشورها شناخته می‌شوند و تأثیر قابل توجهی بر بازارهای مالی، به ویژه بازار سهام دارند. تحقیقات اقتصادی اخیر نشان داده‌اند که نوسانات نرخ ارز و تورم اثرات قابل توجهی بر بازارهای مالی دارند، اما این اثرات به صورت متقارن نیستند. در این زمینه، مدل‌های غیرخطی می‌توانند به درک بهتری از رفتار بازار سهام در مواجهه با تکانه‌های اقتصادی کمک کنند (بهمنی-اسکویی و ساها^۱، ۲۰۱۸). در جهان امروز، رشد و توسعه اقتصادی یکی از اهداف اصلی در کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای در حال توسعه است. دستیابی به این هدف نیازمند سازوکارهای مناسب، از جمله تأمین مالی فعالیت‌ها است (گلشن و همکاران، ۱۴۰۱). در کشورهای در حال توسعه، بهبود اولیه بازار سهام باعث افزایش نسبت بدهی به سرمایه می‌شود و بانک‌ها همچنان نقش مهمی دارند؛ اما با توسعه بیشتر بازار سهام، شرکت‌های بزرگ به سمت تأمین مالی از طریق بازار سهام حرکت می‌کنند (دمیرکوک-کونت و ماکسیموویچ^۲، ۱۹۹۶). در اقتصاد ایران، تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی، نیاز به تأمین مالی از بخش‌های دیگر اقتصاد را افزایش داده است؛ در این میان، بازار سهام می‌تواند نقش مهمی در تأمین مالی شرکت‌ها و فعالیت‌های مختلف دولتی و خصوصی، جمع‌آوری پس‌اندازهای افراد و تحقق رشد و رونق اقتصادی ایفا کند. با این وجود، در اقتصاد ایران، بازار سهام عملکرد مناسب و پایداری در زمینه تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی مختلف نداشته است و به عنوان یکی از بازارهای مالی قابل اتکا در ایران به شمار نمی‌رود. این امر می‌تواند ناشی از اثرگذاری عوامل مختلف کلان اقتصادی، از جمله نرخ ارز و تورم باشد؛ از این رو، لازم است نحوه اثرگذاری تکانه‌های متغیرهای کلان اقتصادی، به ویژه نرخ ارز و تورم در شرایط مختلف رونق و رکود بازار سهام، مطالعه شود.

در مطالعه حاضر، برای بررسی اثر نامتقارن تکانه متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص کل بازار سهام، در کنار دو متغیر نرخ ارز و تورم، متغیرهای رشد نقدینگی و شاخص کل تولید صنعتی در نظر گرفته شده‌اند. برخی مطالعات نشان می‌دهند که تورم پایین می‌تواند اثر مثبتی بر بازار سهام داشته باشد، در حالی که تورم بالا معمولاً اثر منفی دارد (سیا و همکاران^۳، ۲۰۲۳). همچنین، مطالعات متعددی نشان داده‌اند که اثر نرخ ارز بر بازار سهام نامتقارن است؛ به این معنا که کاهش ارزش پول ملی می‌تواند اثر مثبت قوی‌تری بر بازار سهام نسبت به افزایش ارزش پول ملی داشته باشد. این اثر نامتقارن؛ به ویژه در بازارهای نوظهور مشهودتر است (احمد^۴، ۲۰۱۹). از جمله دلایل آن، اثر نرخ ارز بر صادرات است؛ به گونه‌ای که کاهش ارزش پول ملی می‌تواند صادرات را افزایش دهد و به نفع شرکت‌های صادرکننده باشد (لی و همکاران^۵، ۲۰۱۵). علاوه بر این، در دوره‌های بحران، ارتباطات نقدینگی بین بخش‌های مختلف بازار سهام تقویت می‌شود و برخی بخش‌ها نقش انتقال‌دهنده یا دریافت‌کننده اصلی نقدینگی را ایفا می‌کنند که این امر نیز می‌تواند به رفتار نامتقارن بازار منجر شود (لیم و چوی^۶، ۲۰۲۲). تحقیقات نشان می‌دهد که شاخص تولید صنعتی تأثیر معناداری بر شاخص کل بازار سهام دارد و این اثرگذاری اغلب نامتقارن است؛ به این معنا که واکنش بازار سهام به افزایش یا کاهش تولید صنعتی یکسان نیست. در کل، افزایش شاخص تولید صنعتی تأثیر قوی‌تری بر رشد بازار سهام دارد، در حالی که کاهش آن ممکن است اثر منفی شدیدتری بر

1. Bahmani-Oskooee & Saha
2. Demirgüç-Kunt & Maksimovic
3. Sia et al.
4. Ahmed
5. Li et al.
6. Lim & Choi

شاخص کل داشته باشد. همچنین، این عدم تقارن پس از بحران‌های اقتصادی یا تغییرات ساختاری اقتصادی تشدید می‌شود. از این‌رو، سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران باید به این اثرات نامتقارن توجه ویژه‌ای داشته باشند، زیرا نادیده گرفتن آن می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست در مدیریت ریسک و سرمایه‌گذاری شود (تیریاکی و همکاران^۱، ۲۰۱۹). به‌طور کلی، تکانه‌های مثبت و منفی در متغیرهای کلان اقتصادی، اثرات متفاوتی بر شاخص کل بازار سهام دارند (لیم و چوی، ۲۰۲۲). این یافته‌ها اهمیت توجه به پویایی‌های نامتقارن و اتخاذ سیاست‌گذاری متناسب با شرایط بازار را برای سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران نشان می‌دهد؛ که در مطالعه حاضر به این موضوع توجه می‌شود.

بررسی روند شاخص بورس در ایران طی دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۹، نشان‌دهنده تغییرات قابل‌ملاحظه در شاخص قیمت بورس است؛ به‌گونه‌ای که در اوایل دهه‌های ۸۰ و ۹۰، شاخص قیمت بورس رشد قابل‌ملاحظه‌ای را تجربه کرد و بیش از صد درصد افزایش یافت؛ اما رشد شاخص بورس از فصل چهارم سال ۱۳۹۷ تا فصل دوم سال ۱۳۹۹ قابل‌ملاحظه بوده است. به‌طوری‌که از ۱۷۸۶۵۹ واحد به ۱۵۹۵۱۶۰ واحد رسیده است و بعد از این دوره نیز با نوسانات و تلاطمات زیادی همراه بوده است. افزایش این نوسانات می‌تواند به‌دلیل تکانه‌ها و نوسانات متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله نرخ تورم و نرخ ارز، باشد که بر بازار سرمایه نیز اثرگذار هستند. با کاهش صادرات نفت به‌دلیل تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی در ایران، نیاز به تأمین مالی فعالیت‌های مختلف از طریق بازارهای مالی احساس می‌شود. در این میان، بیشتر تأمین مالی فعالیت‌های مختلف اقتصادی از طریق بانک‌ها صورت می‌گیرد که با مشکلات زیادی در زمینه نکول وام‌ها، به‌ویژه در شرایط کنونی اقتصاد ایران، مواجه هستند. بنابراین، بازار بورس می‌تواند جایگزین مناسبی برای تأمین مالی مناسب برای شرکت‌ها باشد. با این حال، تاکنون بازار بورس در این زمینه موفق نبوده است که یکی از دلایل اصلی آن، به‌ویژه باتوجه به شرایط اقتصاد ایران، نحوه اثرگذاری تکانه متغیرهای کلان اقتصادی، به‌ویژه نرخ ارز و تورم، بر شاخص بورس است. درواقع، اگرچه در مطالعات مختلف بیان می‌شود که کاهش ارزش پول ملی می‌تواند باعث بهبود در بازار سهام شود؛ اما با توجه به اثرگذاری تکانه نرخ ارز بر نوسانات تورم در ایران و اثر منفی تکانه تورم بالا بر بازار سهام، همچنین شرایط تحریم که امکان سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در بازار بورس ایران را مختل می‌کند و وابستگی اقتصاد ایران به واردات کالاهای واسطه‌ای که باعث بدتر شدن شرایط، به‌ویژه برای شرکت‌های فعال در بخش صنعتی می‌شود، کاهش ارزش پول ملی ممکن است باعث نوسانات، اختلالات و مشکلات اقتصادی زیادی شود که حتی نحوه اثرگذاری بر بازار سهام را تغییر دهد. بنابراین، در کنار نرخ ارز، لازم است سایر عوامل کلان اقتصادی مهم اثرگذار بر بازار سهام در اقتصاد ایران، شامل تورم، نقدینگی و شاخص تولید صنعتی نیز لحاظ شود. همچنین، تکانه‌های مثبت و منفی متغیرها در شرایط رونق و رکود بازار سهام ممکن است اثرگذاری متفاوتی بر شاخص قیمت بازار سهام داشته و به‌صورت متقارن نباشند. بنابراین، در مطالعه حاضر این سؤال بررسی می‌شود که آیا تکانه‌های مثبت و منفی نرخ تورم، نرخ ارز، نقدینگی و شاخص تولید صنعتی بر شاخص کل سهام در دو رژیم بازار سهام (پایین و بالا) به‌صورت نامتقارن عمل می‌کنند؟ بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی تکانه‌های مثبت و منفی متغیرهای کلان اقتصادی در رژیم بالا و پایین شاخص سهام با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری آستانه‌ای^۲ (TVAR) با بهره‌گیری از داده‌های فصلی دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۹ است.

1. Tiryaki et al.

2. Threshold vector autoregression

ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

انواع مختلف بازار سهام

بازار سهام به طور کلی به چهار نوع مختلف طبقه بندی می شود که هر کدام ویژگی ها و رفتار خاص خود را دارند. از ویژگی های بازار صعودی^۱، افزایش مداوم قیمت سهام برای مدت زمانی طولانی (معمولاً ۲۰ درصد یا بیشتر در عرض یک سال)، افزایش حجم معاملات، خوش بینی کلی در بین سرمایه گذاران و افزایش سود شرکت ها است که از عوامل اصلی بازارهای رو به رشد است. افزایش نقدینگی در بازار نیز می تواند به شکل گیری و تداوم رژیم های صعودی کمک کند (کانجیا و ارورا^۲، ۲۰۱۵؛ زاکامولین^۳، ۲۰۲۴). بازار کساد (نزولی) سهام^۴ با کاهش مداوم قیمت سهام برای مدت زمانی طولانی (معمولاً ۲۰ درصد یا بیشتر در عرض یک سال)، کاهش حجم معاملات، ترس و عدم اطمینان کلی در بین سرمایه گذاران و کاهش سود شرکت ها همراه است (فاما و فرنچ^۵، ۲۰۱۵). در بازار خنثی^۶، نوسانات قیمت سهام در یک محدوده نسبتاً ثابت برای مدت زمانی طولانی رخ می دهد. در این نوع بازار، حجم معاملات در سطح متوسط است و روند مشخصی در قیمت سهام مشاهده نمی شود (هادارت و همکاران^۷، ۲۰۰۳). در بازار پرنوسان^۸ نیز نوسانات ناگهانی و غیرقابل پیش بینی قیمت سهام در بازه های زمانی کوتاه، حجم معاملات بالا و سطح قابل توجهی از عدم اطمینان در بین سرمایه گذاران وجود دارد (فاما و فرنچ، ۲۰۱۵).

تأثیر تکانه نرخ تورم بر بازده سهام در رژیم های مختلف بازار سهام

تکانه های مثبت و منفی نرخ تورم به تغییرات ناگهانی در نرخ تورم اشاره دارند که می توانند بر بازده سهام اثرات متفاوتی داشته باشند. در اینجا، به بررسی این اثرات در قالب دو نوع تکانه تکانه مثبت و منفی پرداخته می شود. تکانه های مثبت به افزایش ناگهانی نرخ تورم اشاره دارند. این افزایش معمولاً زمانی رخ می دهد که اقتصاد دچار تکانه های پولی یا عرضه ای می شود. در این شرایط، اثرات متناقضی بر بازده سهام ممکن است دیده شود (کانلی و همکاران^۹، ۲۰۲۲). اثر اول، مربوط به افزایش نرخ بهره است. با افزایش نرخ تورم، بانک های مرکزی معمولاً اقدام به افزایش نرخ بهره می کنند. این امر می تواند به کاهش تقاضا برای سهام و کاهش بازده آن ها منجر شود؛ زیرا سرمایه گذاران به سمت دارایی های با ریسک کمتر، مانند اوراق قرضه، سوق پیدا می کنند. همچنین، با جذاب تر شدن دارایی های با ریسک کمتر مانند اوراق قرضه به دلیل نرخ بهره بالاتر، سرمایه گذاران بخشی از سرمایه خود را از بازار سهام خارج می کنند و به سمت این دارایی ها سوق می یابند که این امر منجر به کاهش بازده سهام می شود (پانیگراهی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۴). اثر دوم، مربوط به کاهش قدرت خرید است. افزایش نرخ تورم به معنای کاهش قدرت خرید مصرف کنندگان است و این موضوع می تواند منجر به کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات شود. در نتیجه، شرکت ها با کاهش فروش و سودآوری مواجه می شوند که این امر نهایتاً

1. Bull Market
2. Kanojia & Arora
3. Zakamulin
4. Bear Market
5. Fama & French
6. Range Market
7. Huddart et al.
8. Choppy Market
9. Connolly et al.
10. Panigrahi et al.

به افت قیمت سهام آن‌ها منجر می‌گردد (هانامارو^۱، ۲۰۲۴). با این حال، در برخی از شرایط، شرکت‌ها ممکن است قادر به انتقال افزایش هزینه‌ها به مصرف‌کنندگان باشند که می‌تواند به حفظ یا حتی افزایش سودآوری کمک کند (جالتریو و سامرفلد^۲، ۲۰۱۹).

تکانه‌های منفی به کاهش ناگهانی نرخ تورم اشاره دارند. کاهش شدید تورم معمولاً به دلیل کاهش تقاضا یا کاهش قیمت کالاها و خدمات به وقوع می‌پیوندد. این تکانه‌ها نیز می‌توانند اثرات متفاوتی بر بازده سهام داشته باشند (کانلی و همکاران، ۲۰۲۲). اثر اول، افزایش انتظارات برای کاهش نرخ بهره است. کاهش تورم معمولاً می‌تواند منجر به کاهش نرخ بهره شود که ممکن است جذابیت سهام را برای سرمایه‌گذاران افزایش دهد. کاهش نرخ بهره می‌تواند به کاهش هزینه‌های تأمین مالی برای شرکت‌ها منجر شده و به سودآوری آن‌ها کمک کند (سمولیانسکی^۳، ۲۰۲۳). اثر دوم، انتظارات رکود اقتصادی است. در صورتی که کاهش نرخ تورم به دلیل کاهش شدید تقاضا یا رکود اقتصادی باشد، این امر ممکن است به کاهش بازده سهام منجر شود. در این شرایط، سرمایه‌گذاران نگرانی بیشتری درباره کاهش سودآوری شرکت‌ها دارند؛ زیرا رکود اقتصادی اغلب با کاهش فروش، افت سود شرکت‌ها و بی‌ثباتی بازار همراه است (بلوت و مارانگوز^۴، ۲۰۲۵).

رژیم‌های مختلف بازار سهام ممکن است واکنش‌های متفاوتی به تکانه تورم نشان دهند. در رژیم‌های صعودی بازار سهام، تورم می‌تواند تأثیر مثبتی بر بازده سهام داشته باشد. دلیل این امر این است که افزایش تورم به‌طور کلی با افزایش سود شرکت‌ها همراه است. زمانی که قیمت‌ها افزایش می‌یابد، شرکت‌ها می‌توانند محصولات خود را به قیمت‌های بالاتری بفروشند و در نتیجه سود بیشتری کسب کنند (چیانگ و چن^۵، ۲۰۲۳). با این حال، در سطوح بالای تورم، سرمایه‌گذاران ممکن است نگران کاهش قدرت خرید پول خود باشند و تقاضای خود برای سهام را کاهش دهند. این امر می‌تواند منجر به کاهش قیمت سهام و در نتیجه کاهش بازده سهام شود (محمد و همکاران^۶، ۲۰۲۴). در رژیم‌های نزولی بازار سهام، تکانه مثبت تورم می‌تواند تأثیر منفی بر بازده سهام داشته باشد. دلیل این امر آن است که افزایش نرخ تورم می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌ها، کاهش قدرت خرید و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها شود که بازده سهام را تحت فشار قرار می‌دهد. در بازارهای نوسانی، تغییرات شدید و ناگهانی در قیمت‌ها اتفاق می‌افتد. در این بازارها، تکانه‌های نرخ تورم می‌توانند موجب واکنش‌های سریع و شدید سرمایه‌گذاران شوند (چیانگ و چن، ۲۰۲۳). در این شرایط، ترکیبی از عوامل اقتصادی و روانی می‌تواند تأثیرات پیچیده‌ای بر بازده سهام بگذارد. در بازارهای خنثی، رابطه بین تورم و بازده سهام نامشخص است. برخی مطالعات نشان داده‌اند که تورم هیچ تأثیر قابل توجهی بر بازده سهام در این بازارها ندارد، درحالی که برخی دیگر از مطالعات نشان داده‌اند که تورم می‌تواند تأثیر منفی بر بازده سهام داشته باشد (آزار^۷، ۲۰۱۰).

تأثیر تکانه نرخ ارز بر بازده سهام در رژیم‌های مختلف بازار سهام

تکانه‌های نرخ ارز، یعنی تکانه‌های ناگهانی مثبت (افزایش نرخ ارز) یا منفی (کاهش نرخ ارز)، اثرات متفاوت و نامتقارنی بر بازده سهام در بازارهای صعودی و نزولی دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در بازارهای صعودی سهام، تکانه‌های مثبت نرخ ارز معمولاً تأثیر کمتری بر بازده سهام دارند؛ زیرا سرمایه‌گذاران در این شرایط به آینده بازار خوش‌بین هستند و نوسانات ارزی را کمتر تهدیدآمیز تلقی می‌کنند. در مقابل، در بازارهای نزولی سهام، تکانه‌های منفی نرخ ارز (تقویت ارزش پول ملی) می‌تواند اثر مثبت‌تری بر بازده

1. Dhanamaru
2. Joltreau & Sommerfeld
3. Smolyansky
4. Bulut & Marangoz
5. Chiang & Chen
6. Muhammad et al.
7. Azar

سهام داشته باشد؛ چرا که سرمایه‌گذاران به دنبال دارایی‌های امن‌تر هستند و حساسیت بازار به اخبار ارزی افزایش می‌یابد. همچنین، تکانه‌های مثبت نرخ ارز در بازارهای نزولی سهام معمولاً اثر منفی قوی‌تری بر سهام دارند؛ زیرا تضعیف پول ملی در شرایط رکود می‌تواند نگرانی‌های بیشتری درباره سودآوری شرکت‌ها و وضعیت کلی اقتصاد ایجاد کند. این اثرات در کوتاه‌مدت و بلندمدت نیز متفاوت است و در دوره‌های بحران یا نوسان شدید، شدت و عدم تقارن واکنش بازار سهام به تکانه‌های ارزی افزایش می‌یابد (ژو و همکاران^۱، ۲۰۲۲). به‌طور کلی، واکنش بازار سهام به تکانه‌های ارزی به جهت تکانه، اندازه آن و وضعیت کلی بازار بستگی دارد و این روابط در کشورهای مختلف و در بخش‌های گوناگون بازار سهام می‌تواند متفاوت باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران باید در تحلیل ریسک و تصمیم‌گیری‌های خود به عدم تقارن و وابستگی به رژیم بازار توجه ویژه داشته باشند (حشمی و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

اثر نقدینگی و تولید صنعتی بر بازده سهام در رژیم‌های مختلف بازار سهام

نقدینگی یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی است که می‌تواند اثرات متفاوتی بر بازده سهام در شرایط گوناگون بازار داشته باشد. افزایش نقدینگی به‌طور معمول به افزایش قدرت خرید و تقاضای کل منجر می‌شود که می‌تواند فروش و سودآوری شرکت‌ها را بهبود بخشد و قیمت سهام را افزایش دهد (بودهاتکی و همکاران^۳، ۲۰۲۴). در بازارهای صعودی، رشد نقدینگی اغلب اثر تقویتی بر بازده سهام دارد؛ زیرا هم انتظارات مثبت سرمایه‌گذاران را تقویت می‌کند و هم جریان سرمایه به سمت دارایی‌های مالی را افزایش می‌دهد. در مقابل، در بازارهای نزولی، افزایش نقدینگی ممکن است اثر محدودتری داشته باشد یا حتی بی‌اثر باشد، به‌ویژه اگر انتظارات منفی یا عدم اطمینان بالا در اقتصاد حاکم باشد؛ در این شرایط، بخشی از نقدینگی ممکن است به سمت بازارهای موازی یا دارایی‌های امن‌تر حرکت کند (هو و همکاران^۴، ۲۰۱۹). کاهش نقدینگی نیز در هر دو رژیم می‌تواند اثر منفی بر بازده سهام داشته باشد، اما این اثر در بازارهای نزولی شدیدتر است؛ زیرا کاهش دسترسی به منابع مالی، فشار مضاعفی بر شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران وارد می‌کند (دنگ و نگویان^۵، ۲۰۲۰).

تولید صنعتی به‌عنوان شاخصی از فعالیت واقعی اقتصاد، ارتباط مستقیمی با سودآوری شرکت‌ها و در نتیجه بازده سهام دارد. افزایش تولیدات صنعتی به معنای رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و بالا رفتن درآمدها است که می‌تواند تقاضا برای محصولات و خدمات شرکت‌ها را افزایش داده و سودآوری آن‌ها را تقویت کند. در بازارهای صعودی، رشد تولید صنعتی معمولاً اثر مثبتی بر بازده سهام دارد و موجب تداوم روند صعودی می‌شود (ساوریس و همکاران^۶، ۲۰۲۲). در بازارهای نزولی، اثر مثبت رشد تولید صنعتی ممکن است به دلیل غلبه عوامل منفی کلان یا ریسک‌گریزی سرمایه‌گذاران تضعیف شود، اما همچنان می‌تواند نقش حمایتی در کاهش شدت افت قیمت‌ها ایفا کند. کاهش تولید صنعتی در هر دو رژیم معمولاً اثر منفی بر بازده سهام دارد، با این تفاوت که در بازارهای نزولی، این کاهش می‌تواند به تشدید رکود و تقویت انتظارات منفی سرمایه‌گذاران منجر شود (لازاروس^۷، ۲۰۱۷).

1. Zhu et al.
2. Hashmi et al.
3. Budhathoki et al.
4. Hu et al.
5. Dang & Nguyen
6. Saweris et al.
7. Lazarus

اثر متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر بر بازار سهام

در نظریه‌های اقتصادی و مالی، رابطه بین نرخ تورم و بازده سهام با دو نظریه متفاوت تفسیر می‌شود. نظریه کینزی، طبق این دیدگاه، تورم ممکن است به‌عنوان یک عامل منفی بر بازده سهام تأثیر بگذارد. افزایش تورم می‌تواند به کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان، افزایش هزینه‌های تولید و در نتیجه کاهش سودآوری شرکت‌ها منجر شود که اثر منفی بر قیمت سهام دارد. همچنین، تورم بالا ممکن است موجب افزایش نرخ بهره شود که خود می‌تواند منجر به کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری در سهام شود (نلسون^۱، ۱۹۷۷). نظریه محافظت در برابر تورم^۲، بیان می‌کند که تورم می‌تواند اثرات مثبتی بر بازار سهام داشته باشد. بر اساس این نظریه، در شرایطی که تورم به تدریج و به‌طور قابل پیش‌بینی افزایش می‌یابد، شرکت‌ها قادر به انتقال هزینه‌های بالاتر به مصرف‌کنندگان هستند و ممکن است از افزایش قیمت‌ها بهره‌برداری کنند. همچنین، برخی از صنایع (مانند کالاهای مصرفی و مواد اولیه) ممکن است از تورم به‌عنوان یک محافظ طبیعی در برابر افت ارزش پول استفاده کنند (جاکوب و همکاران^۳، ۲۰۲۵).

یکی از مهم‌ترین کانال‌های تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر بازار سهام، نرخ ارز است. به‌طور کلی، رابطه میان نرخ ارز و بازار سهام در دو حالت جریان‌گرا و سهام‌گرا مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. مهم‌ترین الگوی جریان‌گرا الگوی مطرح‌شده توسط دورنبوش و فیشر^۴ (۱۹۸۰) است. در قالب این الگو، تعیین نرخ ارز توسط حساب جاری و تراز پرداخت‌ها صورت می‌گیرد. بر این اساس، تغییرات درآمد نفتی و متعاقباً تغییر در نرخ ارز، از طریق تغییر در عملکرد شرکت‌های صادرات‌محور و واردات‌محور بررسی، بر قیمت سهام و شاخص بازار سهام تأثیر می‌گذارد. در قالب الگوی جریان‌گرا، به‌طور کلی، نرخ ارز بر قیمت سهام تأثیر مثبت دارد که از طریق بهبود تراز تجاری قابل توضیح است و این موضوع نیازمند افزایش باز بودن تجاری و افزایش سهم شرکت‌های صادرات‌محور در بازار سرمایه است (برقی اسگوئی و ثقفی کلوانق، ۱۳۹۷).

در نقطه مقابل در الگوهای سهام‌گرا عامل تعیین‌کننده نرخ ارز، حساب سرمایه است. از مهم‌ترین الگوهای سهام‌گرا می‌توان به الگوی تراز پرتفوی که توسط فرانکل^۵ (۱۹۸۳) معرفی شده اشاره کرد. در قالب این الگو، با کاهش قیمت سهام، ثروت سرمایه‌گذاران داخلی کاهش می‌یابد و باعث کاهش تقاضای پول و نرخ بهره می‌شود و با کاهش نرخ بهره، خروج سرمایه افزایش یافته و زمینه برای افزایش نرخ ارز فراهم می‌شود. لذا جریان سرمایه بین بازار ارز و بازار سهام همبستگی ایجاد می‌نماید (پاولووا و ریگن^۶، ۲۰۰۷). می‌توان ارتباط میان بازار سهام و بازار ارز را از طریق رویکرد بازار خوب تفسیر نمود. در واقع، این رویکرد بیان می‌دارد که تغییرات نرخ ارز حقیقی موجب تغییر قیمت سهام می‌شود، به‌گونه‌ای که افزایش نرخ ارز حقیقی منجر به بهبود تراز تجاری و متعاقباً افزایش سود شرکت‌ها می‌شود و افزایش سود خود منجر به افزایش قیمت سهام می‌شود (ونگ^۷، ۲۰۱۷).

از دیدگاه نظری، اگرچه نرخ ارز و تورم از کانال‌هایی نظیر هزینه واردات، درآمد صادراتی، انتظارات قیمتی و قدرت خرید بر شاخص سهام اثرگذارند، اما رفتار بازار سهام مستقل از سایر عوامل کلان شکل نمی‌گیرد (شارما^۸، ۲۰۲۲). نقدینگی به‌عنوان نماد شرایط پولی اقتصاد، توان خرید و حجم وجوه قابل سرمایه‌گذاری را منعکس می‌کند و می‌تواند شدت و جهت اثرگذاری نرخ ارز و تورم را در رژیم‌های

1. Nelson
2. Inflation Hedge Theory
3. Jacob et al.
4. Dornbusch-Fischer
5. Frankel
6. Pavlova & Rigobon
7. Wong
8. Sharma

متفاوت بازار سهام تغییر دهد (مرجوهان^۱، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، شاخص تولید صنعتی به عنوان معیاری از وضعیت بخش واقعی اقتصاد، بازتاب دهنده ظرفیت تولید، سطح اشتغال و سودآوری شرکتها است و می تواند در تبیین واکنش بازار به تکانه های قیمتی نقش تعیین کننده ای داشته باشد (چنگ و همکاران^۲، ۲۰۱۹).

نقدینگی به عنوان یک متغیر سیاستی در سطح کلان و هم به عنوان جزئی از سید دارایی فرد (پول)، می تواند بر شاخص سهام تأثیرگذار باشد (بیات و همکاران، ۱۳۹۵). در واقع این کانال، از طریق اثر بر تمایلات مصرف کننده برای هزینه کردن و نیز تمایل مؤسسات اعتباری برای وام دادن عمل می کند. اگر مصرف کنندگان دارایی های مالی همچون پول، سهام و اوراق قرضه را نگهداری کنند، می توانند آن ها را به سرعت به قیمت بازاری فروخته و نقدینگی خود را افزایش دهند؛ بنابراین، اگر مصرف کنندگان با احتمال بالاتری انتظار داشته باشند که دارایی هایشان دچار زیان مالی شود، نگهداری دارایی ها با نقدینگی بالاتر (دارایی های مالی) را به دارایی های با نقدینگی کمتر (کالاها، بادوام و مسکن) ترجیح می دهند (ابراهیمی و شگری، ۱۳۹۰).

درباره ارتباط بین تولید صنعتی و قیمت سهام می توان بیان کرد که تولید صنعتی باعث رشد اقتصادی و بهبود تراز تجاری می شود (یوهاسین^۳، ۲۰۱۱). با افزایش رشد اقتصادی، انتظار می رود درآمد افراد و سرمایه گذاران افزایش یابد که باعث افزایش تقاضا برای کالاها، تولید شده توسط شرکتها در بازار سهام می شود و این امر به سودآوری و جریان نقدی آینده منجر می گردد. بنابراین، رشد اقتصادی با تأثیر بر درآمدها و جریان های نقدی آینده، قیمت سهام را افزایش می دهد (حاتم راد و همکاران، ۱۴۰۱).

مرور مطالعات پیشین

بررسی پیشینه نشان می دهد که مطالعات داخلی و خارجی متعددی اثر نرخ ارز و تورم بر شاخص سهام را تحلیل کرده اند، اما در بسیاری از موارد، رویکرد آن ها با محدودیت هایی همراه بوده است که لزوم انجام پژوهش حاضر را توجیه می کند. برای نمونه، زراعتی و همکاران (۱۴۰۳) با استفاده از مدل همبستگی شرطی پویا و APARCH به بررسی سرایت تکانه های ارزی به بازار سهام پرداختند و نشان دادند که واکنش بازار سهام نسبت به تکانه های مثبت و منفی بازار ارز نامتقارن است؛ با این حال، تحلیل آن ها به تمایز بین رژیم های مختلف بازار (رونق یا رکود) نپرداخته است. خضرزادگان (۱۴۰۳) نیز با روش خودرگرسیون آستانه گشتاور، پیوند پویای قیمت سهام و نرخ ارز را بررسی کرده و رابطه بلندمدت آستانه ای را گزارش کرده است، اما دامنه متغیرهای مورد استفاده محدود بوده و سایر عوامل کلان مؤثر بر بازار سهام در نظر گرفته نشده اند.

گل ارضی و خراسانی (۱۴۰۲) و صرافی زنجانی و مهرگان (۱۳۹۷) با بهره گیری از مدل های ARDL و NARDL اثر متقارن و نامتقارن نرخ ارز و نوسانات آن را بر صنایع خاص (مانند صنعت دارو یا صنایع شیمیایی و فلزات اساسی) مطالعه کرده اند. هرچند این نتایج برای شناخت رفتار بخش های خاص مفید است، اما تعمیم پذیری آن به کل بازار سهام محدود بوده و تصویر جامعی از پویایی های بازار ارائه نمی دهد. در سوی دیگر، پژوهش هایی مانند طالبی و همکاران (۱۴۰۲) یا تقوی و همکاران (۱۴۰۱) اثر سایر متغیرهای کلان نظیر نقدینگی، کسری بودجه و ارزش افزوده اقتصادی را بر ساختار سرمایه یا بازده سهام بررسی کرده اند، اما ارتباط ترکیبی این عوامل با نرخ ارز و تورم در یک چارچوب یکپارچه و رژیم محور بر بازار سهام تحلیل نشده است.

برخی مطالعات، مانند دیزجی و حاجی‌پور (۱۴۰۱) یا لشکری‌زاده و دنیا‌احمدیان‌پور (۱۳۹۷)، از روش‌های تغییر رژیم مارکوف-سوییچینگ استفاده کرده‌اند که امکان تفکیک بین شرایط رکود و رونق را فراهم می‌کند، اما تمرکز آن‌ها بیشتر بر اثر یک یا دو متغیر خاص (مانند نرخ ارز یا درآمدهای نفتی) بوده و اثرات هم‌زمان تکانه‌های مثبت و منفی تورم و سایر متغیرهای کلان بر شاخص کل سهام کمتر مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این، مطالعاتی نظیر عثمانی و همکاران (۱۴۰۱) به پویایی زمانی اثر تورم بر بازار سهام پرداخته‌اند، ولی رویکرد آن‌ها فاقد تحلیل هم‌زمان اثرات نامتقارن نرخ ارز و تورم در بستر رژیم‌های متفاوت بازار است.

در مطالعات خارجی فیلیپس و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه خود نقش نرخ ارز و نرخ تورم را در رابطه چرخه‌ای قیمت نفت و بازده سهام در کشورهای واردکننده و صادرکننده نفت در نظر گرفتند. برای این منظور، از روش NARDL پنلی استفاده شد و عدم تقارن مورد توجه قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن عدم تقارن، اثر نرخ تورم بر رابطه چرخه‌ای بین قیمت نفت و بازده سهام بی‌معنا است؛ اما نقش نرخ ارز معنادار است. ونگ (۲۰۲۲)، اثر نرخ ارز واقعی بر قیمت‌های سهام واقعی را در کشورهای مالزی، فیلیپین، سنگاپور، کره، ژاپن، انگلستان، آلمان، هنگ‌کنگ و اندونزی، با استفاده از روش‌های ARDL و NARDL بررسی کرد. نتایج نشان می‌دهد که در بیشتر کشورهای نرخ ارز واقعی اثر نامتقارن معنادار بر قیمت واقعی سهام دارد. سیا و همکاران (۲۰۲۳)، در مطالعه خود اثرات نامتقارن تغییرات نرخ تورم بر بازار سهام را در اندونزی با استفاده از مدل NARDL طی دوره زمانی ۲۰۲۰-۱۹۹۶ بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که تورم هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت اثر نامتقارن بر قیمت سهام دارد و هر دو افزایش و کاهش تورم به بازار سهام آسیب می‌زند. ادیونیه و چاکوو^۲ (۲۰۲۳) نیز در مطالعه خود با استفاده از یک مدل خودرگرسیون با وقفه توزیعی غیرخطی با آستانه‌های چندگانه^۳ و داده‌های طی دوره زمانی ژانویه ۱۹۹۹ تا دسامبر ۲۰۲۱ در نیجریه، به بررسی واکنش نامتقارن قیمت سهام و تولید صنعتی به تکانه‌های مختلف نرخ ارز پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که واکنش‌های قیمت سهام و تولید صنعتی به تغییرات نرخ ارز به اندازه تکانه‌ها حساس هستند. سیا و همکاران (۲۰۲۵)، در مطالعه خود اثرات نامتقارن نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ بهره و GDP را بر قیمت‌های سهام در اندونزی با استفاده از روش NARDL و به صورت فصلی طی دوره ۱۹۹۷ تا فصل سوم ۲۰۲۳ بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که نرخ تورم اثر نامتقارن بر قیمت سهام ندارد، در حالی که نرخ ارز به‌طور معناداری قیمت‌های سهام را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کل، این پژوهش‌ها عموماً برای کشورهای با ساختار اقتصادی متفاوت از ایران انجام شده‌اند و نتایج آن‌ها لزوماً قابل تعمیم به شرایط خاص اقتصاد ایران و بازار سهام آن نیست.

با توجه به مطالب بیان‌شده، پژوهش حاضر از چند جنبه با مطالعات پیشین انجام‌شده در ایران تفاوت دارد. اول این‌که، در حالی که اغلب پژوهش‌های داخلی رابطه غیرخطی بین نرخ ارز، تورم و شاخص سهام را با بهره‌گیری از مدل‌های NARDL یا مارکوف-سوییچینگ بررسی کرده‌اند و عمدتاً تکانه‌های مثبت و منفی متغیرها را به‌صورت جداگانه و در چارچوبی محدود تحلیل می‌کنند، این مطالعه با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری آستانه‌ای قادر است اثر هم‌زمان تکانه‌های مثبت و منفی متغیرهای کلان را در دو رژیم متمایز بازار سهام (سطوح بالاتر و پایین‌تر از آستانه شاخص کل) مورد ارزیابی قرار دهد. این ویژگی امکان تحلیل دقیق‌تر و یکپارچه‌تری از رفتار رژیم‌محور بازار سهام فراهم می‌آورد. روش خودرگرسیون برداری آستانه‌ای نه تنها به شناسایی تفاوت در شدت و پایداری اثرات کمک می‌کند، بلکه درک دقیق‌تری از پویایی‌های پیچیده و غیرخطی بین متغیرها و شاخص سهام ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری دقیق‌تر سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران بازار سهام باشد. دوم این‌که، در کنار دو متغیر نرخ ارز و تورم، از متغیرهای

1. Philips et al.

2. Odionye & Chukwu

3. multiple threshold nonlinear autoregressive distributed lag model

نقدینگی و شاخص تولید صنعتی که می‌توانند نقش مهمی را در رکود و رونق بازار سهام داشته باشند استفاده می‌شود؛ در حالی که تاکنون مطالعه‌ای با این ترکیب متغیرها و با لحاظ هم‌زمان عدم تقارن و رژیم‌های مختلف بازار سهام بدین صورت انجام نشده است. سوم این‌که، در پژوهش حاضر از داده‌های فصلی طی دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۴۰۱ استفاده می‌شود و تمامی دوره‌های رونق بازار سهام پس از انقلاب و افزایش شدید شاخص کل بورس در دوره زمانی مورد بررسی در نظر گرفته شده است.

روش‌شناسی تحقیق

مدل خودرگرسیون برداری آستانه‌ای

خودرگرسیون برداری آستانه‌ای روشی نسبتاً ساده برای محاسبه مدل‌های غیرخطی، نظیر تغییر رژیم، عدم تقارن و تعادل چندگانه است که بر مدل‌های تئوریک فعالیت اقتصاد کلان اشاره دارد (بالکه^۱، ۲۰۰۰، ۳۴۴). الگوی TVAR دو رژیمی را می‌توان به صورت زیر نوشت.

$$y_t = \begin{cases} \mu^{(1)} + \Phi^{(1)}(L)y_{t-1} + \varepsilon_t^{(1)} & \text{if } c_{t-d} \leq \gamma \\ \mu^{(2)} + \Phi^{(2)}(L)y_{t-1} + \varepsilon_t^{(2)} & \text{if } c_{t-d} > \gamma \end{cases} \quad (1)$$

که y_t برداری از متغیرهای درون‌زا است که در پژوهش حاضر شامل متغیرهای شاخص بازار سهام، نرخ تورم، نرخ ارز، رشد نقدینگی و شاخص تولید صنعتی می‌شود. μ^r یک بردار ثابت 2×1 است (نماینگر رژیم است که در پژوهش حاضر معادل با ۲ است) و $\Phi^{(r)}(L)$ عملگر وقفه است. خطاهای ε_t ، غیرهمبسته با میانگین صفر و ماتریس کوواریانس مشخص و مثبت $\sum^{(r)}$ هستند. فرض می‌شود که $\varepsilon_t^{(r)} \sim N(0, \sum^{(r)})$. رابطه (۱)، می‌تواند به صورت زیر نوشته شود.

$$y_t = \left(\mu^{(1)} + \Phi_1^{(1)} y_{t-1} + \dots + \Phi_p^{(1)} y_{t-p} + \varepsilon_t^{(1)} \right) I(c_{t-d} \leq \gamma) + \left(\mu^{(2)} + \Phi_1^{(2)} y_{t-1} + \dots + \Phi_p^{(2)} y_{t-p} \right) I(c_{t-d} > \gamma) \quad (2)$$

که در رابطه (۲)، P وقفه مدل خودتوضیح برداری است. c_{t-d} ، متغیر آستانه‌ای (انتقال) است و γ مقدار آستانه‌ای است. $I(\cdot)$ یک تابع شاخص است که مساوی با یک است زمانی که شرط برقرار باشد و در غیر اینصورت، مساوی با صفر است.

معمولاً ارزش آستانه‌ای از قبل مشخص نیست و لازم است برآورد شود. به‌منظور آزمون آستانه زمانی که مقدار γ مشخص نیست، مدل آستانه‌ای با حداقل مربعات برای همه مقادیر ممکن آستانه‌ای تخمین زده می‌شود (بالکه، ۲۰۰۰، ۳۴۵). برای هر مقدار آستانه‌ای ممکن، آماره والد فرضیه صفر هیچ تفاوت بین رژیم‌ها وجود ندارد را آزمون می‌کند. روش شبیه‌سازی هانسن^۲ (۱۹۹۶) - که شبیه‌سازی با یک توزیع تجربی آماره‌های sup-wald ، avg-wald و exp-wald استفاده می‌کند - در پژوهش حاضر استفاده می‌شود. مقادیر آستانه‌ای برآوردشده، مقادیری هستند که لگاریتم تعیین‌کننده خطاهای ساختاری را حداکثر می‌کنند. تابع هدف با وجود متغیر مجازی در معادله بالا بسیار نامنظم است. این مشکل را می‌توان از طریق حداقل‌سازی تابع هدف حل کرد:

$$\hat{\theta} = \arg \min_{\theta} SSR(\theta) \quad (3-20) \quad (3)$$

حداقل‌سازی تابع فوق از طریق جستجوی شبکه‌ای^۳ امکان‌پذیر است. داده‌ها به صورت صعودی مرتب می‌شوند و سپس از دو طرف سری زمانی بخشی از اطلاعات (در پژوهش حاضر ۵ درصد) حذف می‌شود. تمامی متغیرهای موجود در مدل نیز بر اساس متغیر

1. Balke
2. Hansen
3. Grid Search

آستانه‌ای مرتب شده و مدل به ازای ۹۰ درصد مشاهدات باقی‌مانده از متغیر آستانه‌ای، به‌طور مکرر با استفاده از روش OLS برآورد می‌شود. در پژوهش حاضر تعداد تکرار برای مدل‌های مختلف پژوهش معادل با ۱۰۰۰۰ است (مطلبی، ۱۳۹۸).

تابع عکس‌العمل آنی تعمیم‌یافته^۱ (GIRF)

با توجه به این که مدل به‌شکل فرم خلاصه شده است، تفسیر ضرایب برآورد شده مدل خودرگرسیون برداری آستانه‌ای ممکن نیست. به‌منظور درک رفتار پویای مدل، توابع عکس‌العمل آنی مفیدتر هستند. در این پژوهش از تابع عکس‌العمل آنی تعمیم‌یافته (GIRF) استفاده می‌شود که یک متغیر تصادفی بوده و تابعی از اندازه تکانه‌ها و پیشینه متغیرها است.

$$E[Y_{t+k}|\Omega_{t-1}, u_t] - E[Y_{t+k}|\Omega_{t-1}] \quad (۴)$$

که Ω_{t-1} مجموعه اطلاعات در زمان $t-1$ و u_t میزان مشخصی از تکانه‌های برون‌زا است. معمولاً اثر یک تکانه برون‌زای منفرد در یک زمان بررسی می‌شود، چنانکه مقدار مؤلفه u_t در u_t ، یعنی u_t^i ، در سطح معینی تنظیم می‌شود. مشکل از آنجا ناشی می‌شود که در مدل خودرگرسیون برداری آستانه‌ای، نمایش میانگین متحرک تکانه‌ها (در میان تکانه‌ها یا زمان) خطی نیست. بنابراین، بر عکس مدل‌های خطی، تابع عکس‌العمل آنی در مدل‌های غیرخطی به روند تاریخی کل متغیرها، اندازه و جهت تکانه‌ها وابسته است. در نتیجه، محاسبه تابع عکس‌العمل آنی غیرخطی مستلزم تعیین ماهیت تکانه (اندازه و علامت آن) و شرط اولیه Ω_{t-1} است. به‌علاوه، انتظارات شرطی، $E[Y_{t+k}|\Omega_{t-1}, u_t]$ و $E[Y_{t+k}|\Omega_{t-1}]$ ، باید از طریق شبیه‌سازی مدل محاسبه شوند. این امر با استفاده از بردارهای تکانه‌های تصادفی u_{t+j} برای $j=1, \dots, k$ انجام شده و سپس شبیه‌سازی مدل مشروط بر یک شرط اولیه (Ω_{t-1}) و میزان معینی از u_t انجام می‌شود. در پژوهش حاضر این فرآیند برای مدل‌های مختلف ۱۰۰۰۰ بار تکرار شده و میانگین حاصل، به‌عنوان پیش‌بینی شرطی برآورد می‌شود (هابریج و تراسویرتا^۲، ۲۰۱۳).

تصریح مدل

با توجه به مطالعه احمد (۲۰۱۹)، الگوی پژوهش حاضر به‌صورت زیر ارائه می‌شود.

$$ti = f(cpi, ex, rm, ip) \quad (۵)$$

در این رابطه ti نشان‌دهنده شاخص بازار سهام، cpi نرخ تورم، ex نرخ ارز، rm رشد نقدینگی و ip شاخص تولید صنعتی هستند. دوره زمانی پژوهش حاضر ۱۳۷۹-۱۴۰۱ و داده‌ها به‌صورت فصلی و در قالب سری زمانی برای ایران جمع‌آوری شده‌اند. با توجه به این که متغیرها هم‌واحد نیستند، کلیه متغیرها لگاریتم‌گیری می‌شوند.

در جدول (۱)، متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر و منابع جمع‌آوری آن‌ها خلاصه شده است.

جدول ۱. معرفی متغیرها

متغیر	شاخص	واحد	منبع اطلاعات
شاخص بازار سهام (ti)	شاخص کل	بدون واحد	نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی
نرخ تورم (CPI)	نرخ رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده	درصد	نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی
نرخ ارز (ex)	قیمت ریالی یک دلار در بازار غیررسمی	ریال	سایت سری زمانی بانک مرکزی
رشد نقدینگی (rm)	نرخ رشد پول و شبه‌پول (پول شامل اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و سپرده‌های	درصد	سایت سری زمانی بانک مرکزی

1. Generalised impulse response functions
2. Hubrich & Teräsvirta

		دیداری و شبه پول سپرده‌های غیردیداری است، به گونه‌ای که نرخ رشد هر فصل نسبت به مقدار همان متغیر در فصل مشابه سال قبل محاسبه می‌شود.	
بخش آمارهای اقتصادی، نتایج بررسی کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور، بانک مرکزی	بدون واحد	شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵	شاخص تولید صنعتی (ip)

منبع: منابع آماری مختلف

برآورد مدل

پایایی متغیرها

برای این که مدل‌های برآوردی کاذب نباشند، لازم است پایایی متغیرها بررسی شود. در مطالعه حاضر، برای بررسی پایایی متغیرها، باتوجه به فصلی بودن داده‌ها، از آزمون ریشه واحد فصلی هگی^۱ استفاده می‌شود. آماره‌های F_0 ، PI و $2PI/4$ به ترتیب نشان‌دهنده وجود ریشه واحد غیرفصلی (بلندمدت)، وجود ریشه واحد فصلی در فرکانس ۶ ماهه و وجود ریشه واحد فصلی در فرکانس سالانه هستند. فرضیه صفر بیانگر وجود ریشه واحد در تواتر خاص و فرضیه جایگزین بیانگر پایدار بودن سری است. در جدول (۲)، نتایج مربوط به آزمون ریشه واحد، با در نظر گرفتن معادله دارای عرض از مبدأ و روند، معادله دارای عرض از مبدأ و بدون عرض از مبدأ و روند برای هر سه فرکانس ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد

t			t _c			t _{c&t}			متغیر
2PI/4	PI	F0	2PI/4	PI	F0	2PI/4	PI	F0	
۳۵/۴**	-۶/۲**	-۲/۵**	۳۴/۹**	-۳/۳**	-۶/۲**	۳۵/۲**	-۴/۳**	-۶/۳**	ti
۸/۵**	-۴/۰۱**	-۰/۳	۳۱/۶**	۵/۰۲**	-۳/۶**	۳۲/۶**	-۵/۱**	-۴/۲**	CPI
۲۹/۹**	-۷/۸**	-۳/۲**	۳۲/۲**	-۸/۱**	-۲/۴	۳۱/۳**	-۷/۹**	-۰/۷	ex
۴۹/۶**	-۷/۵**	-۰/۱	۸۱/۵**	-۹**	-۳/۶۶**	۸۰/۱**	-۸/۹**	-۳/۷**	rm
۵/۹۵**	-۲/۸**	-۲/۵**	۵/۹۶**	-۲/۸۹**	-۲/۳	۵/۹**	-۲/۹**	-۲/۹	ip

منبع: محاسبات تحقیق

$t_{c&t}$ مقدار آماره t در معادله با وجود عرض از مبدأ و روند، t_c مقدار آماره t در معادله با وجود عرض از مبدأ و t مقدار آماره t در معادله بدون عرض از مبدأ و روند را نشان می‌دهد. ** معناداری در سطح ۹۵ درصد است.

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۲)، متغیر شاخص بازار سهام در هر سه معادله عرض از مبدأ، عرض از مبدأ و روند و بدون عرض از مبدأ و روند، پایا از سطح صفر است. نرخ تورم و رشد نقدینگی در دو معادله عرض از مبدأ و عرض از مبدأ و روند پایا از سطح صفر هستند. شاخص تولید صنعتی و نرخ ارز در معادله بدون عرض از مبدأ و روند پایا از سطح صفر هستند. بنابراین، تمامی متغیرها پایا از سطح صفر بوده و فاقد ریشه واحد غیرفصلی هستند. همچنین، برای تمامی متغیرها در هر سه معادله، وجود ریشه واحد فصلی در فرکانس‌های ۶ ماهه و یک‌ساله رد شده و تمامی متغیرها فاقد ریشه واحد فصلی هستند.

برآورد مدل خودرگرسیون برداری آستانه‌ای

در این بخش نتایج برآورد مدل پژوهش با استفاده از روش TVAR ارائه می‌شود. با توجه به سؤالات تحقیق، برای بررسی اثر تکانه متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق بر شاخص سهام، از مدل خودرگرسیونی برداری آستانه‌ای استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که مدل TVAR با استفاده از نرم‌افزار WinRATS برآورد می‌شود. با توجه به مدل تحقیق، متغیرهای مورد بررسی در مدل TVAR شامل پنج متغیر شاخص سهام، نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ رشد نقدینگی و شاخص تولید صنعتی هستند و متغیر آستانه، شاخص سهام است که اثر تکانه متغیرها بر شاخص سهام بررسی می‌شود. با توجه به بررسی اثر متغیرها در دو رژیم بالا و پایین، مدل دو رژیمی به‌عنوان مدل بهینه در نظر گرفته می‌شود.

برای برآورد مدل TVAR، با توجه به وقفه مدل و وقفه متغیر وابسته، مدل‌های مختلفی تخمین زده شد که در جدول (۳)، نتایج مربوط به مدل‌هایی که وجود اثرات آستانه‌ای برای آن‌ها تأیید شد، ارائه می‌شود. متغیر Iti (شاخص سهام)، متغیر آستانه‌ای است و مرتبه وقفه متغیر آستانه با توجه به فصلی بودن داده‌ها و تواتر زمانی مناسب، تا ۴ و مرتبه مدل با توجه به محدودیت‌های نرم‌افزاری، تا ۷ در نظر گرفته شد. لازم به ذکر است که اگرچه به دلیل تواتر مناسب داده‌ها، وقفه‌های بالاتر نیز قابل آزمون بود، اما به دلیل محدودیت نرم‌افزاری، امکان آزمون وقفه ۸ به بعد وجود نداشت و کد اجرا نمی‌شد.

جدول ۳. نتایج آزمون وجود اثرات آستانه‌ای

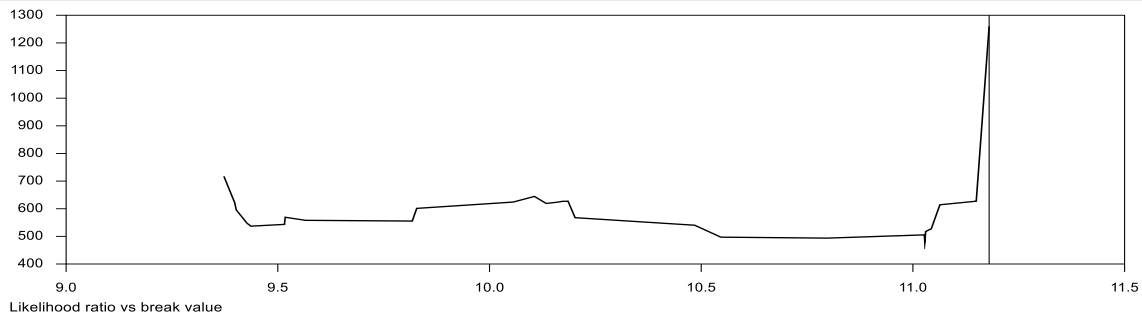
مدل	مقدار آستانه	d	P	Sup-Wald	Avg-Wald	EXp-Wald
۱	۹/۹۳۶۷۷	۲	۴	۲۸۸/۵(۰/۰۳)	۲۲۶/۹(۰/۰۱)	۱۴۱/۰۱(۰/۰۳)
۲	۹/۵۶۵	۴	۴	۲۷۹/۳(۰/۰۴)	۲۲۹/۱(۰/۰۱)	۱۳۶/۳(۰/۰۴)
۳	۱۱/۱۸۰۰۵	۲	۵	۴۵۷/۹(۰/۰۰۴)	۳۶۳/۱(۰/۰۰۰)	۲۲۵/۷(۰/۰۰۴)
۴	۱۱/۱۵۹۸۱	۳	۵	۴۴۵/۳(۰/۰۰۲)	۳۵۴/۶(۰/۰۰۴)	۲۱۹/۴(۰/۰۰۲)
۵	۹/۳۳۹	۴	۵	۴۳۰/۵(۰/۰۰۲)	۳۵۲/۹(۰/۰۰۲)	۲۱۲(۰/۰۰۲)

منبع: محاسبات تحقیق

مقادیر داخل پرانتز بیانگر ارزش احتمال آزمون هستند که با روش هانسن (۱۹۹۶) و با ۱۰۰۰۰ بار تکرار به دست آمده‌اند. با توجه به تخمین نمودارهای عکس‌العمل آبی برآورد شده از مدل‌های مختلف، مدل سوم با وقفه متغیر آستانه‌ای ۲ و وقفه مدل ۵ به‌عنوان مدل بهینه انتخاب شد.

بر اساس نتایج در جدول (۳) و نتایج جستجوی شبکه‌ای در نمودار (۱)، مقدار آستانه‌ای لگاریتم شاخص کل سهام برابر با ۱۱/۱۸۰۰۵ است^۱. دوره‌هایی که مقدار آستانه‌ای کمتر از ۱۱/۱۸۰۰۵ باشد، در رژیم پایین و دوره‌هایی که بیشتر از آن باشد، در رژیم بالا طبقه‌بندی می‌شوند و مدل خودرگرسیون برداری آستانه‌ای، با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و با دو رژیم برآورد می‌شود.

۱. متغیر آستانه برآوردی به صورت لگاریتمی است و معادل با مقدار شاخص کل ۷۱۶۸۶ واحد است.



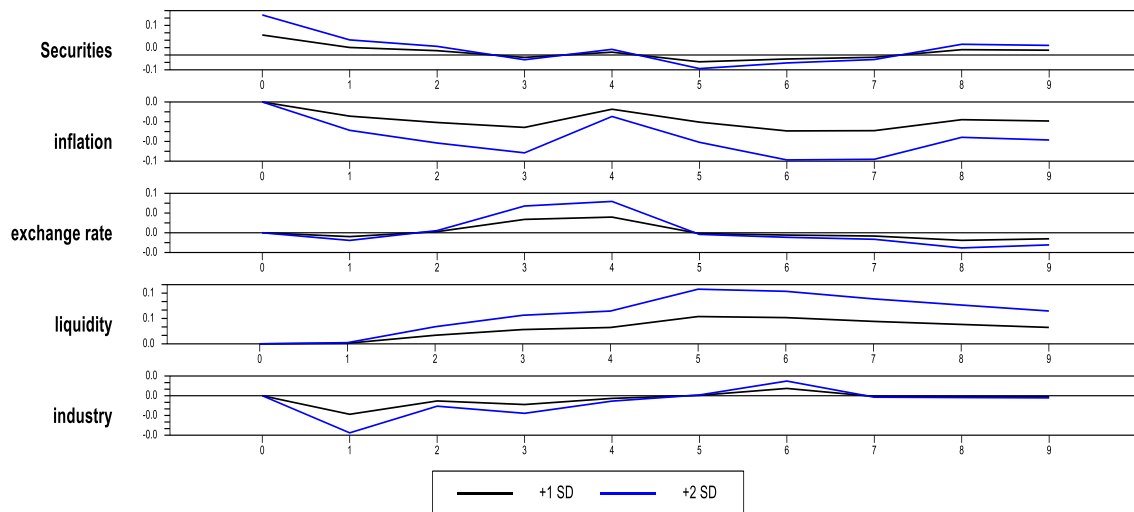
نمودار ۱. نتایج حاصل از جستجوی شبکه‌ای برای تعیین مقدار آستانه‌ای شاخص کل سهام

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج تابع عکس‌العمل آنی در رژیم پایین

به‌منظور در نظر گرفتن روابط پویای مدل، از توابع عکس‌العمل آنی تعمیم‌یافته مستخرج از مدل TVAR، برای دو رژیم استفاده می‌شود.

با توجه به این که متغیر آستانه در پژوهش حاضر، شاخص کل سهام است، در این بخش اثر تکانه‌های متغیرهای مختلف بر شاخص کل سهام در رژیم پایین (مقادیر کمتر از آستانه شاخص کل سهام) تجزیه و تحلیل می‌شود. لذا، پاسخ متغیر شاخص کل سهام به شاخص کل سهام، نرخ تورم، نرخ ارز، رشد نقدینگی و شاخص تولید صنعتی در نمودارهای عکس‌العمل آنی مطالعه می‌شود. با توجه به پرسش تحقیق، برای سهولت در تفسیر، تکانه‌های مثبت و منفی برای هر دو رژیم، در نمودارهای جداگانه بررسی می‌شود. نکته‌ای که وجود دارد این است که در مدل TVAR، برخلاف مدل VAR خطی، اندازه و جهت تکانه‌ها می‌تواند نحوه اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین، علاوه بر تکانه یک انحراف معیار، تکانه دو انحراف معیار نیز در نظر گرفته می‌شود. نمودارهای (۲) و (۳) به ترتیب عکس‌العمل آنی شاخص کل سهام به تکانه‌های مثبت و منفی شاخص کل سهام، نرخ تورم، نرخ ارز، رشد نقدینگی و شاخص تولید صنعتی را برای ۱۰ دوره در رژیم پایین را نشان می‌دهند.



Response of Securities to Shocks, Conditional on Low Regime

نمودار ۲. عکس‌العمل آنی شاخص کل سهام به تکانه‌های مثبت متغیرهای مورد استفاده در رژیم پایین

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نمودار (۲)، تکانه مثبت شاخص کل سهام در رژیم پایین (مقادیر کمتر از آستانه شاخص کل سهام) در ابتدای دوره باعث افزایش شاخص کل سهام می‌شود؛ اما، اثر آن بعد از دو دوره از بین می‌رود و سپس از دوره چهارم برای دو دوره، اثر منفی بر شاخص کل سهام دارد؛ با این حال، اثر آن کوچک است و سپس به تعادل باز می‌گردد. در واقع، در مقادیر پایین‌تر از آستانه، اگرچه تکانه مثبت در ابتدا با نوساناتی همراه است؛ اما در گذر زمان به مقدار تعادلی باز می‌گردد.

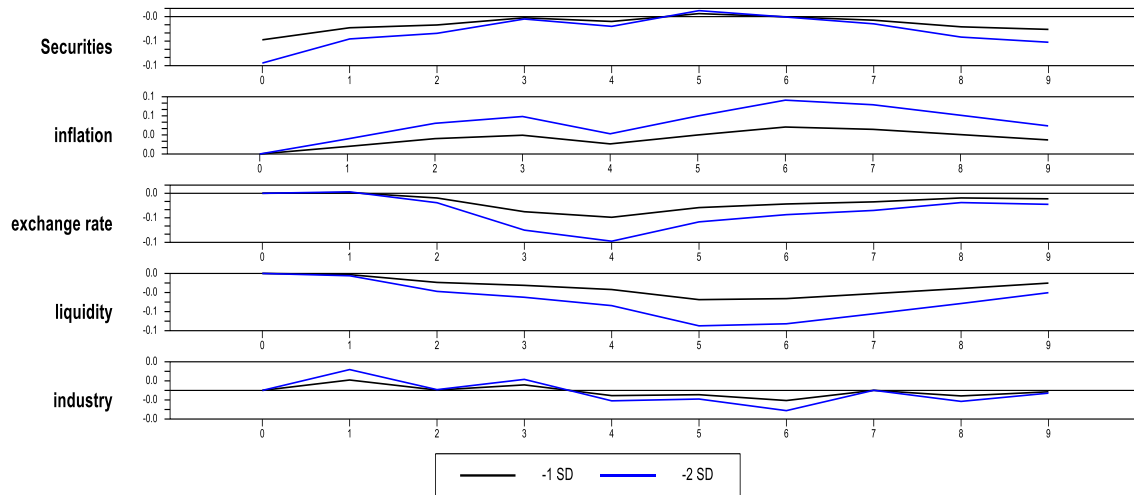
تکانه مثبت نرخ تورم در رژیم پایین، اثر منفی بر شاخص کل سهام دارد و اثر آن در کل دوره قابل توجه است و تکانه دو انحراف معیار نسبت به تکانه یک انحراف معیار اثر بیشتری دارد. در واقع، تکانه افزایشی بزرگ‌تر در نرخ تورم باعث کاهش بیشتر در شاخص کل بازار سهام می‌شود. این مورد می‌تواند بدین دلیل باشد که با افزایش انتظارات تورمی، افراد تمایل دارند در دارایی‌هایی با بازده بالاتر سرمایه‌گذاری کنند و بازار سهام در ایران نسبت به سایر دارایی‌ها، نظیر مسکن بازده کمتر دارد و به نسبت افزایش تورم، بازده سهام، به‌ویژه در رژیم پایین (مقادیر کمتر از آستانه)، رشد نمی‌کند. این موضوع باعث می‌شود که افراد تمایلی به خرید سهام شرکت‌های مختلف در زمان افزایش تورم نداشته باشند و هرچقدر اثر افزایشی شدیدتر باشد، عدم تمایل افراد برای سرمایه‌گذاری در بازار سهام افزایش می‌یابد. این نتیجه با مطالعه محمد و همکاران (۲۰۲۴) مطابقت دارد که بیان کرد در سطوح بالای تورم، انتظارات تورمی منجر به کاهش تقاضا برای سهام می‌شود.

تکانه مثبت نرخ ارز در رژیم پایین، در ابتدای دوره اثری بر بازار سهام ندارد. بعد از دو دوره، باعث افزایش شاخص کل بازار سهام می‌شود و سپس اثر آن بعد از سه دوره از بین می‌رود. اما تکانه دو انحراف معیار از دوره هفتم، اثر منفی کوچکی بر شاخص کل بازار سهام دارد که بعد از یک دوره از بین می‌رود و در مجموع، اثر منفی آن بسیار کوچک‌تر از اثر مثبت است. می‌توان بیان کرد که تکانه مثبت نرخ ارز در رژیم پایین (مقادیر کمتر از آستانه)، تنها در دوره‌های میانی باعث افزایش شاخص کل بازار سهام می‌شود و اثر قابل توجهی بر بهبود شرایط شرکت‌های صادراتی و وارداتی ندارد که می‌تواند به دلیل عمق کم بازار سهام در رژیم پایین باشد. این نتیجه با مطالعه صالحی و فهمیده^۱ (۲۰۱۸) مطابقت دارد.

تکانه مثبت نقدینگی در رژیم پایین، از دوره دوم باعث افزایش در شاخص کل بازار سهام تا پایان دوره می‌شود. اثر تکانه در دوره پنجم به اوج می‌رسد و سپس از شدت اثر مثبت آن اندکی کاسته می‌شود؛ اما در کل، اثر افزایشی تا پایان دوره برقرار است. در واقع، تزریق نقدینگی در مقادیر کمتر از آستانه (عمق کم بازار سهام) نیز می‌تواند باعث افزایش انگیزه برای خرید سهام، افزایش شاخص کل و افزایش قیمت سهام مختلف شود. در واقع، افزایش نقدینگی در رژیم پایین می‌تواند باعث رونق بازار سهام شود و به افزایش قیمت سهام مختلف کمک کند. این نتیجه با مطالعه ژیاوی و هائو^۲ (۲۰۲۳) مطابقت دارد که نشان می‌دهد افزایش نقدینگی در بازارهای کم‌عمق می‌تواند به رونق بازار سهام منجر شود.

تکانه مثبت شاخص تولید صنعتی در رژیم پایین، در ابتدای دوره به مدت چهار دوره، اثر کاهشی بر شاخص کل بازار سهام دارد؛ هرچند اثر آن نسبت به سایر متغیرها بسیار کوچک و نزدیک به صفر است. اما در ادامه، با تداوم تکانه مثبت شاخص تولید صنعتی، بعد از پنج دوره شاخص کل سهام عکس‌العمل افزایشی به تکانه نشان می‌دهد که این اثر کوچک بوده و بعد از دو دوره از بین می‌رود. این موضوع می‌تواند واکنش تأخیری بازار سهام ایران به تکانه‌های واقعی اقتصاد را نشان دهد. بنابراین، تداوم افزایش تولیدات صنعتی

می تواند باعث شود که در میان مدت، در رژیم پایین و با عمق کم بازار سهام، بازار عکس العمل مثبت به تکانه افزایشی نشان دهد و شاخص کل سهام اندکی افزایش یابد. این نتیجه با مطالعه جوده^۱ (۲۰۱۹) مطابقت دارد.



Response of Securities to Shocks, Conditional on Low Regime

نمودار ۳. عکس العمل آتی شاخص کل سهام به تکانه های منفی متغیرهای مورد استفاده در مدل در رژیم پایین

منبع: یافته های تحقیق

بر اساس نتایج در نمودار (۳)، تکانه منفی شاخص کل سهام در ابتدای دوره، اثر کاهشی بر شاخص کل سهام در رژیم پایین دارد که بعد از سه دوره از بین می رود و به سمت تعادل باز می گردد. همچنین، اثر تکانه منفی دو انحراف معیار بیشتر از یک انحراف معیار است که نشان دهنده ناپایداری بیشتر بازار سهام در برابر تکانه های بزرگ تر است.

تکانه منفی نرخ تورم، باعث افزایش شاخص کل سهام در رژیم پایین می شود. این نتیجه با مطالعه سمولیانسکی (۲۰۲۳) مطابقت دارد. در واقع، کاهش نرخ تورم می تواند باعث بهبود شرایط اقتصادی و افزایش سودآوری شرکت ها شود؛ بنابراین، با کاهش تورم، شاخص کل سهام افزایش می یابد. در واقع، در رژیم پایین اثر تکانه های افزایشی و کاهشی تورم بر شاخص سهام نامتقارن است.

تکانه منفی نرخ ارز در رژیم پایین، شاخص کل سهام را کاهش می دهد؛ بنابراین، افزایش ارزش پول ملی (کاهش نرخ ارز) منجر به کاهش شاخص کل بازار سهام می شود. اثر کاهشی از دوره اول شروع شده و تا دوره هشتم ادامه دارد و سپس از بین می رود. این موضوع نشان می دهد که اثر کاهشی تکانه نرخ ارز در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت ادامه دارد و کاهش قیمت ارز می تواند برای مدت زمان طولانی باعث رکود در بازار سهام شود. همچنین، تکانه دو انحراف معیار اثر بیشتری بر بازار سهام نسبت به تکانه یک انحراف معیار دارد و باعث کاهش بیشتر در شاخص بازار سهام می شود. این نتیجه با مطالعه ژو و همکاران (۲۰۲۲) مطابقت دارد. بنابراین، با کاهش نرخ ارز واردات افزایش یافته و افراد با توجه به کیفیت پایین برخی کالاهای تولید داخل، تمایل دارند کالاهای خارجی را جایگزین کنند؛ که بر سود شرکت ها اثر گذار است. از طرف دیگر، قیمت ارز در ایران بر تمایل سرمایه گذاران برای ورود به بازار دارایی ها مختلف اثر گذار است. معمولاً افراد تمایلی به خرید سهام در شرایطی که شاخص کل سهام پایین است و از طرف دیگر قیمت ارز کاهشی و بازار در ثبات قرار دارد، ندارند و بیشتر افراد در ایران تمایل دارند در زمانی که بازار سهام رو به رشد است، نسبت به خرید سهام اقدام کنند. مجموعه این عوامل باعث می شود که اثر تکانه منفی نرخ ارز بر شاخص کل بازار سهام، کاهشی باشد.

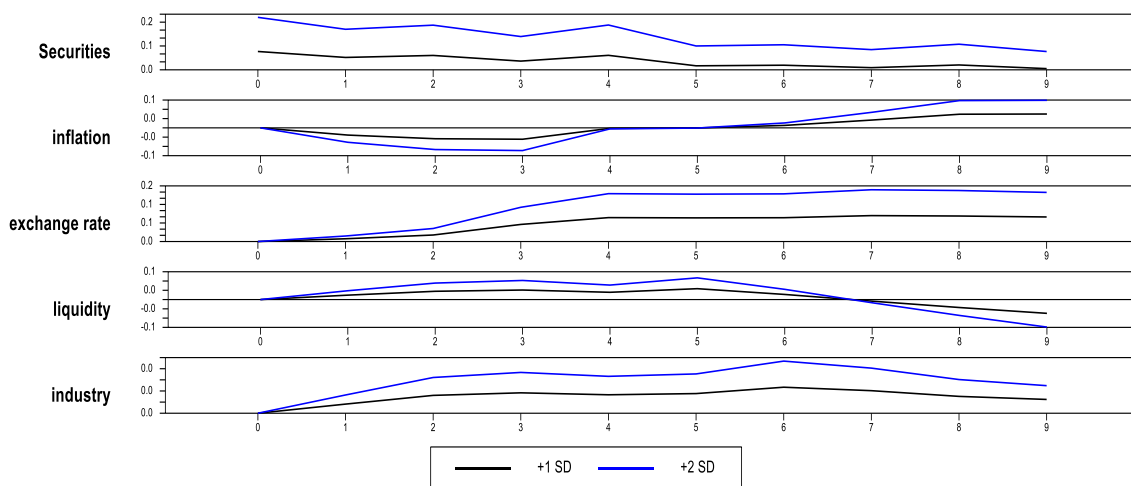
تکانه منفی نقدینگی باعث کاهش شاخص کل سهام در رژیم پایین می‌شود و اثر کاهشی از دوره اول شروع شده و تا دوره نهم ادامه دارد. در دوره پنجم، اثر تکانه منفی نقدینگی بر کاهش شاخص بازار سهام به بیشترین میزان می‌رسد و بعد از آن، اثر تکانه کاهش می‌یابد. درکل، می‌توان گفت کاهش نقدینگی باعث کاهش شاخص کل بازار سهام می‌شود و درواقع، در رژیم پایین سهام، زمانی که نقدینگی کاهش می‌یابد، میزان نقدینگی در دست افراد برای سرمایه‌گذاری کم می‌شود و این موضوع باعث کاهش سرمایه‌گذاری در بازار سهام و افت شاخص کل سهام می‌شود. این نتیجه با مطالعه دنگ و نگویان (۲۰۲۰) مطابقت دارد.

تکانه منفی شاخص تولید صنعتی در رژیم پایین تا دوره پنجم اثرگذاری چندانی بر شاخص کل بازار سهام ندارد و اثر آن بسیار کوچک است. در دوره پنجم، برای یک دوره، اثر کاهشی بسیار جزئی و نزدیک به صفر بر شاخص کل بازار سهام دارد و بعد از آن، اثرش از بین می‌رود. درکل، در رژیم پایین (مقادیر کمتر از آستانه)، تکانه منفی شاخص تولید صنعتی اثر چندان زیادی بر شاخص کل سهام ندارد. این موضوع می‌تواند به دلیل عمق کم بازار باشد؛ به طوری که کاهش تولید در اقتصاد، به دلیل عمق کم بازار در رژیم پایین، اثر بزرگی بر شاخص کل سهام ندارد.

نتایج تابع عکس‌العمل آنی در رژیم بالا

بعد از بررسی نحوه اثرگذاری متغیرها بر شاخص کل بازار سهام به عنوان متغیر آستانه در رژیم پایین، در این بخش توابع عکس‌العمل آنی متغیر شاخص کل بازار سهام در رژیم بالا (مقادیر بالاتر از آستانه) بررسی می‌شود.

نمودارهای (۴) و (۵)، به ترتیب، عکس‌العمل آنی متغیر شاخص کل بازار سهام به تکانه‌های مثبت و منفی شاخص کل سهام، نرخ تورم، نرخ ارز، رشد نقدینگی و شاخص تولید صنعتی را برای ۱۰ دوره در رژیم بالا (مقادیر بالاتر از آستانه) را نشان می‌دهد.



Response of Securities to Shocks, Conditional on high Regime

نمودار ۴. عکس‌العمل آنی شاخص کل سهام به تکانه‌های مثبت متغیرهای مورد استفاده در مدل در رژیم بالا

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج در نمودار (۴)، تکانه مثبت شاخص کل سهام باعث افزایش شاخص کل بازار سهام در رژیم بالا می‌شود و اثرش قابل توجه است. همچنان که در سال‌های اخیر نیز مشاهده شده است، در مقادیر بالای شاخص کل بازار سهام، تکانه افزایشی و انتظار افراد برای افزایشی بودن بازار سهام، سبب خرید سهام بیشتر و افزایش قیمت سهام می‌شود. همچنین، اثر تکانه دو انحراف

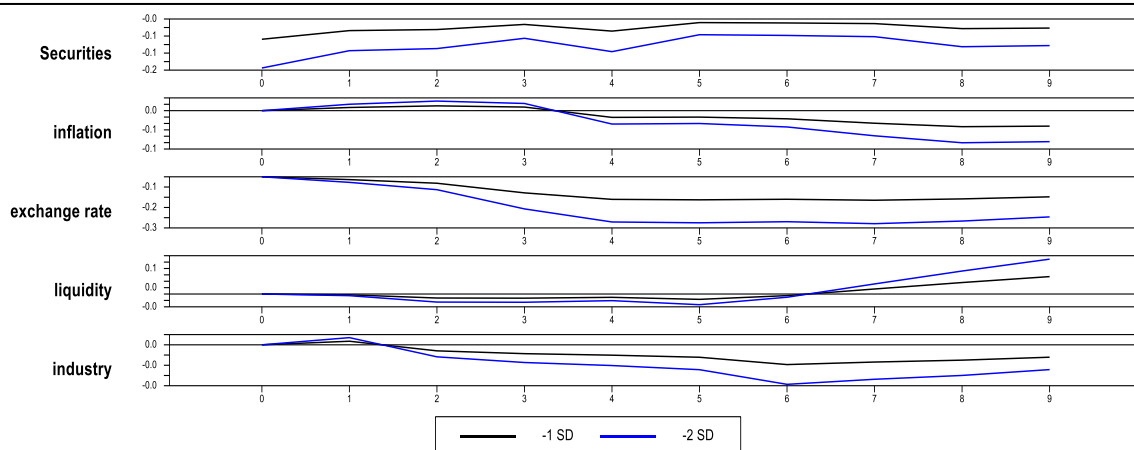
معیار بسیار بیشتری از یک انحراف معیار است. بنابراین، اثر افزایشی بزرگتر شاخص کل سهام باعث جذب بیشتر افراد برای خرید سهام شرکت‌های مختلف در مقادیر بالاتر از آستانه می‌شود.

تکانه مثبت نرخ تورم در ابتدای دوره باعث کاهش شاخص بورس در رژیم بالا می‌شود و اثر کاهشی برای چهار دوره ادامه دارد. در واقع، تکانه‌های مثبت تورمی با شرایط حال حاضر اقتصاد ایران باعث افزایش هزینه‌های تولیدکننده و کاهش سودآوری می‌شود که بر سهام شرکت‌ها اثرگذار است. از طرف دیگر، تورم بالا باعث می‌شود که افراد به سمت دارایی‌هایی بروند که میزان بازدهی بیشتر و ریسک کمتری دارند و مطمئن‌تر هستند. از دوره چهارم تا ششم تکانه تورم اثری بر شاخص کل بورس ندارد و بعد از آن، از دوره ششم به مدت سه دوره می‌تواند شاخص بورس را افزایش دهد. در واقع، تکانه مثبت تورم تنها در بلندمدت و بعد از چندین دوره افزایش تورم می‌تواند باعث افزایش در شاخص کل سهام شود و این اثر نیز با توجه به اثرات نوسانی و نااطمینانی که همراه با افزایش تورم مداوم بر اقتصاد وارد می‌شود، نمی‌تواند چندان برای بازار سهام مفید باشد. این نتیجه با مطالعه سیا و همکاران (۲۰۲۳) مطابقت دارد که یافتند افزایش مداوم تورم، حتی اگر در بلندمدت باعث رشد اسمی شاخص سهام شود، به دلیل افزایش ریسک و نااطمینانی، برای بازار سهام مفید نیست و می‌تواند تخصیص منابع را مختل کند.

تکانه مثبت نرخ ارز از ابتدای دوره تا پایان دوره مورد بررسی اثر افزایشی بر شاخص کل بازار سهام در رژیم بالا دارد و اثرش قابل توجه است. در واقع، افزایش قیمت ارز می‌تواند باعث افزایش صادرات شود و از طریق تراز تجاری بر بازار سهام اثرگذار باشد. در مورد ایران، این مورد می‌تواند برای بعضی از شرکت‌های فولادی و نظیر آن‌ها که دارای صادرات هستند مصداق داشته باشد و با افزایش قیمت ارز (کاهش ارزش پول ملی)، سودآوری افزایش یافته و می‌تواند باعث بهبود شرایط این شرکت‌ها شود. در واقع، با تکانه مثبت نرخ ارز، نوسانات در اقتصاد افزایش یافته و باعث می‌شود که افراد برای سودآوری بیشتر تمایل به خرید سهام شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت‌های صادرکننده، داشته باشند و این موضوع می‌تواند باعث افزایش شاخص کل سهام شود. این نتیجه با مطالعه لی و همکاران (۲۰۱۵)، مطابقت دارد.

تکانه مثبت نقدینگی باعث افزایش شاخص کل بازار سهام در رژیم بالا از دوره اول تا دوره ششم می‌شود و در واقع، به‌صورت کوتاه‌مدت و میان‌مدت، تکانه مثبت نقدینگی می‌تواند بر بازار سهام اثر مثبت داشته باشد. اما از دوره هفتم به مدت دو دوره، تکانه مثبت نقدینگی اثر منفی بر شاخص کل بازار سهام دارد. در واقع، افزایش نقدینگی می‌تواند باعث افزایش سرمایه‌گذاری بیشتر در بازار سهام شود؛ اما این مسئله برای کوتاه‌مدت و میان‌مدت است و در بلندمدت، برعکس، می‌تواند باعث کاهش شاخص کل بازار سهام شود. این مورد بدین دلیل است که تزریق مداوم نقدینگی باعث نوسانات اقتصادی و افزایش تورم و نااطمینانی به شرایط اقتصادی می‌شود. بنابراین، تداوم تزریق نقدینگی می‌تواند علاوه بر نوسانات اقتصادی، باعث کاهش شاخص کل بورس نیز شود و اثر عکس بر شاخص بورس داشته باشد. این نتیجه با مطالعه نیک و ردی^۱ (۲۰۲۴) مطابقت دارد.

تکانه مثبت شاخص تولید صنعتی اثر افزایشی در کل دوره بر شاخص سهام در رژیم بالا دارد. در واقع، افزایش تولیدات صنعتی از یک طرف با رونق در اقتصاد و افزایش سودآوری شرکت‌ها در ارتباط است که باعث افزایش قیمت سهام شرکت‌ها نیز می‌شود. از طرف دیگر، در مقادیر بالاتر از آستانه شاخص کل سهام، افزایش در شاخص تولید صنعتی باعث تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری بیشتر در بازار بورس به دلیل رونق اقتصادی، بهبود شرایط اقتصادی و انتظار کسب سود بیشتر از بازار سهام می‌شود. این نتیجه با مطالعه لیم و جوی (۲۰۲۲) مطابقت دارد.



Response of Securities to Shocks, Conditional on high Regime

نمودار ۵. عکس‌العمل آبی شاخص کل سهام به تکانه‌های منفی متغیرهای مورد استفاده در مدل در رژیم بالا

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج در نمودار (۵)، تکانه منفی شاخص کل بازار سهام در رژیم بالا اثر منفی بر بازار سهام در کل دوره دارد و اثرش قابل توجه است. در واقع، تکانه کاهش شاخص کل بازار سهام می‌تواند باعث عکس‌العمل کاهش بازار سهام در دوره‌های بعدی به صورت متوالی شود. کاهش در شاخص کل بازار سهام، به‌ویژه ریزش شاخص، باعث کاهش اعتماد افراد به بازار سهام می‌شود و شاخص کل کاهش می‌یابد و این کاهش مربوط به یک دوره نمی‌شود و برای دوره‌های متوالی شرایط نزولی ادامه دارد. همچنین، تکانه دو انحراف معیار اثر بزرگ‌تری نسبت به تکانه یک انحراف معیار دارد و اثر کاهشی آن تا انتهای دوره برقرار است. در کل، می‌توان بیان کرد در رژیم بالا، تکانه کاهشی می‌تواند اثر بیشتری بر نزول بازار سهام نسبت به تکانه افزایشی بر رونق و افزایش شاخص کل داشته باشد.

تکانه منفی نرخ تورم در رژیم بالا تا دوره سوم اثر چندانی بر شاخص کل سهام ندارد و بعد از سه دوره اثر کاهشی بر شاخص کل داشته و اثرش تا انتهای دوره افزایش می‌یابد. در واقع، در رژیم صعودی بازار سهام، تکانه کاهشی نرخ تورم نیز باعث بهبود در بازار سهام نمی‌شود. این مورد می‌تواند بدین دلیل باشد که در شرایط وجود نوسانات اقتصادی در دوره‌های اخیر در ایران، حتی کاهش در نرخ تورم باعث نمی‌شود که افراد تمایل به سرمایه‌گذاری در بازار سهام، به‌دلیل نوسانات زیاد، ریسک بالا و بازدهی کم آن نسبت به سایر بازارها، داشته باشند و افراد بیشتر تمایل دارند در دارایی‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که بازده بالاتری نسبت به تورم داشته باشد. این نتیجه با مطالعه ارر^۱ (۲۰۲۱) مطابقت دارد.

تکانه منفی نرخ ارز در رژیم بالا اثر کاهشی بر شاخص کل بازار سهام در کل دوره دارد و اثرش قابل توجه است. بنابراین، تکانه منفی نرخ ارز در مقادیر بالاتر از آستانه شاخص کل می‌تواند باعث کاهش شاخص کل بازار در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت شود. بنابراین، کاهش قیمت ارز از یک طرف باعث بدتر شدن شرایط شرکت‌های صادراتی حاضر در بورس می‌شود و قیمت سهام این‌گونه شرکت‌ها کاهش می‌یابد و از طرف دیگر، با کاهش سودآوری شرکت‌ها، افراد تمایل پیدا می‌کنند که در بازارهای دیگر سرمایه‌گذاری کنند. بنابراین، کاهش در قیمت ارز باعث کاهش در شاخص کل سهام می‌شود. این نتیجه با مطالعه ادیونیه و چاکوو (۲۰۲۳)، مطابقت دارد.

تکانه منفی نقدینگی در رژیم بالا تا دوره ششم اثری بر شاخص بورس ندارد و بعد از شش دوره، تکانه منفی اثر افزایشی بر شاخص کل بورس دارد. در واقع، تکانه منفی نقدینگی در مقادیر بالاتر از آستانه تنها در بلندمدت می تواند بر شاخص بورس اثرگذار باشد که اثرش افزایشی است. بنابراین، تکانه منفی نقدینگی بعد از چند دوره متوالی می تواند باعث شود که افراد تمایل بیشتری به سرمایه گذاری در بازار سهام داشته باشند و این مورد می تواند بدین دلیل باشد که تکانه های کاهشی متوالی نقدینگی می تواند بازدهی سایر بازارها را کاهش دهد و افراد تمایل پیدا می کنند که در بازار سهام سرمایه گذاری کنند. این نتیجه با مطالعه هان و هوانگ^۱ (۲۰۱۸) مطابقت دارد.

تکانه منفی شاخص تولید صنعتی از دوره اول اثر منفی بر شاخص کل سهام دارد و اثرش در کل دوره ادامه دارد. در واقع، تکانه کاهشی در شاخص تولید صنعتی در رژیم صعودی می تواند سیگنال منفی برای کاهش تولیدات در اقتصاد بوده و سودآوری شرکتها را کاهش دهد و قیمت سهام کاهش می یابد. بنابراین، تمایل به سرمایه گذاری در بازار سهام کاهش می یابد و باعث کاهش شاخص کل سهام می شود. در کل، شاخص تولید صنعتی اثر چندانی بر شاخص کل سهام ندارد که می تواند به دلیل نقش کم صنعت در ایران در رشد اقتصادی باشد. این نتیجه با مطالعه حشمی و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این پرسش بودیم که آیا تکانه مثبت و منفی نرخ تورم، نرخ ارز، نقدینگی و شاخص تولید صنعتی بر شاخص کل سهام در دو رژیم بازار سهام (پایین و بالا) به صورت نامتقارن عمل می کنند؟ تحلیل نتایج نشان می دهد که در رژیم پایین، تکانه مثبت نرخ تورم باعث کاهش شاخص سهام و تکانه منفی باعث افزایش شاخص سهام می شود. همچنین، اثر تکانه دو انحراف معیار، بزرگتر از اثر یک انحراف معیار است که نشان دهنده غیرخطی بودن و عدم تقارن رابطه بین تورم و شاخص سهام است. با بررسی اثر تکانه های مثبت و منفی نرخ ارز در رژیم پایین می توان بیان کرد که تکانه مثبت نرخ ارز در میان مدت و تنها برای چند دوره بر بازار سهام اثرگذار است، در حالی که تکانه منفی نرخ ارز اثر کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت بر شاخص کل بازار سهام دارد. بنابراین، واکنش به تکانه منفی نرخ ارز در رژیم پایین بسیار بیشتر از واکنش به تکانه مثبت است و واکنش بازار سهام کاملاً نامتقارن است. برای متغیر نقدینگی در رژیم پایین، میزان اثرگذاری تکانه مثبت و منفی کاملاً با یکدیگر متفاوت است و تکانه مثبت در کل دوره باعث افزایش و تکانه منفی باعث کاهش شاخص کل می شود و اثرگذاری تکانه منفی نقدینگی بر کاهش شاخص کل در رژیم پایین بیشتر از تکانه مثبت است. این مورد نشان می دهد در مقادیر کمتر از آستانه، واکنش بازار سهام به کاهش نقدینگی بیشتر از افزایش نقدینگی است. همچنین، با بررسی اثرگذاری تکانه های مثبت و منفی شاخص تولید صنعتی بر شاخص کل سهام می توان بیان کرد که تکانه مثبت نسبتاً اثرگذاری بیشتری را نسبت به تکانه منفی دارد. هر چند، نسبت به سایر متغیرها اثرگذاری شاخص تولید صنعتی بر شاخص کل سهام در رژیم پایین کمتر است.

در رژیم بالا، اثر تکانه منفی و مثبت نرخ تورم بر شاخص کل سهام بیشتر کاهشی است تا افزایشی باشد. تکانه مثبت نرخ ارز اثر افزایشی و تکانه منفی اثر کاهشی بر شاخص کل سهام دارد که این نتیجه، مشابه نتیجه رژیم پایین است. بازار سهام ایران به شدت دلارمحور است و از کاهش ارزش پول ملی سود می برد. این مورد نشان دهنده وابستگی شرکتها به درآمدها یا دارایی های ارزی است. تکانه مثبت و منفی نقدینگی بیشتر باعث افزایش شاخص کل می شود که بیانگر این است که بازار ایران نقدینگی محور است و افزایش

ارزش بازار لزوماً ناشی از رشد واقعی یا نوآوری نیست، بلکه ناشی از ورود پول‌های سرگردان و سفته‌بازی است. در هر دو رژیم، واکنش بازار سهام به تکانه‌های شاخص تولید صنعتی محدود و کند است که نشان‌دهنده ارتباط ضعیف بازار سهام ایران با بخش واقعی اقتصاد است. در واقع، بازار سهام ایران بیشتر تحت تأثیر عوامل مالی، روانی و سیاستی قرار دارد و تولید و بهره‌وری صنعتی نقش کمی در رشد بازار ایفا می‌نماید. درکل، واکنش شاخص کل سهام به تکانه‌های اقتصادی در رژیم پایین و بالا نامتقارن است که بیانگر ضعف ساختاری، شکنندگی روانی و عمق کم بازار است؛ رفتاری که در اقتصادهای ناپایدار رایج است.

نتایج نشان می‌دهد که تکانه منفی نرخ تورم تنها در رژیم نزولی شاخص کل بازار سهام می‌تواند اثر مثبت بر شاخص کل داشته باشد و در رژیم بالا (صعودی) اثر آن بر شاخص کل منفی است. بنابراین، برای رونق بازار سهام لازم است که نرخ تورم کنترل شود. تکانه مثبت نرخ ارز در رژیم بالا و پایین اثر افزایشی بر شاخص کل سهام و تکانه منفی در هر دو رژیم اثر کاهشی بر شاخص کل بازار سهام دارد. بنابراین، می‌توان بیان کرد که تکانه مثبت نرخ ارز از الگوی جریان‌گرا پیروی می‌کند و می‌تواند اثر مثبت بر بازار سهام داشته باشد و در صورت افزایش تعاملات تجاری با خارج از کشور، این اثر افزایش می‌یابد. در کل، اثر نرخ ارز در رژیم صعودی بر شاخص کل سهام بیشتر از رژیم نزولی است و تکانه منفی نیز اثرگذاری بیشتری نسبت به تکانه مثبت در رژیم صعودی دارد. بنابراین، یکی از راه‌های رونق بازار سهام، ثبات نرخ ارز و جلوگیری از تکانه‌های افزایشی و کاهشی، به‌ویژه در رژیم صعودی، است. در رژیم صعودی، تزریق نقدینگی اگرچه در کوتاه‌مدت اثر مثبت بر شاخص کل سهام دارد، اما در بلندمدت اثر معکوس می‌شود و لازم است که از تزریق نقدینگی برای بهبود در بازار سهام جلوگیری شود. تکانه شاخص تولید صنعتی، در کل، اثر کمتری نسبت به سایر متغیرها بر شاخص کل دارد. بنابراین، برای این‌که شاخص تولید صنعتی بتواند اثر مثبتی بر رونق بورس داشته باشد، لازم است نقش صنعت در تولید ناخالص داخلی بیشتر شود.

باتوجه به نتایج، ضروری است سیاست‌گذاری در بازار سهام بر مبنای ماهیت نامتقارن و رژیم‌محور واکنش شاخص کل به متغیرهای کلان انجام شود. همچنین، لازم است که سیاست‌گذاران اقتصادی اقدام به تقویت سیاست‌های کنترل تورم کنند. ابزارهای پولی و مالی مناسب، از جمله افزایش نرخ بهره و کنترل عرضه پول، می‌تواند تورم را کنترل کرده و از اثرات منفی آن بر بازار سهام جلوگیری کند. سیاست‌های کنترل تورم باید به‌گونه‌ای طراحی شود که در شرایط رکودی بازار سهام از آثار مثبت کاهش آن بهره‌گیری شود و در دوره‌های رونق، از فشارهای کاهنده آن جلوگیری گردد. تقویت شفافیت اطلاعات مالی، افزایش شفافیت و دسترسی به اطلاعات مالی دقیق در مورد شرکت‌های بورسی را در شرایط تورمی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌سازد. نتایج نشان می‌دهد که نوسانات نرخ ارز اثرات نامتقارنی بر بازار سهام دارد و تکانه‌های مثبت و منفی آن به‌صورت متفاوت بر شاخص کل اثر می‌گذارند. بنابراین، لازم است دولت و بانک مرکزی اقدام به مدیریت دقیق نرخ ارز کنند. در حوزه نرخ ارز، مدیریت نوسانات باید به‌نحوی باشد که از پیامدهای منفی تکانه‌های شدید، به‌ویژه در رژیم صعودی، کاسته شود و اثرات مثبت آن بر جریان سرمایه و فعالیت‌های صادراتی حفظ گردد. کنترل نوسانات نرخ ارز از طریق ابزارهای پولی و سیاست‌های تجاری می‌تواند به کاهش اثرات منفی این نوسانات بر بازار سهام کمک کند. همچنین، ارائه تسهیلات و حمایت‌های مالی از شرکت‌های صادراتی می‌تواند توان رقابت‌پذیری آن‌ها را در بازارهای بین‌المللی افزایش دهد. تقویت صادرات در بلندمدت می‌تواند به کاهش اثرات منفی نوسانات ارزی و افزایش رشد بازار سهام کمک کند. برای جلوگیری از نوسانات نقدینگی، لازم است سیاست‌گذاران پولی مدیریت دقیق و متناسبی بر جریان نقدینگی داشته باشند و از ایجاد تکانه‌های نقدینگی در بازار جلوگیری کنند. علاوه بر این، سیاست‌های پولی باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که ورود نقدینگی به بازار سهام در کوتاه‌مدت با ایجاد رونق همراه باشد، بدون آن‌که در بلندمدت موجب بی‌ثباتی شود. برای بهبود اثرگذاری شاخص تولید صنعتی بر

شاخص کل سهام، پیشنهاد می شود دولت و نهادهای اقتصادی سیاست های حمایتی از بخش تولیدی را تقویت کنند. این سیاست ها می تواند شامل افزایش سرمایه گذاری در زیرساخت های صنعتی و تسهیل دسترسی به منابع مالی باشد. همچنین، لازم است به تنوع بخشی به بخش های تولیدی توجه بیشتری شود. تنوع در صنایع می تواند از آسیب پذیری بازار سهام در برابر نوسانات تولید در بخش های خاص جلوگیری کرده و به پایداری رشد اقتصادی و بازار سرمایه کمک کند. در نهایت، ارتقای سهم و کارایی بخش تولید صنعتی می تواند پایداری رشد بازار سهام را تقویت کند.

منابع

- ابراهیمی، م. و شکری، ن. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر قیمت سهام با تأکید بر نقش سیاست پولی. فصلنامه مدل سازی اقتصادی، ۱۵(۱)، ۲۳-۴۵.
- برقی اسگویی، م. و تقفی کلوانق، ر. (۱۳۹۷). ارزیابی اثرات سرریز ریسک نامتقارن نرخ ارز، قیمت نفت خام و سکه طلا بر بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه نظریه های کاربردی اقتصاد، ۵(۴)، ۱۴۳-۱۷۲.
- بیات، م.، افشاری، ز. و توکلیان، ح. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط سیاست پولی و شاخص کل قیمت سهام (با در نظر گرفتن اثر ثروت رونق بازار سهام) در چارچوب یک مدل DSGE. فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۵(۲۰)، ۳۳-۶۱.
- تقوی، ا.، پهلوانی، م.، زمانیان، غ. و بشیری، س. (۱۴۰۱). بررسی اثرات نامتقارن سیاست پولی و نوسانات ارز با لحاظ ارزش افزوده اقتصادی بر حاتم راد، س.، حقیقت، ج.، اصغرپور، ح. و آدرنگی، ب. (۱۴۰۱). ارزیابی عوامل کلان مؤثر بر شاخص قیمت سهام: رویکرد میان گیری بیزی. فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، ۱۰(۳۷)، ۷۳-۱۱۱.
- خضرزادگان، ح. (۱۴۰۳). پیوند نامتقارن قیمت سهام و نرخ ارز در ایران: رویکرد خودرگرسیون آستانه گشتاور (MTAR). فصلنامه نظریه های کاربردی اقتصاد، ۱۱(۳)، ۲۲۷-۲۵۲.
- دیزجی، م. و حاجی پور، ا. (۱۴۰۱). درآمدهای نفتی، نرخ ارز و سرمایه گذاری در بازار سهام ایران: شواهدی از الگوی مارکوف سوئیچینگ. دو فصلنامه مطالعات و سیاست های اقتصادی، ۱۷، ۲۱۵-۲۳۸.
- زراعتی، م.، صوفی مجیدپور، م.، محمودزاده، م. و فتح آبادی، م. (۱۴۰۳). اثرات نامتقارن و سرایت تکانه های ارزی بر بازار سهام ایران. بررسی های بازرگانی، ۱۲۵، ۵۱-۷۲.
- صرافی زنجانی، م. و مهرگان، ن. (۱۳۹۷). اثر نامتقارن ریسک نرخ ارز بر شاخص سهام صنایع صادرات محور با استفاده از مدل NARDL. فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، ۳۳، ۸۹-۱۱۷.
- طالبی، ز.، سخنور، م. و آخوندزاده، ط. (۱۴۰۲). مدل سازی عوامل مؤثر بر ساختار سرمایه در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. مدل سازی اقتصادی، ۱۷(۶۲)، ۷۵-۹۴.
- عثمانی، ف.، چشمی، ع.، صالح نیا، ن. و احمدی شادمهر، م. (۱۴۰۱). اثر متغیر طی زمان تورم بر شاخص صنعت (شواهدی از بازار سهام ایران). پژوهش های اقتصاد صنعتی، ۶(۲۰)، ۲۷-۳۹.
- گل ارضی، غ. و خراسانی، م. (۱۴۰۲). بررسی اثرات متقارن و نامتقارن نرخ ارز و نوسانات آن بر بازده شاخص سهام صنعت دارو با استفاده از مدل های خطی و غیرخطی ARDL. پژوهش های اقتصادی ایران، ۲۸(۹۶)، ۲۵۳-۳۰۰.
- گلشن، م.، مزینی، ا. و نجارزاده، ر. (۱۴۰۱). تأثیر تکانه های نرخ ارز بر عملکرد شرکت های فعال حوزه انرژی در بورس اوراق بهادار تهران: مطالعه موردی صنایع پتروشیمی و پخش فرآورده های نفتی. پژوهش های راهبردی بودجه و مالی، ۳(۵)، ۱۱-۴۳.
- لشکری زاده، م. و احدیان پور، پ. د. (۱۳۹۷). نقش محیط های تورمی در درجه عبور نرخ ارز بر شاخص قیمت سهام در ایران: رهیافت الگوهای مارکوف سوئیچینگ. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۱(۳۸)، ۸۵-۱۰۰.
- مطلبی، م. (۱۳۹۸). تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر اقتصاد سایه و فرار مالیاتی در ایران: یک رهیافت غیرخطی (رساله دکتری، دانشگاه لرستان).

- Ahmed, W. M. A. (2019). Asymmetric impact of exchange rate changes on stock returns: Evidence of two de facto regimes. *Review of Accounting and Finance*, 19(2). <https://doi.org/10.1108/RAF-02-2019-0039>
- Azar, S. (2010). Inflation and stock returns. *International Journal of Accounting and Finance*, 2(3-4), 254-274.
- Bahmani-Oskooee, M., & Saha, S. (2018). On the relation between exchange rates and stock prices: A nonlinear ARDL approach and asymmetry analysis. *Journal of Economics and Finance*, 42, 112-137. <https://doi.org/10.1007/s12197-017-9388-8>
- Balke, N. S. (2000). Credit and economic activity: Credit regimes and nonlinear propagation of shocks. *Review of Economics and Statistics*, 82(2), 344-349. <https://doi.org/10.1162/rest.2000.82.2.344>
- Barghi Asgouei, M., & Saghafi Kalvank, R. (2018). Assessment of asymmetric spillover effects of exchange rate risk, crude oil prices, and gold coin prices on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Applied Economic Theories*, 5(4), 143-172. (in Persian)
- Bayat, M., Afshari, Z., & Tavakolian, H. (2016). Examining the relationship between monetary policy and the overall stock price index considering the wealth effect of stock market booms within a DSGE framework. *Iranian Journal of Applied Economic Studies*, 5(20), 33-61. (in Persian)
- Budhathoki, P. B., Bhattarai, G., & Dahal, A. K. (2024). The impact of liquidity on common stock returns: Empirical insights from commercial banks in Nepal. *Banks and Bank Systems*, 19(1), 148-156. [https://doi.org/10.21511/bbs.19\(1\).2024.13](https://doi.org/10.21511/bbs.19(1).2024.13)
- Bulut, E., & Marangoz, C. (2025). Exploring the impact of economic recession indicators on global financial markets: A QVAR analysis. *International Review of Financial Analysis*, 99, 103966. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2025.103966>
- Chang, B. H., Meo, M. S., Syed, Q. R., & Abro, Z. (2019). Dynamic analysis of the relationship between stock prices and macroeconomic variables. *South Asian Journal of Business Studies*, 8(3), 229-245.
- Chiang, T. C., & Chen, P.-Y. (2023). Inflation risk and stock returns: Evidence from U.S. aggregate and sectoral markets. *North American Journal of Economics and Finance*, 68, 101986. <https://doi.org/10.1016/j.najef.2023.101986>
- Connolly, R. A., Stivers, C., & Sun, L. (2022). Stock returns and inflation shocks in weaker economic times. *Financial Management*, 51(3), 827-867. <https://doi.org/10.1111/fima.12385>
- Dang, T. L., & Nguyen, T. M. H. (2020). Liquidity risk and stock performance during the financial crisis. *Research in International Business and Finance*, 52, 101165. <https://doi.org/10.1016/j.ribaf.2019.101165>
- Demirgüç-Kunt, A., & Maksimovic, V. (1996). Stock market development and financing choices of firms. *World Bank Economic Review*, 10(2), 341-369.
- Dhanamaru, M. (2024). A study on the impact of persistent inflation on stock valuations in the current context. *International Journal of Research Publication and Reviews*, 5(10), 3601-3607.
- Dizaji, M., & Hajipour, A. (2022). Oil revenues, exchange rate, and investment in Iran's stock market: Evidence from a Markov-switching model. *Biannual Journal of Economic Studies and Policies*, 17, 215-238. (in Persian)
- Dornbusch, R., & Fischer, S. (1980). Exchange rates and the current account. *American Economic Review*, 70(5), 960-971.
- Ebrahimi, M., & Shokri, N. (2011). The impact of macroeconomic variables on stock prices with an emphasis on the role of monetary policy. *Economic Modeling Quarterly*, 5(1), 23-45. (in Persian)
- Erer, D. (2021). The impacts of inflation and inflation uncertainty on sectoral stock market returns: Evidence from Turkey. *PressAcademia*, 14(1). <https://doi.org/10.17261/Pressacademia.2021.1526>
- Fama, E. F., & French, K. R. (2015). A five-factor asset pricing model. *Journal of Financial Economics*, 116(1), 1-22. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2014.10.010>
- Frankel, J. A. (1983). Monetary and portfolio-balance models of exchange rate determination. In J. S. Bhandari & B. H. Putnam (Eds.), *Economic interdependence and flexible exchange rates*. MIT Press.
- Gol-Arzi, G. H., & Khorasani, M. (2023). Symmetric and asymmetric effects of the exchange rate and its volatility on stock returns of the pharmaceutical industry index using linear and nonlinear ARDL models. *Iranian Economic Research*, 28(96), 253-300. (in Persian)

- Golshan, M., Mozayeni, A., & Najjarzadeh, R. (2022). The impact of exchange rate shocks on the performance of energy-sector firms listed on the Tehran Stock Exchange: A case study of petrochemical and petroleum distribution industries. *Strategic Research in Budgeting and Public Finance*, 3(5), 11–43. (in Persian)
- Han, Yufeng and Huang, Zhaodan, The Information Role of Liquidity Shock, Firm Fundamentals, and Long-Term Stock Value (January 18, 2018). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3282436> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3282436>
- Hansen, B. E. (1996). Inference when a nuisance parameter is not identified under the null hypothesis. *Econometrica*, 64, 413–430. <https://doi.org/10.2307/2171789>
- Hatem-Rad, S., Haghightat, J., Asgharpour, H., & Adrangi, B. (2022). Evaluation of macroeconomic factors affecting the stock price index: A Bayesian model averaging approach. *Journal of Financial and Economic Policies*, 10(37), 73–111. (in Persian)
- Khazrazadegan, H. (2024). Asymmetric linkage between stock prices and the exchange rate in Iran: A momentum threshold autoregressive (MTAR) approach. *Journal of Applied Economic Theories*, 11(3), 227–252. (in Persian)
- Lashkarizadeh, M., & Ahadianpour, P. D. (2018). The role of inflationary environments in the degree of exchange rate pass-through to the stock price index in Iran: A Markov-switching approach. *Financial Knowledge: Securities Analysis*, 11(38), 85–100. (in Persian)
- Motalebi, M. (2019). *The impact of macroeconomic variables on the shadow economy and tax evasion in Iran: A nonlinear approach* (Doctoral dissertation, University of Lorestan). (in Persian)
- Nelson, C. R. (1976). Inflation and rates of return on common stocks. *Journal of Finance*, 31(2), 471–483. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.1976.tb01900.x>
- Osmani, F., Cheshmi, A., Salehnia, N., & Ahmadi-Shadmeh, M. (2022). The effect of time-varying inflation on the industry index: Evidence from Iran's stock market. *Industrial Economics Research*, 6(20), 27–39. (in Persian)
- Sarafi Zanjani, M., & Mehrgan, N. (2018). Asymmetric effects of exchange rate risk on stock indices of export-oriented industries using the NARDL model. *Journal of Economic Modeling Research*, 33, 89–117. (in Persian)
- Taghavi, A., Pahlavani, M., Zamanian, G., & Bashiri, S. (2022). Investigating asymmetric effects of monetary policy and exchange rate fluctuations on stock returns of the Tehran Stock Exchange using the economic value added approach: A NARDL approach. *Biannual Journal of Economic Studies and Policies*, 18, 37–60. (in Persian)
- Zeraati, M., Soufi-Majidpour, M., Mahmoudzadeh, M., & Fathabadi, M. (2024). Asymmetric effects and spillover of exchange rate shocks on Iran's stock market. *Commercial Studies Review*, 125, 51–72. (in Persian)



Pathology of Joint-Stock Company Laws with an Emphasis on Imam Khomeini's Opinions

Gholamali Masuminia^{1✉} , and Seyed Valiollah Hejazi²

1. Associate Professor, Department of Economics and Islamic Banking, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding author). Email: masuminia@khu.ac.ir
2. Graduate of the fourth level of the Qom Seminary, Qom, Iran. Email: hejazisv@gmail.com

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/10/27

Received in revised form:
2026/01/03

Accepted: 2026/02/10

Available online: 2026/03/31

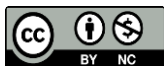
Keywords:

pathology; public joint-stock company; private joint-stock company; Islamic jurisprudence; Imam Khomeini.

ABSTRACT

Joint-stock companies, which are regarded as among the most significant forms of business entities in modern economies, operate in every country in accordance with that country's higher-order legal and policy frameworks. In the Islamic Republic, where all activities must conform to Imāmī jurisprudence, it is therefore necessary to examine the laws governing these companies from a jurisprudential perspective. Furthermore, the founder of the Islamic Republic, Imam Khomeini - who was one of the eminent jurists - expressed jurisprudential views on various economic matters, and attention to these views is essential in shaping the foundations of the economic system. Despite this, the jurisprudential vulnerabilities of such companies have not yet been examined from Imam Khomeini's standpoint. Accordingly, the present study seeks to answer the following central question: What is the jurisprudential pathology of the laws governing joint-stock companies with an emphasis on Imam Khomeini's opinions? The main objective of this research is to identify the jurisprudential deficiencies of these companies so that the conditions for gradually aligning them with Imāmī jurisprudence - particularly with Imam Khomeini's legal opinions - may be established. The methodology of this study is as follows: first, Imam Khomeini's views concerning joint-stock companies are examined; then, based on these views, the Commercial Code - as the legal foundation of joint-stock company operations - is analyzed in order to identify its jurisprudential shortcomings. Through this examination, several issues become evident, including the neglect of minority opinions in decision-making assemblies, the invalidation of the company due to the death of shareholders, the sale of shareholders' assets and the imposition of late-payment charges without their consent, the existence of preferred shares and the resulting discrimination and dissatisfaction among other shareholders, and various other problems. The study concludes that the structure of joint-stock companies is not compatible with jurisprudential principles; thus, it is necessary to design and adopt new legal forms or frameworks. Meanwhile, some scholars, adopting a passive approach, have attempted to provide jurisprudential justification for the existing legal system - even at the expense of inconsistency with the objectives of the Sharīa - whereas the correct path is to adopt an active approach toward such companies.

Cite this article: Masuminia, Gholamali; Hejazi, Seyed Valiollah (2026). Pathology of Joint-Stock Company Laws with an Emphasis on Imam Khomeini's Opinions, *Interdisciplinary Studies in Economics*, 2(1), 72 - 89. <https://doi.org/10.22091/ise.2026.14342.1076>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.

DOI: <http://doi.org/10.22091/ise.2026.14342.1076>

JEL Classification: K22, K12, P48, Z12

آسیب‌شناسی قوانین شرکت‌های سهامی با تأکید بر آراء امام خمینی

غلامعلی معصومی نیا^۱ ، و سید ولی‌الله حجازی^۲

۱. دانشیار، گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: masuminia@khu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران. رایانامه: hejazisv@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۱

کلیدواژه‌ها:

آسیب‌شناسی، سهامی عام، سهامی خاص، امام خمینی.

شرکت‌های سهامی، که از شرکت‌های مهم در اقتصاد شمرده می‌شوند، در هر کشوری مطابق با اسناد بالادستی همان کشور فعالیت می‌کنند. در جمهوری اسلامی نیز، که تمامی فعالیت‌ها باید مطابق با فقه امامیه باشد، ضروری است از دیدگاه فقهی به قوانین این شرکت‌ها پرداخته شود. از طرف دیگر، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی، که از فقهای بزرگ بوده، در مسائل مختلف اقتصادی نظرات فقهی داشته و توجه به آن‌ها در شکل‌گیری بنیان‌های اقتصادی ضروری است. این در حالی است که تاکنون آسیب‌های فقهی این شرکت‌ها از دیدگاه امام خمینی بررسی نشده است. بنابراین، تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که «آسیب‌شناسی قوانین شرکت‌های سهامی با تأکید بر آراء امام خمینی چگونه است؟». هدف اصلی تحقیق آن است که با یافتن آسیب‌های فقهی شرکت‌های مذکور، به تدریج زمینه تطابق آن‌ها با فقه امامیه و به‌ویژه فتاوی امام خمینی، فراهم شود. روش تحقیق حاضر بدین صورت است که ابتدا آراء امام خمینی در رابطه با شرکت‌های سهامی مورد بررسی قرار گرفته و سپس با توجه به آن‌ها، قانون تجارت - به‌عنوان زیربنای فعالیت شرکت‌های سهامی - مورد کنکاش قرار گرفته و آسیب‌های فقهی آن مشخص گردد. با بررسی قوانین شرکت‌های مذکور، آسیب‌هایی مانند عدم توجه به نظر اقلیت در مجامع تصمیم‌گیری، بطلان شرکت به‌واسطه مرگ شرکا، فروش اموال شرکا و اخذ دیرکرد از آنان بدون کسب رضایت، سهام ممتاز، تبعیض حاصل از آن و عدم رضایت سایر سهامداران و موارد دیگر آشکار گردید. نتیجه تحقیق آن است که ساختار شرکت‌های سهامی با موازین فقهی سازگار نیست؛ بنابراین لازم است قالب یا قالب‌های جدیدی طراحی و جایگزین شود. در این میان، برخی با رویکرد انفعالی سعی در توجیه قوانین موجود، ولو به قیمت عدم تناسب آن‌ها با مقاصد شریعت، داشته‌اند؛ ولی راه درست، رویکرد فعالانه در قبال شرکت‌های مذکور است.

استناد: معصومی نیا، غلامعلی؛ حجازی، سید ولی‌الله (۱۴۰۵). آسیب‌شناسی قوانین شرکت‌های سهامی با تأکید بر آراء امام خمینی. *مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد*، ۲

(۱)، ۸۹-۷۲. <https://doi.org/10.22091/ise.2026.14342.1076>



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه قم.

طبقه‌بندی JEL: K22, K12, P48, Z12

مقدمه

مباحث معاملات که معمولاً ناظر به بعد اقتصادی جامعه است، از دیرباز بخش مهمی از متون فقهی امامیه را در کنار مباحث عبادات به خود اختصاص داده است؛ از این رو، توجه به نیازهای نوپدید اقتصادی جامعه و بررسی فقهی آن‌ها، به‌ویژه در موارد مهم، زیربنایی و اثرگذار، مانند تأسیس و فعالیت شرکت‌های بزرگ اقتصادی، ضروری می‌نماید. در این راستا، در مقاله حاضر، بخشی از مسائل شرکت‌های سهامی، به‌عنوان ساختار غالب فعالیت‌های اقتصادی در دنیای غرب و به تبع آن در سایر کشورها، از منظر فقهی بررسی می‌شود.

بر این اساس، در تحقیق حاضر، بر مبنای گفتمان کلی و انتزاعی در حوزه اقتصاد اسلامی، با مطالعه کتب و مقالات معتبر، از روش استدلال عقلانی و قیاسی به شرح زیر استفاده شده است؛ ابتدا قوانین ساری و جاری در شرکت‌های سهامی از منابع معتبر استخراج شده و سپس با مقایسه آن‌ها با نظر حضرت امام خمینی (ره)، استدلالات عقلی در رد یا قبول آن‌ها بیان و بررسی و تحلیل شده‌اند. همچنین با نگاه فقهی به شرکت‌های سهامی پرداخته شده و آسیب‌های احتمالی ناشی از عدم تبعیت از فقه اسلام با دقت بیشتری تشریح شده است. مؤسسه‌های گوناگونی که در طول پنجاه سال گذشته پدید آمده و به‌رغم درخشش‌های اولیه، به جهت مخالفت‌های مراجع مذهبی و متدینان به تدریج رو به افول گذاشته‌اند، شاهد گویای این مطلب هستند (موسویان، ۱۳۸۴: ۱۴۴-۱۴۵).

باید افزود که چگونگی ساختارهای اقتصادی از مهم‌ترین مسائل اقتصاد است. نظام سرمایه‌داری، از سویی بر اساس حاکمیت صاحبان سرمایه و اجیر شدن نیروی کار با دستمزد ثابت استوار شده و از سوی دیگر، با تعریف شرکت‌های سهامی، از بروز اعتراضات نیروی کار جلوگیری کرده است. ظاهر امر چنین است که شرکت‌های سهامی با انتشار سهام و فروش آن، خریداران و از جمله نیروی کار را در مالکیت شرکت سهامی می‌سازند؛ در حالی که سهم عمده و در نتیجه قدرت تصمیم‌گیری در دست سرمایه‌سازان باقی می‌ماند.

در این صورت، صاحبان سرمایه تصمیم‌گیرندگان اصلی در مورد شرکت بوده و مبنای تصمیمات و اقدامات، مصلحت اقلیت حاکم خواهد بود. در نتیجه، منافع بسیاری از صاحبان سهام که تعدادشان زیاد است، اما از نظر میزان سهم در اقلیت قرار دارند، تقویت می‌شود. بر این اساس، با ملاحظه ضوابط فقهی در عقود مشارکتی و به‌ویژه عقد شرکت، مشکلات متعددی در شرکت‌های سهامی مشاهده می‌شود که ضروری است این موارد بررسی شود؛ در صورت قابلیت رفع، با استفاده از طرق معهود فقهی اشکالات برطرف گردد و در غیر این صورت، راهکار اساسی ارائه شود.

غرض نویسندگان این مقاله از نقد شرکت‌های سهامی، معرفی شرکت‌هایی مانند شرکت تعاونی به‌عنوان الگوی مطلوب نیست؛ بلکه هدف آن است که اگر شرکت‌های سهامی و ساختارهای مشابه در اقتصاد رایج با موازین اسلامی سازگار نباشند، لازم است ساختار جدیدی طراحی شود که موازین یادشده فقهی و اقتصاد اسلامی بر آن حاکم باشد. طراحی این ساختار به مقاله دیگری موکول می‌شود. در تحقیق حاضر، مبنای آراء فقهی امام خمینی رحمه‌الله، به‌عنوان بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی و قائل به دخالت دین در تمام ساحت‌های اجتماعی بشر، خواهد بود.

چارچوب مفهومی

شرکت

معنای لغوی «شرکت»، به دلیل وضوح آن، چندان در کتب لغت مطرح نشده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۲۹۳). این واژه در اصطلاح فقهی تعاریف مختلفی دارد. برخی از فقها، معنای اصطلاحی آن را همان معنای لغوی و صرفاً مصداقی از آن دانسته‌اند (موسوی خویی، ۱۴۰۹ق: ۲۳۳) و برخی دیگر، آن را به معنای اجتماع حقوق مالکین بر یک چیز، به گونه‌ای که در تمام اجزا آن مالکیت همه افراد با شد، تعریف کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۴)؛ اصطلاح دوم نزد متأخرین و معاصرین مشهور بوده و بیشتر مورد پذیرش قرار گرفته است (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۷ق: ۱۵). این معنا عام بوده و در عین، دین، منفعت یا حق تحقق یافته و به وسیله اسباب مختلفی مانند ارث، عقد ناقل، حیات در اعیان و امتزاج در اعیان به وجود می‌آید (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۶۶۲).

در مقابل معنای عام، معنای خاص نیز برای شرکت گفته شده است که عبارت از شرکتی واقعی است که به وسیله یکی از عقود محقق می‌شود. طبق این تعریف، شرکت علاوه بر تحقق به وسیله عقد شرکت، با خرید، صلح یا هبه مشارکتی نیز محقق می‌شود (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۷ق: ۵۷-۵۸). در مقابل شرکت واقعی، شرکت ظاهری قرار دارد که گاهی قهری است؛ مانند آن که اجناسی که برای دو نفر است، بدون اختیار آن‌ها ممزوج گردیده و قابل تمیز نباشد؛ و گاهی نیز اختیاری است؛ مانند آن که با اختیار خودشان، ولی بدون قصد شراکت، آن اجناس را ممزوج نمایند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق: ۲۷۳-۲۷۴).

به غیر از معانی گفته شده، معنایی خاص‌تر (اخص) برای شرکت وجود دارد که مقصود از آن در شرکت‌های سهامی همین معنا است. در این تعریف، شرکت به عقد و قراردادی مستقل گفته می‌شود که بین دو نفر یا بیشتر منعقد می‌گردد و با مال مشترک میان آن‌ها معامله انجام می‌گیرد (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۷ق: ۵۸). به این نوع از شرکت، «شرکت عقدی» یا «شرکت اکتسابی» نیز گفته می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۶۶۳-۶۶۴).

شرکت سهامی

بر اساس ماده قانون تجارت «شرکت سهامی» شرکتی است که سرمایه آن به «سهام» تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آن‌ها است. «سهام» قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص‌کننده میزان مشارکت، تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی است. «ورقه سهم» سند قابل معامله‌ای است که نمایشگر تعداد سهام صاحب آن در شرکت سهامی است (ق تجارت، ۲۴م).

«شرکت سهامی عام» شرکتی است که مؤسسين آن قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند (ق تجارت، ۴م). در مقابل، «شرکت سهامی خاص» شرکتی است که تمام سرمایه آن در موقع تأسیس، منحصرأ توسط مؤسسين تأمین گردیده است (ق تجارت، ۴م).

پیشینه تحقیق

تحقیقات معدودی در خصوص عدم سازگاری قوانین مترتب بر شرکت‌های سهامی و موازین فقهی انجام شده است که هر یک به برخی از مشکلات مربوطه پرداخته‌اند. موسویان (۱۳۹۴) در کتاب «بازار سرمایه اسلامی» به بررسی اصول و مبانی فقهی و اقتصادی بازار سرمایه اسلامی و ابزارهای مالی متعارف و ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) پرداخته است. وی بخشی از مشکلات فقهی شرکت‌های سهامی، مانند مسئله جواز عقد شرکت را مطرح نموده و درصدد ارائه راه‌حل برای آن‌ها برآمده است. از جمله این که

شرکت‌های مذکور، مصداق عقد جدید بوده و به همین جهت، محل جریان اصل صحت و اصل لزوم هستند. راه‌حل دیگری که وی ارائه می‌دهد آن است که چنین شرکت‌هایی، مصداق همان عقد شرکت معهود در فقه هستند، اما هر کسی که قصد خروج از شرکت را دارد، می‌تواند سهام خود را در بازار ثانوی فروخته و از شرکت خارج شود.

یوسفی هریکنده (۱۳۹۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران با عنوان «بررسی فقهی - حقوقی شرکت‌های تجاری و مدنی و وجوه افتراق و اشتراک آن‌ها» به تعریف شرکت و ارکان آن در متون فقهی و حقوقی و نیز اقسام، احکام و مشروعیت آن از منظر فقه امامیه پرداخته شده است. وی انواع شرکت‌های تجاری را مطرح نموده و وجوه افتراق و اشتراک شرکت‌های تجاری با یکدیگر و نیز با شرکت فقهی را بیان نموده است. در این تحقیق، علی‌رغم اهمیت موضوع و نیاز به بررسی اساسی، علمی، مفصل و دقیق، بحث به صورت اجمالی طرح گردیده است؛ به طوری که وجوه اشتراک و افتراق شرکت‌های سهامی با شرکت فقهی را تنها در چهار صفحه مطرح کرده است.

دیانت مقدم (۱۴۰۱) با عنوان «شرکت سهامی عام در تحلیل فقه‌های معا صر امامیه» به بخشی از اشکالات مذکور اشاره نموده، برخی از آن‌ها مانند عدم رضایت سهام‌داران به تصمیمات هیئت مدیره را قابل حل دانسته و برخی، مانند عدم رعایت خمس از طرف سهام‌داران و نیز مرگ یا جنون آنان را مشکل قابل توجه دانسته است.

مهدیان و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «تصرفات مالی مدیران شرکت‌های سهامی خاص از منظر فقه و حقوق ایران»، بر این باور هستند که فقه در خصوص تصرفات مالی شرکت‌های سهامی خاص، قاعده خاصی ندارد؛ اما مطابق با منع تصرف شریک در اموال شریک دیگر، می‌توان به منع تصرفات مالی شرکت از سوی مدیران به طریق اولی نظر داد. این مقاله ظاهراً خود قانون تجارت را مبنا قرار داده و در پی بررسی آسیب‌های فقهی آن برنیامده است.

نوآوری مقاله حاضر آن است که نشان داده شود شرکت‌های سهامی با ضوابط مسلم فقهی سازگاری ندارند. بر این اساس، رویه مبنا قرار دادن قانون تجارت و نیز شیوه‌های اصلاح شرکت‌های اقتصادی مبتنی بر تفکر سرمایه‌داری که نویسندگان سایر مقالات برشمرده‌اند، قابل قبول نیست. این مقاله چاره درست را ایجاد ساختاری نو می‌داند که از اساس بر پایه ارزش‌های اسلامی شکل گیرد، نه آن‌که صرفاً در صدد اسلامی‌سازی شرکت‌های سرمایه‌داری، آن‌هم با راهکارهایی نامتناسب با یکدیگر یا نامتناسب با نیازهای جامعه اسلامی، برآید.

با مقایسه تحقیقات انجام‌شده و قوانین حاکم بر شرکت‌های سهامی و نظریات فقهی حضرت امام (ره)، مهم‌ترین چالش‌های موجود به شرح زیر قابل بیان است:

آسیب‌های قوانین شرکت‌های سهامی با تأکید بر نظریات امام خمینی

عدم توجه به نظر اقلیت در مجامع تصمیم‌گیری

در ابتدای این قسمت یک مطلب مبنایی مطرح می‌شود: ممکن است گفته شود «اگر مبنای عقد مستحدثه بودن را در شرکت‌های سهامی بپذیریم، فعالیت‌های این شرکت‌ها با موازین فقهی انطباق دارد. در این صورت ادله عام شامل این شرکت‌ها می‌شود و با تمسک به اصل صحت، صحیح خواهد بود. در این صورت تقریباً همه اشکالات قابل طرح بی‌محل خواهد بود». در مواجهه با این اشکال دو پاسخ مطرح می‌شود:

الف) روش معهود فقها این است که در مواجهه با هر قرارداد و یا پدیده‌های جدید اقتصادی، ابتدا تا حد ممکن آن را ذیل یکی از عناوین معهود قرار می‌دهند؛ اگر به هیچ عنوان امکان اندراج وجود نداشته باشد، وجود ضوابط عام را کافی می‌دانند. از همین روست که قانون تجارت سهام را سهم مشاع می‌داند: «سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که میزان مشارکت، تعهدات و منافع صاحب آن را در شرکت سهامی مشخص می‌کند» (ماده ۲۴). بر اساس این تعریف، سهام را مصداق عقد شرکت دانسته است و همچنین علت احتمالات زیادی که حقوقدانان در مورد سهام مطرح نموده‌اند نیز همین امر است (غمامی و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۴۵). از محاسن اندراج قرارداد ذیل عناوین معهود این است که ضوابط عقود معهود در فقه به صورت مشخص بیان شده است.

ب) بر فرض تنزل، در عقود مستحدث نیز لازم است شرایط عام عقود موجود باشد. یکی از شرایط عام، لزوم رضایت و عدم جواز تصرف در مال هر شخص بدون رضایت او است. آیه شریفه «... تجارة عن تراضٍ منکم» تصرف در مال دیگری را در صورتی جایز دانسته که دو طرف رضایت داشته باشند. حضرت رسول (ص) در خطبه حجة الوداع فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، وَلَا يَجِلُّ لِمُؤْمِنٍ مَالٌ أَخِيهِ إِلَّا مِنْ طَيْبٍ نَفْسٍ مِنْهُ» (ری‌شهری، ۱۳۹۴: ۲۱۲). در این صورت بسیاری از اشکالات وارد خواهد بود. در هر شرکت سهامی، مراکزی برای تصمیم‌گیری مانند مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده وجود دارد که لازم است برخی از روش‌های تصمیم‌گیری آنان مورد کنکاش فقهی قرار گیرد. به عنوان مثال، در مجمع عمومی عادی، هر دارنده سهام، به تعداد سهام خود، برای تصمیم‌گیری در امور مختلفی مانند انتخاب هیئت مدیره، بازسان شرکت و ... حق رأی دارد. در این مجمع، اگر حاضران به توافق نرسیده و در آراء خود دچار اختلاف شوند، نظر اکثریت معیار و لازم‌الاجراء خواهد بود (ق تجارت، م ۸۸). در مجامع دیگر - مانند مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی مؤسس - نیز نظر اکثریت ملاک عمل است (ق تجارت، م ۸۵ و ۷۵). به همین دلیل، نظر سایرین که آنان نیز شریک و صاحب سهام هستند، مورد قبول قرار نگرفته و رضایت یا عدم رضایت آنان ملاک نخواهد بود.

گرچه قانون تجارت در موارد محدودی، مانند افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام (ق تجارت، م ۱۵۹)، نظر موافق همه سهامداران را ملاک قرار داده است، اما در موارد متعددی نظر اکثریت را ملاک عمل دانسته است که این ملاک با شروط تحقق شرکت در فقه اسلامی ناسازگار است؛ زیرا از دیدگاه فقهی، نه تنها صرف شراکت موجب جواز تصرف افراد در مال مشترک نمی‌شود، بلکه اقتضای آن، مشاع بودن مالکیت شرکا و جریان آن در تک‌تک اجزا مال مشترک است (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۷ق: ۵۳؛ جعفری و شهیدی، ۱۳۹۴: ۳۷).

به همین دلیل، تصرف هر شریکی در مال مشاع متوقف بر رضایت تمامی شریکان است و در صورتی که حتی یک نفر راضی نباشد، تصرف مذکور عدوانی و حرام خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۶۶۳؛ عاملی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۳). در نتیجه، عدم توجه به نظر اقلیت در شرکت‌های سهامی با شروط فقهی تحقق شرکت، از جمله لزوم رضایت همه شریکان، منافات دارد. این تعارض به‌ویژه در مواردی که شمار افراد اقلیت به پنجاه درصد نزدیک شود، نمود بیشتری دارد.

علاوه بر مشکلات فقهی مذکور، تجربه نشان داده است که ملاک بودن نظر اکثریت در این‌گونه شرکت‌ها و عدم توجه کافی به اقلیت، باعث از بین رفتن اعتبار برخی شرکت‌های مشابه خارجی شده و زمینه تغییر قوانین آن‌ها را فراهم آورده است (نقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷۰). به‌عنوان نمونه، «قانون‌گذار ایالات متحده راه کارهای قابل توجهی را در قالب حقوق چهارگانه اطلاعاتی، مدیریتی، کنترلی و دادرسی برای سهامداران اقلیت پیش‌بینی کرد که مواردی نظیر شفافیت کامل اطلاعات مالی دقیق و کامل

به‌صورت دوره‌ای، امکان ارائه پیشنهاد برای مجمع عمومی توسط هر یک از سهامداران، امکان اقامه دعوی از سوی هر یک از سهامداران علیه مدیران متخلف به نام شرکت در قالب دعوی مشتق، از این جمله است» (تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷۰).

با توجه به تجربه تغییر قوانین در شرکت‌های مشابه خارجی، برخی برای رعایت حقوق اقلیت، امکان تغییر قوانین شرکت‌های سهامی در ایران را نیز یادآور شده و مواردی مانند الزام اکثریت به اخذ تصمیم در راستای منافع شرکت و بی‌اعتباری تصمیماتی برخلاف آن را پیشنهاد داده‌اند (صقری و خودکار، ۱۳۹۸: ۱۴۲). بر این اساس، می‌توان با لحاظ فتاوی فقها، علاوه بر رفع مشکلات فقهی شرکت‌ها، زمینه افزایش اعتبار آن‌ها را نیز فراهم ساخت؛ به‌ویژه آن‌که اکتفا به قوانین فعلی و عدم توجه به حقوق سهامداران اقلیت، گاهی زمینه تعارض منافع و برهم خوردن تعادل را فراهم می‌سازد (صقری و خودکار، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

به همین دلیل، حتی نویسندگانی که رعایت حقوق اکثریت را به معنای افزایش کارایی و ثروت شرکت دانسته‌اند، بر این عقیده‌اند که «پذیرش قاعده اکثریت به‌عنوان قاعده تصمیم‌گیری نباید به غفلت از حقوق سهامداران اقلیت بیانجامد؛ بنابراین، در صورتی می‌توان از قاعده اکثریت به‌عنوان قاعده‌ای مطلوب سخن گفت که برای ایجاد تعادل میان منافع سهامداران اقلیت و اکثریت نیز قواعدی وضع گردد» (صقری و خودکار، ۱۳۹۸: ۱۱۹).

مرگ اعضا و بطلان شرکت

یکی از مبطلات شرکت، مرگ یکی از شرکا است که با آن، اساس شرکت از بین می‌رود (دیلمی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۲). از طرف دیگر، هر تصرفی در امور متعلق به شرکت باید مورد رضایت تمامی شریکان قرار گیرد؛ بنابراین، اگر یکی از شریکان بمیرد، امکان کسب رضایت او فراهم نبوده و به‌دلیل مشاع بودن اموال، هیچ کدام از شرکاء و وکلای آنان، قبل از جدا نمودن سهم او، حق تصرف در اموال شرکت را نخواهند داشت (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۶: ۲۸۸). از طرف دیگر، احراز رضایت تمامی وراث، قبل از هر تصرفی امکان‌پذیر نبوده یا به سختی امکان‌پذیر است. بنابراین، در صورت مرگ یک یا چند تن از شرکا، تصرفات سایر شرکا در اموال شرکت، حرام و عدوانی خواهد بود (طباطبایی قمی، ۱۴۱۹ق: ۳۲۲).

قانون تجارت، علی‌رغم توجه به مرگ مدیران و تعیین راه‌کارهایی برای کاهش خسارت شرکت در فرض مرگ آنان (ق تجارت، م ۱۵، ۱۱۲ و ۱۴۶)، اساساً به احتمال مرگ سهامداران ورود ننموده و در نتیجه، راه‌حلی ارائه نداده است. با توجه به این‌که قانون مذکور، تعیین مدت شرکت‌ها را با قید زمانی از هیئت مؤسس طلب نموده است (ق تجارت، م ۸) و از طرفی، شرکت‌های سهامی، سهامداران فراوانی داشته و هر لحظه، مرگ یکی از سهامداران محتمل است، می‌توان دریافت که تصرفات شرکت را هنگام مرگ سهامداران نیز جایز و نافذ دانسته و این جواز، با قواعد فقهی سازگار نیست.

فروش اموال شرکا و اخذ دیرکرد از آنان بدون کسب رضایت

در مباحث فقهی، برای تحقق شرکت، میزان حداقل یا حداکثری مشخص نشده است (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۶۶۳-۶۶۴)، و به همین دلیل، هر کسی با کمترین مقدار شراکت در مالکیت شی مشاع، شریک محسوب شده و تصرف هر شخص یا شریک دیگری در آن شی، متوقف بر اذن این فرد نیز خواهد بود. در قانون تجارت، موادی وجود دارد که با حکم فقهی مذکور ناسازگار است؛ به‌عنوان مثال، اگر کسی مبلغ اسمی سهم خود (مبلغی که روی برگه سهام نوشته شده است) را به‌صورت کامل، در موعد مقرر پرداخت ننماید، مبلغ سهمی که تأدیه نکرده، علاوه بر خسارت دیرکرد آن، از او اخذ می‌شود. در صورت امتناع او از پرداخت مبلغ و دیرکرد، به او اخطار داده شده، و در نهایت، اگر پس از مدتی، مبلغ اسمی مذکور و خسارت دیرکرد آن پرداخت نشود، سهم شخص در بورس یا غیر آن فروخته شده و مبلغ اسمی و خسارت دیرکرد آن از سهم مذکور کسر می‌گردد (ق تجارت، م ۳۵).

این در حالی است که فرد مذکور، اگرچه از ادای کامل مبالغ اسمی سهم خود اجتناب ننماید، با همان کمترین پرداخت مبلغ اسمی، شرعاً شریک دیگران گردیده و به همین دلیل، حق فروش سهم او را بدون رضایت وی ندارند (حکیم، ۱۳۷۴: ۳۷۸).

عدم پرداخت خمس توسط برخی از سهامداران شرکت و حرمت شراکت با آنان

خمس، از واجبات مهم فقهی بوده و تأثیرات فراوانی در معاملات و عبادات افراد جامعه دارد. از دیدگاه برخی از فقها، یکی از آثار آن، حرمت تصرف در اموالی است که به آن‌ها خمس تعلق گرفته و خمس آن‌ها پرداخت نشده است. اگر فرد مکلف به پرداخت خمس، از این حکم تخطی کرده، مال متعلق خمس را در وادی شراکت قرار داده و در نتیجه با اموال دیگران ممزوج گردد، هرچند از دیدگاه برخی از فقها، مشکلی برای شراکت وجود ندارد (موسوی اردبیلی، ۱۴۳۱ق: ۳۰۱)، اما از نظر امام خمینی، نه تنها تصرف خود او در اموال خویش (موسوی خمینی، ۱۴۲۴ق: ۳۲) و در اموال شرکت حرام است، بلکه به دلیل مشاع بودن سهام، امکان تصرف سایرین نیز در اموال مشترک از بین خواهد رفت (موسوی خمینی، ۱۴۲۴ق: ۳۳).

بر این اساس، تصرفات هیئت مدیره نیز که وکیل سهامداران است (نیک‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۶۹)، به خاطر ممنوعیت تصرف موکلان خود، ممنوع بوده و به همین دلیل، تصرف در اموال شرکت، به‌ویژه در صورتی که عین مال غیرمخمس را به شراکت گذارند، به‌طور کلی حرام خواهد بود (بروجردی، ۱۳۸۸: ۲۸۹). تحقق این گزاره، به‌ویژه در شرکت‌های سهامی عام که هزاران و گاهی میلیون‌ها نفر سهامدار و شریک در اموال شرکت هستند، قطعی بوده و تصرفات شرکت‌های مذکور را با مشکل شرعی مواجه می‌کند.

این مهم، در قانون تجارت اصلاً مورد توجه قرار نگرفته و به همین دلیل، راه‌حلی هم برای آن ارائه نشده است. بنابراین، تعارض دیگر میان عملکرد شرکت‌های سهامی با قوانین فقهی، عدم پرداخت خمس برخی از سهامداران و به تبع آن، حرمت کوچک‌ترین تصرف در اموال شرکت خواهد بود. در این میان، فتوای برخی از مراجع درباره وجوب پرداخت خمس خود شرکت، علاوه بر خمس اموال سهامداران شرکت (مظاهری، ۱۳۹۴: ۴۲۹؛ سبحانی، ۱۳۸۸)، نیز قابل توجه خواهد بود. بر این اساس، «برخی از شرکت‌ها و مؤسسات، از آن جهت که دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند، ظاهر آن است که حکم وجوب خمس درباره آن‌ها نیز جاری می‌شود. تسری وجوب خمس به شرکت‌ها دو دلیل دارد: یکی تنقیح مناط در حکم وجوب خمس و دائرمدار ملکیت و منفعت دانستن آن و دیگری توجه به حکم وضعی و حق مالی که شارع مقدس در منافع قرار داده است» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱).

وجوب خمس سرمایه و منافع شرکت‌ها، عملاً مورد غفلت بسیاری از شرکت‌های سهامی قرار گرفته است. این در حالی است که علاوه بر دو دلیل گفته شده، دلیل سومی می‌توان برای وجوب خمس شرکت مطرح کرد و آن «اختیارات ولی فقیه» است. بر پایه این دلیل، «حاکم جامعه اسلامی اجازه دارد همانند اخذ مالیات، که در همه جوامع مرسوم است، از شرکت‌ها و مؤسسات، خمس سرمایه و سود سالانه آن‌ها را دریافت کند» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱).

عدم امکان عزل هیئت مدیره توسط اقلیت از سهامداران

هر فرد یا شریکی که قصد تصرف در اموال مشترک داشته و از طرف مالکان یا سایر شرکا اذن در تصرف داشته باشد، وکیل آنان محسوب می‌شود. هیئت مدیره شرکت‌های سهامی نیز که مسئولیت تصرف در اموال شرکا (سهامداران) را دارند، یا خود وکیل محسوب می‌شوند یا دست‌کم وکیل در توکیل هستند؛ هرچند انتخاب آنان با رأی سهامداران، مؤید وکالت مستقیم از سوی سهامداران است (ق تجارت، م ۷۲ و ۱۰۸).

با توجه به این نکته باید گفت «صحت معامله اوراق سهام، بر صحت وکالت در امر خرید و فروش سهام متفرع است» (علم‌الهدی و اکبری، ۱۳۹۴: ۱۳۸). در فقه اسلامی نیز موکل می‌تواند در هر زمان، حتی بدون ارائه دلیل، وکیل خود را عزل کرده و از اقداماتی

که قرار است در آینده از جانب او انجام دهد جلوگیری نماید (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۴۸). این حکم فقهی از سوی برخی فقها مورد ادعای اجماع نیز قرار گرفته است (حلی، ۱۴۲۰ ق: ۲۴).

در حالی که در شرکت‌های سهامی، هیئت مدیره از زمان انتخاب تا حداکثر دو سال، به نمایندگی از سهامداران در اموال آنان تصرف می‌کند (ق تجارت، م ۱۰۹). حال اگر پیش از پایان این مدت، یک یا چند نفر از سهامداران که از نظر تعداد در اقلیت هستند قصد عزل مدیر یا مدیران منتخب را داشته باشند، طبق قانون تجارت امکان عملی ساختن این خواسته برای آنان وجود ندارد و به درخواست آنان ترتیب اثر داده نمی‌شود (ق تجارت، م ۱۱۱).

بر این اساس، ممکن است هیئت مدیره بدون رضایت برخی از موکلان خود در اموال آنان تصرف کند؛ در حالی که چنین تصرفی، در منطق فقهی، عدوانی، حرام و دست‌کم فضولی محسوب می‌شود و صحت آن منوط به اجازه موکلان خواهد بود (طباطبایی (مجاهد)، بی‌تا: ۴۰۹). این اشکال زمانی آشکارتر می‌شود که قانون تجارت اختیارات گسترده‌ای برای مدیران شرکت‌های سهامی پیش‌بینی کرده و تصمیمات آنان را لازم‌الاجرا دانسته است (ق تجارت، م ۱۱۸)، در حالی که برخی از این تصمیمات ممکن است مورد رضایت بخشی از سهامداران نباشد و اگر امکان آن را داشتند، هیئت مدیره را عزل می‌کردند.

مرگ، جنون یا بیهوشی موکل (سهامدار) و بطلان وکالت هیئت مدیره

از دیدگاه فقهی، مرگ هر کدام از وکیل یا موکل و ابتلای هر یک از آن دو به جنون یا بیهوشی، باعث بطلان وکالت می‌گردد (حلی، ۱۴۲۰ ق: ۲۳). با توجه به آنچه در گفتار قبل مبنی بر وکالت هیئت مدیره شرکت‌های سهامی از سهامداران گفته شد، مبطلات وکالت در این شرکت‌ها نیز جاری خواهد شد؛ این در حالی است که در شرکت‌های سهامی، و به‌ویژه شرکت‌های سهامی عام که افراد فراوانی سهامدار هستند، قطعاً در طول سال و حتی در مدتی کمتر، برخی از سهامداران (موکلین) وفات یافته، یا دچار بیهوشی (به خاطر بیماری، عمل جراحی و...) یا جنون می‌گردند. به همین دلیل، وکالت آنان به هیئت مدیره باطل می‌شود و تصرفات هیئت مذکور در اموال آنان، تصرف عدوانی و حرام خواهد بود.

همچنین باید افزود، بطلان وکالت در صورت مرگ موکل یا جنون یا بیهوشی او، منوط به علم وکیل به تحقق امور مذکور نبوده و در صورت جهل او نیز، تصرفات وی آثار حقوقی نخواهد داشت (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۴۸). این در حالی است که هیئت مدیره شرکت‌های سهامی، طبق قانون تجارت، تا دو سال حق تصرف در اموال سهامداران را دارد (ق تجارت، م ۱۰۹). بنابراین، تصرف در اموال سهامدارانی که وفات نموده یا دچار جنون یا بیهوشی گردیده‌اند، از موارد تعارض قانون تجارت و احکام فقهی است.

سهام ممتاز، تبعیض حاصل از آن و عدم رضایت سایر سهامداران

قانون تجارت، علاوه بر سهام عادی، اجازه داشتن سهام خاصی را با عنوان «سهام ممتاز» به برخی از اعضای شرکت‌های سهامی داده است و در تعریف آن می‌گوید: «در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت، با رعایت مقررات این قانون (قانون تجارت)، مزایایی قائل شوند، این‌گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شوند» (ق تجارت، م ۲۴). از جمله مزایای سهام ممتاز آن است که در صورت ورشکستگی شرکت، ابتدا طلب‌های صاحبان آن سهام پرداخته شده و سپس آنچه از دارایی‌های شرکت می‌ماند، به نسبت طلب‌های طلبکاران به آنان داده می‌شود (ق تجارت، م ۵۲۲).

نتیجه این تفاوت در پرداخت طلب‌ها آن است که اگر دارایی شرکت تنها به اندازه طلب‌های صاحبان سهام ممتاز باشد، طلب‌های آنان پرداخت شده و به دیگر طلبکاران هیچ چیزی نخواهد رسید؛ همچنین، اگر دارایی شرکت ورشکسته بیش از طلب صاحبان سهام ممتاز باشد، ابتدا طلب آنان پرداخته شده و آنچه می‌ماند، به نسبت طلب صاحبان سهام عادی به آنان داده خواهد شد. بنابراین، در این

فرض نیز صاحبان سهام ممتاز به تمام طلب‌های خود رسیده، ولی صاحبان سهام عادی در موارد زیادی، طلب خود را به صورت کامل دریافت نکرده و متضرر خواهند شد (شجاعی آرانی و گهرسودفرد، ۱۳۹۷: ۳۱۰).

مقوله سهام ممتاز، از جهات مختلف با احکام اسلامی (حداقل از دیدگاه برخی از مراجع) ناسازگار است، چرا که این تقسیم‌بندی معمولاً مورد رضایت همه شرکا نیست؛ با توجه به آنچه درباره ضرورت رضایت همه شرکا برای حلیت تصرفات شرکت گفته شد، تقسیم‌بندی سهام به سهام عادی و ممتاز در موارد زیادی دارای مشکل شرعی خواهد بود. بر این اساس، از دیدگاه فقهی، «در معاهده‌های مشارکتی، دو طرف یا اطراف قرارداد (شرکا) به تمام حوادث و پیامدهای مثبت و منفی فعالیت اقتصادی ملتزم هستند. اگر نتیجه فعالیت سود سرشار بود، برای همه توزیع می‌شود و اگر ضرر بود، برای همه است و اگر هیچ چیز نبود، نتیجه متوجه همه می‌شود» (موسویان، ۱۳۸۴: ۱۵۴). به همین دلیل، قرار دادن سود بیشتر برای برخی از شرکا، بدون آورده یا کار بیشتری توسط آنان، از دیدگاه برخی از مراجع حرام خواهد بود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق: ۲۷۷).

علاوه بر دو اشکال مطرح شده، اشکالات دیگری نیز بر بعضی از اقسام سهام ممتاز توسط عده‌ای از فقها وارد شده است. به فتوای این دسته از فقها، «سهام ممتاز با سود جمع‌شونده و سهام ممتاز با نرخ سود شناور، از نظر فقهی دارای اشکال است، چرا که بازگشت دسته اول به قرض بوده (هاشمی شاهرودی، ۱۳۳۴ق: ۱۶۶) و از مصادیق غیرمجاز حیل‌های ربا محسوب می‌شود. به بیان دیگر، موارد سود جمع‌شونده در واقع همان تعهد پرداخت زیاده بر اصل سرمایه است و از دید عرف، حقیقت چنین مشارکتی همان حقیقت ربا و قرض ربوی است. در مورد سود شناور نیز، با توجه به این که سود آن در دامنه خاص و متناسب با نرخ بهره اوراق قرضه تعیین می‌گردد، علم به مقدار سود سهم حاصل نشده و منجر به جهالت و غرر در معامله می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۶).

این در حالی است که «معاملات اسلامی باید از غرر خالی باشند. معاملات غرری معاملاتی هستند که متعاملین در آن توانایی تشخیص سودمند بودن یا زیان‌بار بودن معامله را نداشته، به عواقب معامله جاهل بوده و از ناحیه آن جهل، امکان رسیدن ضرر به آنان وجود دارد» (علم‌الهدی و اکبری، ۱۳۹۴: ۱۳۱). بر این اساس، «نقش اطلاعات در بازار بورس (که محل خرید و فروش سهام شرکت‌هاست) بسیار حائز اهمیت است؛ دسترسی نداشتن به موقع به اطلاعات صحیح و باکیفیت یا انتشار اطلاعات کاذب و نادرست، سبب ایجاد معاملات غرری می‌شود» (علم‌الهدی و اکبری، ۱۳۹۴: ۱۳۰-۱۳۱).

شاید بتوان از اشکال لزوم غرر در سهام ممتاز با نرخ سود شناور چنین پاسخ داد که در تعریف این نوع از سهام ممتاز آمده است: «نرخ سود در بازه‌های زمانی مختلف مورد بازبینی قرار می‌گیرد»؛ بنابراین، شرکت می‌تواند در این نوع از سهام، برای هر فعالیت خود در بازه زمانی مشخص و محدود، سود معینی را به دارندگان سهام ممتاز پرداخت نماید و برای بازه زمانی پس از آن، توافق جدیدی با سهامدار سهام ممتاز صورت داده و نرخ جدیدی از سود را به صورت توافقی مشخص نمایند.

ولی اگر اشکال غرری بودن سهام ممتاز قابل حل باشد، به نظر می‌رسد نمی‌توان از شبیه ربوی بودن سهام ممتاز با سود جمع‌شونده پاسخ مناسبی یافت؛ چرا که «این نوع از سهام، در واقع نوعی قرض با اعطای امتیازات خاص (زیادی حکمی) و دریافت سود ثابت (زیادی عینی) متناسب با ترازنامه شرکت، جهت کاهش بار ثابت مالی بنگاه می‌باشد؛ از این رو، سهامدار ممتاز نسبت به ضرر و خسارت شرکت مصون می‌ماند و منتظر می‌ماند تا تراز مالی شرکت مثبت شود و سودهای عقب افتاده را در سال‌های آتی دریافت کند» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۲۸). از این رو علاوه بر دو اشکال پیش‌گفته، اشکال ربوی بودن سهام ممتاز با سود ثابت جمع‌شونده یا سود مشارکتی جمع‌شونده همچنان حل نشده باقی می‌ماند.

اشتراک انتقال سهام یک شریک به رضایت تمام شرکا (در شرکت‌های سهامی خاص)

در شرکت‌های سهامی عام، نقل و انتقال سهام به دیگران مجاز شمرده شده و قانون‌گذار تصریح نموده است که نمی‌توان آن را به رضایت دیگران یا هیئت مدیره مشروط کرد (ق تجارت، م ۴۱)؛ اما در شرکت‌های سهامی خاص، میان جواز و عدم جواز اشتراط مذکور اختلاف نظر واقع شده است. برخی با این استدلال که ماده ۴۱ قانون تجارت، تنها اشتراط در شرکت سهامی عام را غیرمجاز دانسته است، نظر به جواز آن در شرکت سهامی خاص داده‌اند (صقری و خودکار، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

عده‌ای دیگر، عبارت ماده ۴۱ را یک جمله و صغیه دانسته و جمله و صغیه را فاقد مفهوم مخالف بر شمرده‌اند؛ در نتیجه، از دیدگاه آنان نمی‌توان حکم مخالف را برای شرکت سهامی خاص لحاظ کرد و در صورت اطلاق، برای انتقال سهام بانام نیازی به موافقت مدیران یا مصوبه مجمع عمومی نخواهد بود (صقری و خودکار، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

این ماده قانونی ظاهراً مبنای فقهی مشخصی نداشته و نمی‌توان از دیدگاه فقهی آن را پذیرفت؛ چرا که هرچند در ظاهر به بحث فقهی «شفعه» شباهت دارد، اما با تأمل در تعریف و احکام شفعه معلوم می‌شود تفاوت‌های متعددی میان این ماده قانونی و حق شفعه وجود دارد. به همین جهت، ابتدا حق شفعه را تعریف نموده و سپس به بیان تفاوت‌ها می‌پردازیم.

حق شفعه آن است که اگر یکی از دو شریک قصد فروش سهم خود را به شخص دیگری، غیر از شریک خود داشته باشد، شریک دیگر می‌تواند با همان قیمت، سهم فروخته‌شده را از مشتری خریداری نماید (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۵۸۹).

اما برخی از تفاوت‌ها میان مقوله فقهی شفعه و ماده قانون تجارت مبنی بر اشتراط انتقال سهام افراد به رضایت تمامی شرکا، از این قبیل است:

حق شفعه فقط در فرض فروش سهم توسط شریک وجود دارد (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۵۹۰)، اما این ماده قانونی، تمامی راه‌های انتقال سهم‌الشرکه، اعم از هبه، صلح، مهریه و ... را مشروط به رضایت سایر شرکا می‌نماید.

حق شفعه در جایی وجود دارد که شرکت میان دو نفر باشد، نه بیشتر (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۵۹۰)، در حالی که این ماده قانونی، رضایت شرکا را با صیغه جمع آورده و نشان‌دهنده وجود شریکانی بیش از دو نفر است.

حق شفعه زمانی وجود دارد که خود شریک، سهم فروشنده (شریک دیگر) را با همان قیمت فروش به بیگانه خریداری نماید (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۵۹۲-۵۹۳)، ولی در این ماده قانونی، حق منع انتقال سهم را به صورت مطلق به تمامی شرکا داده است، هرچند خودشان قصد خریداری سهم شریک خود را نداشته باشند.

کسی که قصد استفاده از حق شفعه داشته باشد، باید مسلمان باشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۵۹۲)، ولی قانون تجارت به صورت مطلق به شرکا اجازه منع انتقال سهم شریک‌شان را داده است، اعم از آن که سایر شرکا مسلمان باشند یا کافر.

حق شفعه در جایی است که یک شریک، سهم خود را به فرد بیگانه از شرکت مذکور بفروشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۵۸۹)، در حالی که طبق قانون تجارت، اگر یک شریک قصد فروش سهم خود را به شریک دیگر خود داشته باشد، سایر شرکا می‌توانند مانع از فروش و انتقال سهم‌الشرکه شوند.

با توجه به تفاوت‌های گفته شده میان این ماده قانونی و حق شفعه، اشتراط انتقال سهام یک شریک به رضایت تمام شرکا توجیه فقهی نداشته و قابل قبول نخواهد بود. این شرط، علاوه بر آن که توجیه فقهی ندارد، توجیه حقوقی و اقتصادی نیز ندارد؛ زیرا «منوط کردن انتقال سهام به موافقت مدیران یا مجامع، از آن جهت که به زندانی و قفل شدن سرمایه سهامدار منتهی می‌شود، قابل پذیرش

نیست... چنین شرطی سبب می‌شود دارندگان اکثریت سهام، دست سهامداران اقلیت را به صرف مخالفت با خروج آنان از شرکت بسته تا به این ترتیب، اقلیت سهام خود را به بهایی اندک به اکثریت واگذار کند» (صقري و خودکار، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

روش‌های مواجهه با اشکالات یادشده

در این تحقیق، ابتدا به صورت مفصل به آسیب‌شناسی شرکت‌های سهامی پرداخته شد. این شرکت‌ها، گرچه از نظر سایر معیارهای کتاب و سنت نیز دچار مشکل هستند، اما در مقاله حاضر، اشکالات آنها صرفاً از دریچه فقه مورد بررسی قرار گرفت. در مواجهه با این اشکالات، دو نوع رویکرد ممکن است:

رویکرد رایج

برخی از محققان در صدد پاسخ به تمام یا قسمتی از اشکالات مطرح‌شده برآمده‌اند. این رویکرد، فقه را در موضع انفعال قرار می‌دهد. ضوابطی که در تحقیق حاضر برای عقد شرکت بیان گردید، از نگاه فقهی مسلم است؛ لکن عمده محققانی که در صدد پاسخ‌گویی و حل مشکل برآمده‌اند، برای این شرکت‌ها مزیت‌های متعددی ذکر کرده و به همین دلیل تلاش نموده‌اند از طرق مختلف، عملکرد آنها را تصحیح کنند (برای نمونه: موسویان، ۱۳۸۴: ۳۸۲).

بنابراین، پیش فرض این محققان آن است که این شرکت‌ها مطلوب بوده و تا حد ممکن باید مشکلات فقهی آنها حل شود. به‌عنوان نمونه، در مورد جایز بودن عقد شرکت بر این عقیده‌اند که «سهامداران در ضمن عقد لازم دیگری متعهد شوند که هیچ‌گاه تقاضای تقسیم نکنند و چنانچه قصد خروج از شرکت را داشته باشند، از طریق فروش سهام اقدام نمایند» (موسویان، ۱۳۸۴: ۳۹۴). یکی از محققان نیز از شرکت‌های سهامی به «تأسیسات نظام‌های اقتصادی مدرن» تعبیر نموده و در صدد پاسخ‌گویی به اشکالات برآمده است (دیانت، ۱۳۹۹: ۱۰۹). در این راستا، بخشی از اشکالات را در نگاه اول وارد، ولی در نهایت قابل رفع دانسته است. برای مثال، عدم رضایت برخی از سهامداران را از دو راه حکم حکومتی و نیز جدید دانستن سهام شرکت سهامی با دارا بودن محدودیت‌های خاص، قابل حل دانسته و مشکل تعلق خمس به اموال شرکا را در بیشتر موارد از راه عدم یقین به تعلق خمس و... رفع نموده است (دیانت، ۱۳۹۹: ۱۲۳). لکن محقق مذکور برخی از اشکالات، مانند رجوع سهامدار از اذن خود و نیز مرگ یا جنون برخی از سهامداران را وارد دانسته و توصیه به اصلاح آن کرده است. این گرایش، شخصیت حقوقی شرکت‌ها را مبنا قرار داده، آن را چالش‌مبنایی دانسته و البته این اشکال را نیز با بحث اعتباریات قابل پاسخ دانسته است (دیانت، ۱۴۰۱: ۱۳۱).

باور برخی از محققان در مورد لزوم توافق همه شرکا، به‌عنوان شرط جواز تصرف در اموال شرکت، آن است که: «وقتی کسی با اطلاع از ضوابط و مقررات شرکت‌های سهامی اقدام به خرید سهام می‌کند، در حقیقت مقررات داخلی شرکت، از جمله تصمیم‌گیری بر اساس رأی اکثریت را به‌عنوان شرط ضمن عقد پذیرفته است؛ بنابراین تا زمانی که مخالفت او با رأی اکثریت به معنای تقاضای تقسیم شرکت نباشد، به مقتضای لزوم وفای به شرط، ولو در ضمن عقد جایز، لازم است که به نتیجه رأی اکثریت ملتزم باشد» (موسویان، ۱۳۸۴: ۳۹۵).

در پاسخ به این نگاه باید گفت هر نظام اقتصادی بر اساس تفکر خاص اندیشمندان آن نظام طراحی شده است. این‌گونه ساختارها نیز ریشه در نوع نظام اقتصادی حاکم دارند و وقتی عمده فعالیت‌ها در چنین قالب‌هایی تعریف شده و قوانین نیز بر این اساس تدوین گردیده است، مردم ناچارند در برابر آن تمکین نمایند. در حقیقت، مردم محکوم مجموعه‌ای از ساختارها در نظام بانکی، بازار سرمایه، شرکت‌های بیمه و... هستند که در غالب آنها حقوق‌شان رعایت نشده است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت در رویکرد رایج، حفظ ساختار شرکت‌های سهامی که مبتنی بر اقتصاد غرب هستند، ضروری و لازم فرض گردیده، برای مشکلات فقهی مسلم از تمامی راه‌های ممکن استفاده شده و قسمت عمده اقتصاد سرمایه‌سالار مورد تأیید قرار گرفته است. بر این اساس، مجموع احکام و راهکارهای اقتصادی یادشده که ذاتاً در راستای اهداف اقتصادی اسلام تشریح شده‌اند، در این روش به ضد خود تبدیل می‌شوند؛ چرا که اسلام، بر اساس بیان حضرت رسول اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) — که مورد استناد امام خمینی نیز قرار گرفته است — شریعت سمحه و سهله شمرده شده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۱۳۷). گرچه در عموم قراردادهای تسهیل معاملات مردم، اموری مانند شروط ضمن عقد، استفاده از عقد صلح و مانند این‌ها مشروع شمرده شده، اما در مواردی که تراکم شروط و امثال آن ضوابط اصلی را دگرگون سازد و با مقتضای عقد منافات داشته باشد، مطلوب شارع نخواهد بود.

در صورتی که تراکم شروط سبب مخالفت با مقتضای عقد شود، نمی‌توان حکم به صحت آن عقد داد؛ زیرا «فلسفه انجام یک قرارداد، عمل به مفاد و مقتضای آن است. روشن است هر شرطی که ما را به عدم تحقق مفاد قرارداد ملزم نماید، با مقتضای مزبور منافات خواهد داشت و در این صورت وفای به این قرارداد با تقید به شرط یادشده سازگار نیست و چون مقصود اصلی، عمل به خود قرارداد است، این شرط صحیح نمی‌باشد» (معصومی‌نیا، ۱۴۰۳: ۲۴۶).

شیخ اعظم نیز فرموده است: «در این صورت بین مقتضای عقد — که از آن تخلف نمی‌کند — و بین شرطی که الزام‌کننده عدم تحقق آن است، تنافی وجود دارد و به همین دلیل وفای به این عقد با تقید به این شرط محال است؛ بنابراین چاره‌ای نیست از این که یا حکم به سقوط هر دو کنیم یا جانب عقد را مقدم نماییم؛ زیرا عقد مقصود بالذات است و شرط تابع آن می‌باشد» (انصاری، ۱۴۲۰ق: ۴۴).

بنابراین با اندکی دقت روشن می‌شود که لزوم رضایت همه شرکا، جواز رجوع شریک از اذن خود و ... از حقوق مسلم سهامداران (شرکا) بوده و همه آن‌ها مصداق احترام به مالکیت خصوصی مشروع است و ضوابط محدودکننده شرکت‌های سهامی ناقض این حق مسلم محسوب می‌شود.

به همین جهت، نوآوری مهم مقاله حاضر آن است که این شرکت‌ها با ضوابط مسلم فقهی سازگاری ندارند.

در انتهای این قسمت، دو راهکار برای

حل مسئله جواز عقد شرکت در مورد شرکت‌های سهامی مطرح و ارزیابی می‌شود.

الف) حل جواز عقد شرکت از طریق اندراج در ضمن عقد خارج لازم

یکی از راهکارهای پیشنهادی برای حل مشکل جواز عقود جایزی مانند وکالت و شرکت، آن است که این عقود در ضمن عقد خارج لازم، همانند بیع، مندرج گردند. مقتضای تحقیق آن است که عقد خارج لازم، فی‌نفسه اشکال ندارد؛ اما در مواردی که عرف، ترکیب ایجادشده را غیرطبیعی بداند، پذیرفتنی نیست. برای مثال، اگر چیز کم‌ارزشی را خرید و فروش نمایند و در ضمن آن، اسقاط حق فسخ یک شرکت بزرگ را شرط کنند، از نظر عرف امری نامطلوب به‌شمار می‌آید. از این گذشته، این‌گونه امور معمولاً بر خلاف مقتضای عقد نیز است. احکام شارع تابع مصالح و مفاسد است. می‌توان گفت فلسفه جواز این عقود، رعایت حقوق تمامی طرف‌های قرارداد است که مصداق عدالت محسوب می‌شود. در این صورت، اگر با شرط کوچکی آن را تبدیل به عقد لازم نماییم، حقوق بسیاری از افراد پایمال خواهد شد. بنابراین، اساساً این مبنا دچار اشکال است. این امر به‌ویژه در مورد پدیده‌هایی از قبیل شرکت سهامی — که قسمت عمده اقتصاد را در بر گرفته است — اهمیت بیشتری دارد. سهامداران این شرکت‌ها معمولاً از توده مردم هستند و غالباً کمتر از نصف سهام شرکت به تعداد بسیاری از افراد واگذار می‌شود و حقوق آنان در معرض آسیب قرار می‌گیرد. در مواردی مانند شرکت

سهامی، که یک نهاد اقتصادی بزرگ بوده و بر این اساس عقدی جایز محسوب می‌شود، تبدیل ماهیت آن با شرطی کوچک، امری بعید از ذهن عرفی و مستغرب است.

(ب) حل جواز عقد شرکت از طریق حکم حاکم

راهکار پیشنهادی دیگر، استفاده از حکم حاکم است. حاکم اسلامی به‌منظور جلوگیری از اخلال در نظم عمومی و تأمین مصالح اجتماعی، می‌تواند حکم به لزوم برخی از موارد صادر کرده و حتی به نظر برخی از فقها، اقدام به الغای مالکیت نماید. ملاحظه تحقیق حاضر در مورد این پیشنهاد آن است که گرچه ولی فقیه می‌تواند چنین حکمی صادر کند، اما از آنجا که حاکم اسلامی حافظ مصالح عموم است، ضرورت دارد ضوابطی نیز برای تأمین حقوق اقلیت وضع نماید. البته روشن است که اگر از منظر حکم حاکم به این مسئله بنگریم، در صورتی که به این نتیجه برسیم که یک ساختار با ضوابط فقهی سازگار نیست و حقوق عده‌ای را تضییع می‌کند، حاکم وظیفه دارد تا حد ممکن و با بهره‌گیری از متخصصان مربوطه، ساختار مناسب را طراحی و جایگزین نماید.

رویکرد فعال

بر اساس تفکر امام‌خمينی، به‌عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت، نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است؛ از این منظر فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است (موسوی خمينی، ۱۳۷۸: ۲۸۹). بر پایه این بینش، لازم است ضوابط فقهی مبنا قرار گیرد و در موارد بروز مشکل - به‌ویژه در مواردی مانند موضوع مقاله حاضر - به جای تمسک به راه‌هایی که عقود را خنثی و گاهی به ضد خود تبدیل می‌کند، تغییر ساختارها و نهادها در اولویت قرار گیرد. به همین جهت، در مورد شرکت‌های سهامی نیز ضرورتی ندارد که قوانین و عملکرد آن‌ها را از هر راهی تصحیح نماییم. برای نمونه، در غالب مواردی که از عقد خارج لازم استفاده می‌شود، مقتضای عقد دگرگون می‌شود. شارع با ضوابطی مانند حکم به جواز عقد شرکت و لزوم تأمین رضایت تمامی شرکا، حقوق همگان را مدنظر قرار داده است تا زمینه عدالت و نشاط حداکثری در اقتصاد فراهم گردد. از این رو، راه‌هایی که برای توجیه ساختار موجود ذکر شده، علاوه بر ایرادات فقهی، سبب خروج از عدالت و نیز فاصله گرفتن از آموزه‌های والای اخلاقی دین مبین اسلام می‌شود.

تدوین‌کنندگان قانون اساسی در جمهوری اسلامی نیز از همان ابتدا به این مهم توجه داشته، نظام اقتصادی کشور را بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار نموده‌اند (قانون اساسی، اصل ۴۴). همچنین یکی از ضوابط اقتصادی نظام اسلامی را چنین بر شمرده‌اند: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه، به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن و سایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کار هستند ولی و سایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر؛ به‌گونه‌ای که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌هایی خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد» (قانون اساسی، اصل ۴۳).

نتیجه‌گیری

۱. شرکت‌های سهامی از یک سو مجری بخش مهمی از طرح‌های کلان و زیرساختی کشور هستند و از سوی دیگر، به دلیل برخورداری از شمار فراوانی از سهامداران، آثار گسترده‌ای بر روابط اقتصادی جامعه دارند. از این رو، همانند سایر نهادها و فعالیت‌های اقتصادی، لازم است ساختارها و مقررات حاکم بر آنها با احکام و مبانی فقهی سازگار باشد.
۲. بررسی فقهی قوانین و عملکرد شرکت‌های سهامی نشان می‌دهد که در برخی موارد، میان مقررات حاکم بر این شرکت‌ها و قواعد فقهی، نوعی عدم تطابق مشاهده می‌شود که مهم‌ترین موارد آن عبارت است از:
 - نخست، بی‌توجهی به نظر اقلیت سهامداران با وجود شریک بودن آنان؛ در حالی که طبق قواعد فقهی، تصرف در مال مشاع منوط به رضایت تمامی شرکا بوده و در صورت عدم رضایت حتی یک شریک، چنین تصرفی عدوانی و حرام خواهد بود.
 - دوم، بطلان شرکت در صورت فوت یکی از شرکا بر اساس برخی مبانی فقهی؛ در حالی که در عمل، در شرکت‌های سهامی ممکن است برخی از سهامداران در طول فعالیت شرکت فوت کنند، اما فعالیت شرکت ادامه می‌یابد.
 - سوم، فروش اموال برخی از سهامداران یا تحمیل خسارت تأخیر بدون رضایت آنان که می‌تواند موجب اشکال در مشروعیت تصرف در اموال مشترک گردد.
 - چهارم، احتمال تعلق خمس به اموال برخی سهامداران و عدم پرداخت آن، که در نتیجه می‌تواند موجب تعلق حق غیر به سرمایه شرکت شود.
 - پنجم، این مسئله که هیئت مدیره در حکم وکیل سهامداران است، اما برخلاف قاعده فقهی جواز عزل وکیل، امکان عزل آنان توسط اقلیت سهامداران وجود ندارد.
 - ششم، بطلان وکالت با مرگ، جنون یا بیهوشی موکل در فقه، در حالی که در ساختار حقوقی شرکت‌های سهامی، چنین اموری موجب زوال اختیار هیئت مدیره نمی‌شود.
 - هفتم، پیش‌بینی سهام ممتاز با حقوق متفاوت نسبت به سایر سهامداران که ممکن است با اصل تساوی شرکا و رضایت آنان محل تأمل فقهی قرار گیرد.
 - هشتم، مشروط شدن انتقال سهام در شرکت‌های سهامی خاص به رضایت سایر شرکا که می‌تواند موجب محدود شدن اختیار مالک در نقل و انتقال مال خود شود.
۳. در مواجهه با این اشکالات، دو رویکرد قابل تصور است: نخست، رویکردی انفعالی که می‌کوشد با تفسیرهای فقهی مختلف، ساختار موجود شرکت‌های سهامی را توجیه کند، هرچند این توجیه‌ها گاه با مقاصد شریعت یا عدالت اقتصادی سازگار نباشد. در مقابل، رویکردی فعال و اصلاحی قرار دارد که بر اساس آن، لازم است با توجه به مبانی فقه اقتصادی و مقاصد شریعت، بازنگری‌هایی در ساختار و مقررات این شرکت‌ها صورت گیرد تا هم فعالیت‌های اقتصادی تسهیل شود و هم از بروز ظلم و تضییع حقوق سهامداران جلوگیری گردد. تحقق این امر، نیازمند پژوهش‌های عمیق‌تر در حوزه فقه اقتصاد و فقه شرکت‌ها است.

منابع

- انصاری، م. (۱۴۲۰ق). المکاسب (ج ۱، ۲، ۵ و ۶). قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاري.
 بروجردی، ح. (۱۳۸۸ش). استفتاوات (ج ۱). مؤسسه آیت‌الله العظمی بروجردی.

- تقی‌پور، ب.، عباسی سرمدی، م.، و عابدینی، ح. (۱۳۹۷). حقوق اقلیت در شرکت‌های سهامی عام بر مبنای نظام اداره شرکت‌ها؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا. پژوهشنامه حقوق اسلامی، (۲) ۱۹.
- جعفری خسروآبادی، ن.، و شهیدی، س. م. (۱۳۹۴). بازپژوهی فقهی-حقوقی ماهیت اوراق سهام و قرارداد واگذاری آن. دو فصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، (۱) ۵.
- دیانت مقدم، س. ع. (۱۴۰۱). شرکت سهامی عام در تحلیل فقه‌های معاصر امامیه. جستارهای فقهی-اصولی، (۲۷).
- دیلمی، س. ح. (۱۴۰۴ق). المراسم العلویه و الاحکام النبویه فی الفقه الامامیه (محمود بستانی، محقق). منشورات الحرمین.
- درس خارج آیت‌الله سبحانی. (۱۳۸۸، ۲۳ آبان). بازیابی شده از <https://b2n.ir/gb4912> (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۴/۹/۲۳).
- سیفی مازندرانی، ع. ا. (۱۴۲۷ق). دلیل تحریر الوسیله (الشکره و القسمه). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی.
- شجاعی آرائی، س.، و گهرسودفرد، ن. (۱۳۹۷). امتیازات و انواع سهام ممتاز. فصلنامه تحقیقات حقوقی، (۸۲).
- صقری، م.، و خودکار، ر. (۱۳۹۸ش). کارایی قاعده اکثریت در شرکت‌های سهامی و ایجاد تعادل میان منافع سهامداران اکثریت و اقلیت. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، (۲۸) ۸.
- طباطبایی (مجاهد)، م. ع. (بی‌تا). المناهل. مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- طباطبایی، ص. (۱۳۹۴). تحلیل فقهی اقتصادی سهام ممتاز. دو فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، (۲۴) ۱۲.
- طباطبایی، م. (۱۳۹۴). خمس سرمایه و منافع شرکت‌ها. فصلنامه کاوشی نو در فقه، (۴) ۲۲.
- طباطبایی قمی، ت. (۱۴۱۹ق). مباحث فقهیه (با همکاری سید محمد کاظم یزدی). نشر زهیر یوسف الدوروه.
- طباطبایی یزدی، س. م. ک. (۱۳۷۶ش). سؤال و جواب (سید مصطفی محقق داماد، ویراستار) (ج ۱). مرکز نشر علوم اسلامی.
- طباطبایی یزدی، س. م. ک. (۱۴۱۹ق). العروة الوثقی فیما تم به البلوی (المحشی) (احمد محسنی سبزواری، مصحح) (ج ۵). دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی، م. ب. م. (شهید اول). (۱۴۱۰ق). اللعه الدمشقیه فی فقه الامامیه (محمدتقی مروراید و علی اصغر مروراید، مصححان). دار التراث - الدار الاسلامیه.
- علم‌الهدی، س. س.، و اکبری، م. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی معاملات بازار بورس با عقود اسلامی. اقتصاد تطبیقی، (۱) ۲.
- فراهیدی، خ. ب. ا. (۱۴۱۰ق). کتاب العین (مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، مصححان) (ج ۵؛ ج ۲). نشر هجرت.
- غمامی، م.، و ابراهیمی، م. (۱۳۹۱). ماهیت حقوقی سهام پذیرفته‌شده در بورس. مطالعات حقوق تطبیقی، (۳) ۲، ۱۴۵-۱۲۷.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸.
- محمدی ری‌شهری، الشیخ محمد، میزان الحکمة، ج ۳، انتشارات دارالحدیث.
- مظاهری، ح. (۱۳۹۴ش). استفتانات. مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیها السلام.
- معصومی‌نیا، ع. (۱۴۰۳). بررسی فقهی اقتصادی قراردادهای سوآپ. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسوی اردبیلی، ع. ک. (۱۴۳۱ق). نهج الرشاد. نشر نجات.
- موسوی خویی، ا. (۱۴۰۹ق). مبانی العروه الوثقی (سید محمدتقی موسوی خویی، مقرر) (ج ۱). منشورات مدرسه دارالعلم.
- موسوی خمینی، ر. (۱۳۹۲ش). تحریر الوسیله (ج ۱). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی.
- موسوی خمینی، ر. (۱۴۲۴ق). توضیح المسائل (محشی) (سید محمدحسین بنی‌هاشمی خمینی، مصحح) (ج ۱؛ ج ۸). دفتر انتشارات اسلامی.
- موسوی خمینی، ر. (۱۳۷۶ش). جواهر الأصول (محمدحسن مرتضوی لنگرودی، ویراستار) (ج ۵). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی.
- موسوی خمینی، ر. (۱۳۷۸ش). صحیفه امام (ج ۲۱). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی.
- موسویان، س. ع. (۱۳۸۴ش). اصلاح ساختار مؤسسات و ابزارهای مالی بازار پول و سرمایه بر اساس تعالیم اسلام. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، (۲۵).
- موسویان، س. ع. (۱۳۹۱)، بازار سرمایه اسلامی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول.
- مهدیان، امیر حسین، فلاح، اکبر، فقیهی، علی، تصرفات مالی مدیران شرکت‌های سهامی خاص از منظر فقه و حقوق ایران، مطالعات فقه اقتصادی، سال چهارم، ۱۴۰۱، شماره ۳

نجفی، م. ح. (۱۴۱۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (عباس قوچانی و علی آخوندی، مصححان) (ج ۲۶؛ چ ۷). دار احیاء التراث العربی.

هاشمی شاهرودی، م. (۱۴۳۲ق). المضاربه. مرکز أهل البيت (ع) للفقہ و المعارف الاسلامیة.

یوسفی هریکنده، مصطفی (۱۳۹۲) بررسی فقهی-حقوقی شرکت‌های تجاری و مدنی و وجوه افتراق و اشتراک آن‌ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

- Ameli, M. B. M. (Shahid Awwal). (1410 AH). *Al-Lum'ah al-Dimashqiyyah fi Fiqh al-Imamiyyah* (M. T. Moravared & A. A. Moravared, Eds.). Dar al-Turath – Al-Dar al-Islamiyyah. (in Persian)
- Ansari, M. (1420 AH). *Al-Makasib* (Vols. 1, 2, 5, & 6). Al-Mu'tamar al-'Alami bimunasabat al-Dhikra al-Mi'awiyyah al-Thaniyyah li Milad al-Shaykh al-Ansari. (in Persian)
- Boroujerdi, H. (2009). *Istifta'at* (Vol. 1). Ayatollah al-'Uzma Boroujerdi Institute. (in Persian)
- Deylami, S. H. (1404 AH). *Al-Marasim al-'Alawiyyah wa al-Ahkam al-Nabawiyyah fi al-Fiqh al-Imamiyyah* (M. Bustani, Ed.). Manshurat al-Haramayn. (in Persian)
- Deyanat Moghadam, S. A. (2022). Public joint-stock companies in the analysis of contemporary Imami jurists. *Jostarhā-ye Feqhi-Osuli*, 27. (in Persian)
- Frahidi, K. B. A. (1410 AH). *Kitab al-'Ayn* (Vol. 5; 2nd ed.; M. Mokhzoumi & I. Samarā'ī, Eds.). Hijrat Publishing. (in Persian)
- Ghamami, M., & Ebrahimi, M. (2012). The legal nature of listed shares in the stock exchange. *Comparative Legal Studies*, 3(2), 127–145. (in Persian)
- Hashemi Shahroudi, M. (1432 AH). *Al-Mudarabah*. Ahl al-Bayt (a) Center for Fiqh and Islamic Knowledge. (in Persian)
- Jafari-Khosroabadi, N., & Shahidi, S. M. (2015). A jurisprudential-legal re-evaluation of the nature of shares and stock transfer contracts. *Islamic Financial Studies*, 5(1). (in Persian)
- Kalami, S. S., & Akbari, M. (2015). Comparative review of stock exchange transactions and Islamic contracts. *Comparative Economics*, 2(1). (in Persian)
- Masouminia, A. (2024). A jurisprudential-economic examination of swap contracts. Institute of Culture and Islamic Thought. (in Persian)
- Mazaheri, H. (2015). *Istifta'at*. Al-Zahra Cultural Research Institute. (in Persian)
- Moosavi Ardebili, A. K. (1431 AH). *Nahj al-Rashad*. Nejat Publishing. (in Persian)
- Moosavi Khoyi, A. (1409 AH). *Mabani al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 1; S. M. T. Moosavi Khoyi, Ed.). Dar al-'Ilm School. (in Persian)
- Moosavi Khomeini, R. (1992). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 1). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Persian)
- Moosavi Khomeini, R. (1997). *Jawahir al-Usul* (Vol. 5; M. M. Langeroudi, Ed.). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Persian)
- Moosavi Khomeini, R. (1999). *Sahifeh-ye Imam* (Vol. 21). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Persian)
- Moosavi Khomeini, R. (2003 AH). *Tawdih al-Masā'il (Haashiyeh)* (S. M. H. Banhashemi Khomeini, Ed.; Vol. 1; 8th ed.). Islamic Publications Office. (in Persian)
- Moosavian, S. A. (2005). Reforming the structure of financial institutions and instruments of money and capital markets based on Islamic teachings. *Imam Sadiq University Research Journal*, 25. (in Persian)
- Najafi, M. H. (1414 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharā'i' al-Islam* (Vol. 26; 7th ed.; A. Quchani & A. Akhundi, Eds.). Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. (in Persian)
- Saifi Mazandarani, A. A. (1427 AH). *Dalil Tahrir al-Wasilah (Al-Sharikah wa al-Qismah)*. Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Persian)
- Saghrayi, M., & Khodkar, R. (2019). The efficiency of the majority rule in joint-stock companies and establishing a balance between the interests of majority and minority shareholders. *Private Law Research Quarterly*, 8(28). (in Persian)
- Shajai Arani, S., & Gahrasoudafard, N. (2017). Preferences and types of preferred shares. *Legal Research Quarterly*, 82. (in Persian)
- Sobhani, A. (2009, November 14). Advanced jurisprudence lectures. Retrieved from <https://b2n.ir/gb4912> (Accessed: 23/9/1404). (in Persian)

- Tabatabaei (Mojahid), M. A. (n.d.). *Al-Manahil*. Al al-Bayt Institute for Revival of Heritage. (in Persian)
- Tabatabaei, M. (2015). Khums on capital and company profits. *New Research in Fiqh Quarterly*, 22(4). (in Persian)
- Tabatabaei Qomi, T. (1419 AH). *Mabahith Fiqhiyyah* (with cooperation of S. M. K. Yazdi). Zaheer Yusuf al-Darurah Publishing. (in Persian)
- Tabatabaei Yazdi, S. M. K. (1997). *Questions and Answers* (S. M. Mohaqqiq Damad, Ed.; Vol. 1). Center for Islamic Sciences Publishing. (in Persian)
- Tabatabaei Yazdi, S. M. K. (1419 AH). *Al-'Urwah al-Wuthqa fima Ta'um bihi al-Balwa (al-Muhashsha)* (A. Mohseni Sabzevari, Ed.; Vol. 5). Islamic Publications Office. (in Persian)
- Taqipour, B., Abbasi Sarmadi, M., & Abedini, H. (2018). Minority rights in public joint-stock companies based on corporate governance; A comparative study in Iranian and American law. *Islamic Law Research Journal*, 19(2). (in Persian)



Identification and Analysis of Drivers Shaping the Future of Media Economy

Mehdi Faghihinejad¹✉, and Mohammad Hassan Maleki²

1. Assistant Professor, Department of Management, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding author). Email: faghihi_nejad@yahoo.com
2. Professor, Department of Management, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran. Email: mh.maleki@qom.ac.ir

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/07/31

Received in revised form:
2025/08/29

Accepted: 2025/09/22

Available online: 2026/03/31

Keywords:

Driver, Economy, Media,
Media Economy, Future.

ABSTRACT

Media economics, as an interdisciplinary field, has been profoundly influenced by digital transformation, emerging technologies, and changes in consumer behavior. This study aims to identify and prioritize the drivers affecting the future of media economics in Iran. A mixed quantitative-expert approach was employed, combining the fuzzy Delphi and COCOOSO methods for screening and ranking the drivers. Initially, 21 potential drivers were identified through a comprehensive literature review and interviews with 10 media experts. Subsequently, using the fuzzy Delphi method and a threshold value of 0.7, 10 key drivers were selected for the final analysis.

The selected drivers include digitalization of media, data analytics and artificial intelligence, transformation of media ownership structures, investment in technological infrastructure, platform economy, novel revenue models, media policy reform, social network growth, behavioral media economics, and political economy of media. Expert survey data were collected on a 10-point scale and analyzed using the COCOOSO method. The results revealed that digitalization of media, data analytics and AI, and transformation of media ownership structures hold the highest importance and priority in shaping the future of media economics. Other drivers also play significant but comparatively lower roles.

These findings indicate that the success and development of media economics in Iran largely depend on technological capacity, data management, and redefinition of ownership structures. This study provides an analytical framework and identifies key drivers, offering strategic guidance for policymakers, media managers, and investors, and emphasizes the necessity of a comprehensive approach integrating technology, policy, economic factors, and consumer behavior for the future of media economics.

Cite this article: Faghihinejad, Mehdi; Maleki, Mohammad Hassan (2026). Identification and Analysis of Drivers Shaping the Future of Media Economy, *Interdisciplinary Studies in Economics*, 2(1), 90 - 108. <https://doi.org/10.22091/ise.2025.13756.1055>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.

DOI: <http://doi.org/10.22091/ise.2025.13756.1055>

JEL Classification: L82, O33, D83



شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در ایران

مهدی فقیهی نژاد^۱ ، و محمدحسن ملکی^۲ 

۱. استادیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: faghihi_nejad@yahoo.com

۲. استاد، گروه مدیریت، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: mh.maleki@gom.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۱

کلیدواژه‌ها:

پیشران، اقتصاد، رسانه، اقتصاد رسانه، آینده.

اقتصاد رسانه به‌عنوان یکی از حوزه‌های میان رشته‌ای، تحت تأثیر تحول دیجیتال، فناوری‌های نوین و تغییر رفتار مصرف‌کنندگان قرار گرفته است. این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت‌بندی پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در ایران انجام شد. مطالعه حاضر از رویکرد کمی -خبره‌محور بهره برد و از ترکیب دو روش دلفی فازی و کوکوسو برای غربال و رتبه‌بندی پیشران‌ها استفاده شد. ابتدا با مرور پیشینه علمی و مصاحبه با ۱۰ نفر از خبرگان حوزه رسانه، ۲۱ پیشران شناسایی گردید. سپس، با استفاده از روش دلفی فازی و تعیین حد آستانه ۰/۷، ۱۰ پیشران مهم برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. پیشران‌های منتخب شامل دیجیتالی شدن رسانه‌ها، تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی، تحول ساختار مالکیت رسانه‌ها، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری، اقتصاد پلتفرمی، مدل‌های نوین درآمدزایی، تحول سیاست‌گذاری رسانه‌ای، رشد شبکه‌های اجتماعی، اقتصاد رفتاری رسانه‌ای و اقتصاد سیاسی رسانه بودند. داده‌های حاصل از نظرسنجی خبرگان در طیف ۱۰ تایی جمع‌آوری و با روش کوکوسو تحلیل شدند. نتایج نشان داد که دیجیتالی شدن رسانه‌ها، تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی و تحول ساختار مالکیت رسانه‌ها به ترتیب بیشترین اهمیت و اولویت را در تعیین آینده اقتصاد رسانه دارند. سایر پیشران‌ها نیز نقش‌های اثرگذار اما با شدت کمتر داشتند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که موفقیت و توسعه اقتصاد رسانه در ایران بیش از هر عامل دیگری به ظرفیت فناوری، مدیریت داده و بازتعریف ساختارهای مالکیتی بستگی دارد. پژوهش حاضر با ارائه چارچوبی تحلیلی و شناسایی پیشران‌های کلیدی، زمینه تصمیم‌گیری راهبردی برای سیاست‌گذاران، مدیران رسانه‌ای و سرمایه‌گذاران را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که نگاه جامع به فناوری، سیاست، اقتصاد و رفتار مصرف‌کننده برای آینده اقتصاد رسانه ضروری است.

استاد: فقیهی نژاد، مهدی؛ ملکی، محمدحسن (۱۴۰۵). شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در ایران. *مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد*، ۲ (۱)،

<https://doi.org/10.22091/ise.2025.13756.1055> ۹۰-۱۰۸



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه قم.

طبقه‌بندی JEL: L82, O33, D83

مقدمه

رسانه‌ها در جهان معاصر نقش کلیدی در شکل‌دهی افکار عمومی، انتقال اطلاعات و ایجاد ارزش اقتصادی ایفا می‌کنند. با گسترش رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، نقش آن‌ها فراتر از اطلاع‌رسانی سنتی رفته و به بخشی حیاتی از ساختار اقتصادی و فرهنگی جوامع تبدیل شده است. اقتصاد رسانه با محوریت توجه، داده و تولید محتوا، به یکی از حوزه‌های راهبردی تبدیل شده است که بر نحوه تعامل کاربران، جریان‌های درآمدی و مدل‌های کسب‌وکار تأثیر مستقیم دارد (آریدور^۱ و همکاران، ۲۰۲۴؛ هیت‌مایر^۲، ۲۰۲۵؛ زکری^۳ و همکاران، ۲۰۲۵).

تحقیقات نشان می‌دهند که رسانه‌ها نه تنها بر اقتصاد تأثیرگذار هستند، بلکه در شکل‌دهی هویت فرهنگی، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز نقش دارند (ماتِه و موتساته‌به^۴، ۲۰۲۵؛ اسنایدر-استراوچینسکی و والْت^۵، ۲۰۲۵). همچنین، تحول دیجیتال و ظهور فناوری‌های نوین باعث تغییر ساختار بازار رسانه، افزایش تمرکز اقتصادی و ایجاد فرصت‌های جدید درآمدی شده است (ژانگ^۶ و همکاران، ۲۰۲۴؛ چالابی^۷، ۲۰۲۴). بنابراین، شناخت پیشران‌ها و سازوکارهای اقتصادی رسانه‌ها و بررسی اثرات آن‌ها بر اقتصاد، فرهنگ و جامعه، به عنوان یک مسئله علمی و کاربردی، ضرورت پیدا کرده است.

اقتصاد رسانه در ایران با ویژگی‌ها و محدودیت‌های خاصی مواجه است که آن را از بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته متمایز می‌کند. بخش عمده رسانه‌ها در ایران تحت مالکیت دولتی یا نیمه دولتی فعالیت می‌کنند و سهم بخش خصوصی در مدیریت و توسعه رسانه‌ها هنوز محدود است. این وضعیت باعث شده جریان درآمدی مستقل و مدل‌های نوین کسب‌وکار رسانه‌ای به شکل کامل توسعه نیابند و فرصت‌های اقتصادی ناشی از نوآوری و فناوری‌های دیجیتال محدود باقی بماند (قنبری و همکاران، ۱۴۰۰). در مقابل، کشورهای پیشرفته از تنوع منابع درآمدی و حضور گسترده بخش خصوصی در رسانه‌ها بهره می‌برند و توانسته‌اند محیطی رقابتی و نوآورانه برای اقتصاد رسانه ایجاد کنند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رسانه‌ها نه تنها نقش اطلاع‌رسانی دارند، بلکه تأثیر مستقیم بر اقتصاد، فرهنگ و افکار عمومی نیز دارند. شریفی و همکاران (۱۴۰۰) با طراحی مدل اقتصاد رسانه در صنایع خلاق شبکه‌های اجتماعی نشان دادند که بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوین دیجیتال می‌تواند فرصت‌های اقتصادی مهمی ایجاد کند. همچنین، خنجری و همکاران (۱۳۹۸) تأکید دارند که تعامل رسانه با فرهنگ، ورزش و سرمایه انسانی می‌تواند رشد اقتصادی استان‌های ایران را بهبود بخشد. علاوه بر این، کمالی‌پور و قره‌باغ (۱۳۸۸) نشان داده‌اند که فروش محتوای آموزشی یکی از شیوه‌های نوین درآمدزایی در اقتصاد رسانه است و ظرفیت‌های اقتصادی تازه‌ای برای رسانه‌ها ایجاد می‌کند.

با توجه به محدودیت‌های موجود و فرصت‌های بالقوه، پرداختن به اقتصاد رسانه در ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رسانه‌ها با استفاده از مدل‌های نوین کسب‌وکار و رویکردهای اقتصاد رفتاری می‌توانند هم درآمدزایی خود را افزایش دهند و هم نقش فرهنگی

1. Aridor

2. Heitmayer

3. Zeqiri

4. Mathe & Motsaathebe

5. Schneider-Strawczynski & Valette

6. Zhang

7. Chalaby

و اجتماعی خود را تقویت کنند (کریمی و خواجه‌ئیان، ۱۴۰۱). همچنین، با توجه به روند جهانی دیجیتالی شدن و اقتصاد پلتفرمی، تحلیل و برنامه‌ریزی در حوزه اقتصاد رسانه می‌تواند فرصت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قابل توجهی فراهم آورد و زمینه ساز توسعه پایدار این حوزه در کشور باشد.

اقتصاد رسانه به عنوان یکی از حوزه‌های کلیدی در توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع، نقش مهمی در شکل‌دهی افکار عمومی، تولید محتوا و جریان‌های درآمدی دارد. ظهور رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، تحول در مدل‌های کسب‌وکار سنتی و شکل‌گیری اقتصاد توجه و اقتصاد پلتفرمی، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای رسانه‌ها ایجاد کرده است (هیت‌مایر، ۲۰۲۵؛ آریدور و همکاران، ۲۰۲۴؛ زکری و همکاران، ۲۰۲۵). در ایران، ساختار غالب رسانه‌ها دولتی یا نیمه دولتی است و ظرفیت بخش خصوصی و نوآوری‌های اقتصادی هنوز محدود است که موجب شده بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی رسانه کمتر توسعه یابد (قنبری و همکاران، ۱۴۰۰؛ شریفی و همکاران، ۱۴۰۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تحلیل اقتصاد رسانه و شناسایی پیشران‌های آن می‌تواند علاوه بر افزایش درآمد و کارایی اقتصادی رسانه‌ها، به توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور نیز کمک کند (مات‌ه و موتساته‌به، ۲۰۲۵؛ حنجری و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین، بررسی وضعیت اقتصاد رسانه و ارائه راهکارهای توسعه پایدار آن، ضرورت علمی و کاربردی دارد و می‌تواند سیاست‌گذاری مؤثر در این حوزه را تسهیل کند (کریمی و خواجه‌ئیان، ۱۴۰۱؛ چالابی، ۲۰۲۴). با توجه به مطالب مذکور، سؤالات پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در ایران کدامند؟

۲. درجه اولویت پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در ایران به چه صورتی است؟

مبانی نظری

اقتصاد رسانه به عنوان یکی از حوزه‌های میان رشته‌ای، به مطالعه رابطه متقابل میان ساختارهای اقتصادی، فناوری‌های ارتباطی و الگوهای مصرف رسانه‌ای می‌پردازد. این حوزه با ظهور رسانه‌های دیجیتال و تحولات ناشی از اقتصاد شبکه‌ای، دگرگونی‌های اساسی را تجربه کرده است. به باور آلباران^۱ (۲۰۲۳)، اقتصاد رسانه صرفاً محدود به بررسی درآمد و هزینه نیست، بلکه باید درک پویایی‌های پیچیده بازار، سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای و تغییر رفتار مخاطبان در محیط دیجیتال را نیز در بر گیرد. در همین راستا، لیس و بائر^۲ (۲۰۰۶) بر ضرورت توسعه نظریه‌های جدید برای تبیین تحولات ساختاری صنایع رسانه‌ای تأکید کرده‌اند.

یکی از مباحث بنیادین در ادبیات اقتصاد رسانه، نقش فناوری‌های نوین در تغییر ساختار بازار و مدل‌های کسب‌وکار است. زردیک^۳ و همکاران (۲۰۰۵) در کتاب رسانه‌های نوظهور نشان می‌دهند که رسانه‌های دیجیتال نه تنها فرایند تولید و توزیع محتوا را متحول کرده‌اند، بلکه ماهیت رقابت و زنجیره ارزش در این صنعت را نیز باز تعریف نموده‌اند. با گسترش اینترنت پرسرعت، رسانه‌های اجتماعی و گوشی‌های هوشمند، مرز میان تولیدکننده و مصرف‌کننده کمرنگ شده و الگوهایی چون «اقتصاد توجه» و «مصرف مشارکتی» شکل گرفته است (روتسالاین و هینونن^۴، ۲۰۱۵).

1. Albarran

2. Lacy & Bauer

3. Zerdick

4. Ruotsalainen & Heinonen

از منظر اقتصاد سیاسی رسانه نیز، ساختار قدرت و مالکیت جهانی نقشی تعیین‌کننده دارد. جین و وینسک^۱ (۲۰۱۱) معتقدند تحولات صنایع رسانه‌ای تنها ناشی از پیشرفت‌های فناورانه نیست، بلکه متأثر از سیاست‌ها، منافع اقتصادی و ساختارهای قدرت جهانی است. در همین راستا، دیبو ستوس و ایزکیرو دو-کاستیو^۲ (۲۰۱۹) به نقش شرکت‌های بزرگ فناوری موسوم به GAFAM (گوگل، اپل، فیسبوک، آمازون و مایکروسافت) اشاره می‌کنند که با سلطه بر بازارهای رسانه‌ای، کنترل بر جریان‌های اطلاعاتی و اقتصادی را در دست گرفته‌اند.

از سوی دیگر، آینده اقتصاد رسانه با چالش‌های ناشی از دیجیتالی شدن و بی‌ثباتی‌های اقتصادی روبه‌رو است. فرانکلین^۳ (۲۰۱۴) در پژوهش خود درباره آینده روزنامه‌نگاری نشان داده است که دیجیتال‌سازی همراه با بحران‌های اقتصادی، مدل‌های سنتی درآمدی رسانه‌ها از جمله تبلیغات و اشتراک را به شدت تحت فشار قرار داده است. همچنین، چوی و وینستون^۴ (۲۰۰۰) بر این باورند که رقابت مبتنی بر اطلاعات، سرعت تغییرات فناورانه و جهانی شدن، از مهم‌ترین محرک‌های تحول در اقتصاد رسانه به شمار می‌روند. بر این اساس، مبانی نظری اقتصاد رسانه تأکید دارد که آینده این حوزه بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر همگرایی فناوری، تغییرات اقتصادی جهانی، دگرگونی رفتار مصرف‌کنندگان و ساختارهای قدرت سیاسی-اقتصادی خواهد بود. از این رو، مطالعه پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه نیازمند رویکردی جامع است که هم ابعاد فناورانه و بازاری را شامل شود و هم عوامل نهادی و سیاسی را مد نظر قرار دهد.

پیشینه پژوهش

اقتصاد رسانه در سال‌های اخیر به عنوان شاخه‌ای پویا در مطالعات ارتباطات و علوم اجتماعی مطرح شده است و نظریه‌های گوناگونی برای تبیین سازوکارهای آن ارائه شده‌اند. آلباران (۲۰۲۳) اشاره می‌کند که این حوزه نه تنها به مسائل مالی و مدیریتی صنایع رسانه‌ای می‌پردازد، بلکه به درک نقش رسانه‌ها در تحولات اجتماعی و فرهنگی نیز کمک می‌کند. نظریه‌های اقتصاد رسانه در تلاش‌اند تا توضیح دهند که چگونه تولید، توزیع و مصرف محتوا در بستری پیچیده از نیروهای بازار، سیاست و فناوری شکل می‌گیرد. الکساندر^۵ و همکاران (۲۰۰۳) با معرفی «نظریه اقتصاد رسانه» تأکید دارند که رسانه‌ها ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را از سایر صنایع متمایز می‌سازد. یکی از این ویژگی‌ها، ماهیت اطلاعات به عنوان کالای عمومی است که موجب می‌شود الگوهای عرضه و تقاضا در رسانه با صنایع دیگر تفاوت داشته باشد. از سوی دیگر، نظریه‌های رسانه‌ای بر این باورند که تمرکز مالکیت و ساختارهای انحصاری، تعیین‌کننده مهمی در شکل‌گیری محتوای رسانه‌ای و الگوهای مصرف هستند.

از منظر اقتصاد سیاسی، نظریه‌پردازانی همچون منسل^۶ (۲۰۰۴) و پرات و استرومبرگ^۷ (۲۰۱۳) بر این نکته تأکید می‌کنند که رسانه تنها یک صنعت اقتصادی نیست، بلکه ابزاری قدرتمند در دست نهادهای سیاسی و اقتصادی به شمار می‌رود. این رویکرد نشان می‌دهد که نظریه‌های اقتصاد رسانه باید رابطه میان رسانه، قدرت و افکار عمومی را نیز در نظر بگیرند. پژوهش‌های جدیدتر همچون

1. Jin & Winseck

2. Bustos & Izquierdo-Castillo

3. Franklin

4. Choi & Whinston

5. Alexander

6. Mansell

7. Prat & Strömberg

ریگی و پری^۱ (۲۰۱۵) نیز با تمرکز بر رسانه‌های اجتماعی، به این نتیجه رسیده‌اند که ارزش اقتصادی رسانه‌های دیجیتال بیش از آن‌که ناشی از تولید مستقیم محتوا باشد، از تعاملات کاربران و داده‌هایی است که توسط پلتفرم‌ها استخراج می‌شود.

از سوی دیگر، نظریه‌هایی در حوزه «اقتصاد رویدادهای رسانه‌ای» مطرح شده‌اند. کرامر^۲ (۲۰۰۸) بر اهمیت تمرکز لحظه‌ای توجه مخاطبان در جریان رویدادهای رسانه‌ای تأکید دارد. او نشان می‌دهد که چنین رویدادهایی می‌توانند نه تنها درآمد اقتصادی بالایی ایجاد کنند، بلکه در سطح نمادین نیز ارزش اجتماعی و فرهنگی تولید نمایند. این نوع تحلیل نشان می‌دهد که نظریه‌های اقتصاد رسانه صرفاً به سودآوری مالی محدود نمی‌شوند، بلکه به ارزش‌های اجتماعی و سیاسی نیز توجه دارند.

در زمینه رسانه‌های خبری نیز، صبریو^۳ (۲۰۱۴) بر تضاد ذاتی میان منطق اقتصادی و منطق اجتماعی رسانه‌ها تأکید می‌کند. بر اساس این دیدگاه، رسانه‌های خبری ناچارند میان الزامات بازار (برای بقا و سودآوری) و مسئولیت‌های اجتماعی (برای حفظ مشروعیت و اعتماد عمومی) تعادل ایجاد کنند. این دوگانه یکی از مسائل اساسی نظری در اقتصاد رسانه است که همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

تحقیقات تجربی اخیر نشان می‌دهند که اقتصاد رسانه تحت تأثیر هم‌زمان عوامل فناوری، اجتماعی و سیاسی قرار دارد. در حوزه اقتصاد توجه، هیت‌مایر (۲۰۲۵) مفهوم «موج دوم اقتصاد توجه» را معرفی می‌کند و بیان می‌دارد که توجه کاربران در شبکه‌های اجتماعی و فراتر از آن به شکل یک «ارز نمادین جهانی» عمل می‌کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که پلتفرم‌های دیجیتال با طراحی تعاملات کاربری، توجه را به سرمایه‌ای اقتصادی و اجتماعی تبدیل می‌کنند که پیامدهای گسترده‌ای برای مدل‌های کسب‌وکار رسانه‌ای دارد.

مطالعات مرتبط با بازاریابی رسانه‌ای نیز یافته‌های مهمی ارائه کرده‌اند. زکری و همکاران (۲۰۲۵) دریافته‌اند که بازاریابی در شبکه‌های اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر شناخت برند، درگیری مخاطب و قصد خرید دارد و رسانه‌های دیجیتال به ابزار مؤثری برای توسعه برند و گسترش بازار در اقتصادهای در حال توسعه تبدیل شده‌اند. علاوه بر این، اچاوری (۲۰۲۵) با ارائه مفهوم «رسانه بی‌نهایت» توضیح می‌دهد که در پارادایم کنونی، مرزهای تولید و مصرف محتوا از بین رفته و رسانه‌ها در چرخه‌ای مداوم از تولید و بازتولید محتوا فعالیت می‌کنند که پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای دارد.

از لحاظ پیامدهای اجتماعی و سیاسی، اسنایدر-استراوچینسکی و والِت (۲۰۲۵) نشان دادند که پوشش رسانه‌ای مهاجرت می‌تواند نگرش‌ها را قطبی کند و رسانه‌ها نه تنها ادراک عمومی را شکل می‌دهند بلکه می‌توانند ترجیحات سیاسی و اجتماعی را تغییر دهند. همچنین، زاووابین^۴ و همکاران (۲۰۲۵) با تحلیل گفتمان‌های رسانه‌ای مرتبط با اتوما سیون دریافته‌اند که شبکه‌های مسئولیت در مباحث مربوط به الگوریتم‌ها و تعاملات اجتماعی پیچیده هستند و این امر نشان‌دهنده پیوند نزدیک اقتصاد رسانه با مسائل اخلاقی و حکمرانی فناوری است.

در سطح کلان، آریدور و همکاران (۲۰۲۴) در مرور جامعی بر اقتصاد رسانه‌های اجتماعی نشان دادند که این پلتفرم‌ها اقتصادهای دو طرفه ایجاد می‌کنند؛ کاربران و تبلیغ‌کنندگان به شکل مستقیم تعامل اقتصادی دارند و داده به کالای اصلی تبدیل می‌شود. یافته‌های ژانگ و همکاران (۲۰۲۴) نیز تأیید می‌کنند که تحول دیجیتال از طریق دیجیتالی شدن صنایع یا صنعتی شدن دیجیتال

1. Rigi & Prey
2. Krämer
3. Sobbrío
4. Saurwein

می‌تواند کارایی رشد اقتصادی را افزایش دهد. به همین ترتیب، چالابی (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای بر صنعت استریمینگ نشان داد که این صنعت به بخشی از اقتصاد پلتفرمی تبدیل شده و مدل‌های درآمدی نوینی مبتنی بر اشتراک و داده‌های کاربران ایجاد کرده است. به‌طور کلی، شواهد تجربی نشان می‌دهند که اقتصاد رسانه از سطح محلی تا سطح جهانی در حال بازتعریف ارزش، قدرت و تعاملات اقتصادی است و آینده آن ترکیبی از اقتصاد توجه، اقتصاد داده و اقتصاد سیاسی رسانه خواهد بود.

مطالعه پیشینه تجربی اقتصاد رسانه نشان می‌دهد که این حوزه تحت تأثیر مجموعه‌ای پیچیده از عوامل اقتصادی، فناورانه، اجتماعی و سیاسی قرار دارد. پژوهش‌ها حاکی از آن است که رسانه‌ها صرفاً ابزارهای اطلاع‌رسانی یا سرگرمی نیستند، بلکه به عنوان موتورهای تولید ارزش اقتصادی، فرهنگی و نمادین عمل می‌کنند (مات و موتسانتهبه، ۲۰۲۵؛ هیت‌مایر، ۲۰۲۵). تحقیقات در زمینه رسانه‌های دیجیتال و اجتماعی نشان می‌دهند که توجه و داده‌های کاربران به مهم‌ترین منابع اقتصادی تبدیل شده و مدل‌های سنتی کسب‌وکار رسانه‌ای در حال جایگزینی با مدل‌های مبتنی بر اقتصاد پلتفرمی و اقتصاد توجه هستند (زکری و همکاران، ۲۰۲۵؛ آریدور و همکاران، ۲۰۲۴).

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند که رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی دارند و این امر ارتباط مستقیمی با اقتصاد سیاسی رسانه دارد (اسنایدر-استراوچینسکی و وایت، ۲۰۲۵؛ زاورواین و همکاران، ۲۰۲۵). در سطح کلان، تحول دیجیتال و فناوری‌های نوین باعث تغییر ساختار بازار، افزایش تمرکز اقتصادی و ایجاد فرصت‌های جدید درآمدی شده است (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۴؛ چالابی، ۲۰۲۴).

با توجه به روندهای موجود، آینده اقتصاد رسانه بر سه محور اصلی استوار خواهد بود: اقتصاد توجه که توجه کاربران به سرمایه تبدیل می‌شود، اقتصاد داده که اطلاعات و تعاملات کاربران به دارایی اقتصادی بدل می‌شوند و اقتصاد سیاسی رسانه که روابط قدرت و سیاست‌های نهادی بر تولید و توزیع محتوا تأثیرگذار است. بنابراین، برای درک آینده اقتصاد رسانه، نیاز به نگاهی چند بعدی است که هم ابعاد اقتصادی و فناورانه و هم پیامدهای اجتماعی و سیاسی را در نظر بگیرد. این چشم‌انداز نشان می‌دهد که رسانه‌ها بیش از پیش به بازیگرانی کلیدی در اقتصاد، فرهنگ و سیاست جهانی تبدیل شده‌اند و تحلیل آن‌ها بدون در نظر گرفتن این پیچیدگی‌ها ناقص خواهد بود.

تحقیقات متعددی در ایران به بررسی اقتصاد رسانه، مدل‌های کسب‌وکار رسانه‌ای و تأثیر رسانه‌ها بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. برای مثال، شریفی و همکاران (۱۴۰۰) با طراحی یک مدل اقتصاد رسانه‌ای برای صنایع خلاق در شبکه‌های اجتماعی، نشان دادند که بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌های دیجیتال می‌تواند علاوه بر افزایش درآمد، موجب توسعه نوآوری و کارآفرینی در این صنایع شود. این تحقیق به روش کمی و با استفاده از داده‌های شبکه‌های اجتماعی و تحلیل ساختاری مدل انجام شد و نشان داد تعامل میان محتوا، کاربران و تبلیغات، اثر مستقیمی بر عملکرد اقتصادی دارد.

همچنین، حنجری و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته، اثر تعاملی فرهنگ، ورزش، رسانه و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران را بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که رسانه‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار، می‌توانند با ارتقای سرمایه انسانی و فرهنگ عمومی، رشد اقتصادی استان‌ها را تسهیل کنند و نقش مستقیم و غیرمستقیم در توسعه پایدار ایفا نمایند.

در حوزه مدل‌های درآمدزایی، کمالی‌پور و قره‌باغ (۱۳۸۸) نشان دادند که فروش محتوای آموزشی یکی از شیوه‌های نوین درآمدزایی در اقتصاد رسانه است و می‌تواند سهم رسانه‌ها در تولید ارزش اقتصادی را افزایش دهد. این مطالعه بر رسانه‌های آموزشی و

ظرفیت‌های تولید محتوای دیجیتال تمرکز داشت و نشان داد که ایجاد تنوع در منابع درآمدی، نقش مهمی در تقویت استقلال مالی رسانه‌ها دارد.

به‌طور کلی مرور پیشینه نشان می‌دهد که اقتصاد رسانه در بستر تحول دیجیتال، بیش از هر زمان دیگری در تعامل پیچیده‌ای از فناوری‌های نوین، ساختارهای مالکیت، سیاست‌گذاری‌های کلان و رفتار مخاطبان قرار گرفته است. پژوهش‌های گذشته هرچند ابعادی همچون دیجیتالی شدن رسانه‌ها، ظهور اقتصاد پلتفرمی، گسترش شبکه‌های اجتماعی، نقش هوش مصنوعی و الگوهای رفتاری کاربران را بررسی کرده‌اند، اما عمدتاً به‌صورت پراکنده و جزئی به این موضوعات پرداخته‌اند. در نتیجه، هنوز یک نگاه جامع و نظام‌مند که بتواند این پیشران‌ها را در قالب یک الگوی کل‌نگر شناسایی، مقایسه و اولویت‌بندی کند، کمتر دیده می‌شود. این خلأ پژوهشی باعث شده است که مسیر آینده اقتصاد رسانه در ایران همچنان با ابهام و عدم قطعیت همراه باشد و تصمیم‌گیران حوزه رسانه نتوانند از ظرفیت‌های موجود به‌طور بهینه بهره‌برداری کنند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر شناسایی و رتبه‌بندی پیشران‌های اثرگذار بر آینده اقتصاد رسانه در ایران، تلاشی است برای پر کردن این شکاف و ارائه تصویری روشن‌تر از روندهای کلیدی این حوزه. رویکرد این پژوهش، با ترکیب مرور نظام‌مند پیشینه و بهره‌گیری از دیدگاه خبرگان و روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، زمینه را برای استخراج چارچوبی راهبردی فراهم می‌سازد که می‌تواند در فرآیند سیاست‌گذاری، سرمایه‌گذاری و توسعه مدل‌های نوین کسب‌وکار رسانه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. چنین رویکردی نه تنها اهمیت علمی پژوهش را برجسته می‌سازد، بلکه از منظر کاربردی نیز می‌تواند به ترسیم نقشه راه آینده اقتصاد رسانه در کشور کمک کند.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با هدف شناسایی و رتبه‌بندی پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در ایران، از رویکرد کمی چندگانه استفاده می‌کند. روش‌های سنتی مانند تحلیل محتوا یا مطالعات کیفی صرف، قادر به اولویت‌بندی دقیق و عددی پیشران‌ها نبودند، در حالی که ترکیب دلفی فازی و کوکوسو امکان غربال، سنجش اهمیت و رتبه‌بندی عوامل با دقت بالا و قابلیت تکرار فراهم می‌کند. در این پژوهش، ابتدا ۲۱ پیشران با مرور پیشینه و مصاحبه با خبرگان شناسایی شد. سپس با استفاده از دلفی فازی، عوامل غربال و ۱۰ پیشران دارای اهمیت بالاتر از حد آستانه انتخاب شدند. در گام بعد، این عوامل با روش کوکوسو رتبه‌بندی شدند تا اولویت و اهمیت هر پیشران مشخص شود. داده‌ها از طریق پرسشنامه خبره‌سنجی و اولویت‌سنجی جمع‌آوری و با وزن‌دهی برابر به نظرات ۱۰ خبره تحلیل شد. این رویکرد هم دقت عددی بالایی دارد و هم قابلیت استخراج نتایج کاربردی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در اقتصاد رسانه را فراهم می‌سازد.

تکنیک دلفی فازی برای غربال پیشران‌های آینده اقتصاد رسانه مورد استفاده قرار گرفت. الگوریتم اجرای دلفی فازی برای سرنده و غربال شامل مراحل زیر است (حبیبی^۱ و همکاران، ۲۰۱۵):

۱. تعیین طیف مناسب برای فازی‌سازی عبارات کلامی؛
۲. تجمیع فازی مقادیر فازی شده؛
۳. فازی‌زدایی مقادیر؛

۴. انتخاب شدت آستانه و غربال معیارها.

مرحله ۱: گردآوری و فازی‌سازی دیدگاه‌های خبرگان. در الگوریتم روش دلفی فازی برای سرند، در ابتدا باید یک طیف فازی مطلوب برای فازی‌سازی عبارات زبانی خبرگان توسعه یابد. بدین منظور می‌توان از طیف‌های فازی متداول استفاده کرد. در پژوهش کنونی از طیف لیکرت پنج درجه استفاده شده که در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول ۱. طیف روش دلفی فازی

متغیر کلامی	مقدار فازی	عدد فازی مثلثی
خیلی کم	۲	(۰, ۰, ۰/۲۵)
کم	۴	(۰, ۰/۲۵, ۰/۵)
متوسط	۴	(۰/۷۵, ۰/۵, ۰/۲۵)
زیاد	۴	(۰/۵, ۰/۷۵, ۱)
خیلی زیاد	۵	(۰/۷۵, ۱, ۱)

مرحله ۲: تجمیع فازی مقادیر فازی شده. پس از انتخاب طیف فازی مطلوب، نظرات خبرگان گردآوری و فازی‌سازی می‌شود. چندین رویه برای تجمیع فازی نظرات خبرگان ارائه شده است. اگر نظر هر خبره به عنوان اعداد فازی مثلثی (l, m, u) نمایش داده شود، آسان‌ترین روش، محاسبه میانگین فازی نظرات خبرگان است:

$$F_{AVE} = \frac{\sum l}{n}, \frac{\sum m}{n}, \frac{\sum u}{n} \quad (1)$$

مرحله ۳: فازی‌زدایی مقادیر. در فنون متعددی که با رویکرد فازی انجام می‌شود، پژوهشگر نهایتاً مقادیر فازی نهایی را به یک عدد قطعی تبدیل می‌کند. این عمل به عنوان فازی‌سازی شناخته می‌شود. یکی از فنون ساده برای فازی‌زدایی، معدل اعداد فازی مثلثی است:

$$\text{if } \tilde{F} = (l, m, u) \text{ then } F = \frac{l+m+u}{3} \quad (2)$$

مرحله ۴: پس از گزینش روش مطلوب و فازی‌زدایی ارزش‌ها، یک حد آستانه باید تعیین شود. این حد آستانه معمولاً بر اساس نظر محقق در مطالعات مختلف تفاوت دارد. در صورتی که ارزش قطعی فازی‌زدایی نظرات خبرگان تجمیع شده بالاتر از حد آستانه باشد، عامل مورد نظر در محاسبات باقی می‌ماند. در غیر این صورت عامل مورد نظر حذف می‌شود (حبیبی و همکاران، ۲۰۱۵). پس از مرحله غربالگری عوامل مؤثر بر اقتصاد رسانه، گام بعدی تحلیل و تعیین اولویت هر یک از پیشران‌ها است. در این پژوهش، برای انجام این کار از روش کوکوسو بهره گرفته شد. این روش با ترکیب اطلاعات حاصل از دو تکنیک بهترین - بدترین فازی و واسپاس فازی، قادر است عوامل را با دقت بالا و قابل اعتماد رتبه‌بندی کند و به دلیل قابلیت‌های منحصر به فرد خود، به عنوان یکی از نوین‌ترین و معتبرترین روش‌های رتبه‌بندی در مطالعات مدیریت و اقتصاد شناخته می‌شود. فرآیند اجرای روش کوکوسو شامل مراحل مشخصی است که توسط عربی و همکاران (۲۰۲۴) تشریح شده‌اند:

گام اول: در این مرحله، نظر خبرگان در مورد اهمیت هر یک از عوامل در طیف ۱۰ تایی جمع‌آوری می‌شود.

گام دوم: در این مرحله، مقادیر ماتریس تصمیم با روش فازی نرمال می‌شوند.

گام سوم: در این گام بر اساس فرمول‌های زیر مقادیر جمع وزنی (S) و ضرب وزنی (P) برای هر گزینه محاسبه می‌شود. در دو رابطه زیر، W_j وزن شاخص‌ها است که به عنوان ورودی وارد روش کوکوسو شده است. مقادیر S_i از روش SAW و مقادیر P_i از روش واسپاس گرفته شده است.

$$S_i = \sum_{j=1}^n (w_j r_{ij}), \quad (3)$$

$$P_i = \sum_{j=1}^n (r_{ij})^{w_j}, \quad (4)$$

گام چهارم: در این بخش امتیاز گزینه‌ها بر مبنای سه راهبرد از سه فرمول زیر حاصل می‌شود. رابطه اول معدل حسابی امتیازات WSM و WPM را توصیف می‌کند، در حالی که رابطه دوم در قیاس با بهترین‌ها، نمرات نسبی WSM و WPM را بیان می‌کند. رابطه سوم مصالحه‌ای بین مدل‌های WSM و WPM است. در این رابطه λ توسط تصمیم‌گیرنده مشخص می‌شود، اما در حالت ۰/۵ انعطاف فراوانی وجود دارد.

$$k_{ia} = \frac{P_i + S_i}{\sum_{i=1}^m (P_i + S_i)} \quad (5)$$

$$k_{ib} = \frac{S_i}{\min S_i} + \frac{P_i}{\min P_i} \quad (6)$$

$$k_{ic} = \frac{\lambda(S_i) + (1-\lambda)(P_i)}{(\lambda \max S_i + (1-\lambda) \max P_i)}, \quad 0 \leq \lambda \leq 1. \quad (7)$$

گام پنجم: در این بخش بر اساس رابطه زیر امتیاز نهایی به دست می‌آید. در حقیقت این رابطه بیانگر مجموع میانگین هندسی و میانگین حسابی سه راهبرد مرحله قبلی است. امتیاز (k) هر گزینه‌ای بالاتر باشد، حکایت از برتری آن گزینه دارد.

$$k_i = (k_{ia} k_{ib} k_{ic})^{\frac{1}{3}} + \frac{1}{3} (k_{ia} + k_{ib} + k_{ic}). \quad (8)$$

یافته‌های پژوهش

پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در ایران از طریق مرور تحلیلی پیشینه پژوهش‌ها و مصاحبه با خبرگان شناسایی شدند. این پیشران‌ها در جدول شماره (۲) ارائه شده‌اند. برای استخراج عوامل پژوهش، مقالات مرتبط با حوزه اقتصاد رسانه و رسانه‌های دیجیتال در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ موجود در پایگاه‌های علمی معتبر (الزویر، امرالد و مگیران) مورد بررسی قرار گرفتند. بر این اساس، ۱۷ پیشران از طریق مرور پیشینه شناسایی شد و در ادامه، با استفاده از نظرات خبرگان حوزه رسانه و اقتصاد رسانه، ۴ پیشران جدید نیز به این فهرست اضافه گردید.

به‌منظور اطمینان از روایی محتوایی عوامل شناسایی شده، شاخص روایی محتوایی لاوشه محاسبه شد. نتایج نشان داد مقدار این شاخص برای تمامی پیشران‌ها بالاتر از ۰/۷۹ بوده است که بیانگر روایی مطلوب پرسشنامه‌های پژوهش است.

جدول ۲. پیشران‌های آینده اقتصاد رسانه

پیشران‌های پژوهش	منابع پژوهش	توضیح
دیجیتالی شدن رسانه‌ها	چوی و وینستون (۲۰۰۰) ^۱	دیجیتالی شدن به‌عنوان یکی از پیشران‌های کلیدی، ساختار سنتی تولید، توزیع و مصرف محتوا را متحول کرده و زمینه را برای ظهور اقتصاد پلتفرمی و مدل‌های نوین کسب‌وکار رسانه‌ای فراهم آورده است. این تحول باعث کاهش هزینه‌های تولید و توزیع، افزایش سرعت دسترسی و گسترش بازار مخاطبان شده و ارزش افزوده جدیدی در اقتصاد رسانه ایجاد می‌کند.

اقتصاد توجه به معنای تبدیل «توجه مخاطب» به منبع اصلی ارزش اقتصادی است و رسانه‌ها برای جلب و حفظ این توجه رقابت می‌کنند. در این چارچوب، میزان درگیری کاربر و زمان مصرف محتوا مستقیماً به درآمدزایی از طریق تبلیغات، بازاریابی و خدمات دیجیتال منجر می‌شود و مدل‌های سنتی رسانه‌ای را دگرگون می‌سازد.	هیتمایر (۲۰۲۵) ^۱	اقتصاد توجه
اقتصاد پلتفرمی با ایجاد بسترهای دیجیتال برای تعامل تولیدکنندگان محتوا، کاربران و تبلیغ‌دهندگان، به رسانه‌ها امکان می‌دهد تا مدل‌های درآمدی متنوع‌تری ایجاد کنند. این پیشران موجب افزایش مقیاس‌پذیری، کاهش هزینه‌های مبادله و شکل‌گیری اکوسیستم‌های نوآورانه در اقتصاد رسانه می‌شود.	بوستوس و ایزکواردو کاستیلو (۲۰۱۹) ^۲	اقتصاد پلتفرمی
گسترش شبکه‌های اجتماعی موجب افزایش تعامل مستقیم میان کاربران و رسانه‌ها شده و مسیرهای جدیدی برای تولید محتوا، تبلیغات و درآمدزایی فراهم می‌کند. این پیشران همچنین به تقویت اقتصاد توجه و داده کمک کرده و نقش رسانه‌ها را در شکل‌دهی افکار عمومی و ارزش اقتصادی تقویت می‌نماید.	زقیری و همکاران ^۳ (۲۰۲۵)	رشد شبکه‌های اجتماعی
مدل‌های نوین درآمدزایی شامل اشتراک، تبلیغات هدفمند، فروش داده و خدمات جانبی است که به رسانه‌ها امکان می‌دهد منابع درآمدی متنوع و پایدار ایجاد کنند. این پیشران با افزایش استقلال مالی رسانه‌ها، ظرفیت سرمایه‌گذاری در تولید محتوا و توسعه نوآوری را تقویت می‌کند.	کمالی‌پور و قره‌باغ (۱۳۸۸)	مدل‌های نوین درآمدزایی
نوآوری در صنایع خلاق، تولید محتوای متنوع و جذاب را تسهیل می‌کند و به رسانه‌ها امکان می‌دهد ارزش اقتصادی و فرهنگی بیشتری خلق کنند. این پیشران با ایجاد فرصت‌های جدید درآمدی و جذب مخاطب، رقابت‌پذیری رسانه‌ها را در محیط دیجیتال افزایش می‌دهد.	شریفی و همکاران (۱۴۰۰)	نوآوری در صنایع خلاق
تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی به رسانه‌ها امکان می‌دهد رفتار و علایق مخاطبان را به صورت دقیق شناسایی و محتوا و تبلیغات هدفمند ارائه کنند. این پیشران با بهینه‌سازی تصمیم‌گیری، افزایش کارایی و خلق ارزش اقتصادی جدید، نقش کلیدی در توسعه مدل‌های کسب‌وکار دیجیتال و اقتصاد داده ایفا می‌کند.	ساوروین ^۴ و همکاران (۲۰۲۵)	تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی
اقتصاد محتوای چند رسانه‌ای با تولید و ترکیب محتوا در قالب‌های تصویری، صوتی و تعاملی، ارزش اقتصادی و جذابیت رسانه‌ها را افزایش می‌دهد. این پیشران امکان تنوع منابع درآمدی، جذب مخاطب گسترده و تقویت رقابت‌پذیری رسانه‌ها در محیط دیجیتال را فراهم می‌کند.	مصاحبه	اقتصاد محتوای چند رسانه‌ای
رسانه‌های محلی و اقلیت‌ها با تمرکز بر نیازها و هویت فرهنگی جوامع کوچک، نقش مهمی در حفظ تنوع فرهنگی و افزایش مشارکت اجتماعی دارند. این پیشران با ایجاد محتوا و خدمات هدفمند، فرصت‌های اقتصادی محلی و ارزش اجتماعی قابل توجهی برای اقتصاد رسانه فراهم می‌کند.	مصاحبه	رسانه‌های محلی و اقلیت‌ها
پلتفرم‌های پخش آنلاین امکان دسترسی فوری و گسترده به محتوا را فراهم می‌کنند و با مدل‌های اشتراکی و تبلیغاتی نوین، منابع درآمدی جدیدی برای رسانه‌ها ایجاد می‌کنند. این پیشران همچنین باعث افزایش تعامل مخاطب، تقویت اقتصاد توجه و توسعه اکوسیستم‌های رسانه‌ای دیجیتال می‌شود.	چالی ^۵ (۲۰۲۴)	گسترش پلتفرم‌های پخش آنلاین
تحول سیاست‌گذاری رسانه‌ای با بازتعریف قوانین، مقررات و چارچوب‌های حکمرانی، نقش رسانه‌ها در اقتصاد و جامعه را شکل می‌دهد. این پیشران با ایجاد فضای رقابتی سالم، حمایت از نوآوری و تضمین شفافیت اقتصادی، فرصت‌های توسعه پایدار برای رسانه‌ها را فراهم می‌کند.	قنبری و همکاران (۱۴۰۰)	تحول سیاست‌گذاری رسانه‌ای
اقتصاد رفتاری رسانه‌ای با تمرکز بر رفتار و تصمیم‌گیری مخاطبان، به رسانه‌ها کمک می‌کند تا محتوا و تبلیغات را با دقت بیشتری طراحی و عرضه کنند. این پیشران با افزایش تعامل کاربران و بهبود تجربه مخاطب، درآمد-زایی و ارزش اقتصادی رسانه‌ها را تقویت می‌کند.	کریمی و خواجه‌نیا (۱۴۰۱)	اقتصاد رفتاری رسانه‌ای

1. Heitmayer (2025)
2. Bustos & Izquierdo-Castillo (2019)
3. Zeqiri et al.
4. Saurwein
5. Chalaby

تعامل میان فرهنگ، ورزش و رسانه باعث ایجاد محتوای جذاب و مرتبط با نیازهای اجتماعی می‌شود و ارزش اقتصادی و فرهنگی رسانه‌ها را افزایش می‌دهد. این پیشران با تقویت مشارکت مخاطبان و توسعه فرصت‌های تبلیغاتی و سرمایه‌گذاری، رشد پایدار اقتصاد رسانه را تسهیل می‌کند.	حنجری و همکاران (۱۳۹۸)	تعامل فرهنگ، ورزش و رسانه
رسانه‌های آموزش محور با تولید محتواهای آموزشی و مهارتی، علاوه بر ارتقای سطح دانش و توانمندی مخاطبان، فرصت‌های درآمدزایی جدیدی از طریق فروش محتوا و اشتراک ایجاد می‌کنند. این پیشران با تقویت اقتصاد محتوا و توسعه بازارهای تخصصی، نقش مهمی در اقتصاد رسانه ایفا می‌کند.	کمالی‌پور و قره‌باغ (۱۳۸۸)	رسانه‌های آموزش محور
تبلیغات دیجیتال با هدف‌گیری دقیق مخاطبان و استفاده از داده‌های کاربران، درآمد رسانه‌ها را افزایش می‌دهد و بازدهی سرمایه‌گذاری تبلیغاتی را بهبود می‌بخشد. این پیشران همچنین به توسعه مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر اقتصاد توجه و داده کمک کرده و تعامل مخاطب با محتوا را تقویت می‌کند.	اریدور ^۱ و همکاران (۲۰۲۴)	تبلیغات دیجیتال
تحول ساختار مالکیت رسانه‌ها با کاهش تمرکز و افزایش تنوع مالکیتی، امکان رقابت سالم و نوآوری در تولید محتوا را فراهم می‌کند. این پیشران موجب افزایش استقلال مالی رسانه‌ها، بهره‌وری اقتصادی و توسعه مدل‌های کسب‌وکار پایدار در اقتصاد رسانه می‌شود.	جین و وینسک ^۲ (۲۰۱۱)	تحول ساختار مالکیت رسانه‌ها
سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری، امکان تولید، توزیع و مدیریت محتوای رسانه‌ای را با کیفیت بالاتر و هزینه کمتر فراهم می‌کند. این پیشران با تقویت مقیاس‌پذیری، نوآوری دیجیتال و کارایی عملیاتی، زمینه‌ساز رشد پایدار اقتصاد رسانه است.	مصاحبه	سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری
اقتصاد توجه در شبکه‌های اجتماعی با تبدیل تمرکز و تعامل کاربران به ارزش اقتصادی، درآمد تبلیغاتی و فرصت‌های بازاریابی جدید ایجاد می‌کند. این پیشران موجب تقویت تعامل مخاطب، افزایش وفاداری و توسعه مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر داده و تعامل می‌شود.	هیتمایر (۲۰۲۵)	اقتصاد توجه در شبکه‌های اجتماعی
رسانه‌های چند زبانه و اقلیتی با ارائه محتوا به گروه‌های مختلف زبانی و فرهنگی، تنوع مخاطبان را افزایش داده و فرصت‌های اقتصادی و تبلیغاتی گسترده‌ای ایجاد می‌کنند. این پیشران همچنین نقش مهمی در حفظ هویت فرهنگی و تقویت مشارکت اجتماعی دارد.	مصاحبه	رسانه‌های چند زبانه و اقلیتی
اقتصاد سیاسی رسانه با تمرکز بر رابطه میان رسانه، قدرت و سیاست، نحوه تولید، توزیع و دسترسی به محتوا را شکل می‌دهد. این پیشران بر جریان‌های درآمدی، استقلال رسانه‌ها و امکان تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی آن‌ها اثرگذار است.	پرات و استرومبرگ ^۳ (۲۰۱۳)	اقتصاد سیاسی رسانه
تحول دیجیتال صنایع رسانه‌ای با بازتعریف فرآیند تولید، توزیع و مصرف محتوا، کارایی و دسترسی به رسانه‌ها را افزایش می‌دهد. این پیشران با ایجاد فرصت‌های نوآوری، مدل‌های درآمدی جدید و تقویت رقابت‌پذیری، رشد اقتصادی و اجتماعی رسانه‌ها را تسهیل می‌کند.	زانگ ^۴ و همکاران (۲۰۲۴)	تحول دیجیتال صنایع رسانه‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، ۲۱ پیشران استخراج شده از مرور پیشینه و مصاحبه با خبرگان، از طریق تکنیک دلفی فازی غربال شدند. در این مرحله، ۱۱ پیشران به دلیل داشتن عدد فازی کمتر از حد آستانه حذف شده و ۱۰ پیشران برای اولویت‌بندی نهایی انتخاب شدند. عواملی که دارای عدد فازی بیش‌تر از ۰/۷ بودند، برای تحلیل نهایی با روش کوکوسو مورد استفاده قرار گرفتند. در این مطالعه، عدد ۰/۷ به عنوان حد آستانه برای غربال عوامل در نظر گرفته شد، در حالی که معمولاً این عدد در مطالعات مشابه بین ۰/۵ تا ۰/۷ متغیر است. جدول شماره (۳)، لیست پیشران‌های نهایی غربال شده به همراه عدد فازی آن‌ها را نشان می‌دهد.

1. Aridor
2. Jin & Winseck
3. Prat & Strömberg
4. Zhang

جدول ۳. خروجی دلفی فازی پیشران‌های آینده اقتصاد رسانه

پیشران‌های نهایی پژوهش	میانگین نظرات خبرگان			عدد دیفازی شده
	حد پایین	میانه	حد بالا	
دیجیتالی شدن رسانه‌ها (M ₁)	۰/۷۷	۰/۸۶	۰/۹۳	۰/۸۵۳
اقتصاد پلتفرمی (M ₂)	۰/۷۵	۰/۸۳	۰/۹۲	۰/۸۳۳
رشد شبکه‌های اجتماعی (M ₃)	۰/۷۳	۰/۷۹	۰/۸۴	۰/۷۸۷
مدل‌های نوین درآمدزایی (M ₄)	۰/۷۱	۰/۷۶	۰/۸۴	۰/۷۷
تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی (M ₅)	۰/۷۷	۰/۸۸	۰/۹۶	۰/۸۷
تحول سیاست‌گذاری رسانه‌ای (M ₆)	۰/۷۱	۰/۷۹	۰/۸۵	۰/۷۸۳
اقتصاد رفتاری رسانه‌ای (M ₇)	۰/۷	۰/۷۶	۰/۸۳	۰/۷۶۳
تحول ساختار مالکیت رسانه‌ها (M ₈)	۰/۷	۰/۷۷	۰/۸۴	۰/۷۷
سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری (M ₉)	۰/۷۶	۰/۸۵	۰/۹۱	۰/۸۴
اقتصاد سیاسی رسانه (M ₁₀)	۰/۶۶	۰/۷۶	۰/۸۳	۰/۷۵

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه، پیشران‌های نهایی غربال شده وارد روش کوکو سو شدند. سپس این عوامل با استفاده از تکنیک کوکو سو برای تعیین اولویت رتبه‌بندی شدند. در ابتدا، خبرگان پژوهش نظر خود را در مورد درجه اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در یک طیف ۱۰ تایی ارائه کردند. بر اساس این نظرات، ماتریس تصمیم شامل دیدگاه‌های ۱۰ خبره تشکیل شد. مقادیر به دست آمده در ماتریس تصمیم با به‌کارگیری روش فازی و مطابق گام دوم روش کوکوسو، نرمال‌سازی شدند. مقادیر نرمال شده ماتریس تصمیم عوامل پژوهش در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. ماتریس نرمال پیشران‌های پژوهش

پیشران‌های پژوهش	خبره اول	خبره دوم	خبره سوم	خبره چهارم	خبره پنجم	خبره ششم	خبره هفتم	خبره هشتم	خبره نهم	خبره دهم
M ₁	1	1	1	1	0.833	0.857	1	1	1	0.8
M ₂	0.375	0.5	0.571	0.167	0.167	0	0.286	0.286	0.143	0.2
M ₃	0	0.125	0.143	0	0	0.286	0.143	0.143	0.143	0
M ₄	0.25	0.125	0.286	0.167	0.167	0.143	0.571	0.571	0.286	0
M ₅	1	0.75	0.857	0.833	1	1	0.857	0.857	0.857	1
M ₆	0.125	0.25	0.143	0.333	0.333	0.429	0.143	0.286	0.286	0
M ₇	0.125	0	0.143	0.167	0.5	0.143	0.286	0.143	0.143	0
M ₈	0.875	0.5	0.571	0.5	0.333	0.571	0.571	0.857	0.714	0.4
M ₉	0.5	0.375	0.286	0.5	0.333	0.286	0.143	0.286	0.571	0.2
M ₁₀	0	0.125	0	0.333	0	0.143	0	0	0	0

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس مقادیر ماتریس نرمال، داده‌های ماتریس جمع وزنی (S) و ضرب وزنی (P) با استفاده از فرمول‌های مرحله سوم روش کوکوسو محاسبه می‌شوند. جدول شماره (۵)، مقادیر ماتریس جمع وزنی را برای پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه نشان می‌دهد. مقادیر ماتریس جمع وزنی از ضرب داده‌های ماتریس نرمال در وزن اختصاص داده شده به نظرات خبرگان استخراج می‌شود. وزن نظرات تمامی خبرگان به صورت یکسان و برابر با ۰/۱ در نظر گرفته شده است؛ این مقدار از تقسیم عدد ۱ بر تعداد ۱۰ خبره به دست آمده است. نهایتاً، مقادیر ماتریس جمع وزنی با استفاده از شاخص S ترکیب می‌شوند. شاخص S برابر با جمع سطری داده‌های ماتریس جمع وزنی است و همانند مطلوبیت هر گزینه در روش میانگین مجموع وزنی محاسبه می‌شود.

جدول ۵. ماتریس جمع وزنی (S) پیشران‌های پژوهش

شاخص S	خبره اول	خبره دوم	خبره سوم	خبره چهارم	خبره پنجم	خبره ششم	خبره هفتم	خبره هشتم	خبره نهم	خبره دهم	پیشران‌های پژوهش
M ₁	0.1	0.1	0.1	0.1	0.083	0.086	0.1	0.1	0.1	0.08	0.949
M ₂	0.038	0.05	0.057	0.017	0.017	0	0.029	0.029	0.014	0.02	0.271
M ₃	0	0.013	0.014	0	0	0.029	0.014	0.014	0.014	0	0.098
M ₄	0.025	0.013	0.029	0.017	0.017	0.014	0.057	0.057	0.029	0	0.258
M ₅	0.1	0.075	0.086	0.083	0.1	0.1	0.086	0.086	0.086	0.1	0.902
M ₆	0.013	0.025	0.014	0.033	0.033	0.043	0.014	0.029	0.029	0	0.233
M ₇	0.013	0	0.014	0.017	0.05	0.014	0.029	0.014	0.014	0	0.165
M ₈	0.088	0.05	0.057	0.05	0.033	0.057	0.057	0.086	0.071	0.04	0.589
M ₉	0.05	0.038	0.029	0.05	0.033	0.029	0.014	0.029	0.057	0.02	0.349
M ₁₀	0	0.013	0	0.033	0	0.014	0	0	0	0	0.06

منبع: یافته‌های پژوهش

در کنار محاسبه مقادیر ماتریس جمع وزنی، مقادیر ماتریس ضرب وزنی (P) نیز محاسبه شد. فرمول محاسبه این ماتریس و شاخص P مشابه محاسبات روش واسپاس است. برای محاسبه ماتریس ضرب وزنی، هر یک از مقادیر ماتریس نرمال به توان وزن اختصاص داده شده به نظرات خبرگان رسانده می‌شود. وزن نظرات تمامی خبرگان برابر با ۰/۱ در نظر گرفته شده است. داده‌های مربوط به ماتریس ضرب وزنی در جدول شماره (۶) ارائه شده است.

جدول ۶. ماتریس ضرب وزنی (P) پیشران‌های پژوهش

شاخص P	خبره اول	خبره دوم	خبره سوم	خبره چهارم	خبره پنجم	خبره ششم	خبره هفتم	خبره هشتم	خبره نهم	خبره دهم	پیشران‌های پژوهش
M ₁	1	1	1	1	0.982	0.985	1	1	1	0.978	9.945
M ₂	0.907	0.933	0.946	0.836	0.836	0	0.882	0.882	0.823	0.851	7.896
M ₃	0	0.812	0.823	0	0	0.882	0.823	0.823	0.823	0	4.986
M ₄	0.871	0.812	0.882	0.836	0.836	0.823	0.946	0.946	0.882	0	7.834
M ₅	1	0.972	0.985	0.982	1	1	0.985	0.985	0.985	1	9.894
M ₆	0.812	0.871	0.823	0.896	0.896	0.919	0.823	0.882	0.882	0	7.804
M ₇	0.812	0	0.823	0.836	0.933	0.823	0.882	0.823	0.823	0	6.755
M ₈	0.987	0.933	0.946	0.933	0.896	0.946	0.946	0.985	0.967	0.912	9.451

M ₉	0.933	0.907	0.882	0.933	0.896	0.882	0.823	0.882	0.946	0.851	8.935
M ₁₀	0	0.812	0	0.896	0	0.823	0	0	0	0	2.531

منبع: یافته‌های پژوهش

امتیاز نهایی پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در روش کوکوسو با استفاده از شاخص K محاسبه شد. سنجش شاخص K مستلزم محاسبه سه شاخص K_a، K_b و K_c است. شاخص K_c از ترکیب دو شاخص K_a و K_b به دست می‌آید. در این پژوهش، مقدار λ برابر با ۰/۵ در نظر گرفته شد که در پژوهش‌های پیشین بسیار متداول است. نهایتاً، شاخص K از حاصل جمع میانگین حسابی و میانگین هندسی سه شاخص K_a، K_b و K_c محاسبه می‌شود. مقادیر شاخص‌های مذکور به همراه رتبه نهایی هر یک از پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در جدول شماره (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. شاخص‌های چهارگانه ارزیابی پیشران‌های پژوهش در کوکوسو

رتبه هر پیشران	K	K _c	K _b	K _a	پیشران‌های پژوهش
1	8.35	1	19.746	0.136	دیجیتالی شدن رسانه‌ها
5	3.665	0.749	7.636	0.102	اقتصاد پلتفرمی
9	1.853	0.466	3.603	0.064	رشد شبکه‌های اجتماعی
6	3.567	0.742	7.395	0.101	مدل‌های نوین درآمدزایی
2	8.052	0.991	18.942	0.135	تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی
7	3.405	0.737	6.967	0.101	تحول سیاست‌گذاری رسانه‌ای
8	2.716	0.635	5.419	0.087	اقتصاد رفتاری رسانه‌ای
3	6.029	0.921	13.551	0.126	تحول ساختار مالکیت رسانه‌ها
4	4.412	0.852	9.347	0.116	سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری
10	1.004	0.237	2	0.032	اقتصاد سیاسی رسانه

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به شاخص K به دست‌آمده از روش کوکوسو، «دیجیتالی شدن رسانه‌ها» با شاخص ۸/۳۵ بالاترین اولویت و اهمیت را در میان پیشران‌های پژوهش دارد و پس از آن «تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی» با شاخص ۸/۰۵ و «تحول ساختار مالکیت رسانه‌ها» با شاخص ۶/۰۲ در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. شاخص K نشان می‌دهد که هر چه مقدار این شاخص برای عاملی بیشتر باشد، آن عامل اهمیت و اثرگذاری بیشتری بر آینده اقتصاد رسانه دارد. سایر پیشران‌ها نیز به ترتیب «سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری»، «اقتصاد پلتفرمی»، «مدل‌های نوین درآمدزایی»، «تحول سیاست‌گذاری رسانه‌ای»، «اقتصاد رفتاری رسانه‌ای»، «رشد شبکه‌های اجتماعی» و «اقتصاد سیاسی رسانه» در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند.

بر اساس این نتایج، پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش بر محور پیشران‌های کلیدی شامل دیجیتالی شدن رسانه‌ها، تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی و تحول ساختار مالکیت رسانه‌ها توسعه یافته‌اند تا نقش آن‌ها در شکل‌دهی آینده اقتصاد رسانه در ایران مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر آینده اقتصاد رسانه در ایران انجام شد. اقتصاد رسانه به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای، شامل بررسی تعامل فناوری، بازار، سیاست و رفتار مخاطبان است و با ظهور رسانه‌های دیجیتال و اقتصاد شبکه‌ای، تحولات گسترده‌ای را تجربه کرده است. بر اساس مرور پیشینه علمی و مصاحبه با خبرگان، ۲۱ پیشران مؤثر شناسایی شد که این عوامل شامل دیجیتالی شدن رسانه‌ها، اقتصاد توجه، اقتصاد پلتفرمی، رشد شبکه‌های اجتماعی، مدل‌های نوین درآمدزایی، تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی، تحول ساختار مالکیت رسانه‌ها و سایر عوامل مرتبط بودند.

در گام بعدی، این عوامل با استفاده از تکنیک دلفی فازی غربال شدند. عدد فازی حد آستانه $0/7$ در نظر گرفته شد و بر اساس این معیار ۱۱ عامل حذف و ۱۰ عامل برای تحلیل و اولویت‌بندی نهایی انتخاب شدند. سپس عوامل غربال شده با روش کوکوسو رتبه‌بندی شدند. برای این منظور، نظرات ۱۰ خبره در قالب طیف ۱۰ تایی جمع‌آوری و با روش فازی نرمال شدند. پس از محاسبه ماتریس‌های جمع وزنی (S) و ضرب وزنی (P) و ترکیب سه شاخص K_a ، K_b و K_c ، شاخص نهایی K برای هر پیشران محاسبه شد. نتایج نشان داد که «دیجیتالی شدن رسانه‌ها» با بیشترین شاخص K مهم‌ترین پیشران است و پس از آن «تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی»، «تحول ساختار مالکیت رسانه‌ها» و «سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری» در اولویت‌های بعدی قرار دارند. عواملی مانند «اقتصاد سیاسی رسانه» و «رشد شبکه‌های اجتماعی» اهمیت نسبی کمتری داشتند.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که توسعه اقتصاد رسانه در ایران بیش از هر چیز به دیجیتالی‌سازی، نوآوری در فناوری‌های داده‌محور و بهبود ساختارهای مالکیت و زیرساخت‌ها وابسته است و سایر پیشران‌ها نقش تکمیلی در شکل‌دهی آینده این حوزه دارند. نتایج پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و فعالان رسانه‌ای کمک کند تا راهبردهای مؤثری برای تقویت ظرفیت‌های دیجیتال، بهره‌برداری از مدل‌های نوین کسب‌وکار و پایداری اقتصادی رسانه‌ها تدوین کنند.

با توجه به نتایج پژوهش و رتبه‌بندی پیشران‌های اقتصاد رسانه در ایران، روشن است که دیجیتالی شدن رسانه‌ها و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری به‌عنوان دو پیشران کلیدی می‌توانند بنیان توسعه پایدار اقتصاد رسانه را فراهم کنند. رسانه‌های دیجیتال با فراهم آوردن امکان انتشار سریع محتوا، افزایش دسترسی مخاطبان و ایجاد تعاملات چند جانبه، ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای ایجاد می‌کنند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که دولت و بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری هدفمند در فناوری‌های نوین، شبکه‌های پرسرعت و ابزارهای تحلیل داده، زمینه رشد و رقابت سالم در بازار رسانه را فراهم کنند. علاوه بر این، بهره‌گیری از تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی می‌تواند رسانه‌ها را قادر سازد تا رفتار مخاطبان را دقیق‌تر رصد کرده، محتوای سفارشی تولید کنند و استراتژی‌های بازاریابی و تبلیغات را به شکل هدفمند طراحی نمایند، که این امر منجر به افزایش درآمد و وفاداری مخاطبان خواهد شد.

تحول ساختار مالکیت رسانه‌ها و حرکت به سمت مدل‌های مشارکتی و شفاف، یکی دیگر از راهکارهای کلیدی است. تمرکز مالکیت و ساختارهای انحصاری، محدودیت‌های اقتصادی و محتوایی ایجاد می‌کند، در حالی که شفافیت و رقابت موجب افزایش کیفیت محتوا، تنوع تولید و بهره‌وری اقتصادی می‌شود. از سوی دیگر، توسعه اقتصاد پلتفرمی و مدل‌های نوین درآمدزایی می‌تواند منابع مالی پایدار برای رسانه‌ها ایجاد کند و آن‌ها را از وابستگی صرف به تبلیغات سنتی رها سازد. در این زمینه، پیشنهاد می‌شود رسانه‌ها به سمت استفاده از مدل‌های مبتنی بر اشتراک، تبلیغات هدفمند دیجیتال و ارائه خدمات مکمل حرکت کنند تا هم درآمد پایدار و هم تعامل مؤثر با مخاطبان تقویت شود.

توجه به نوآوری در صنایع خلاق، رسانه‌های محلی و محتوای چندرسانه‌ای نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. این پیشران‌ها نه تنها موجب تنوع محتوای تولیدی می‌شوند، بلکه ارزش فرهنگی و اجتماعی رسانه‌ها را افزایش می‌دهند و باعث ارتقای هویت فرهنگی محلی و حفظ تنوع زبانی و فرهنگی در کشور می‌گردند. پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و فعالان رسانه‌ای با ارائه حمایت‌های مالی، آموزشی و تکنولوژیک از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های خلاق در حوزه رسانه‌های دیجیتال و محلی، زمینه شکوفایی این بخش را فراهم آورند.

توجه به اقتصاد سیاسی رسانه و سیاست‌گذاری مؤثر، الزامی است. تنظیم قوانین و مقررات شفاف برای مالکیت، تبلیغات، داده و حریم خصوصی، ایجاد بسترهای حمایتی برای رسانه‌های نوپا و کنترل انحصارها می‌تواند زمینه توسعه اقتصادی و فرهنگی سالم در حوزه رسانه را فراهم کند. ترکیب این اقدامات با توسعه مدل‌های مبتنی بر اقتصاد توجه و شبکه‌های اجتماعی، امکان افزایش تعامل کاربران، تولید ارزش اقتصادی و اجتماعی و توسعه پایدار اقتصاد رسانه را فراهم می‌آورد. بنابراین، اجرای راهبردهای جامع مبتنی بر این پیشران‌ها، مسیر ارتقای عملکرد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رسانه‌ها در ایران را هموار خواهد کرد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به حجم نمونه محدود خبرگان اشاره کرد. با توجه به این که ارزیابی عوامل و پیشران‌ها بر اساس نظر ۱۰ نفر خبره انجام شد، ممکن است دیدگاه‌های برخی گروه‌های تخصصی کمتر نمایان شده باشد. همچنین، این مطالعه صرفاً بر اقتصاد رسانه در ایران متمرکز بود و نتایج آن ممکن است در سایر کشورها یا در محیط‌های رسانه‌ای متفاوت قابل تعمیم نباشد. یکی دیگر از محدودیت‌ها، استفاده از روش‌های فازی و کوسوسو است که اگرچه دقت و اعتبار بالایی دارند، اما وابسته به انتخاب طیف فازی، وزن‌دهی و تصمیم‌گیری خبرگان هستند و ممکن است نتایج تحت تأثیر دیدگاه‌های فردی آن‌ها قرار گیرد.

با توجه به محدودیت‌های فوق، پژوهش‌های آتی می‌توانند با افزایش تعداد خبرگان و بهره‌گیری از نمونه‌های گسترده‌تر، اعتبار نتایج را ارتقا دهند. علاوه بر این، تحقیقات آینده می‌توانند به بررسی مقایسه‌ای اقتصاد رسانه در ایران و دیگر کشورها بپردازند و تأثیر تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاست‌گذاری بر اولویت پیشران‌ها را تحلیل کنند. همچنین، استفاده از روش‌های کمی-کیفی ترکیبی یا مدل‌سازی پیش‌بینی مبتنی بر داده‌های واقعی رسانه‌های دیجیتال می‌تواند عمق تحلیل را افزایش دهد و ابعاد نوآوری، تعاملات شبکه‌ای و اقتصاد توجه را بهتر آشکار سازد. این مسیر پژوهشی، امکان ارائه توصیه‌های راهبردی دقیق‌تر و کاربردی‌تر برای تصمیم‌گیرندگان حوزه رسانه را فراهم می‌آورد.

منابع

- کمالی‌پور، ی و قره‌باغ، س. م. (۱۳۸۸). فروش محتوای آموزشی: جدیدترین شیوه درآمدزایی در اقتصاد رسانه‌ای. مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی، ۴(۸). <https://www.magiran.com/p9198203>
- کریمی، ک و خواجه‌نیا، د. (۱۴۰۱). بررسی رویکرد اقتصاد رفتاری در مطالعات رسانه: مروری نظام‌مند. بررسی‌های مدیریت رسانه، ۱(۳)، ۲۷۴-۲۹۴. <https://www.magiran.com/p2759213>
- قنبری، ا. ر.، صمدی، م و فرهنگی، ع. ا. (۱۴۰۰). الگوی سیاست‌گذاری اقتصاد سیاسی توسعه اقتصاد و رسانه با محوریت خبرگزاری‌ها. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۱(۴)، ۱۱۹-۱۳۹. <https://www.magiran.com/p2405535>
- حنجری، س.، تقوی، م.، تازی، ف.، جعفری صمیمی، او شاکری، ع. (۱۳۹۸). بررسی اثر تعاملی فرهنگ، ورزش، رسانه و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران: رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته. اقتصاد و تجارت نوین، ۱۴(۴)، ۲۵-۵۴. <https://www.magiran.com/p2207816>
- شریفی، س. م.، دانایی، او هوشیار، س. (۱۴۰۰). طراحی مدل اقتصاد رسانه‌ای صنایع خلاق در شبکه‌های اجتماعی. رسانه‌های دیداری و شنیداری، ۱۴(۳۶)، ۶۱-۸۶. <https://www.magiran.com/p2250973>

- Albarran, A. B. (2023). *The media economy*. Routledge.
- Alexander, A., Owers, J., Carveth, R. A., Hollifield, C. A., & Greco, A. N. (2003). *Media economics: Theory and practice*. Routledge.
- Arabi, S. H., Maleki, M. H., & Ansari, H. (2024). Future study of revenue sources in the social security organization with the scenario planning approach. *foresight*, 26(2), 315-336.
- Aridor, G., Jiménez-Durán, R., Levy, R. E., & Song, L. (2024). The economics of social media. *Journal of Economic Literature*, 62(4), 1422–1474. <https://doi.org/10.1257/jel.20231302>
- Bustos, J. C. M. de, & Izquierdo-Castillo, J. (2019). Who will control the media? The impact of GAFAM on the media industries in the digital economy. *Revista Latina de Comunicación Social*, 74, 803–821. <https://doi.org/10.4185/RLCS-2019-1350>
- Chalaby, J. K. (2024). The streaming industry and the platform economy: An analysis. *Media, Culture & Society*, 46(3), 552–571. <https://doi.org/10.1177/01634437221138765>
- Choi, S. Y., & Whinston, A. B. (2000). *The future of the digital economy*. In Handbook on electronic commerce (pp. 25–52). Springer.
- Franklin, B. (2014). The future of journalism: In an age of digital media and economic uncertainty. *Journalism Studies*, 15(5), 481–499. <https://doi.org/10.1080/1461670X.2014.930254>
- Ghanbari, A. R., Samadi, M., & Farhangi, A. A. (2021). A political economy policy-making model for developing the economy and media with a focus on news agencies. *Journal of International Relations Research*, 11(4), 119–139. (in Persian)
- Habibi, A., Jahantigh, F. F., & Sarafrazi, A. (2015). Fuzzy Delphi technique for forecasting and screening items. *Asian Journal of Research in Business Economics and Management*, 5(2), 130.
- Hanjari, S., Taghavi, M., Tari, F., Jafari-Samimi, A., & Shakeri, A. (2019). The interactive effect of culture, sports, media, and human capital on economic growth in Iranian provinces: A generalized method of moments approach. *New Economy & Trade Journal*, 14(4), 25–54. (in Persian)
- Heitmayer, M. (2025). The second wave of attention economics: Attention as a universal symbolic currency on social media and beyond. *Interacting with Computers*, 37(1), 18–29. <https://doi.org/10.1093/iwc/iwaa024>
- Jin, D. Y., & Winseck, D. (2011). *The political economies of media: The transformation of the global media industries*. Bloomsbury Academic.
- Kamalipour, Y., & Qarabag, S. M. (2009). Selling educational content: The newest revenue-generation method in the media economy. *Global Media Journal – Persian Edition*, 4(8), 3. (in Persian)
- Karimi, K., & Khajehian, D. (2022). A systematic review of behavioral economics approaches in media studies. *Media Management Review Journal*, 1(3), 274–294. (in Persian)
- Krämer, B. (2008). The economy of media events: Theory and examples. *International Journal of Communication*, 2, 16-16.
- Lacy, S., & Bauer, J. M. (2006). *Future directions for media economics research*. In A. B. Albarran, S. M. Chan-Olmsted, & M. O. Wirth (Eds.), *Handbook of media management and economics* (pp. 652–671). Routledge.
- Mansell, R. (2004). Political economy, power and new media. *New Media & Society*, 6(1), 96–105. <https://doi.org/10.1177/1461444804039910>
- Mathe, L., & Motsaathebe, G. (2025). The political economy of indigenous local media for minority languages in Zimbabwe: A case of Lyeja FM community radio. *Journal of Asian and African Studies*, 60(1), 5–17. <https://doi.org/10.1177/00219096221139912>

- Prat, A., & Strömberg, D. (2013). *The political economy of mass media*. In D. Acemoglu, M. Arellano, & E. Dekel (Eds.), *Advances in economics and econometrics* (Vol. 2, pp. 135–187). Cambridge University Press.
- Rigi, J., & Prey, R. (2015). Value, rent, and the political economy of social media. *The Information Society*, 31(5), 392–406. <https://doi.org/10.1080/01972243.2015.1069769>
- Ruotsalainen, J., & Heinonen, S. (2015). Media ecology and the future ecosystemic society. *European Journal of Futures Research*, 3(1), 9. <https://doi.org/10.1007/s40309-015-0061-z>
- Saurwein, F., Brantner, C., & Möck, L. (2025). Responsibility networks in media discourses on automation: A comparative analysis of social media algorithms and social companions. *New Media & Society*, 27(3), 1752–1773. <https://doi.org/10.1177/14614448221146159>
- Schneider-Strawczynski, S., & Valette, J. (2025). Media coverage of immigration and the polarization of attitudes. *American Economic Journal: Applied Economics*, 17(1), 337–368. <https://doi.org/10.1257/app.20220035>
- Sharifi, S. M., Danaei, A., & Houshyar, S. (2021). Designing a media-economy model for creative industries on social networks. *Audio-Visual Media Journal*, 14(36), 61–86. (in Persian)
- Serrano, F. (2014). *The political economy of news media: Theory, evidence and open issues*. In F. Forte, R. Mudambi, & P. Navarra (Eds.), *Handbook of Alternative Theories of Public Economics* (pp. 278–320). Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781781004715.00021>
- Zeqiri, J., Koku, P. S., Dobre, C., Milovan, A. M., Hasani, V. V., & Paientko, T. (2025). The impact of social media marketing on brand awareness, brand engagement and purchase intention in emerging economies. *Marketing Intelligence & Planning*, 43(1), 28–49. <https://doi.org/10.1108/MIP-06-2023-0170>
- Zerdick, A., Picot, A., Schrape, K., Burgelman, J. C., Silverstone, R., Feldmann, V., & Wolff, C. (Eds.). (2005). *E-merging media: Communication and the media economy of the future*. Springer.
- Zhang, Q., Wu, P., Li, R., & Chen, A. (2024). Digital transformation and economic growth: Efficiency improvement in the digital media era. *International Review of Economics & Finance*, 92, 667–677. <https://doi.org/10.1016/j.iref.2023>



Examining Changes in Housing Related Variables Using Shift Share Analysis: A Case Study of District 19 of Tehran

Mohammad Saeed Zabihidan¹, Mohammad Hossein Dianti², and Vahid Kafili³

1. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran (Corresponding author). Email: m-zabihidan@araku.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran. Email: mhdianati@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran. Email: v-kafili@araku.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/08/10

Received in revised form:
2025/09/01

Accepted: 2025/09/21

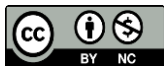
Available online: 2026/03/31

Keywords:

Housing; Shift Share Analysis;
Housing Price Index; Tehran
City; Iran.

Housing, as one of the most fundamental human needs and a key component of sustainable urban development, has consistently attracted the attention of urban planners, policymakers, and researchers. The housing market, in particular, is among the most dynamic and unpredictable sectors of the economy. In a metropolis such as Tehran, an accurate understanding of developments and prevailing trends in the housing sector at the local scale is essential for formulating effective strategies that respond to the diverse and growing needs of residents. District 19 of Tehran, due to its distinctive physical, social, and economic characteristics, has been the site of notable dynamics and challenges in the housing sector. Gaining a deeper understanding of key housing related variables in such contexts requires the application of robust analytical tools capable of distinguishing intra regional factors from macro level influences and general trends. In this study, the Shift Share Analysis (SSA) method is employed to examine changes in key housing sector variables over the period 2012–2021 (1391–1400). Based on data availability, shift share analysis is conducted for housing prices (or the housing price index), the number of issued residential building permits, and the number of dwelling units included in the issued permits. The results indicate that in six out of ten years, the regional effect on housing prices was negative, while it was positive in only four years. Accordingly, District 19 of Tehran Municipality experienced lower housing price growth than the national level and the city of Tehran in most years. Furthermore, the findings show that the housing price index, as a key determinant of supply, exerted a similar effect on housing supply in most years with a time lag. Specifically, when the housing price index in District 19 increased more than at the national and city levels, housing supply in this district also increased more than in the country and the city of Tehran; conversely, when the price index declined, the same pattern was observed.

Cite this article: Zabihidan, Mohammad Saeed; Dianti, Mohammad Hossein; Kafili, Vahid (2026). Examining Changes in Housing Related Variables Using Shift Share Analysis: A Case Study of District 19 of Tehran, *Interdisciplinary Studies in Economics*, 2(1), 109 - 121. <https://doi.org/10.22091/ise.2025.13598.1053>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.

DOI: <http://doi.org/10.22091/ise.2025.13598.1053>

JEL Classification: R14, R19, R28, R21

بررسی تغییرات متغیرهای مرتبط با بخش مسکن با استفاده از روش تحلیل انتقال سهم: مطالعه موردی منطقه ۱۹ تهران*

محمد سعید ذبیحی دان^۱، محمدحسین دیانتي^۲، و وحید کفیلی^۳

۱. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: m-zabihidan@araku.ac.ir

۲. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران. رایانامه: mhdianati@gmail.com

۳. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران. رایانامه: v-kafili@araku.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۱

کلیدواژه‌ها:

مسکن، تحلیل انتقال سهم، شاخص قیمت مسکن، شهر تهران، ایران.

مسکن، به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری و مؤلفه‌ای کلیدی در توسعه پایدار شهری، همواره کانون توجه برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و پژوهشگران حوزه شهری بوده است. بازار مسکن، به‌طور خاص، یکی از پویاترین و پیش‌بینی‌ناپذیرترین بخش‌های اقتصادی است. در کلان‌شهری مانند تهران، شناخت دقیق تحولات و روندهای حاکم بر بخش مسکن در مقیاس‌های محلی، امری حیاتی برای تدوین راهبردهای اثربخش و پاسخگو به نیازهای متنوع و فزاینده ساکنان است. منطقه ۱۹ تهران، به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی خود، صحنه پویایی‌ها و چالش‌های قابل‌توجهی در حوزه مسکن است. درک عمیق متغیرهای مهم مرتبط با مسکن در چنین بافت‌هایی، نیازمند به‌کارگیری ابزارهای تحلیلی قدرتمندی است که قادر به تفکیک عوامل درون‌منطقه‌ای از تأثیرات کلان و روندهای کلی باشند. در این مقاله، با به‌کارگیری روش تحلیل انتقال سهم، تحولات متغیرهای حیاتی بخش مسکن در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به دسترسی به داده‌ها، تحلیل انتقال سهم برای متغیرهای قیمت یا شاخص قیمت مسکن، تعداد پروانه‌های ساختمانی مسکونی صادر شده و تعداد واحدهای مندرج در پروانه‌های صادر شده انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که در شش سال، اثر منطقه‌ای بر قیمت مسکن منفی و تنها در چهار سال مثبت بوده است؛ بنابراین منطقه ۱۹ شهرداری تهران، در مقایسه با روند افزایش قیمت مسکن در کشور و شهر تهران، در بیشتر سال‌ها رشد کمتری را تجربه کرده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که شاخص قیمت مسکن، به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر عرضه، در بیشتر سال‌ها با یک وقفه زمانی، اثر مشابهی بر عرضه مسکن داشته است؛ به‌گونه‌ای که در صورت افزایش بیشتر شاخص قیمت در منطقه ۱۹ شهرداری تهران نسبت به کشور و شهر تهران، عرضه مسکن در این منطقه نیز به نسبت کشور و شهر تهران، بیشتر افزایش یافته و در صورت کاهش شاخص قیمت، این نتیجه تکرار شده است.

استناد: ذبیحی دان، محمد سعید؛ دیانتي، محمدحسین؛ کفیلی، وحید (۱۴۰۵). بررسی تغییرات متغیرهای مرتبط با بخش مسکن با استفاده از روش تحلیل انتقال سهم:

مطالعه موردی منطقه ۱۹ تهران. *مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد*، ۲(۱)، ۱۰۹-۱۲۱. <https://doi.org/10.22091/ise.2025.13598.1053>



© نویسندگان.

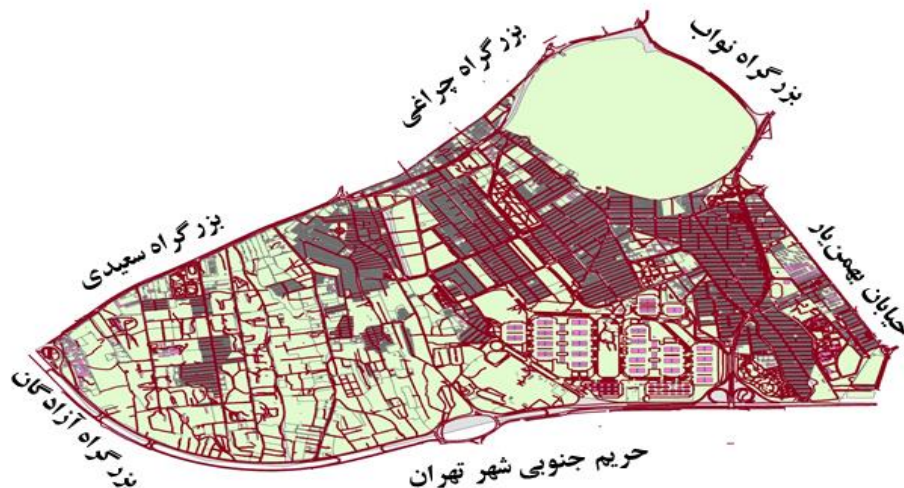
ناشر: دانشگاه قم.

طبقه‌بندی JEL: R21، R28، R19، R14

* این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی خاتمه یافته با عنوان «ارزیابی پیش‌نگرانه سیاست‌های اقتصادی نهضت مسکن‌سازی شهرداری تهران در منطقه ۱۹ (مطالعه موردی نعمت‌آباد)». مربوط به شهرداری تهران (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران) است.

مقدمه

مسکن، یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر و سنگ بنای تشکیل خانواده و زندگی اجتماعی است. بازارهای مسکن نقش حیاتی در تکامل سیستم‌های شهری ایفا می‌کنند (وان و همکاران^۱، ۲۰۲۵). همچنین، مسکن را می‌توان در زمره‌ی اساسی‌ترین و حساس‌ترین بخش‌ها در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی دانست (صفایی پور و فدائی جزی، ۱۴۰۲). در ادامه، شهرنشینی پدیده‌ای اقتصادی (پونز و رولان^۲، ۲۰۱۴) و بازتابی از فعالیت‌های انسانی (بهارات و همکاران^۳، ۲۰۱۸) است. این دیدگاه به شهرنشینی به‌عنوان یک فرآیند مرتبط با رشد اقتصادی و تغییرات ساختاری در جوامع نگاه می‌کند. شهرها به‌عنوان مراکز تولید، مصرف و نوآوری عمل می‌کنند و نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند. در کلان‌شهر پرشتاب و پیچیده‌ای مانند تهران، این نیاز حیاتی با چالش‌هایی عمیق و چند بعدی گره خورده است؛ چالش‌هایی که تأثیر آن بر زندگی میلیون‌ها شهروند، اقتصاد کلان و حتی ساختار اجتماعی شهری غیرقابل انکار است. تهران، به‌عنوان قلب تپنده ایران، همواره پذیرای جریان گسترده مهاجرت از سراسر کشور بوده است. این تمرکز جمعیتی بی‌سابقه، همراه با محدودیت‌های طبیعی (از جمله کوه‌ها و حریم رودخانه‌ها) و چالش‌های مدیریت زمین، بازار مسکن پایتخت را به یکی از پویاترین، حساس‌ترین و در عین حال گران‌ترین بازارهای کشور تبدیل کرده است. بررسی تحولات بخش مسکن در مناطق شهری، امری حیاتی برای تدوین راهبردهای مؤثر در این حوزه است. در کلان‌شهری مانند تهران، این بخش با چالش‌های پیچیده‌ای از جمله نوسانات شدید قیمتی، کمبود عرضه متناسب با نیاز، نابرابری‌های فضایی در دسترسی به مسکن مناسب و فشار بر زیرساخت‌های شهری مواجه است. درک دقیق روندها و عوامل مؤثر بر تحولات این بخش، نه‌تنها برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری، بلکه برای فعالان بازار سرمایه‌گذاری و خانوارها نیز امری محسوب می‌شود. منطقه ۱۹ تهران، به دلایلی از جمله تاریخچه توسعه، ترکیب جمعیتی، موقعیت جغرافیایی (از جمله هم‌جواری با بزرگراه‌ها و دسترسی به برخی صنایع)، و ساختار کالبدی خاص خود، نمونه‌ای بارز از پویایی‌ها و چالش‌های مسکن در پایتخت است (شکل شماره ۱).



شکل ۱. نقشه GIS منطقه ۱۹ شهرداری تهران

1. Wan et al
2. Pons & Rullan
3. Bharath et al.

در حالی که مطالعات متعددی به بررسی کلی مسکن در تهران پرداخته‌اند، کمبود پژوهش‌هایی که با رویکردی تحلیلی-مقایسه‌ای، سهم عوامل مختلف در تغییرات متغیرهای کلیدی مسکن یک منطقه خاص را کمی‌سازی کنند، به شدت احساس می‌شود. به‌منظور افزایش درک بهتر از عملکرد اقتصادهای منطقه‌ای در طول زمان، بررسی صنایع هر منطقه در مقایسه با تکامل کل اقتصاد و صنایع مفید است (گاسچین^۱، ۲۰۱۴). بنابراین، در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از روش تحلیل انتقال سهم^۲، به‌عنوان یک ابزار قدرتمند در اقتصاد منطقه‌ای، تغییرات مشاهده شده در متغیرهای بخش مسکن (مانند قیمت یا شاخص قیمت مسکن، تعداد پروانه ساختمان مسکونی صادر شده و تعداد واحدهای پروانه‌های صادر شده) در منطقه ۱۹ مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه، ابتدا پیشینه پژوهش و سپس مبانی نظری تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در ادامه، تحلیل داده‌ها و نتایج مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در انتها، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهادهای سیاستی ارائه خواهد شد.

ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

پیشینه نظری

تحلیل انتقال سهم (SSA) یک تکنیک آماری است که به‌طور سنتی برای مطالعه تغییرات در متغیرهای اجتماعی-اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است (مونتانیا و همکاران^۳، ۲۰۲۱). همچنین این روش جهت استخراج و بررسی اثرات خاص یک منطقه بر روی یک متغیر استفاده می‌شود. این روش، تکنیکی است که به‌طور گسترده برای تحلیل اقتصادهای منطقه‌ای استفاده می‌شود (کناد سن^۴، ۲۰۰۰). به کمک این روش، تغییرات یک متغیر به صورت تفکیک شده و ناشی از اثرات کل کشور، استانی یا منطقه‌ای قابل استخراج است. روش تحلیل انتقال سهم به تفاوت نرخ رشد یک متغیر در منطقه (استان) و کل کشور توجه دارد. تحلیل انتقال سهم یک چارچوب نظری-تحلیلی مهم در اقتصاد منطقه‌ای است که رشد منطقه‌ای را به اجزای ساختاری و رقابتی تجزیه می‌کند. این روش مبنایی برای سیاست‌گذاری منطقه‌ای فراهم می‌کند. همچنین از این روش برای مقایسه سیستماتیک بین مناطق استفاده می‌شود. روش تحلیل انتقال سهم به‌عنوان یک ابزار تحلیلی کلاسیک در مطالعات منطقه‌ای استفاده می‌شود و همچنان کاربرد گسترده‌ای دارد و مبنای مناسبی برای تحلیل‌های پیچیده‌تر فراهم می‌کند. باید به این نکته توجه کرد که این روش تحلیلی؛ یک مدل رفتاری نیست، بدین معنی که هیچ توضیحی در مورد این که چرا یک منطقه نسبت به کل جامعه در مورد آن متغیر رشد بیشتر یا کمتری داشته است ارائه نمی‌دهد، بلکه به دنبال چارچوبی است که اجزای رشد یا رکود آن متغیر را در یک منطقه مشخص و تعیین نماید^۵.

تحلیل انتقال سهم، دیدگاهی برای ارزیابی عملکرد منطقه‌ای و تشخیص تغییرات خاص مناطق مختلف فراهم می‌آورد. دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی منطقه‌ای از طریق مشخص کردن بخش‌هایی که نسبت به سایر بخش‌ها مزیت مثبت دارند، می‌توانند بخش‌ها یا واحدهایی را که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند، شناسایی نمایند. در بیشتر مطالعات، تحلیل انتقال سهم جهت تفکیک متغیرهای رشد اقتصادی مانند درآمد و اشتغال به اجزاء و اثرات ملی و منطقه‌ای استفاده می‌شود؛ (سلتینگ و لوریج^۶، ۱۹۹۲) اما این

1. Goschin
2. Shift-Share Analysis
3. Montaña et al
4. Knudsen

۵. تحلیل انتقال سهم (shift share analysis) از جمله تکنیک‌هایی است که به‌طور وسیعی در تجزیه و تحلیل اقتصاد منطقه‌ای به‌کار می‌رود. این روش در مباحث اقتصاد سیاسی ساختارگرایانه، تحلیل مهاجرت و تحلیل رشد نوکلاسیک منطقه‌ای کاربرد دارد. به‌علاوه سیاست‌گذارانی که اغلب نیاز به تجزیه و تحلیل‌های سریع و غیرهزینه‌بر، نه از پیچیدگی‌های ریاضی برخوردار بوده و نه داده‌های زیادی را به‌کار می‌برند، دارند از تحلیل انتقال سهم مکرراً استفاده می‌کنند.

۶. Selting & Loveridge, 1992

کاربرد غالباً مانع از استفاده روش تحلیل انتقال سهم برای مباحث دیگر نبوده است و در مواردی برای تفکیک محصولات صادراتی مناسب در یک منطقه نیز استفاده شده است. روش انتقال سهم امکان تجزیه یک متغیر خاص را به سه مؤلفه افزایشی (تغییرات ملی، اثر بخشی و اثر منطقه‌ای) فراهم می‌کند (دمبینسکا و همکاران^۱، ۲۰۲۲):

۱. اثر رشد ملی^۲: بخشی از تغییر یک متغیر در یک منطقه ناشی از تغییر آن متغیر در کل اقتصاد کشور است. اگر تولید و اشتغال در کل کشور افزایش یا کاهش یابد، انتظار می‌رود که این مسئله اثرات مشابهی بر رشد همان متغیرها در منطقه نیز داشته باشد. در واقع، این بخش نشان‌دهنده رشد یا رکودی است که نصیب یک فعالیت خاص در یک منطقه خاص، تحت تأثیر تغییر در کل اقتصاد به فرض ثابت بودن سایر عوامل شده است.

۲. اثر بخشی^۳: در یک اقتصاد پویا، همواره برخی از بخش‌های اقتصادی در حال افول و برخی دیگر در حال پیشرفت هستند. به عبارت دیگر، بعضی بخش‌ها دارای نرخ رشد بالا و برخی دیگر دارای رشد پایین بوده و نرخ رشد بخش‌ها نسبت به کل اقتصاد متفاوت است. این بخش نشان‌دهنده رشد یا رکودی است که نصیب یک فعالیت خاص در یک منطقه خاص، تحت تأثیر تغییر در وضعیت آن فعالیت در کشور است.

۳. اثر رقابتی یا منطقه‌ای^۴: این بخش از تغییر یک متغیر، مهم‌ترین قسمت از لحاظ توسعه منطقه‌ای و مزیت آن منطقه نسبت به سایر مناطق به حساب می‌آید. در واقع، این بخش نشان‌دهنده مزیت نسبی یک فعالیت خاص در یک منطقه نسبت به همان فعالیت در سایر مناطق است. برخی از فعالیت‌های اقتصادی ممکن است به دلیل وجود شرایط خاص اقتصادی در یک منطقه، سریع‌تر یا کندتر از همان فعالیت‌ها در سطح کشور رشد کنند. این شرایط می‌تواند شامل وجود زیرساخت‌های مناسب، آب‌وهوا، ساختار فرهنگی و اجتماعی و ... باشد.

در روش تحلیل انتقال سهم، مسیر تفکیک این سه جزء از رشد فعالیت‌های خاص در یک منطقه به کمک رابطه زیر است:

$$a_{i,t+n} - a_{i,t} = a_{i,t} \left[\frac{A_{t+n}}{A_t} - 1 \right] + a_{i,t} \left[\frac{A_{i,t+n}}{A_{i,t}} - \frac{A_{t+n}}{A_t} \right] + a_{i,t} \left[\frac{a_{i,t+n}}{a_{i,t}} - \frac{A_{i,t+n}}{A_{i,t}} \right] \quad (1)$$

که در آن A نشان‌دهنده مقدار متغیر در کل کشور، a نشان‌دهنده مقدار متغیر در منطقه‌ی مورد نظر و اندیس‌های i، t و t+n به ترتیب نشان‌دهنده فعالیت iام، سال tام و سال t+nام هستند. در نهایت، می‌توان مقادیر تفکیک‌شده را به صورت مقدار مطلق یا درصدی بیان نمود.

بنابراین، با استفاده از روش تحلیل انتقال سهم، تغییرات یک متغیر در هر منطقه به سه بخش تقسیم‌بندی می‌شود. بخش اول، رشدی است که ناشی از رشد کل اقتصاد است و «اثر ملی» نامیده می‌شود. بخش دوم، آن بخش از رشد است که ناشی از رشد گروه فعالیت‌های مورد نظر (به‌طور خاص) است و «اثر بخشی» نامیده می‌شود. نهایتاً بخش سوم، آن بخش از تغییر در متغیر است که مخصوص یک بخش خاص در یک منطقه خاص و ناشی از شرایط منطقه‌ای است. این بخش را «اثر رقابتی» یا «اثر منطقه‌ای» می‌نامند. از جمع این سه اثر، اثر کل به دست می‌آید که در حقیقت کل میزان تغییر در متغیر بین سال مبدأ و مقصد است.

1. Dembińska et al

2. National Effect

۳. Sectoral Effect

۴. Regional or Competitive Effect

همان‌گونه که در رابطه (۱) مشخص است، اثر کل از ضرب نرخ رشد متغیر برای کل کشور در مقدار متغیر در سال مبدأ به دست می‌آید. اگر نرخ رشد کل مثبت باشد، این اثر برای تمام گروه‌ها مثبت است. اثربخشی از ضرب تفاضل نرخ رشد گروه فعالیتی مورد نظر در کل کشور از نرخ رشد کل، در متغیر سال مبدأ حاصل می‌شود. این اثر برای گروه‌هایی که نرخ رشد آن‌ها از رشد ملی کمتر باشد، منفی خواهد بود. در هر اقتصاد پویایی، ساختار اقتصادی همواره در حال تغییرات است و سهم بخش‌های مختلف دچار تغییر می‌شود. بخش‌هایی که نرخ رشد بالاتری دارند، سهم خود را افزایش می‌دهند و سایر بخش‌ها رو به افول می‌روند. در واقع، آن بخش‌هایی که «اثربخشی» منفی دارند، کمتر از دیگر بخش‌ها رشد کرده و سهم آن‌ها از کل کاهش می‌یابد. البته باید توجه داشت که چون اثربخشی از نرخ رشد نوع خاصی از متغیر مورد بررسی در کل اقتصاد حاصل می‌شود، برای همه مناطق شرایط یکسانی از نظر علامت اثر ایجاد می‌کند و حرکت بخش‌های مختلف در کل کشور (برای مثال، نوع خاصی از ساختمان‌ها) را توضیح می‌دهد.

در مورد حرکت در مناطق، باید از اثر رقابتی کمک گرفت. این اثر از ضرب تفاضل نرخ رشد هر بخش در کشور و منطقه در متغیر سال مبدأ حاصل می‌شود. مهم‌ترین اثر در تحلیل انتقال سهم، همین اثر است؛ چراکه مزیت‌های منطقه‌ای را در مقابل کل کشور نشان می‌دهد. مثبت بودن این اثر به این معناست که منطقه مورد نظر در آن بخش، نسبت به دیگر مناطق، توانسته است توفیق بیشتری حاصل کرده و رشد بالاتری داشته باشد. این تفوق می‌تواند ناشی از ویژگی‌های منطقه‌ای آن منطقه یا به علت سیاست‌های منطقه‌ای دولت باشد.

مروری بر مطالعات پیشین

در زمینه مسکن، پژوهش‌های مختلف و متنوعی در داخل و خارج انجام شده است. از مطالعات داخلی می‌توان به پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۱)، اسمعیل‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، قاسمی و اوزای^۱ (۲۰۱۸)، جعفری و پورجوهری (۱۴۰۱)، سجادی اصل و همکاران (۱۴۰۱) و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲) اشاره نمود. همچنین منجذب و مصطفی پور در سال ۱۳۹۲ در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی اثرات مسکن مهر بر بازار مسکن در ایران» به بررسی تأثیر طرح مسکن مهر بر بازار مسکن در ایران با استفاده از داده‌های پنل و مدل ARDL نامتقارن پرداختند. در این مطالعه از داده‌های ۹ استان شامل تهران، گیلان، مازندران، آذربایجان شرقی، خوزستان، فارس، اصفهان، همدان و زنجان در بازه‌ی زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ استفاده شده است. متغیر در نظر گرفته‌شده برای بررسی تأثیر مسکن مهر بر قیمت مسکن، تعداد پروانه‌های ساختمانی صادره است. نتایج بیانگر تأثیر بالای متغیر تعداد خانوار (جمعیت) و نقدینگی بر قیمت مسکن بوده و همچنین بیانگر این موضوع مهم است که طرح مسکن مهر نتوانسته است کاهشی در روند افزایش قیمت مسکن ایجاد کرده و مانع رشد بی‌رویه آن شود و تنها اجرای این طرح از طریق تأثیر بر انتظارات آینده مردم باعث ایجاد رکودی در بخش معاملات مسکن شده که این رکود، کاهش نسبی قیمت مسکن را به دنبال داشته است.

مهرگان و تارتار در سال ۱۳۹۳ در مطالعه‌ای با عنوان «اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت هزینه‌ها بر قیمت مسکن شهر تهران» به بررسی قیمت مسکن در شهر تهران پرداختند. در این مطالعه، با استفاده از داده‌های فصلی طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۲ در تهران و با بهره‌گیری از روش‌های خود توضیح برداری و مکانیزم تصحیح خطا، به برآورد عوامل مؤثر بر قیمت مسکن پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که در بلندمدت، متغیرهای قیمت زمین و شاخص قیمت مصالح ساختمانی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر قیمت مسکن هستند و در کوتاه‌مدت، متغیرهای قیمت مسکن در سال قبل، قیمت زمین و شاخص قیمت مصالح ساختمانی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده قیمت مسکن در شهر تهران می‌باشند.

هزار جریبی و امامی غفاری (۱۳۹۸) در تحلیل سیاست‌گذاری‌های مسکن برای سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲ به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست مسکن در بعد درون‌داد قانونی در بازه زمانی مورد بررسی تابعی از رویکرد دولت‌ها بوده است؛ اما از بعد برون‌داد اجرایی، با وجود تفاوت در نوع سیاست‌گذاری مسکن در دولت‌های مختلف، نتایج و عملکرد سیاست‌گذاری در خصوص تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد مشابه بوده است. این بدان معنی است که سواى اختلافات در برخی درون‌دادهای قانونی، سیاست‌های دولت‌های یادشده در حوزه مسکن، به‌ویژه از دولت سازندگی تاکنون، نتوانسته‌اند از چنان سنجیدگی و کارایی لازم برخوردار باشند که کم‌درآمدها را به حق خود در زمینه تأمین مسکن مناسب برسانند؛ در نتیجه اسکان غیررسمی افزایش یافته و بر میزان بی‌مسکنی و بدمسکنی در طول سال‌های اخیر افزوده شده است.

علیزاده و جعفری‌زاده (۱۴۰۱) در تحلیل و بررسی سیاست‌های مسکن شهری بعد از انقلاب اسلامی با تأکید بر بخش خصوصی به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست‌گذاری‌های مختلف در حوزه مسکن باعث شکل‌گیری پدیده سوداگری زمین و کالایی شدن زمین و مسکن شده است. همچنین با بررسی سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در حوزه مسکن برای فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سال ۱۳۹۰ در شهر قزوین در رتبه اول قرار داشته و در سال ۱۳۹۵ شهر همدان در رتبه اول قرار بوده است که این شرایط نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاری در شهرهای میانی بیشتر از سایر مناطق است. گرامی و هاشم‌پور در سال ۱۴۰۳ در مطالعه خود به بررسی کلیاتی از مفهوم عدالت در زندگی اجتماعی، مفهوم مسکن مناسب و شاخص‌های آن مبنی بر رعایت عدالت اجتماعی و بررسی ابعاد مورد هدف در مسکن مهر سهند، به‌عنوان نمودی از مسکن اجتماعی در شهر جدید سهند، پرداختند. نتایج نشان می‌دهد در مسکن مهر سهند به ابعاد اجتماعی - فرهنگی توجه کمتری شده است؛ از این رو عدالت اجتماعی در این مسکن‌ها رعایت نشده است.

لی و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در بررسی داده‌های پانلی در ۲۷۵ شهر چین از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ نشان می‌دهند که سطح کلی مقرون به صرفه بودن مسکن در شهرهای چین در طول دوره نمونه نسبتاً ثابت یا حتی بهبود یافته است. با این حال، در چند شهر بزرگ مانند پکن، شانگهای، شنژن و شیامن، مشکل جدی قیمت مسکن وجود دارد. این مشکل هم از کمبود عرضه در بازار و هم از قیمت‌گذاری نادرست در بازار دارایی ناشی می‌شود و ممکن است به دلیل محدودیت‌های خرید خانه در شهرهای بزرگ، اثر سرریزی بر شهرهای اطراف داشته باشد.

کو و کیم^۲ (۲۰۲۲) در ارزیابی آماری پروژه‌های مسکن عمومی منتخب در کره جنوبی، نتایج متفاوتی را از نظر تأثیر پروژه‌های مسکن عمومی بر قیمت مسکن اطراف به‌دست آوردند. نتایج تجربی این مطالعه نشان می‌دهد که تأمین مسکن عمومی در مقیاس کوچک و پراکنده در مناطق اعیانی، کمترین احتمال را دارد که تأثیر منفی بر ارزش مسکن محله‌های مجاور ایجاد کند. پوسادا و همکاران^۳ (۲۰۲۴) در بررسی اثرات خارجی توسعه مسکن عمومی بر سکونت‌های غیررسمی در مدلین کلمبیا به این نتیجه رسیده‌اند که این پروژه‌ها به کاهش مسکن غیررسمی، سطح فقر و جرم و جنایت در محله اطراف کمک می‌کنند. این اثر خارجی قابل توجه است و اغلب هنگام ارزیابی بازده کلی برنامه‌های مسکن اجتماعی نادیده گرفته می‌شود.

داده‌ها

1. Li et al
2. Ko & Kim
3. Posada et al.

جهت انجام این مطالعه، متغیرهایی که آمار آن‌ها در سطوح مورد نظر وجود دارند، انتخاب شده است. شاخصی جهت بررسی عملکرد مناسب طرح‌های مسکن حمایتی و دولتی در یک منطقه، نسبت شاخص قیمت مسکن در آن منطقه به شاخص قیمت مسکن در کل کشور است که این آمارها موجود است. در جدول (۱)، فهرست متغیرهای مورد نیاز جهت استفاده در این مطالعه به-همراه منبع آن‌ها ذکر شده است.

جدول ۱. متغیرهای استفاده‌شده به‌همراه ذکر منبع

ردیف	نام متغیر	آمار کشوری	آمار منطقه‌ای	منبع
۱	شاخص کل قیمت‌ها	✓	✓	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۲	شاخص قیمت مسکن	✓	✓	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۳	پروانه‌های ساختمان مسکونی صادر شده	✓	✓	وزارت راه و شهرسازی - شهرداری‌ها
۴	پروانه واحدهای ساختمان مسکونی صادر شده	✓	✓	وزارت راه و شهرسازی - شهرداری‌ها

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

با توجه به این که بهترین روش مناسب جهت بررسی تغییرات در سطح منطقه در مقایسه با سطح ملی و بخشی، روش تحلیل انتقال سهم است، تحلیل انتقال سهم برای منطقه ۱۹ شهر تهران برای سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۰ انجام می‌شود. در این قسمت، با توجه به این نکته که از میان متغیرهای مرتبط با بخش مسکن، متغیرهای قیمت یا شاخص قیمت مسکن، تعداد پروانه‌های ساختمان مسکونی صادرشده و تعداد واحدهای پروانه‌های صادرشده، در هر سه سطح کشور، شهر تهران و منطقه ۱۹ وجود دارند، تحلیل انتقال سهم برای این سه متغیر انجام می‌شود. البته متغیرهای قیمت مسکن و تعداد واحدها جهت بررسی منطقی‌تر هستند، اما متغیر تعداد پروانه‌های ساختمان مسکونی صادرشده نیز بررسی می‌شود.

نتایج محاسبه تحلیل انتقال سهم برای متغیر قیمت یا شاخص قیمت مسکن طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۰ در جدول شماره (۲) گزارش شده است. بر اساس نتایج، اثر ملی مثبت و پایدار در سال‌های مورد بررسی وجود داشته است. این موضوع نشان‌دهنده تورم ساختاری در اقتصاد ایران طی دهه ۱۳۹۰ است. این عوامل ناشی از تورم بالای نقدینگی، سیاست‌های انبساط پولی و کاهش ارزش ریال است که دارایی‌هایی مانند مسکن را به پناهگاه امن تورمی تبدیل کرده است. بر اساس نتایج گزارش شده در این جدول، طی ۶ سال از ۱۰ سال (۶۰ درصد دوره‌ی مورد بررسی) اثر منطقه‌ای منطقه ۱۹ شهرداری تهران بر قیمت مسکن منفی بوده است و تنها در ۴ سال اثر مثبت وجود داشته است. بنابراین، منطقه ۱۹ شهرداری تهران نسبت به افزایش قیمت مسکن در کشور و شهر تهران، در بیشتر سال‌ها رشد کمتری را تجربه کرده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل انتقال سهم متغیر قیمت یا شاخص قیمت مسکن (درصد)

سال	اثر ملی	اثر بخشی (شهر تهران)	اثر منطقه‌ای منطقه ۱۹
۱۳۹۱	۱۷/۸۲	۱۷/۲۷	۷/۳۵
۱۳۹۲	۲۱/۸۵	۷/۰۸	-۹/۴۴
۱۳۹۳	۱۶/۹۰	-۱۱/۸۰	-۱/۲۸
۱۳۹۴	۱۱/۵۰	-۵/۸۶	-۴/۲۸
۱۳۹۵	۴/۷۶	-۱/۰۶	۱/۲۶
۱۳۹۶	۷/۰۷	۹/۸۳	-۲/۶۱

سال	اثر ملی	اثر بخشی (شهر تهران)	اثر منطقه‌ای منطقه ۱۹
۱۳۹۷	۱۸/۴	۴۸/۵۶	-۱۲/۳۴
۱۳۹۸	۲۳/۱۱	۴۱/۱۸	۲/۱۱
۱۳۹۹	۲۷/۳۵	۵۹/۰۲	-۷/۱۳
۱۴۰۰	۲۷/۰۶	-۱/۶۳	۱۱/۲۵

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول (۳)، نتایج تحلیل انتقال سهم طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۰ برای متغیر تعداد پروانه‌های ساختمان مسکونی صادر شده توسط شهرداری‌ها قابل مشاهده است. با توجه به این نتایج، در دوره مورد بررسی، برخلاف نتایج متغیر قیمت، اثر منطقه‌ای منطقه ۱۹ شهرداری تهران در ۶ سال از ۱۰ سال بر تعداد پروانه‌های ساختمان مسکونی صادر شده مثبت بوده است و در ۴ سال دیگر دوره، اثر منفی مشاهده می‌شود. بنابراین، برخلاف اثر منطقه‌ای متغیر قیمت، اثر منطقه‌ای پروانه‌های ساختمانی صادر شده در منطقه ۱۹ شهرداری تهران نسبت به تغییر پروانه‌های ساختمانی صادر شده در کشور و شهر تهران، در اغلب سال‌ها افزایش بیشتری داشته است که به لحاظ اقتصادی نیز منطقی به نظر می‌رسد، زیرا رشد قیمت کمتر، انگیزه را جهت سرمایه‌گذاری افزایش می‌دهد.

جدول ۳. نتایج تحلیل انتقال سهم متغیر تعداد پروانه‌های ساختمان مسکونی صادر شده (درصد)

سال	اثر ملی	اثر بخشی (شهر تهران)	اثر منطقه‌ای منطقه ۱۹
۱۳۹۱	۱۰/۵۷	-۲۱/۲۸	۲/۲۷
۱۳۹۲	-۲/۷۶	-۱۴/۶۸	۲۵/۱۴
۱۳۹۳	-۴۳/۲۹	-۸/۹۳	۴/۶۰
۱۳۹۴	-۰/۱۴	-۲۰/۴۰	-۲۵/۵۳
۱۳۹۵	-۰/۱۴	۷/۶	۶۱/۶۴
۱۳۹۶	۳/۸۵	۱۳/۹۹	-۲۵/۴۸
۱۳۹۷	۱۷/۱۵	-۱۰/۱۰	-۱۸/۲۰
۱۳۹۸	۶/۳۴	۲۱/۰۲	۹/۰۱
۱۳۹۹	۱۵/۸۳	-۳۸/۶۶	۲۹/۷
۱۴۰۰	۲۸/۱۷	۸/۶۲	-۱۴/۵۹

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج محاسبه تحلیل انتقال سهم برای متغیر تعداد واحدهای پروانه‌های ساختمان مسکونی صادر شده توسط شهرداری‌ها طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۰ در جدول (۴) گزارش شده است. مقادیر مثبت (۱۳۹۱، ۱۳۹۷-۱۳۹۹) نشان‌دهنده رونق نسبی ساخت‌وساز ملی، مانند رشد صدور پروانه‌ها در سال ۱۳۹۷ با اثر ملی ۱۷/۰۸ درصد است. مقادیر منفی (۱۳۹۳-۱۳۹۶، ۱۴۰۰) نشان‌دهنده رکود گسترده ملی (به‌ویژه سال ۱۳۹۳ با ۵۰/۵۹- درصد ناشی از کاهش سرمایه‌گذاری) است. نوسان اثر ملی نشان‌دهنده بی‌ثباتی اقتصاد کلان ایران (نوسان قیمت نفت، تحریم‌ها، تورم) است. نکته مهم در اثر بخشی این است که در ۶ سال از ۱۰ سال منفی است که در واقع بخش ساخت‌وساز در تهران به‌طور مزمین ضعیف‌تر از میانگین کشور عمل کرده است. در این متغیر نیز برخلاف اثر منطقه‌ای متغیر قیمت، اثر منطقه‌ای تعداد واحدهای پروانه‌های ساختمانی صادر شده در منطقه ۱۹ شهرداری تهران در مقایسه با تغییر واحدهای پروانه‌های ساختمانی صادر شده در کشور و شهر تهران، در بیشتر سال‌ها اثر بالاتری داشته است که همانند نتایج متغیر قبل، از نظر اقتصادی قابل توجیه است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، منطقه ۱۹ دارای پتانسیل رشد بالا (اثر منطقه‌ای مثبت در برخی سال‌ها) اما مدیریت ناپایدار است. که برای حل این مشکل و تبدیل اثر منطقه‌ای از تصادفی به پایدار باید از طریق حذف بوروکراسی، جذب سرمایه‌گذاری مولد و

هماهنگی با سیاست‌های کلان ملی اقدام کرد. همچنین باید توجه داشت تداوم وضع موجود در منطقه ۱۹ تهران، افزایش شکاف توسعه با سایر مناطق منجر خواهد شد.

جدول ۴: نتایج تحلیل انتقال سهم متغیر تعداد واحدهای پروانه‌های ساختمان مسکونی صادر شده (درصد)

سال	اثر ملی	اثر بخشی (شهر تهران)	اثر منطقه‌ای منطقه ۱۹
۱۳۹۱	۳۰/۰۳	-۳۰/۴۸	-۲۶/۱۷
۱۳۹۲	۶/۴۰	-۱۹/۰۵	۹۴/۰۶
۱۳۹۳	-۵۰/۵۹	-۱/۲۹	-۱۴/۷۵
۱۳۹۴	-۱۰/۴۸	-۱۱/۸۲	-۲/۶۶
۱۳۹۵	-۳/۸۱	۴/۱۳	۷۷/۰۳
۱۳۹۶	-۲/۰۵	۹/۲۳	-۲۵/۷۵
۱۳۹۷	۱۷/۰۸	۱۳۰/۷۲	-۱۲۱/۹۷
۱۳۹۸	۵/۸۴	-۶۸/۷۲	۲۲/۳۴
۱۳۹۹	۲۲/۸	-۳۵/۸۱	۴۰/۱۸
۱۴۰۰	-۱۸/۹۶	۱۷/۸۵	-۶/۴۴

منبع: یافته‌های تحقیق

از مقایسه جدول (۲) و (۴) مشاهده می‌شود که شاخص قیمت مسکن به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر عرضه (تعداد واحدهای پروانه‌های ساختمان مسکونی صادر شده)، در بیشتر سال‌ها با یک وقفه زمانی، تأثیر مشابهی داشته‌اند و در صورت افزایش بیشتر شاخص قیمت در منطقه ۱۹ شهرداری تهران در مقایسه با کشور و شهر تهران، تعداد واحدهای پروانه‌های ساختمان مسکونی صادر شده در این منطقه نیز به نسبت کشور و شهر تهران، بیشتر افزایش یافته است و در صورت کاهش شاخص قیمت، این نتیجه تکرار شده است. تنها در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ چنین روندی مشاهده نمی‌گردد. بنابراین، در غالب سال‌های دوره مورد بررسی (۶ سال از ۱۰ سال) بحث قانون عرضه (تغییرات قیمت و مقدار عرضه مشابه هستند) در منطقه ۱۹ شهرداری تهران مشاهده می‌گردد.

جدول ۵: مقایسه نتایج تحلیل انتقال سهم متغیر تعداد واحدهای پروانه‌های صادر شده و شاخص قیمت مسکن (درصد)

سال	اثر منطقه‌ای منطقه ۱۹ شاخص قیمت مسکن	اثر منطقه‌ای منطقه ۱۹ تعداد واحدهای پروانه‌های صادر شده
۱۳۹۱	۷/۳۵	-۱۷/۲۶
۱۳۹۲	-۹/۴۴	۹۴/۰۶
۱۳۹۳	-۱/۸۲	-۱۴/۷۵
۱۳۹۴	-۴/۲۸	-۲/۶۶
۱۳۹۵	۱/۲۶	۷۷/۰۳
۱۳۹۶	-۲/۶۱	-۲۵/۷۵
۱۳۹۷	-۱۲/۳۴	-۱۲۱/۹۷
۱۳۹۸	۲/۱۱	۲۲/۳۴
۱۳۹۹	-۷/۱۳	۴۰/۱۸
۱۴۰۰	۱۱/۲۵	-۶/۴۴

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

منطقه ۱۹ شهرداری تهران، واقع در جنوب غربی پایتخت، به‌عنوان یکی از مناطق در حال توسعه و مهاجرپذیر کلان‌شهر تهران، با چالش‌ها و فرصت‌های منحصر به فردی در حوزه مسکن روبه‌روست. این منطقه با مساحتی حدود ۹۰ کیلومتر مربع و جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر، به دلیل هم‌جواری با محورهای صنعتی و دسترسی به بزرگراه‌های اصلی (همچون آزادگان و آیت‌الله سعیدی) و وجود بافت‌های ناهمگون (از سکونتگاه‌های غیررسمی تا مجتمع‌های نوساز)، به نمونه‌ای کلیدی از پیچیدگی‌های بازار مسکن تهران تبدیل شده است. منطقه ۱۹ تهران با ترکیبی از محدودیت‌ها (کمبود زمین، فرسودگی بافت، رشد نامتوازن) و فرصت‌ها (دسترسی به زیرساخت‌های کلان)، نیازمند سیاست‌های هوشمند مسکن است که هم‌زمان بر «افزایش کیفیت سکونت» و «تثبیت تعادل بازار» متمرکز باشد. بر همین اساس، در این مقاله جهت بررسی تغییرات متغیرهای مرتبط با بخش مسکن از طریق تفکیک اثرات در سطوح مختلف کشوری و استانی، نسبت به تغییرات خاص منطقه ۱۹ شهرداری تهران، اقدام گردید. برای این منظور، جهت تفکیک تغییرات به سطوح مختلف، در ادبیات اقتصاد منطقه‌ای از روش تحلیل انتقال سهم استفاده شد. نتایج تحلیل انتقال سهم نشان داد که شاخص قیمت مسکن، به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر عرضه واحدهای پروانه‌های ساختمان مسکونی صادر شده در بیشتر سال‌ها با یک وقفه زمانی، تأثیر مشابهی داشته است؛ به طوری که در صورت افزایش بیشتر شاخص قیمت در منطقه ۱۹ شهرداری تهران در مقایسه با کشور و شهر تهران، تعداد واحدهای پروانه‌های ساختمان مسکونی صادر شده در این منطقه نیز نسبت به کشور و شهر تهران بیشتر افزایش یافته و در صورت کاهش شاخص قیمت، این نتیجه به صورت عکس تکرار شده است. تنها در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ چنین روندی مشاهده نشد. بنابراین، در غالب سال‌های دوره مورد بررسی (۶ سال از ۱۰ سال) بحث قانون عرضه (تغییرات قیمت و مقدار عرضه مشابه هستند) در منطقه ۱۹ شهرداری تهران مشاهده گردید.

با توجه به نتایج پژوهش، می‌توان بیان نمود که:

- اجرای طرح‌های ساخت مسکن ملی (مانند مسکن مهر و سایر طرح‌ها توسط دولت و شهرداری)، اثر مسکن و کوتاه‌مدت دارد و اگر سیاست‌گذاران به دنبال تأثیر بلندمدت برای اجاره‌نشینان و افراد فاقد مسکن هستند، بایستی چنین طرح‌هایی در سال‌های مختلف تداوم یابد.
- به دلیل کمبود زمین در شهر تهران، رکود ساخت و ساز از سال ۱۳۹۱ آغاز شده و به مرور این رکود به ساخت و ساز کل کشور سرایت کرده است؛ لذا به سیاست‌گذاران توصیه می‌شود از طریق حمایت‌های مختلف، انگیزه لازم جهت نوسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران را ایجاد نمایند.
- بر اساس قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و آیین‌نامه اجرایی آن، توصیه‌های سیاستی زیر پیشنهاد می‌شود:
- بازنگری در قوانین نهادهای مرتبط با ساخت و نظارت بر مسکن استیجاری (در این زمینه می‌توان از مطالعه فراهانی (۱۴۰۲) استفاده نمود).

- با توجه به کمبود زمین در تهران و رکود ساخت و ساز از سال ۱۳۹۱، دولت باید از طریق مشوق‌های مالیاتی، تسهیلات کم‌بهره و کاهش بوروکراسی، نو سازی بافت‌های فرسوده را تشویق کند (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷؛ وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۹۶).
- با توجه به کمبود زمین در شهر تهران، حمایت از ساخت و مشارکت در ساخت واحدهای مسکونی استیجاری.
- نوسان‌های اثر ملی (ناشی از تورم، تحریم‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی) بر بازار مسکن تأثیر مستقیم دارد؛ بنابراین کنترل تورم و ثبات‌بخشی به اقتصاد کلان ضروری است.

منابع

- اسمعیل‌پور، ن.، زارع‌رودبذانی، م.، و نصریان، ز. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل سیاست‌های مسکن شهری در کشورهای شرق و جنوب‌شرق آسیا. مهندسی ساختمان و علوم مسکن، ۱۱(۴)، ۳۳-۱۹.
- پورمحمدی، م.، موسوی، م.، و عابدینی، ا. (۱۳۹۱). تحلیلی بر سیاست‌های تأمین مسکن توسط دولت با تأکید بر برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران. فصلنامه مطالعات شهری، ۱(۳)، ۴۳-۳۴.
- جعفری، ش.، و پورجوهری، ا. (۱۴۰۱). واکاوی چالش‌های آتی پیش‌روی سیاست‌های مسکن مهر و طرح اقدام ملی مسکن (مورد مطالعه: شهر جدید پردیس). فصلنامه چشم‌انداز شهرهای آینده، ۳(۴)، ۱۰۸-۸۹.
- سجادی اصل، م.، توکلی‌نیا، ج.، سورچی، م.، و صرافی، م. (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی سیاست‌های مسکن کم‌درآمد شهری در کشورهای ایران، چین، استرالیا، انگلستان و ایالات‌متحده آمریکا. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۴(۱)، ۳۱۵-۲۸۹.
- صفایی‌پور، م.، و فدائی‌جزی، ف. (۱۴۰۲). آینده‌پژوهی نظام تأمین مسکن در کلان‌شهرهای ایران (مورد مطالعه: کلان‌شهر اهواز). جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۳۴(۱)، ۱۴۰-۱۱۷. <https://doi.org/10.22108/gep.2022.134535.1537>
- علیزاده، ش.، و جعفری‌زاده، ر. (۱۴۰۱). تحلیل و بررسی سیاست‌های مسکن شهری بعد از انقلاب اسلامی با تأکید بر بخش خصوصی. فصلنامه چشم‌انداز شهرهای آینده، ۳(۲)، ۱۸-۱.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۲). تحلیل سیاست‌های مسکن در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و رهنمودهایی برای برنامه هفتم توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۷). قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن. تهران: روزنامه رسمی کشور.
- مهرگان، ن.، و تارتار، م. (۱۳۹۳). اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت هزینه‌ها بر قیمت مسکن شهر تهران. فصلنامه اقتصاد مسکن، ۵۰(۵)، ۶۸-۴۵.
- منجذب، م.، و مصطفی‌پور، م. (۱۳۹۲). بررسی اثرات مسکن مهر بر بازار مسکن در ایران. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱(۳)، ۱۵-۱.
- وزارت راه و شهرسازی. (۱۳۹۶). سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه بخش مسکن. تهران: وزارت راه و شهرسازی.
- هزارجریبی، ج.، و امامی‌غفاری، ز. (۱۳۹۸). بررسی تحولات سیاست‌گذاری رفاهی مسکن در ایران (۱۳۵۸-۱۳۹۲). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۰(۳۸)، ۷۶-۱۲۰.
- گرامی، ه.، و هاشم‌پور، پ. (۱۴۰۳). مسکن برای اقشار کم‌درآمد مبتنی بر عدالت اجتماعی در راستای مسکن مهر در شهر جدید سهند (نمونه موردی): مجتمع مسکن مهر امیر سهند. معماری سبز، ۴۳(۴۳)، ۲۷۶-۲۶۳.
- Alizadeh, S., & Jafarizadeh, R. (2022). Analysis of urban housing policies after the Islamic Revolution with emphasis on the private sector. *Future Cities Outlook Quarterly*, 3(2), 1–18. (in Persian)
- Ahmadi, M. (2005). *Housing supply policies and the government's role in the housing market*. Tehran: [Publisher Name]. (in Persian)
- Bharath, H. A., Chandan, M. C., Vinay, S., & Ramachandra, T. V. (2018). Modelling urban dynamics in rapidly urbanising Indian cities. *Journal of Remote Sensing and Space Science*, 21(3), 201–210. <https://doi.org/10.1016/j.ejrs.2017.08.002>
- Dembińska, I., Kauf, S., Thuczak, A., Szopik-Depczyńska, K., Marzantowicz, Ł., & Ioppolo, G. (2022). The impact of space development structure on the level of ecological footprint—Shift share analysis

- for European Union countries. *Science of The Total Environment*, 851, 157936. <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2022.157936>
- Esmailpour, N., Zare-Roudbazani, M., & Nasrian, Z. (2017). Analysis of urban housing policies in East and Southeast Asian countries. *Journal of Building Engineering and Housing Sciences*, 11(4), 19–33. (in Persian)
- Ghasemi, M., & Ozay, N. (2018). A discussion on affordable housing projects; case study Mehr Housing, Iran. *Journal of Contemporary Urban Affairs*, 2(3), 137–145.
- Gerami, H., & Hashempour, P. (2024). Housing for low-income groups based on social justice in line with the Mehr Housing Project in Sahand New Town (Case study: Amir Sahand Mehr Housing Complex). *Green Architecture*, (43), 263–276. (in Persian)
- Goschin, Z. (2014). Regional growth in Romania after its accession to EU: A shift-share analysis approach. *Procedia Economics and Finance*, 15, 169–175. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(14\)00471-7](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(14)00471-7)
- Hezarjaribi, J., & Emami-Ghaffari, Z. (2019). An analysis of welfare-oriented housing policymaking developments in Iran (1979–2013). *Journal of Welfare Planning and Social Development*, 10(38), 76–120. (in Persian)
- Islamic Consultative Assembly. (2008). *Law on organization and support of housing production and supply*. Tehran: Official Gazette of the Islamic Republic of Iran. (in Persian)
- Jafari, S., & Pourjohari, A. (2022). Exploring future challenges facing the Mehr Housing policy and the National Housing Action Plan (Case study: Pardis New Town). *Future Cities Outlook Quarterly*, 3(4), 89–108. (in Persian)
- Knudsen, D. C. (2000). Shift-share analysis: further examination of models for the description of economic change. *Socio-economic Planning Sciences*, 34(3), 177–198. [https://doi.org/10.1016/S0038-0121\(99\)00016-6](https://doi.org/10.1016/S0038-0121(99)00016-6)
- Ko, J., & Kim, C. (2022). The impacts of public housing program on housing prices: The case of South Korea. *International Journal of Sustainable Building Technology and Urban Development*, 13(4), 398–413.
- Li, K., Qin, Y., & Wu, J. (2020). Recent housing affordability in urban China: A comprehensive overview. *China Economic Review*, 59, 101362.
- Majles Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (2023). *Analysis of housing policies in five-year social, cultural, and economic development plans and policy guidelines for the Seventh Development Plan*. Tehran: Majles Research Center. (in Persian)
- Mehregan, N., & Tartar, M. (2014). Short-term and long-term effects of costs on housing prices in Tehran. *Housing Economics Quarterly*, (50), 45–68. (in Persian)
- Ministry of Roads and Urban Development. (2017). *Housing sector development policies and programs*. Tehran: Ministry of Roads and Urban Development. (in Persian)
- Monjazebeh, M., & Mostafapour, M. (2013). An investigation of the effects of the Mehr Housing Project on Iran's housing market. *Strategic and Macro Policies*, 1(3), 1–15. (in Persian)
- Montanía, C. V., Márquez, M. A., Fernández-Núñez, T., & Hewings, G. J. (2021). Spatial shift-share analysis: Some new developments. *Papers in Regional Science*, 100(2), 305–326. <https://doi.org/10.1111/pirs.12575>
- Pons, A., & Rullan, O. (2014). The expansion of urbanisation in the Balearic Islands (1956–2006). *Journal of Marine and Island Cultures*, 3(2), 78–88. <https://doi.org/10.1016/j.imic.2014.11.004>
- Posada, H. M., García-Suaza, A., & Londoño, D. (2024). The external effects of public housing developments on informal housing: The case of Medellín, Colombia. *Papers in Regional Science*, 103(1), 100004.
- Pourmohammadi, M., Mousavi, M., & Abedini, A. (2012). An analysis of government housing provision policies with emphasis on Iran's economic, social, and cultural development plans. *Urban Studies Quarterly*, 1(3), 34–43. (in Persian)
- Sajadi-Asl, M., Tavakkoli-Nia, J., Sorchy, M., & Sarrafi, M. (2022). A comparative analysis of low-income urban housing policies in Iran, China, Australia, England, and the United States. *Human Geography Research*, 54(1), 289–315. (in Persian)

- Safae-Pour, M., & Fadaei-Jazi, F. (2023). Futures studies of the housing provision system in Iranian metropolises (Case study: Ahvaz Metropolis). *Environmental Geography and Planning*, 34(1), 117–140. <https://doi.org/10.22108/gep.2022.134535.1537> (in Persian)
- Selting, A. C. & Loveridge, S. (1992). "A Summary Of The Literature On Shift-Share Analysis", Staff Papers 14086, University of Minnesota, Department of Applied Economics.
- Wan, H., Chowdhury, P. K. R., Yoon, J., Bhaduri, P., Srikrishnan, V., Judi, D., & Daniel, B. (2025). Explaining drivers of housing prices with nonlinear hedonic regressions. *Machine Learning with Applications*, 100707. <https://doi.org/10.1016/j.mlwa.2025.100707>